

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم

دوره یازدهم، شماره سوم (پیاپی ۲۶)، پاییز ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: سازمان بسیج اساتید دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و پژوهشی کشور

مدیر مسئول: دکتر محمدرضا مردانی

سر دبیر: دکتر محمدجواد جاوید

مدیر داخلی: دکتر سید محمدرضا موسوی

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

دکتر علی باقری دولت آبادی / دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج

دکتر غلامرضا بهروزی لک / استاد علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

دکتر بهرام بیات / استاد امنیت ملی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

دکتر محمدجواد جاوید / استاد حقوق، دانشگاه تهران

دکتر علی اکبر جعفری / دانشیار روابط بین الملل، دانشگاه مازندران

دکتر علی دارابی / دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

دکتر حسین هرسیج / استاد علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان

صفحه آرا و طراحی جلد: مهندس یوسف بهرخ

پست الکترونیک: org.05@basijasatid.ir

نشانی وبگاه: www.spba.ir

فصلنامه علمی «مطالعات قدرت نرم» با صاحب امتیازی سازمان بسیج اساتید دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و پژوهشی کشور براساس آیین نامه نشریات علمی مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۰۹ در ارزیابی سال ۱۳۹۹ موفق به کسب رتبه «ب» شده است.

این نشریه در پایگاه‌های زیر نمایه می شود:

<https://isc.ac/fa>

www.magiran.com

www.noormags.com

- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

- بانک اطلاعات نشریات کشور

- پایگاه مجلات تخصصی نور

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان بسیج اساتید دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و پژوهشی کشور
نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، جنب کتابفروشی آستان

قدس رضوی، پلاک ۱۲۴۶

شماره تماس: ۰۲۱۶۶۹۷۵۶۰۵

فصلنامه علمی
مطالعات قدرت نرم

دوره یازدهم، شماره سوم (پیاپی ۲۶)، پاییز ۱۴۰۰

- فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم که در حاضر در چهار شماره در سال منتشر می‌شود، رعایت نکات و دستورالعمل زیر برای جلوگیری از تأخیر در داوری و انتشار بموقع مجله هنگام ارسال مقالات ضروری است:
- مقاله باید نتیجه تحقیقات شخصی نویسنده (ها) بوده و قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی منتشر نشده نگردیده، در مورد مقالات ارائه شده در مجامع علمی، مشخصات کامل مجمع باید با مقاله همراه باشد.
 - مقاله باید سلیس، روان و از نظر دستور زبان صحیح بوده و در انتخاب واژه‌ها دقت لازم مبذول گردد.
 - در متن فارسی باید تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به اندازه کافی رسا نباشد، می‌توان با ذکر شماره در بالای معادل، عین کلمه لاتین را در بخش یادداشتها آورد.
 - مقاله باید با آخرین نسخه برنامه Word و با قلم نازنین فونت ۱۲ (برای چکیده لاتین با قلم تایمز ۱۱) فاصله تقریبی میان سطور ۰.۹ حروفچینی و تاپ گرد. حاشیه از بالا ۶.۵، از پایین ۶.۵، از راست ۴ و حاشیه چپ ۴ سانتیمتر باشد. عنوان مقاله با فونت تیتیر ۱۲، مشخصات نویسنده یا نویسندگان با فونت یاقوت ۱۲، چکیده فارسی با فونت نازنین ۱۲، فهرست عناوین متن با فونت نازنین سیاه ۱۲، منابع و مأخذ با فونت نازنین ۱۱ نگاشته شود.
 - تعداد صفحات مقاله نباید از حدود ۱۸ صفحه چاپی به قطع مجله تجاوز کند.
 - مسئولیت محتوای مقالات و ویراستاری با نویسندگان است.

جهت اطلاعات بیشتر به وبسایت زیر مراجعه نمایید:

<http://www.spba.ir/journal/authors.note>

فهرست مطالب

- « کالبدشکافی نقش قدرت نرم و دیپلماسی رسانه ای در تامین امنیت ملی ج.ا.ایران: مطالعه موردی
بیداری اسلامی / هادی ابراهیمی ۷
- « فناوری های اطلاعاتی و بسط ظرفیت های حکمرانی دولت های مدرن مبتنی بر اقناع و قدرت نرم
/ نوراله قیصری، سعید امان کاه ۲۹
- « قدرت انگاره ای به مثابه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران / سعید شکوهی ۵۳
- « عقلانیت انقلابی در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) / رحمت عباس تبار مقری،
عباداله اختری ۷۷
- « طراحی و تدوین الگوی مساله شناسی در سیاست گذاری امنیتی مبتنی بر منظومه فکری آیت
الله العظمی سید علی خامنه ای (مدظله العالی) / مهدی اقراریان، حمید پیشگاه هادیان، غلامحسین
بلندیان، اکبر اشرفی ۹۵
- « بازخوانی تاثیر قدرت نرم (تکنیک شایعه سازی) گروه تکفیری داعش در کاهش احساس امنیت
شهروندان در استان ایلام / رضا عبدالرحمانی، جواد کیانی، محمدرضا رفیعی دولت آبادی... ۱۲۵
- « تحلیل سیاست گذاری عمومی ایران در مقابله با تحریم های یک جانبه آمریکا از منظر قدرت نرم /
فاطمه نجف زاده، ماشاالله حیدر پور، محمد ترابی ۱۵۳
- « طراحی مدل مطلوب رسانه بر اساس مبانی و معارف اسلامی / پیام تیرانداز، علی فلاح، محمدرضا
باقرزاده، مهرداد متانی ۱۷۷
- « نقش مولفه های حکمرانی خوب در تحقق قدرت نرم اقتصادی ایران (مطالعه موردی نظام بانکی /
مسعود نادری، ابوالفضل جعفرقلیخانی، طیب بلوردی ۲۰۳
- « مدیریت بحران های سازمانی، چستی و چگونگی / محمد محمدی ۲۲۵

کالبدشکافی نقش قدرت نرم و دیپلماسی رسانه ای در تامین امنیت ملی ج.ا.ایران: مطالعه موردی بیداری اسلامی

هادی ابراهیمی^۱

چکیده:

تحولات اخیر موسوم به بیداری اسلامی که در خاورمیانه و شمال آفریقا در جریان است، به دلیل اهمیت مناطق مذکور، تمام بازیگران قدرتمند بین المللی و منطقه ای سعی در تأثیرگذاری بر این تحولات مطابق دیدگاه های مبتنی بر امنیت و منافع ملی خود دارند؛ لذا ج.ا.ایران نیز از این امر مستثنی نخواهد بود، چراکه از یک سو نقش الهام بخشی در شکل گیری این تحولات داشته و از سوی دیگر به عنوان یکی از قدرتمندترین بازیگران منطقه با ماهیت اسلامی و فراملی انقلاب اسلامی خواهان افزایش نفوذ خود در راستای عملی ساختن اهداف سیاست خارجی خود می باشد. سوالی که مقاله حاضر قصد دارد به آن بپردازد این است که ج.ا.ایران به عنوان مهم ترین کشور تأثیرگذار در شکل گیری این موج عظیم، چگونه و از طریق چه ابزاری باید سیاست خارجی خود را تنظیم نماید تا حداکثر بهره برداری را از جریانات کنونی به سود گسترش هر چه بیشتر نفوذ، منافع، آرمان ها، ارزش های اسلامی و در مجموع افزایش ضریب امنیت ملی خود ببرد و همچنین مانع از منحرف ساختن بیداری اسلامی از مسیر اصلی خود و مصادره این حرکت های مردمی و اسلامی از سوی ابرقدرت ها به ویژه آمریکا گردد. در این راستا فرضیه مقاله حاضر، تمرکز به روی قدرت نرم، دیپلماسی رسانه ای و استفاده مطلوب از شاخص های بارز آن داشته که بطور حتم مولفه یاد شده یکی از مهم ترین ابزار کاربردی سیاست خارجی در جهت دستیابی به اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می باشد.

واژگان کلیدی: بیداری اسلامی، خاورمیانه، اهداف فراملی سیاست خارجی، قدرت نرم، امنیت ملی.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ebrahimih56@yahoo.com

مقدمه:

جنبش‌های مردمی موسوم به بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا که از دسامبر ۲۰۱۰ با خودسوزی محمد بوعزیزی در تونس آغاز و با سرنگونی حکومت‌های عربی تونس، مصر، لیبی و یمن ادامه یافت و هم اکنون در بحرین و شرق عربستان جریان دارد را باید موج سوم بیداری اسلامی دانست. گرچه اصطلاح بیداری اسلامی متأخر است اما به نظر می‌رسد در واکاوی تاریخی این مقوله از قدمتی طولانی برخوردار است و حقیقت آن است که آنچه در تحولات اخیر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا رخ داده است موج جدید و نوظهور و البته نه پایانی آن محسوب می‌شود. به عبارت دیگر شاید بهتر باشد به جای موج بیداری اسلامی از امواج بیداری اسلامی سخن گفت؛ در این میان ۳ موج بیداری اسلامی قابل شناسایی است:

۱. موج اول بیداری اسلامی (از مبارزات سید جمال اسدآبادی تا نهضت امام خمینی (ره))
۲. موج دوم بیداری اسلامی (از نهضت امام خمینی (ره) یا انقلاب اسلامی ایران تا جنبش‌های مردمی کنونی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا)

۳. موج سوم بیداری اسلامی (از پیدایش تحولات اخیر تا کنون) (هزاوه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۲۲)

توضیح آنکه آنچه سید جمال جهت مبارزه برای استقلال، توسعه و پیشرفت جهان اسلام مطرح و بر آن تأکید کرد شامل: مبارزه با استبداد و خودکامگی، بازگشت به اسلام اصیل و اولیه، لزوم مبارزه با استعمار خارجی، ضرورت اتحاد جهان اسلام، بازگرداندن روحیه جهاد و مقاومت و مبارزه به جامعه اسلامی را می‌توان نقطه شروع این موج دانست. این موج به عنوان یک تجربه ارزنده توانست زمینه ساز موج عظیم‌تری در جهان اسلام شود و در نهضت امام خمینی (ره) عمق بیشتری یابد. در حقیقت نهضت انقلابی و اسلامی امام (ره) اوج تمامی حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی تاریخ اسلام و تبلور همه آمال و آرمان‌های انقلابی نهضت‌هایی بود که قبلاً به وقوع پیوسته بودند.

بیداری اسلامی از طریق محور قرار دادن اسلام سیاسی پویا و عملگرا، احیای مفاهیمی چون جهاد، شهادت، ظلم ستیزی، عدالت طلبی، نفی سلطه کافران و ارائه تقسیم‌بندی نوینی از جهان بر مبنای مستکبران و مستضعفان و استقرار نظام سیاسی مردم سالار دینی با عنوان جمهوری اسلامی ایران، به اسلام در جهان هویت جدیدی بخشید. امام خمینی ره که خود آغازگر موج دوم بیداری اسلامی است در این باره تصریح می‌کنند: "آنچه ما بدست آوردیم این است که ما اسلام را در اینجا

زنده کردیم، پیش‌تر اسمی از اسلام بود و لیکن اسلام اصلش نبود یعنی اصلش دعوا با اسلام بود می‌خواستند اسلام زدایی کنند." (امام خمینی، ۱۳۶۷، ج ۱۷: ۷۰)

باتوجه به مطالب بالا و با در نظر گرفتن نقش نهضت امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی در شکل‌گیری تحولات کنونی، سوالی که این مقاله به دنبال یافتن پاسخ برای آن است این است که با توجه به شرایط پیش آمده موسوم به بیداری اسلامی، جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین کشور تأثیرگذار در شکل‌گیری این موج، چگونه و از طریق چه ابزاری باید سیاست خارجی خود را تنظیم نماید تا حداکثر بهره‌برداری را از جریانات کنونی به سود گسترش هر چه بیشتر نفوذ، منافع، آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی خود ببرد و مانع از منحرف ساختن بیداری اسلامی از مسیر اصلی خود و مصادره این حرکت‌های مردمی و اسلامی از سوی ابرقدرت‌ها به ویژه آمریکا گردد. فرضیه مقاله حاضر، تمرکز به روی قدرت نرم، دیپلماسی رسانه‌ای و استفاده مطلوب از ابزارها و شاخص‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را مهم‌ترین ابزار سیاست خارجی در راه دست‌یابی به اهداف مذکور در نظر گرفته است. حال با توجه به بیداری اسلامی در عصر حاضر، قدرت نرم به عنوان یکی از ابزارهای اساسی و کاربردی امنیت ملی، چه نقشی می‌تواند در موفقیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد؟ فرضیه پژوهش بر این باور است که استفاده از ظرفیت‌ها و ابزارهای موجود در جمهوری اسلامی ایران، جهت دستیابی و تحقق اهداف و اقتدار ملی با توجه به تهدیدهای خارجی و نیز عنایت به اینکه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از قدرتمندترین بازیگران منطقه با ماهیت اسلامی و فراملی انقلاب اسلامی می‌تواند نقش موثری داشته باشد.

اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال تحولات موسوم به بیداری اسلامی

رابطه تنگاتنگ و وثیقی بین منافع ملی و اهداف سیاست خارجی وجود دارد. به گونه‌ای که بسیاری از مواقع این دو مترادف و مساوی یکدیگر به کار می‌روند. رابطه میان منافع ملی و اهداف سیاست خارجی رابطه میان عام و خاص است. به عبارت دیگر، اهداف سیاست خارجی هر کشور از جمله ج.ا.ایران را باید به صورت خاص و جزئی‌تر از منافع ملی در نظر گرفت. بنابراین اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران، ارزش‌ها و مقاصدی است که کشور به صورت عملی در عرصه بین‌المللی و در تعامل با دیگر بازیگران بین‌المللی تدوین و پیگیری می‌کند. با توجه

به ماهیت و مصادیق منافع ملی ایران، اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران به دو دسته ملی و فراملی یا اسلامی تقسیم می‌شوند. اهداف ملی معطوف به حفظ و افزایش ارزش‌هایی است که ضرورت و فوریت دارد و در چارچوب مرزهای ملی و قلمروی سرزمینی ایران تعیین می‌یابد. اهداف فراملی از ماهیت انقلاب اسلامی و هویت اسلامی جمهوری اسلامی نشأت می‌گیرد و ناظر بر پیگیری و تأمین ارزش‌هایی در خارج از مرزهای سرزمینی ایران جهت شکل دادن به محیط خارجی و نظم بین‌المللی است. تحولات موسوم به بیداری اسلامی اگر چه تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته اما خود شرایط مساعدی را برای پیگیری هر چه بیشتر اهداف بین‌المللی کشور فراهم ساخته که در این بخش به اهداف مذکور اشاره می‌شود.

۱. خروج کشورهای درگیر تحولات از ائتلاف ضد ایران در جهان عرب

یکی از اهداف اولیه سیاست خارجی کشور توسعه روابط با حکومت‌های جدید برخاسته از تحولات کنونی و خارج نمودن کشورهای مذکور از ائتلاف ضد ج.ا.ایران در جهان عرب است. ۲ عامل را می‌توان در شکل‌گیری این ائتلاف مؤثر دانست؛ عامل اول؛ اقدامات آمریکا و شرکای غربی‌اش برای جلوگیری از نفوذ اندیشه‌های برخاسته از انقلاب اسلامی ایران شامل ایران‌هراسی، تبلیغات منفی علیه ج.ا.ایران و اسلام شیعی و امنیتی کردن ج.ا.ایران است. عامل بعدی، نیز ماهیت استبدادی و محافظه‌کار رژیم‌های موجود در جهان عرب که تحمل یک ایران انقلابی و مردم‌سالار را نداشتند. تحولات کنونی شرایط بسیار مناسبی را برای کشور فراهم آورده که می‌توان با استفاده درست و منطقی از آنها در راستای اعتمادسازی شرایط را برای پیگیری سایر اهداف سیاست خارجی فراهم ساخت. این امر بیشتر در مورد مصر که سال‌ها رهبری ائتلاف ضد ایرانی در جهان عرب را بر عهده داشته، مصداق می‌یابد. توسعه روابط با مصر تأثیرات زیادی بر معادلات سیاسی و امنیتی منطقه به سود ج.ا.ایران در بر خواهد داشت. (مرجانی نژاد، ۱۳۹۰: ۶۵)

۲. صدور انقلاب

رسالت جهانی و جهانشمول اسلام از یک سو و ماهیت فراملی انقلاب اسلامی از سوی دیگر، صدور انقلاب را به فراسوی مرزهای سرزمینی ایران اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. به گونه‌ای که اشاعه آرمان‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی به سایر کشورها و جوامع به صورت یکی از اصول اساسی

ج.ا.ایران تعیین می‌گردد. امام خمینی (ره) صدور انقلاب را به معنای لشکرکشی ندانسته بلکه بعد فراملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی تعریف و منظور ایشان رساندن حرف انقلاب اسلامی به جهانیان است که وزارت خارجه یکی از مراکز عهده‌دار این مسئولیت است. در حقیقت، هدف، تبیین و سپس ترویج مسالمت آمیز پیام و مواضع انقلاب اسلامی به جهانیان است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۶۳) اگرچه تحولات کنونی تا حد زیادی تحت تأثیر انقلاب اسلامی به عنوان موج دوم بیداری اسلامی می‌باشند، و خود نیز فضای مساعدی را برای ترویج هر چه بیشتر آرمان‌های انقلاب به ویژه در میان نسل جدید کشورهای مذکور فراهم می‌آورند.

۳. الهام بخشی در جهت گسترش فرهنگ اسلام سیاسی و تشکیل نظام سیاسی مبتنی بر اسلام (مردم سالاری دینی)

مهم‌ترین دستاورد جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی که استکبار جهانی را نگران نموده است تجربه مردم سالاری دینی یعنی ایجاد یک نظام سیاسی مبتنی بر آموزه‌های اسلام بنا به خواست مردم و تأکید بر مشارکت هر چه بیشتر مردم در تعیین سرنوشت خود است. مشکل اصلی غرب با ایران، دست آوردهای علمی، نرخ رشد بالای علم و فناوری، دستیابی به فناوری‌های نوین، از جمله فناوری‌های هسته‌ای، ماهواره‌ای و موشکی، نیست، هر چند جای بسی غرور و افتخار برای ملت بزرگ ایران است که به چنین درجه‌ای از علم و فناوری و قدرت سخت و نیمه سخت در منطقه دست یافته است. مهم‌ترین دستاورد جمهوری اسلامی ایران ارائه الگو و مدلی برای حل مشکلات عدیده‌ای مانند استبداد داخلی، وابستگی خارجی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، و توسعه نیافتگی است که با تجویز آن توانست تجربه‌ای از سیاست (Policy) و حکومت را ارائه کند که به عنوان بدیلی برای نظام‌های موجود در منطقه جذاب باشد. تحولات کنونی می‌تواند نقطه عطفی در الهام بخشی مردم سالاری دینی به مردم منطقه باشد. (هرسج، ۱۳۹۰: ۱۴۴)

۴. گسترش وحدت جهان اسلام و توسعه همگرایی با حکومت‌های جدید

از آنجا که اکثریت مسلمانان در کشورهای درگیر تحولات را اهل تسنن تشکیل می‌دهند و تلاش دشمن از گذشته تا کنون همواره بر مبنای ((تفرقه بینداز و حکومت کن)) بوده، بنابراین

باید در تعقیب اهداف سیاست خارجی، تلاش همه جانبه‌ای را برای همگرایی میان مسلمانان فرق مختلف صورت داده و از هر نوع تفرقه و تشدید اختلاف جلوگیری کرد. همچنین باید از طریق یک سیاست خارجی فعال به اعتمادسازی و توسعه روابط در بخش‌های مختلف با حکومت‌های جدید برخاسته از تحولات کنونی اقدام شود.

۵. ارائه یک چهره مثبت به مردم منطقه از ج.ا.ایران

دشمن همواره در پی تخریب چهره ج.ا.ایران در محیط جهانی و منطقه‌ای در دید مردم با بهره‌گیری از استعارات قوی و تأثیرگذار، اما ناخوشایند، توهین آمیز و ناپسند به کلیت کشور و افراد صاحب نفوذ در جهان اسلام با انتخاب نام‌هایی با بار هیجانی و شدید بوده و هست. مفاهیمی نظیر محور شرارت، تروریست، بنیادگرایی اسلامی، انتخابات فرمایشی، ارتجاع مذهبی، نظام سرکوب، رژیم توتالیتار، آپارتاید مذهبی و... بخشی از آنهاست که باید با استفاده از موقعیت پیش آمده خنثی شده و حقیقت انقلاب و نظام ج.ا.ایران به مردم منطقه شناسانده شود. (برزنونی، ۱۳۸۷: ۱۳۷)

۶. خنثی سازی (Neutralization) طرح خاورمیانه بزرگ

طرح خاورمیانه (Middle East) بزرگ در واقع طرحی در راستای تلاش‌های غرب به ویژه آمریکا برای کنترل و مهار اندیشه‌های برخاسته از انقلاب اسلامی ایران می‌باشد. هجمه به این دیده تحت عنوان مقابله با بنیادگرایی اسلامی، مبارزه با تروریسم و نهایتاً در غالب اجرای طرح خاورمیانه بزرگ آغاز شد. تردیدی نیست که تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی دولت آمریکا از مبارزه خود با تروریسم و بنیادگرایی یک اصل را دنبال می‌کنند و آن تقابل با بیداری و احیاءگری اسلامی است که این تقابل را در قالب یک پروژه گسترده و وسیعی به نام طرح خاورمیانه بزرگ ریخته‌اند. چارچوب این طرح به صورت پراکنده در بیانات مقامات آمریکایی آشکار می‌باشد؛ اگرچه در این طرح نامی از جهان اسلام نبرده و صرفاً به عنوان خاورمیانه بزرگ بسنده کرده‌اند، ولی با نگاهی به برنامه‌های آنها و حوزه عملیاتی این طرح مسجل می‌گردد که این طرح برای جهان اسلام تنظیم و ترسیم شده است. نقشه‌های ترسیمی در پنتاگون که در آن بخش عمده و اصلی منطقه جغرافیایی اسلام را در بر می‌گیرد که از آن با عنوان ((هلال بحران)) یاد کرده‌اند، بیانگر این واقعیت می‌باشد.

اصول حاکم بر طرح خاورمیانه بزرگ به شرح زیر است:

۱-۶ دین زدایی و مقابله با فرهنگ اسلام سیاسی.

۲-۶ تغییر نظام‌های حاکم در این منطقه در جهت حاکمیت سکولاریسم و تحت عنوان گسترش دموکراسی. در این طرح نظام‌های موجود در جهان اسلام را به دو دسته تقسیم کرده‌اند:

۱-۲-۶ نظام‌های خطرناک

۲-۲-۶ نظام‌های بیمار (که هر دو باید متحول شده و تغییر یابند).

۳-۶ تجزیه کشورها و تغییر جغرافیایی مرزهای موجود در جهان اسلام جهت تسهیل سیاست تفرقه بیانداز و حکومت کن.

۴-۶ حضور گسترده نظامی در این منطقه به منظور محدود کردن استقلال و حاکمیت ملی کشورهای اسلامی و سرکوب مستقیم قیام‌های مردمی و ضداستکباری از طریق تأسیس پایگاه‌های متعدد نظامی. (محمدی و متقی، ۱۷۲-۱۷۱)

وقوع تحولات کنونی در خاورمیانه و شمال آفریقا نشانگر شکست این طرح در جهان اسلام می‌باشد اما این به معنای دست کشیدن آمریکا از تلاش‌های خود جهت اجرای طرح مذکور نخواهد بود. بنابراین دستگاه دیپلماسی کشور باید با بهره‌گیری از تمامی امکانات خود و استفاده از فرصت پیش آمده بیش از پیش در راستای افشای ماهیت این طرح و خنثی سازی آن بکوشد.

۷. تلاش در جهت یکسان‌سازی قواعد هنجاری میان کشورهای مسلمان:

تمامی واحدهای اسلامی دارای زیرساخت‌های فرهنگی و هویت دینی می‌باشند اگرچه این مؤلفه‌ها طی سال‌های گذشته از نقش محدودتری برخوردار شده‌اند، اما شواهد حاکی از آن است که می‌توان سطح مشخصی از فرهنگ دینی با رویکردهای اسلامی را در تمامی کشورها مورد ملاحظه قرار داد. در این زمینه تلاش‌های فراگیری از سوی نهادهای سیاسی و دینی در کشور صورت گرفته است. اما علارغم تلاش‌های انجام شده، هنوز نتایج مطلوب در روابط ایران با کشورهای اسلامی حاصل نگردیده است. نسل جدید شهروندان کشورهای اسلامی اگر چه به بنیان‌های دینی اعتقاد دارند و به انقلاب اسلامی با علاقه‌مندی نظر می‌افکنند، اما الگوهای مورد نظر ایران را با تأمل و ابهام مورد توجه قرار می‌دهند. این امر را می‌توان به

عنوان محدود بودن سطح تعاملات فرهنگی تلقی نمود. طبعاً اهداف استراتژیک ج.ا.ایران ایجاب می‌کند تا سطح گسترده‌تری از الگوهای همکاری جویانه مورد پیگیری قرار گرفته و به نشانه‌های رفتاری و ایدئولوژیک نسبتاً یکسانی دست یافت. موقعیت پیش آمده امکان خوبی را برای سیاست خارجی جهت هنجارسازی فراهم نموده است. دستگاه دیپلماسی می‌تواند از این شرایط در راستای گسترش هنجارهای برخاسته از انقلاب اسلامی استفاده نموده و به نوعی به صدور انقلاب بپردازد.

۸. مقابله با برنامه‌های غرب برای استحاله فرهنگی به ویژه مقابله با فرهنگ شیعی:

غرب به رهبری آمریکا همواره تلاش نموده که با تزریق فرهنگ و ارزش‌های غربی به جهان اسلام به مقابله با فرهنگ اسلامی برخاسته از انقلاب اسلامی برخیزد؛ زیرا انقلاب اسلامی مستقیماً به مقابله با فهم رایج از نقش خنثی و خاموش مذهب در سیاست و اخلاق پرداخته است. در این راستا اقداماتی نظیر: تغییر برنامه‌های آموزشی، ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای ویژه مسلمانان به ویژه ایرانیان و اعراب، ترویج سکولاریسم، رواج فساد و فحشا و... را می‌توان نام برد. مایکل برانت معاون سابق سیا در مورد مقابله با فرهنگ شیعی می‌گوید:

«تحقیقات ما را به این نتیجه رساند که به طور مستقیم نمی‌توان با مذهب شیعه روبرو شد و امکان پیروزی بر آن بسیار سخت است و باید پشت پرده کار کنیم. ما به جای ضرب المثل انگلیسی تفرقه بینداز و حکومت کن از سیاست اختلاف بینداز و نابود کن استفاده می‌کنیم. در همین راستا برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای را برای سیاست‌های بلند مدت خود طرح کردیم. حمایت از افرادی که با مذهب شیعه اختلاف دارند، ترویج کافر بودن شیعیان به گونه‌ای که در زمان مناسب علیه آنان توسط دیگر مذاهب اعلام جهاد شود. همچنین باید تبلیغات گسترده‌ای را علیه مراجع و رهبران دینی شیعه صورت دهیم تا آنان مقولیت خود را در میان مردم از دست بدهند. یکی طلبی بود که هر ساله شیعیان با برگزاری مراسمی این فرهنگ را زنده نگاه می‌دارند.» (منصوری، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۱) تحولات موسوم به بیداری اسلامی شرایط مناسبی را برای خنثی سازی این پروژه و گسترش فرهنگ برخاسته از انقلاب فراهم نموده است.

۹. گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای مذکور:

با وقوع تحولات موسوم به بیداری اسلامی نه تنها زمینه برای همبستگی هرچه بیشتر فرهنگی فراهم شده بلکه شرایط جهت توسعه همکاری‌های اقتصادی دو جانبه و چندجانبه نیز محیا شده است. لذا سیاست خارجی می‌بایست از بعد اقتصادی بهره‌برداری از تحولات کنونی غافل نشده و با توجه به ایجاد یک بازار مصرف جدید برای کشور، مکانیسم‌های لازم را برای توسعه روابط تجاری فراهم نماید.

قدرت نرم به عنوان مهم‌ترین ابزار پیگیری اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال بیداری اسلامی مفهوم‌شناسی قدرت نرم:

برای تعریف قدرت نرم، باید ابتدا به تعریف قدرت پرداخت. قدرت، توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران است، به نحوی که آنچه می‌خواهیم، اتفاق بیفتد. در یک طبقه‌بندی قدرت به دو نوع سخت و نرم تقسیم می‌شود. جوزف نای، تحلیل‌گر آمریکایی بر این باور است که هرچند قدرت نرم و سخت درهم تنیده‌اند ولی قدرت نرم به قدرت سخت وابسته نیست. به گفته نای قدرت نرم توانایی بدست آوردن خواسته‌ها از طریق مجذوب کردن - به جای اجبار و یا امتیاز - می‌باشد. این کار از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی و سیاست‌ها صورت می‌گیرد. زمانی که سیاست‌های ما در چشم دیگران مشروعیت دارد، قدرت نرم ما تقویت شده است. در واقع زمانی که شما دیگران را وادار می‌کنید که آنچه شما می‌خواهید بپذیرند، بدون اینکه در این راه هزینه زیادی (امتیاز و اجبار) صرف کنید، در آن صورت شما از قدرت نرم استفاده کرده اید. (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۲۲)

این شیوه قدرت بر پایه تبدیل تمایلات به برون‌دادها شکل می‌گیرد و موضوع آن به جای اجبار، جذابیت است. در این شیوه قدرت بر پایه اقناع دیگران برای پیروی یا موافقت با هنجارها و نهادهایی است که رفتار خواسته شده را تولید می‌کنند. این پیروی بیش از هرچیز منوط به درجه متقاعدکنندگی اطلاعات در دسترس است که یک بازیگر در جست‌وجوی انتقال آن است. (Nye, 2004: 15)

ریشه‌های نظری بحث قدرت نرم را می‌توان در نظریه گرامشی نیز دانست. گرامشی با کمک

گرفتن از واژه هژمونی در صدد نشان دادن چهره واقعی نظام سرمایه‌داری نهان در پس پرده جاذبه‌های ظاهری آن بود. او معتقد بود نظام سرمایه‌داری با بهره‌گیری از این جاذبه‌ها اقدام به تولید قدرت می‌کند و با این اقدام، مانع شکل‌گیری مقاومت در برابر اهداف خود می‌شود. (عیوضی و امامی، ۱۳۹۰: ۱۰۶) لذا قدرت نرم یا جذب قلوب و افکار در سیاست بین‌الملل موضوع پر اهمیتی است که از منابع مهم آن فرهنگ، علم و فناوری و عوامل نامحسوس می‌باشد. (Nye, 2008: 37) سیاست خارجی و شیوه اعمال آن در میزان قدرت نرم کشورها مؤثر است؛ بنابراین چنانچه سیاست خارجی یک کشور بتواند باعث ترویج ارزش‌های مطلوب و بهره‌گیری از عنصر فرهنگ شود، قدرت نرم قابل توجهی را در سطح بین‌المللی ایجاد نموده است. (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۲۳) تفاوت‌های بنیادینی میان جوه سخت و نرم قدرت وجود دارد که در زیر به آنها اشاره می‌شود. این تفاوت‌ها عبارتند از:

- حوزه قدرت نرم، حوزه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است در حالی که حوزه قدرت سخت امنیتی-نظامی می‌باشد.
- اعمال قدرت نرم پیچیده و محصول پردازش ذهنی نخبگان است در حالی که، اعمال قدرت سخت عینی، واقعی و محسوس است و می‌توان آن را با ارائه برخی از معیارها، اندازه‌گیری کرد.
- روش اعمال قدرت سخت استفاده از زور و اجبار است در حالی که در قدرت نرم، از روش القاء و اقناع بهره‌گیری می‌شود.
- هدف در اعمال قدرت سخت، تخریب و حذف فیزیکی حریف و تصرف و اشغال سرزمین است. در حالی که در چشم‌انداز اعمال قدرت نرم، هدف تأثیرگذاری بر انتخاب‌ها، فرایند تصمیم‌گیری و الگوهای رفتاری حریف و در نهایت سلب هویت‌های فرهنگی است.
- مفهوم امنیت در رهیافت‌های نرم‌افزارانه شامل امنیت ارزش‌ها و هویت‌های اجتماعی است در حالی که این مفهوم در رهیافت‌های سخت‌افزارانه به معنای نبود تهدید خارجی تلقی می‌گردد.
- مرجع امنیت در حوزه قدرت سخت دولت‌ها هستند در حالی که، مرجع امنیت در قدرت نرم محیط فروملی و فراملی (هویت‌های فروملی و جهانی) است.

- منابع قدرت نرم شامل فرهنگ، ایدئولوژی، عقاید، هویت تاریخی و ... است در حالی که منابع قدرت سخت عمدتاً تجهیزات نظامی است. برخورداری از تجهیزات نظامی پیشرفته می‌تواند قدرت نرم یک کشور را افزایش دهد اما به صورت مکمل و پس از ابراز و کار بست صحیح منابع قدرت نرم. (خاشعی و مراد امام زاده جعفر، ۱۳۹۰: ۵۶)

با توجه به مطالب بالا و با مدنظر قرار دادن اینکه اصول و اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران برگرفته از دین مبین اسلام است، می‌توان به این نتیجه دست یافت که قدرت نرم، مهم‌ترین ابزاری است که ج.ا.ایران می‌تواند برای پیگیری اهداف خود در قبال مردم کشورهای درگیر بیداری اسلامی که خود نیز مسلمان هستند به کار برد.

درواقع، مردم کشورهای درگیر بیداری اسلامی که مهمترین ویژگی آن رهایی یافتن مسلمانان از دست نظام‌های استبدادی و تاحدودی مداخلات خارجی بوده بیانگر تلاش برای ایجاد نظم نوین است که براساس مکتب و فرهنگ اسلامی با هویتی سازش ناپذیر با ظلم و همچنین تلاش برای به قدرت رسیدن شکل گرفته و زمینه‌هایی را برای ج.ا.ایران به وجود آورده که هم می‌تواند تهدیدزا و هم فرصت ساز باشد. (ترکی، ۱۳۹۵: ۱۲۳)

آنچه به عنوان بیداری اسلامی یا ایدئولوژی هویت گرا در جهان اسلام محسوب می‌شود را می‌توان بخشی از قدرت نرم جمهوری اسلامی دانست که در قالب رهیافت‌های تئولیرالی و پیوند آن با هنجارهای سازه‌انگاران منعکس نمود. قالب‌های سازه‌انگارانه با رویکرد کاربرد قدرت نرم در اندیشه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همگونی بیشتری دارد. این شاخص‌ها و نشانه‌ها را می‌توان در ارتباط با رویکرد معناگرا به موضوع قدرت، بیگانه‌ستیزی و نفی سبیل در سیاست خارجی، آزادی عمل و کنش‌گرایی فعال در سیاست بین‌الملل، تعامل بر اساس برابری نقش‌ها و کنش‌گرایی هویتی در سیاست خارجی مورد توجه قرارداد. به این ترتیب مولفه‌هایی همانند عمل‌گرایی و بیگانه‌ستیزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان نشانه‌هایی از کاربرد قدرت نرم دانست. (خسروی و میراشرفی، ۱۳۹۳: ۵۶)

ایران با تکیه بر قدرت نرم افزاری به ویژه ارزش‌هایی چون ایثار، شهادت طلبی، معنویت‌گرایی، عدالت‌باوری، استقلال طلبی، مبارزه با صهیونیسم و ضدیت با سیاست‌های امپریالیستی غرب به ویژه آمریکا، توانسته به احیای خودباوری دینی و بیداری اسلامی در عرصه منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی پردازد و اقتدار نرم افزاری خود را در

عرصه بین المللی به منصفه ظهور رساند. (رهبر و دیگران، ۱۳۹۴: ۹) در زیر به ابزارهای قدرت نرم جهت دستیابی به اهداف مورد نظر ج.ا.ایران پرداخته می شود:

۱. مهربانی*

در سطح فردی، مهربانی، نمودی از رفتار با دیگران است که با ایجاد جاذبه به عنوان منشأ قدرت نرم عمل می کند. اهمیت و جذابیت رفتار محبت آمیز به ویژه زمانی بهتر درک می شود که از سوی افرادی جریان یابد که به لحاظ سلسله مراتب رسمی یا غیر رسمی در موقعیت های برتری قرار دارند. رفتار مهربانانه یک مدیر با کارمندان زیردست یا با ارباب رجوع می تواند موجبات قدردانی و حمایت از مدیر را فراهم ساخته و مولد قدرت نرم باشد. مهربانی در عرصه سیاسی و بین المللی می تواند به منبع مهمی برای تولید قدرت نرم تبدیل شود. ج.ا.ایران می تواند با تأیید و حمایت از حرکت های انقلابی مردم، تأکید بر عدم مداخله ابرقدرت ها در امور داخلی و احترام به استقلال کشورهای مذکور، حمایت از اقدامات همکاری جویانه با حکومت های جدید در کشورهای درگیر تحولات، حمایت مالی از انقلابیون و ... از این ابزار بهره برداری نماید.^۱

۲. هوشمندی

هوشمندی نمود دیگری از عمل انسانی است که با جلوگیری از شکست یا ایجاد موفقیت می تواند به صورت مولد قدرت نرم عمل کند. انسان ها به دلایل مختلف از جمله حل مشکلات و موفقیت در برنامه های خود نگاه مثبتی به افراد با هوش و ذکاوت دارند. ذوق و مهارت در کسب موفقیت باعث ایجاد مقبولیت می شود و به تبع آن قابلیت تأثیرگذاری بر دیگران را افزایش می دهد.

هوشمندی در عرصه بین المللی شاخص های آشکاری دارد. به خصوص، مدیریت موفق دولت ها در دو عرصه امنیت و اقتصاد می تواند بسیار تأثیرگذار باشد. ج.ا.ایران به عنوان یک کشور انقلابی، اسلامی و پیشرو حرکت های مردم کنونی از بدو انقلاب با موانع و تهدیدهای گوناگونی از جمله تحریم های به اصطلاح غربی ها فلج کننده، برای بازگشت از آرمان های اسلامی خود،

*. مهربانی، هوشمندی و زیبایی بعنوان ۳ ابزار تولید قدرت نرم از تقسیم بندی الکساندر و وینگ اقتباس شده است. نگاه کنید به (قنبرلو، ۱۳۹۰: ص ۶-۷-۸)

صرف نظر از حقوق مسلم خود و وابستگی دوباره به دول مستکبر غربی به ویژه آمریکا، مواجهه بوده اما توانسته با هوشمندی و بصیرت مردم و مسئولان بر این تهدیدها غلبه کرده و آنها را به فرصت تبدیل کند. این اقدام، قدرت نرم مناسبی را برای کشور جهت تأثیرگذاری بر سایر کشورهای اسلامی فراهم نموده است؛ چرا که به آنها ثابت شده که می‌توان بدون وابستگی به قدرت‌های جهانی و با اتکا به مردم، روی پای خود ایستاد و ضمن دستیابی به عزت و سربلندی، پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک بسیار خوبی داشت. ادامه چنین حرکتی می‌تواند قدرت نرم کشور را افزایش داده و دستیابی به اهداف فراملی سیاست خارجی را تسهیل نماید.

۳. زیبایی

اهمیت و جذابیت زیبایی ریشه در این واقعیت دارد که با ارزش‌ها، ایده‌آل‌ها و آرزوهای طبیعی انسان‌ها ارتباط دارد. در اینجا مقصود از زیبایی صرفاً زیبایی ظاهری نیست. زیبایی ممکن است به شکل علائق، اندیشه‌ها و نظریه‌های جذاب بروز نماید. البته از آنجا که زیبایی تا حدی یک مقوله نسبی است و درک آن از منظر افراد و گروه‌های مختلف ممکن است ناهمسان باشد، تأکید بر زیبایی در میان گروه‌هایی است که نگاه نسبتاً مشترکی در مورد زیبایی دارد. از آنجا که تحولات کنونی در کشورهای اسلامی رخ داده و تقریباً در میان همه مسلمانان ارزش‌هایی چون عدالت خواهی و ظلم ستیزی، ایثار، استقامت و شهادت در راه آرمان‌های اسلامی، تلاش در راه استقلال و آزادی از زیبایی خاصی برخوردار است. ج.ا.ایران که از بدو انقلاب خود همواره این ارزش‌ها را در عرصه عمل مورد لحاظ قرار داده و توانسته قدرت نرم مناسبی را در میان ملت‌های مسلمان به دست آورد. بالطبع تأکید بر این مسیر و کوتاه نیامدن در برابر تهدیدهای دشمنان می‌تواند کشور را به دلیل پابندی به این ارزش‌های زیبا، بیش از پیش در برابر چشمان ملت‌های منطقه عزیز گرداند.

۴. تمسک به قدرت نرم ارشادی به جای اغوایی

قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۵۶ (لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی)، با صراحت اجبار پذیرش دین را نفی می‌کند، همان‌گونه که در این آیه شریفه سه مفهوم اجبار، ارشاد و اغوا به توالی آورده شده است، اصل پذیرش عقیده و انتخاب مسیر آزاد است و اسلام کسی را با اکراه و اجبار و

اغوا ملزم به پذیرش موعظه‌ی حسنه و جدال احسن (سوره نحل آیه ۱۲۵) و انتخاب احسن پس از چیزی نمی‌کند. در دعوت به اسلام اصیل، روش‌های حکمت (برهان و استدلال)، شنیدن سخنان گوناگون و تأمل و تفکر در مورد آنها (سوره زمر آیات ۱۷ و ۱۸) توصیه شده است. اولیای دین نیز همواره بر مباحثه و گفتگوی آزاد علمی با ارباب ادیان و عقاید تأکید کرده‌اند.

البته عدم اجبار در دین ملازم با امکان تبیین رشد از غی است. به این معنا که در چنین جوامعی باید مرزهای ارشاد از اغوا مشخص باشد و در این صورت است که توده‌ها و عموم مردم با عنایت به فطرت پاک و بصیرتی که در نتیجه تبیین به دست می‌آورند راه هدایت از گمراهی را تمییز می‌دهند. بنابراین، از این آیه قرآنی می‌توان از دو نوع قدرت نرم نام برد: قدرت نرم مبتنی بر اغوا، که قدرت‌های شیطانی، اموی، ماکیاویستی و استکباری از آن برای فریب و تسلط بر توده‌ها استفاده می‌کنند؛ و قدرت نرم مبتنی بر ارشاد، که قدرت‌های الهی، متجلی در حکومت انبیا، معصومین و صالحین از آن برای هدایت مردم بهره‌برداری می‌کنند.

برخی از متفکران غربی نظیر نوآم چامسکی و ادوار هرمان، معتقدند که نقش تبلیغات و هیاهوی سیاسی در نظام لیبرال دموکراسی، همان نقش چماق و اجبار را در نظام‌های دیکتاتوری و تمامیت‌خواه ایفا می‌کند. عامل تعیین‌کننده در بقا و استمرار قدرت نخبگان حاکم در نظام‌های اقتدارگرا بیشتر از طریق به‌کارگیری زور و اجبار، و نه تبلیغات است. در عوض، اصحاب قدرت در دموکراسی‌های موجود در غرب بیشترین نیاز را به تبلیغات، به جای زور و اجبار، برای تداوم حکومت‌های خود دارند. در دموکراسی‌ها از لحاظ نظری این امکان برای اکثریت مردم وجود دارد که تغییرات اساسی را بر خلاف منافع دارندگان قدرت و ثروت به وجود آورند، اما در مقام عمل، صاحبان ثروت و قدرت با به‌کارگیری اشکال گوناگون تبلیغات رسانه‌های انحصاری و مسلط به دست‌کاری افکار و اذهان مردم می‌پردازند و با اغوا و فریب افکار عمومی، نقش اکثریت مردم را به تماشاگر و ناظر تقلیل داده و با ایجاد رضایت و اقبال در بین توده‌ها بقا و استمرار نظام‌های لیبرال دموکراسی را تضمین می‌کنند. (هرسیج، ۱۳۹۰: ۱۴۲-۱۴۱)

برای تقریر به ذهن و تفکیک دو قدرت نرم مبتنی بر اغوا و ارشاد می‌توان دو نوع حکومت علوی و اموی را بایکدیگر مقایسه کرد. در این خصوص کلام ۱۹۱ حضرت علی (ع) در نهج البلاغه به خوبی تفاوت بین این دو را نشان می‌دهد. معاویه با به‌کارگیری انواع فریب، اغوا و نیرنگ و نگاه به قدرت و دست‌یابی به حکومت به عنوان طعمه در جریاناتی مانند رویداد

حکمت تلاش کرد با سیاست فریبکارانه قرآن بر سر نیزه کردن نظرات مردم را به خود جلب کند. همانگونه که یک ماهی گیر برای به دام انداختن ماهیان، طعمه خود را به دریا می اندازد و ماهیان خود به طرف طعمه می روند و به صید ماهی گیر در می آیند. در حالی که امام علی (ع)، در نامه به عامل خود اشعث بن قیس در آذربایجان حکومت را به عنوان امانت در نظر می گیرد و نه لقمه چرب (نهج البلاغه، نامه ۵)، و در سخن معروف خود به ابن عباس و در هنگام وصله زدن به کفش پاره اش، تنها در صورتی که قدرت و حکومت وی منجر به احقاق حق و دفع باطل گردد واجد ارزش می داند. (نهج البلاغه، خطبه ۳) (هرسیج، ۱۳۹۰: ۱۴۳)

۵. تقویت ایمان و تقوا و عزم راسخ برای دفاع از نظام اسلامی

قرآن کریم بالاترین توجه خود را معطوف به ایمان و عمل صالح و صبر و استقامت انسان ها نموده است؛ در تفسیر نمونه درباره آیه ۸۲ سوره مبارکه انعام (کسانی که ایمان آورده اند و ایمان خویش را به ستم شرک نیالودند، امنیت مخصوص آنهاست و هم ایشان هدایت یافته گانند). این گونه آمده: جنگ ها، تجاوزها، مفاسد، جنایات و حتی امنیت و آرامش روحی تنها موقعی بدست می آید که در جوامع انسانی دو اصل حکومت کنند: ایمان و عدالت اجتماعی. اگر پایه های ایمان به خدا متزلزل گردد و احساس مسئولیت در برابر پروردگار از میان برود و عدالت اجتماعی جای خود را به ظلم و ستم بسپارد، یکی از مهم ترین منابع قدرت نرم از دست خواهد رفت. همچنین فراهم کردن امکانات دفاعی مناسب و نشان دادن عزم راسخ برای دفاع از نظام اسلامی در برابر دشمنان باعث افزایش عزت و در نتیجه قدرت نرم نظام می شود. (متقی زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۵-۱۱۴)

۶. تقریب مذاهب

تلاش در راه تقریب مذاهب مختلف اسلامی با استفاده از ابزارهای مختلف سیاسی و فرهنگی، ابزار کارآمدی برای افزایش قدرت نرم کشور و تأثیرگذاری هر چه بیشتر بر مردم کشورهای درگیر بیداری اسلامی که از پیروان مذاهب مختلف هستند، محسوب می شود.

۷. دیپلماسی فعال و مؤثر در فضای مجازی

اگر دیپلماسی را مجموعه تدابیر و اعمالی بدانیم که عمدتاً از طریق مسالمت آمیز برای حصول

حداکثر تفاهم در میان انبوه اختلاف‌های صحنه روابط بین‌الملل برای حفظ منافع ملی و اجرای سیاست خارجی به کار گرفته می‌شود؛ باید گفت در دوران جدید و پیشرفت علم و فناوری در شکل دیپلماسی نیز تغییراتی عمده شکل گرفته است. در دیپلماسی نوین به جای دستکاری واقعیت‌ها به تولید واقعیت‌ها پرداخته شده و بازیگران سعی می‌کنند با استفاده از رسانه‌ها و فناوری‌های مجازی نوین ((تصویر مجازی)) از رقیبان خود تولید کنند که امکان جایگزین شدن با واقعیت را داشته باشد. بدین ترتیب ((واقعیت‌های مجازی)) شکل می‌گیرند که عمده افکار عمومی و تصمیم‌گیران آنها را پذیرفته‌اند و بر اساس آن تحلیل و حتی اقدام می‌کنند. امروزه که استفاده از این ابزار برای شکل‌گیری تصویری منفی از یک کشور نزد سایرین بسیار رایج شده است، به ویژه تصویر سازی منفی غرب علیه ج.ا.ایران برای جلوگیری از نفوذ اهداف و ارزش‌های آن در کشورهای اسلامی؛ فعال‌سازی دیپلماسی در فضای مجازی برای خنثی‌سازی تصویرهای منفی مذکور ضروری به نظر می‌رسد. (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۰)

۸. بهره‌گیری از قدرت نهادی

یکی از راه‌های تثبیت قدرت نرم استفاده از نهادهای بین‌المللی است. اصولاً مردم هنجارهایی را که توسط سازمان‌های بین‌المللی ایجاد می‌شود راحت‌تر می‌پذیرند. کشورها برای تأثیرگذاری بر حوادث و تحولات پیرامون خود نیازمند قدرت هستند. این قدرت الزاماً قدرت نظامی نیست. یکی از ابزارهای قدرت که کشورها در اختیار دارند و می‌توانند در مواقع ضروری از آن در جهت تحقق اهدافشان بهره‌براری کنند، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی هستند. این نهادها و سازمان‌ها به دلیل ماهیت بین‌المللی‌شان از مشروعیت کارآمدی در میان کشورها و مردم برخوردارند. ج.ا.ایران در راستای دستیابی به اهداف خود در قبال بیداری اسلامی می‌تواند از ابزار نهادهای بین‌المللی بهره‌ای مطلوب‌تر از آنچه تا کنون شده است، ببرد؛ بدین معنا که سازمان‌های بین‌المللی را که در آنها عضو است مانند سازمان همکاری اسلامی، اکو، جنبش عدم تعهد و ... به نقش‌آفرینی در حوادث منطقه مطابق دیدگاه‌های خود تشویق و ترغیب نماید؛ یا حتی به همراه دوستان و همپیمانان خود و شناسایی ظرفیت‌های بین‌المللی، به تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اقدام کند. (قربانی شیخ نشین و کارآزما، ۱۳۹۱: ۸۹-۸۸)

۹. ابتکار عمل

داشتن ابتکار عمل و طرح برنامه‌ها و پیشنهادهای معقول و منطقی برای برون‌رفت از بحران‌های داخلی و منطقه‌ای که بتواند نظر موافق طرفین را جلب کند (برای مثال ارائه طرحی برای حل بحران کنونی سوریه)، افزون بر اینکه می‌تواند انقلاب‌های مردمی را با هزینه‌های کمتر و آسان‌تر به ثمر برساند، به طور طبیعی وزن و قدرت نفوذ ایران را در منطقه را افزایش خواهد داد.

۱۰. تنش‌زدایی و اعتمادسازی

افزایش نفوذ و قدرت یک کشور، به طور طبیعی سوءظن و احساس خطر را در دیگر کشورها برخواهد انگیخت. به دلیل تبلیغات منفی علیه ج.ا.ایران در چند دهه اخیر و در پی سیاست (ایران‌هراسی) به نظر می‌رسد، کشور ما از این حیث مورد سوءظن قرار گرفته است. در تحولات اخیر ج.ا.ایران از سوی کشورهای عربی به دخالت و تحریک معترضان داخلی این کشورها متهم است. این موضوع تا حد زیادی در حساسیت و نگرانی کشورهای عربی درباره ایران ریشه دارد. در چنین فضایی ایران باید با در پیش گرفتن سیاست تنش‌زدایی و اعتمادسازی، مواضع خود را معقول و مقبول جلوه دهد. ابتکارات همکاری جویانه از جمله موارد اعتمادسازی به شمار می‌روند. اقدامات اعتمادآفرین و امنیت‌ساز، بازدارندگی مستحکم بین کشورهای مختلف ایجاد می‌کند و این امر، شرایط مساعدی را برای افزایش تعاملات و نفوذ کشور فراهم می‌کند.

۱۱. دیپلماسی آکادمیک

با توجه به حضور فعال و گسترده قشر جوان و دانشجو در انقلاب‌های مردمی در کشورهای عربی، دیپلماسی آکادمیک، ظرفیت‌های بسیاری در اختیار کشور قرار خواهد داد که می‌توان از آنها برای کمک به تحقق اهداف خود بهره برد؛ ضمن آنکه با توجه به غیررسمی بودن این نوع دیپلماسی، تهدیدهایی که در روش‌های دیگر مطرح می‌شوند، در این مدل وجود ندارد. از جمله این ابزارها عبارتند از: دعوت از استادان، علما و دانشجویان کشورهای اسلامی؛ تبادل دیدگاه‌ها و تجربه‌ها؛ برگزاری کنفرانس‌های مشترک؛ اجرای پروژه‌های مشترک علمی؛ گسترش تبادلات علمی بر پایه فن‌آوری از طریق ایجاد فرصت‌های مطالعاتی مشترک؛ توسعه

همکاری‌ها در قالب سازمان‌های تخصصی منطقه‌ای و بررسی کرسی آزاد اندیشی برای بررسی ابعاد جنبش و شناخت صحیح آن و تعیین راهبردهای اصولی و کارآمد.

۱۲. دیپلماسی رسانه‌ای و بهره‌گیری از تکنولوژی‌های روز در این زمینه

از آنجا که در دنیای کنونی و در عصر ارتباطات رسانه‌ها، حرف اول را در جامعه‌پذیری داخلی و بین‌المللی می‌زنند، استفاده از این ابزار جهت ارائه دیدگاه‌های ج.ا.ایران به صورت درست و واقعی و خنثی نمودن تصویرسازی منفی درباره کشور ضروری می‌باشد. در این راستا استفاده از تکنولوژی‌های روز دنیا از جمله ساخت ماهواره برای پخش برنامه‌های رسانه ملی در سراسر جهان، توسعه کمی و کیفی برنامه‌ها و شبکه‌ها، تولید برنامه‌های ارزشی، برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگی رسانه‌های داخلی، استفاده از ظرفیت اتحادیه‌های رسانه‌ای بین‌المللی و همکاری با رسانه‌های گروهی منطقه بر اساس منافع مشترک، می‌تواند قدرت نرم کشور را در جهت تأثیر گذاری بر تحولات منطقه، افزایش دهد. (قربانی شیخ نشین و کارآزما، ۱۳۹۱: ۹۲-۹۰)

نتیجه‌گیری

ماهیت رقابتی و پرتحول بیداری اسلامی به گونه‌ای است که همه بازیگران بین‌المللی (در رأس آنها آمریکا و اتحادیه اروپا) و منطقه‌ای (عرب‌سان سعودی، ترکیه و قطر) سعی دارند نظم جدیدی را بر اساس منافع و امنیت ملی خود تقویت نمایند. جمهوری اسلامی ایران نیز از این امر مستثنی نیست. با توجه به اهداف فراملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات منطقه که برخاسته از دین مبین اسلام است و ماهیتی فرهنگی دارد، اهدافی چون خروج کشورهای درگیر تحولات از ائتلاف ضد ایران در جهان عرب؛ صدور انقلاب؛ الهام بخشی در جهت گسترش فرهنگ اسلام سیاسی و تشکیل نظام سیاسی مبتنی بر اسلام (مردم سالاری دینی)؛ گسترش وحدت جهان اسلام و توسعه همگرایی با حکومت‌های جدید؛ ارائه یک چهره مثبت به مردم منطقه از ج.ا.ایران؛ خنثی سازی طرح خاورمیانه بزرگ؛ تلاش در جهت یکسان سازی قواعد هنجاری میان کشورهای مسلمان؛ مقابله با برنامه‌های غرب برای استحاله فرهنگی به ویژه مقابله با فرهنگ شیعی؛ و گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای مذکور را مد نظر دارد.

با توجه به اهداف فوق، مقاله حاضر استفاده از قدرت نرم، دیپلماسی رسانه‌ای و ابزارهای مورد استفاده در تولید و تثبیت این قدرت که عبارت‌اند از: مهربانی در عرصه سیاسی و بین‌المللی، با شاخص‌هایی چون تأیید و حمایت از حرکت‌های انقلابی مردم، تأکید بر عدم مداخله ابرقدرت‌ها در امور داخلی و احترام به استقلال کشورهای مذکور، حمایت از اقدامات همکاری جویانه با حکومت‌های جدید در کشورهای درگیر تحولات، حمایت مالی از انقلابیون و...؛ هوشمندی با شاخص مدیریت موفق دولت در دو عرصه امنیت و اقتصاد؛ زیبایی، با شاخص‌هایی چون عدالت خواهی و ظلم ستیزی، ایثار، استقامت و شهادت در راه آرمان‌های اسلامی، تلاش در راه استقلال و آزادی که در چشم مردم درگیر موج بیداری اسلامی، زیبایی و اثر بخشی بالایی دارد؛ تمسک به قدرت نرم ارشادی به جای اغوایی و پرهیز از تبلیغات فریکارانه و هیاهوی سیاسی؛ تقویت ایمان و تقوا و عزم راسخ برای دفاع از نظام اسلامی چرا که اگر پایه‌های ایمان به خدا متزلزل گردد و احساس مسئولیت در برابر پروردگار از میان برود یکی از مهم‌ترین منابع قدرت نرم نظام از بین می‌رود و همچنین فراهم کردن امکانات دفاعی مناسب و نشان دادن عزم راسخ برای دفاع از نظام اسلامی در برابر دشمنان در عمل باعث افزایش عزت و در نتیجه قدرت نرم نظام می‌شود.

تقریب مذاهب؛ دیپلماسی فعال و مؤثر در فضای مجازی برای گسترش ارزش‌های انقلاب با توجه به وقوع انقلاب ارتباطات و همچنین خنثی‌سازی تصویرهای منفی از انقلاب؛ بهره‌گیری از قدرت نهادی؛ ابتکار عمل و طرح برنامه‌ها و پیشنهادهای معقول و منطقی برای برون‌رفت از بحران‌های داخلی و منطقه‌ای که بتواند نظر موافق طرفین را جلب کند؛ تنش زدایی و اعتمادسازی جهت برطرف کردن سوءظن‌ها و ایجاد یک فضای تعامل مثبت؛ دیپلماسی آکادمیک جهت تأثیر گذاری بر قشر دانشجو در کشورهای درگیر تحولات و نهایتاً دیپلماسی رسانه‌ای و بهره‌گیری از تکنولوژی‌های روز در این زمینه برای انتقال پیام انقلاب و خنثی‌سازی تصویرهای منفی، را مهم‌ترین ابزار در راستای تأثیرگذاری بر تحولات منطقه مطابق ارزش‌ها، آرمان‌ها و دیدگاه‌های کشور می‌داند. نکته مهم اینکه ابزارهای یاد شده تنها در صورتی کارایی مناسبی خواهند داشت که همگرایی لازم در میان تمام نهادها، چه رسمی و چه غیررسمی وجود داشته باشد. در مقابل، هرگونه موازی‌کاری و ناهماهنگی میان نهادهای مرتبط، مانع مهمی در راه استفاده از ابزارهای مذکور در راستای تحقق اهداف مورد نظر می‌باشد.

منابع:

۱. باربر، جیمز، اسمیت، مایکل (۱۳۸۱). ماهیت سیاست‌گذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها، ترجمه حسین سیف زاده، تهران: قومس، چ سوم.
۲. برزنونی، محمد علی (۱۳۸۷). «مؤلفه‌های قدرت نرم مدیریت جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در برابر ناتوی فرهنگی غرب»، فرهنگ و علم، سال اول، شماره اول، بهار.
۳. ترکی، هادی (۱۳۹۵). «فرصتها و چالشهای منطقه‌های ایران با تأکید بر بیداری اسلامی در یمن»، چکیده مقالات اولین کنفرانس امنیتی تهران: نظم امنیتی منطقه‌های در غرب آسیا، به اهتمام سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، بهزاد احمدی لفورکی، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، به اهتمام سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، بهزاد احمدی لفورکی.
۴. خاشعی، وحید، مراد امام زاده جعفر، مهرداد (۱۳۹۰). «درآمدی سیاست‌گذارانه بر کارایی قدرت نرم در صحنه روابط بین‌الملل»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، پیش شماره سوم، پاییز.
۵. خسروی، محمد علی، میر اشرفی، سید نورالله (۱۳۹۳). «قدرت نرم و جایگاه آن در امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۲۶، تابستان.
۶. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۷). صحیفه، تهران: شرکت افست، ج ۱۷.
۷. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت، چ سوم، پاییز.
۸. رهبر، عباسعلی، نجات‌پور، مجید، موسوی نژاد، مجتبی (۱۳۹۴). «قدرت نرم، انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی»، فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۴، پاییز.
۹. پیشگاهی فرد، زهرا، قالیباف، محمدباقر، پورطاهری، مهدیف صادقی، علی (۱۳۹۰). «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، شماره اول، بهار.
۱۰. عیوضی، محمد رحیم، امامی، اعظم (۱۳۹۰). «فرآیند تولید قدرت نرم با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی (ره)»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، پیش شماره سوم، پاییز.

۱۱. قربانی شیخ نشین، ارسلان، کارآزما، جواد (۱۳۹۱). «بیداری اسلامی و دستگاه دیپلماسی؛ فرصت‌ها و تهدیدها»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸، بهار.
۱۲. قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۰). «الگوهای قدرت نرم در خاورمیانه»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، شماره اول، پاییز.
۱۳. گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی و قدرت نرم: نگاهی به قدرت نرم افزارانه جمهوری اسلامی ایران، تهران: شادان، چ اول.
۱۴. متقی زاده، احمد (۱۳۹۰). «مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، شماره اول، پاییز.
۱۵. محمدی، منوچهر، متقی، ابراهیم (۱۳۸۴). «چشم انداز بیست ساله دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی (۲)»، راهبرد یاس، سال اول، شماره سوم، پاییز.
۱۶. مرجانی نژاد، احمد (۱۳۹۰). «بیداری اسلامی و جمهوری اسلامی ایران»، ویژه نامه نهمین هم اندیشی نمایندگان فرهنگی ج.ا. ایران در خارج از کشور، سال اول، شهریور.
۱۷. منصوری، جواد (۱۳۸۳). «سیاست راهبردی آمریکا در مقابله با بیداری اسلامی»، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۱۰، تابستان.
۱۸. هرسیج، حسین (۱۳۹۰). «تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها، مبانی و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال اول، پیش شماره سوم، پاییز.
۱۹. هزاوه‌ای، سید مرتضی (۱۳۹۱). «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و آینده اسلام سیاسی در منطقه»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴، پاییز.

20. www.khamenei.ir

21. Nye, Josephs (2004), Soft Power, Public affairs.

22. Nye, Josephs (2008), Soft Power Super Power, New York.

فناوری های اطلاعاتی و بسط ظرفیت های حکمرانی دولت های مدرن مبتنی بر اقناع و قدرت نرم

نوراله قیصری^۱

سعید امان گاه^۲

چکیده

با توجه به دغدغه دائمی دولت ها برای گردآوری و تحلیل داده های حوزه حکمرانی (داخلی و خارجی)، قابلیت های بی نظیر فناوری دیجیتال، ظرفیت دولت ها را در مقیاس بی سابقه ای گسترش داده است. درک ابعاد این پدیده و نقش مثبت و منفی آن در حکمرانی دولت ها بسیار حائز اهمیت است. حکومت هایی که دارای پایش های اطلاعاتی دقیق و همه جانبه هستند، تصمیم گیری ها و سیاستگذاری در آن ها بسیار دقیق انجام می شود. همچنین ما با جامعه شبکه شده و به تبع آن قدرتمندتر شده توسط اطلاعات و فناوری های ارتباطی جدید مواجه ایم که شکل حکمرانی دولت ها را بسیار متفاوت تر از گذشته نموده است و اهمیت حکمرانی اقناعی و توجه به قدرت نرم را در سیاست ورزی دولت ها، دو چندان نموده است. مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش اساسی است که: فناوری های اطلاعاتی و دیجیتال چه تاثیری بر بسط قابلیت های دولت های مدرن در گردآوری و تحلیل اطلاعات داشته است؟ در پاسخ نیز این فرضیه مطرح شده است که فناوری های اطلاعاتی باعث بسط ظرفیت های دولت های مدرن قوی می شوند و به علت اطلاعاتی شدن جامعه از یک سو و رویت پذیر شدن جامعه برای دولت های مدرن از سوی دیگر، حکمرانی دولت های مدرن قوی را به سمت استفاده بیشتر از قدرت نرم و اقناع پیش خواهد برد. این پژوهش با روش توصیفی-اسنادی در چارچوب نظریه قدرت نرم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: دولت مدرن، فناوری اطلاعات، دولت قوی، جامعه اطلاعاتی، قدرت نرم.

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نوسنده مسئول)

ngheisari@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی گرایش جامعه شناسی سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

گسترش روز افزون سیستم های اطلاعاتی قابلیت های نوینی را در اختیار دولت ها قرار داده اند تا بر بستر تکنولوژی دیجیتال، قابلیت های خود را برای گردآوری حجم عظیمی از اطلاعات و تحلیل نظام مند آنها گسترش دهند. این امکان جدید به دولت های مدرن قوی قدرت بی سابقه ای در جهت جمع آوری و تحلیل داده های انبوه اعطا کرده است. این فناوری ها در حال حاضر تقریباً در تمامی سطوح فعال بوده و حتی در ساحت اندیشه ورزی نیز ورود کرده اند. تحول در نموده ها و نمادهای بسیاری از عناصر متشکله جهان اجتماعی بشر از جمله این دگرگونی هاست. به بیان دیگر، طی سالیان اخیر بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی تحت تأثیر این عامل دچار تحول و دگردیسی شده اند. در این میان، مفهوم دولت و حکمرانی نیز از حالت سنتی خارج شده و شکلی جدید به خود گرفته است.

از دهه ی ۸۰ به این سو با ایجاد موج جدیدی از فناوری های دیجیتال و اطلاعاتی ماهیت دولت مدرن و حتی ماهیت سیاست تحت تأثیر این پدیده ها قرار گرفته است. گسترش ظرفیت های نظارتی و اطلاعاتی دولت ها از یک سو و شبکه ای و اطلاعاتی شدن جامعه از سوی دیگر، حکمرانی را به یک مقوله سهل و ممتنع تبدیل نموده است. فناوری اطلاعات و ارتباطات در پشتیبانی از اجرای قوانین، فرایندها و رفتارهایی که حکمرانی را تعریف میکند، نقشی اساسی ایفا می کنند، استفاده از این فناوری ها به ایجاد تحول در ساخت و وظایف دولت و حکومت منجر می شود. حتی نوع مشارکت نیز در حال دگرگونی است و به نظر می رسد دولت و به عبارتی حاکمیت، در معرض تحولی اساسی قرار گرفته و بار دیگر، شاهد شکل گیری حکمرانی مستقیم و بی واسطه که نمونه آرمانی آن در جامعه یونان باستان تجربه شده بود. این بار در گستره ای جهانی می باشیم (حافظنیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

بنابراین با شبکه ای شدن جامعه و به تبع آن قوی تر شدن جامعه توسط همین فناوری ها شاهد تقویت سویه های اقناعی حکمرانی و نگاه جدی تر به عرصه قدرت نرم در دولت های مدرن می باشیم. بالعکس دولت های ضعیف که فاقد این امکان هستند برای کنترل جوامع خود که در عصر جهانی شدن ساختاری شبکه ای بر بستر اینترنت و فناوری های ارتباطی یافته اند با چالشی جدی مواجهند که موجب تضعیف حاکمیت آن ها خواهد شد. بنابراین، این پژوهش ضمن بررسی اهمیت اطلاعات و نظارت برای دولت های مدرن در عصر اطلاعاتی شدن جوامع بر افزایش ظرفیت امنیتی، خدماتی و دیپلماسی کشورها، مفهوم دولت قوی و دولت های

ضعیف و چالش های پیش روی این جوامع را مورد بررسی قرار می دهد و در پی پاسخگویی به این پرسش اساسی است که فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی چه تاثیری در افزایش قدرت نرم دولت های مدرن دارد؟

پیشینه پژوهش

در مورد بررسی نقش دولت در زمینه سازی توسعه فن آوری اطلاعاتی با مطالعه موردی ایران بصورت پراکنده مورد بررسی قرار گرفته است که در این زمینه می توان به تالیفات به شرح زیر اشاره نمود:

از جمله می توان به پایان نامه آقای علیرضا سمیعی، در دانشکده حقوق علوم سیاسی دانشگاه تهران (۱۳۷۹) با عنوان «نقش دولت و جامعه مدنی در فرایند توسعه در ایران در سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۸» اشاره کرد و پایان نامه دیگر به پارادوکس های دولت تحصیلدار در ایران می پردازد که نوشته آقای حمید قلی از دانشکده تربیت مدرس است که در سال (۱۳۸۰) دفاع شده است و نیز پایان نامه دیگر تحت عنوان راهبردها و راهکارهای پیاده سازی دولت الکترونیک در ایران است که نوشته آقای مهدی غضنفری از دانشکده علم و صنعت ایران است که در سال (۱۳۸۱) دفاع شده است. آنچه این پژوهش را از سایرین متمایز می سازد نوین بوده حوزه مورد مطالعه و اهمیت موضوع فناوری اطلاعاتی در بسط ظرفیت دولت های مدرن می باشد و اهمیت قدرت نرم را بخوبی در اطلاعاتی شدن جوامع و سیاستگذاری های دولت های مدرن نشان می دهد.

چارچوب نظری: نظریه قدرت نرم

قدرت از مباحث محوری علم سیاست و مورد تأمل در متون و آثار سیاسی است. این امر، به دلیل اهمیت عینی و ملموس قدرت در دوعرصه سیاست داخلی و خارجی در راستای اجرای برنامه ها، خطی مشی ها و تحقق اهداف ملی است (جمالی، ۱۳۷۹: ۲۵۰). در واقع قدرت از قابلیت هایی چون توانایی تضمین امنیت، تغییر رفتار دیگران و دفع تهدید برخوردار است (مطالعات امنیتی، ۱۳۸۷). قدرت به معنای توانایی تاثیرگذاری بر رفتار دیگران به منظور رسیدن به نتایج دلخواه است. برای تحت تاثیر قرار دادن رفتار دیگران چندین راه وجود دارد. می توان آنها را با تهدید یا اعمال قوه قهریه مجبور به انجام کاری کرد؛ می توان با کاربرد منابع اقتصادی دیگران

را وادار به تبعیت کرد یا اینکه با بهره‌گیری از مولفه‌های نرم افزاری قدرت آنها را جذب و با خود همراه کرد (Nye, 2004). سابقاً در مطالعه و تحلیل قدرت، معمولاً عناصر محسوس قدرت (قدرت سخت) را به عنوان ارکان اصلی قدرت یک کشور در نظر می‌گرفتند (Yazhi, 117: 2001) اما تحولات جریان ساز عرصه جهانی پس از پایان جنگ سرد سبب اقبال روز افزون بازیگران کوچک و بزرگ به کاربرد قدرت نرم جهت تحمیل اراده به یکدیگر شده است. ابعاد نرم افزاری قدرت، اصطلاحی است که از دیدگاه جوزف نای نظریه پرداز آمریکایی در زمینه ضرورت بهره‌گیری ایالات متحده از منابع قدرت نرم گرفته شده است. مفهوم قدرت نرم را می‌توان در آثار هانس جی مورگنتا، کلوس کنور و رای کلاین پیگیری کرد (Gill&Huang, 2006).

مفهوم قدرت نرم را اولین بار جوزف نای در سال ۱۹۹۰ میلادی در نشریه آتلانتیک مطرح نمود (Nye, 1990). نای اعتقاد دارد که قدرت، مانند آب و هواست، همه به آن مربوط هستند و درباره آن صحبت می‌کنند، اما عده کمی آن را درک می‌کنند (Nye, 2002: 9) او، موفقیت در سیاست‌های جهانی را مستلزم استفاده از قدرت نرم به همراه قدرت سخت می‌داند. نای این تعریف از قدرت را مبنای کار خویش قرار داده است: قدرت، توانایی ترغیب دیگران برای انجام آنچه شما می‌خواهید، می‌باشد. نای، اطلاعات را وجه بارز قرن اخیر می‌داند. از نظر او در عصر اطلاعات کشورهای صاحب قدرت هستند که فرهنگ و ایده‌های مسلط آن‌ها به هنجارهای جهانی تبدیل شده باشد. بدین ترتیب فرهنگ، سیاست‌های مقبول داخلی و خارجی و در اختیار داشتن ابزارهای ارتباطی به مثابه مؤلفه‌های شکل جدید قدرت (قدرت نرم) به حساب می‌آیند؛ همچنین او اعتقاد دارد عواملی مانند انسجام ملی، فرهنگ جهان شمول و نهادهای بین‌المللی تحت تأثیر تحولات جهانی، اهمیت مضاعفی یافته‌اند (عسگری، ۱۳۸۹: ۶۴).

در دیدگاه نای، قدرت نرم، برای ترغیب طرف مقابل به انجام رفتار دلخواه سه راه پاداش، جذب و اقناع وجود دارد. از نظر نای، قدرت نرم توان یک کشور برای دستیابی اهدافش از طریق جذابیت و نه اجبار یا تنبیه می‌باشد. این جذابیت از فرهنگ، ایده‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌گردد، به خصوص زمانی که سیاست‌های یک کشور در نگاه دیگران مشروع به نظر برسد، قدرت نرم اعمال شده است (Nye, 2004). او سه مهارت را در اعمال قدرت نرم ضروری می‌داند: نخستین مهارت، هوش هیجانی است که به معنای توانایی کنترل احساسات و استفاده از آنها در ارتباط با دیگران می‌باشد. دوم، ایجاد تصویری از آینده که دیگران را جذب نماید و سوم، مهارت‌های ارتباطی است که شامل مهارت‌های بیانی؛ همچنین توانایی استفاده

از وسایل ارتباطی غیر کلامی می باشد (Nye, ۲۰۰۸). قدرت نرم ناظر بر ابعاد فرهنگی، روانی و اطلاعاتی است. در این نوع قدرت، به جای تصرف و تسلط سرزمین ها و یا دولت ها، تصرف «ذهن» ها و «قلب» ها مد نظر قرار می گیرد. و از این طریق، یعنی با تسلط بر ذهن و قلب افراد یک جامعه می توان آنان را به اقتناع رساند. به سادگی روشن است که ابزارهای رسیدن به چنین هدفی در اولویت اول، رسانه های فرهنگی و اطلاعاتی است.

بنابراین، قدرت نرم از طریق تولید و توزیع آموزه ها و ارزش های خاص و جذاب، بنیان های ارزشی و ارکان حمایتی، کشور متخاصم را هدف قرار داده و آن را در راستای وضعیت مطلوب خویش تغییر می دهد. این گونه تغییرات معمولاً از زیرساخت های ارزشی و شبکه های تولید و توزیع اندیشه ها و هنجارها، خصوصاً حوزه های آموزشی، فرهنگی و رسانه ای آغاز می شود. قدرت نرم، محصول و برآیند تصویر سازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قدرت تأثیر گذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بردیگران می باشد. به طوری که امروزه، این قرائت از قدرت در مقابل قدرت سخت، قدرت نظامی و تسلیحاتی که به نحوی توأم با اجبار و خشونت های فیزیکی است به کار می رود. بنابراین می توان گفت: قدرت نرم، توانایی شکل دهی به ترجیحات دیگران است و جنس آن از نوع اقتناع است؛ در حالی که چهره زمخت و سخت قدرت از نوع وادار و اجبار کردن است. جوزف نای بر این عقیده است که: قدرت نرم، توجه ویژه ای به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه است و نیز زمانی، یک کشور به قدرت نرم دست می یابد که بتواند «اطلاعات و دانایی» را به منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به گونه ای ترسیم کند که از آنها امتیاز گیرد (نای، ۱۳۸۷: ۱۰).

تعریف مفاهیم

فناوری های اطلاعاتی: فناوری اطلاعات شامل همه ی ابزارها و روش هایی است که اطلاعات را دریافت، ذخیره، پردازش و مبادله می کنند و مورد استفاده قرار می دهند (علیدوستی و شیخ شعاعی، ۱۳۸۵: ۱۰۵)

ظرفیت های حکمرانی: ظرفیت حاکمیت عبارت است از شایستگی ها و منابعی که در اختیار حاکمیت است که قدرت اعمال حکمرانی را به دست می دهد. مفهوم (ظرفیت حاکمیت) زمانی در ادبیات بین المللی رشته مدیریت دولتی شکل گرفت که از سویی به دنبال

توسعه اقتصادی و کوچک سازی دولت، فشارها برای بازاری سازی خدمات و امورات عمومی افزایش یافت و بخشی از حوزه اقتدار و ظرفیت حاکمیت به بخش خصوصی واگذار گردید، از سویی دیگر در جریان توسعه سیاسی و اجتماعی بخش سوم جامعه فعال شدند و با شکل گیری احزاب، سمن ها و رسانه های متنوع و متعدد قسمت دیگری از ظرفیت حاکمیت به این بخش واگذار شد. و نهایتا به دنبال روند توسعه، با ترویج حکمرانی خوب، سازمان های بین المللی و جهانی با اعمال حکمرانی از آن سوی مرزها و پذیرش حاکمیت های ملی برای تبعیت از آنها، بخش دیگری از ظرفیت حکمرانی ملی واگذار شد. مجموعه سه گروه ظرفیت سیاسی، تحلیلی و عملیاتی حدود اقتدار قدرت مانور حکمرانی یک حاکمیت را تشکیل می دهند که هریک را می توان در سطوح فردی، سازمانی و ملی در نظر گرفت (ابراهیم پور و الیکی، ۱۳۹۵: ۱۷)

دولت مدرن: دولت مدرن، دولتی است که از یک سری ویژگیها، معیارها و الزامات برخوردار است که نظریه دولت مدرن را از نظریه های دیگر دولت همچون دولت مطلقه متمایز میکند. عموما در این بخش تنوریک، یک برداشت تجویزی نسبت به دولت مدرن وجود دارد و اکثر دولتها در جهان میکوشند که ساختار خود را همانند این دولت مدرن سازند (مطالعات بنیادین حکومتی، ۱۳۹۵: ۲۶)

اقتناع: اقناع یکی از زیر مجموعه های ارتباطات است و معمولا به عنوان فرایندی ارتباطی برای تاثیرگذاری بر دیگران تعریف می شود. پیام اقناعی دارای نقطه نظر یا رفتاری مطلوب برای گیرنده است تا وی آن را به صورت داوطلبانه بپذیرد، ویکتوریا اداتل و جون کیل (۱۹۸۲) اقناع را چنین تعریف کرده اند: "یک فرایند تعاملی پیچیده و مداوم که در آن فرستنده و گیرنده به وسیله نمادهای شفاهی و غیرشفاهی، به یکدیگر وصل هستند و اقناع گر سعی می کند از طریق آن بر اقناع شونده تاثیر بگذارد تا وی ادارکش را بسط یا تغییر داده و در نتیجه در حالت یا رفتارش تغییر ایجاد شود" (جاوت و اوداتل، ۱۳۹۰: ۶۱)

قدرت نرم: عبارتست از توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران، این توانایی می تواند در دو جهت یکی تقویت عزم و اراده ملی در راستای تامین امنیت ملی نظام و دوم در راستای گسترش و صدور اراده نظام با تایید افکار عمومی در یک محیط خاص، منطقه ای و بین المللی بکار گرفته شود (رهپیک، ۱۳۷۸: ۱۰۶).

اهمیت اطلاعات و نظارت برای دولت مدرن

مشخصه ای که در عصر حاضر اهمیت ویژه ای یافته است نظم و انتظام یافتگی است. این نظم یافتگی در قالب نهادهای اجتماعی تحقق می یابند. در واقع زندگی جوامع نوین از تسلط

طبیعت به سمت سازمان یافتگی توسط نهادهای پیچیده اجتماعی در حرکت است. عنصر مهم و اساسی در سازمان یافتگی، داشتن اطلاعات از مردم و نظارت بر آن هاست و دولت به عنوان مهمترین نهاد انتظام بخش محور جمع آوری و تحلیل این اطلاعات می‌باشد. اطلاعات برای تمامی دولت‌ها حتی دولت‌های ماقبل مدرن دارای اهمیت فراوانی بوده است. امروزه اطلاعات برای دولت‌های مدرن اهمیت ویژه تری یافته است. در واقع وظیفه مهم دولت سازماندهی بخش مهمی از زندگی اجتماع است. نکته بدیهی اینجاست که برای سازماندهی احتیاج به اطلاعات و نظارت وجود دارد (وبستر، ۱۳۸۹: ۹۴). اینکه اطلاعات برای دولت‌ها حائز اهمیت است فقط مربوط به دولت مدرن نیست بلکه همه انواع دولت‌ها برای سازماندهی احتیاج به اطلاعات و نظارت بر محدوده تحت کنترل خود داشته‌اند.

مطلبی که گیدنز بر روی آن تأکید دارد، اهمیت خاص اطلاعات و نظارت در دولت‌های ملی است. زیرا در دولت‌های ملی اهمیت شناخت اتباع و اعضا بسیار بیش از گذشته حس می‌شود و حکومت در محدوده سرزمینی احتیاج بیشتری به نظارت بر اتباع خود دارد. آنتونی گیدنز^۱ جزو آن دسته از نظریه پردازانی است که عنوان می‌کند جوامع مدرن از همان آغاز جوامع اطلاعاتی بوده‌اند. گیدنز بیان می‌کند که مفهومی بنیادی وجود دارد که با آن تمامی دولت‌ها جوامع اطلاعاتی بودند چرا که این نسل از نیروی دولتی به طور انعکاسی کاربرد گردآوری ذخیره و کنترل اطلاعات را برای اهداف مدیریت مسلم فرض می‌کند اما در دولت ملی با وحدت مدیریت منحصر به فرد او در نهایت درجه این پدیده بعدی بسیار بالاتر از هر زمان دیگر رسیده است (گیدنز، ۱۹۸۵: ۱۷۸).

گیدنز عنصر اصلی مدرنیته و فرق آن با جامعه سنتی را تغییر در صورت‌های اجتماعی جدید و یا به عبارت دقیق‌تر شکل‌گیری نهاد‌های جدید اجتماعی تلقی می‌کند و عنوان می‌کند "برخی از صورت‌های اجتماعی مدرن در دوران‌های تاریخی سنتی و قدیم به هیچ وجه وجود نداشته است مانند شکل نظم سیاسی که در قالب دولت ملی است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۵). در واقع نقطه تمایز بین سنت و مدرنیته برای گیدنز همین نهاد‌های جدید است که همه زندگی انسان‌ها را فرا گرفته است و نقطه شروع این تغییر نهادی را صنعتی شدن می‌داند (گیدنز، ۱۳۹۸: ۵۵). او برای مدرنیته چهار بعد اساسی در نظر می‌گیرد که شامل صنعت گرایی، سرمایه داری، نظارت و

قدرت نظامی است (گیدنز، ۱۳۸۴: ۷۲). در این میان نقش فناوری در تقویت خصلت نظارت دولت مدرن بسیار حائز اهمیت بوده است. پدیده‌ی سیستم‌های اطلاعاتی مبتنی بر فناوری‌های جدید دیجیتال از یک سو موجب گسترش جامعه اطلاعاتی شده است و از سوی دیگر دولت مدرن را مجهز به جمع‌آوری، ذخیره‌سازی و تحلیل اطلاعات به طور وسیع تر و دقیق تر از گذشته نسبت به اتباع و سرزمین خود و حتی سایر دولت‌ها ساخته است. فناوری‌های نوین در قالب سیستم‌های اطلاعاتی خصلت نظارتی و اطلاعاتی دولت‌های مدرن را بیش از پیش تقویت نموده و ظرفیت‌های شگرفی در این زمینه برای دولت‌های مدرن ایجاد نموده است.

نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در شکل‌گیری عصر اطلاعات

همان گونه که آلوین تافلر^۱ در کتاب «موج سوم» بیان کرده است تغییرات اساسی تمدنی، اجتماعی و سیاسی در طول تاریخ را به ۳ موج می‌توان تقسیم نمود. او عنوان می‌کند که پس از سال ۲۰۱۰ بشر وارد عصر دیگری از تکامل تمدن خود می‌شود که عده‌ای از آن تحت عنوان موج چهارم یاد می‌کنند. موج اول عصر کشاورزی است. موج دوم انقلاب صنعتی بود که با اختراعاتی نظیر ماشین بخار، برق، راه آهن، تلفن، رادیو، تلویزیون و... باعث ایجاد تغییرات مهم و گسترده‌ای در حوزه زیست اجتماعی و نهاد‌های شکل دهنده آن شد. موج سوم عصر فراصنعتی یا عصر الکترونیک یا عصر اطلاعات نام گرفت. عصری که بر پایه رایانه و شبکه‌های رایانه‌ای و اینترنت شکل گرفته است. (تافلر، ۱۳۸۰: ۱۹۳ تا ۱۹۵). با رشد فناوری‌های اطلاعاتی و سیستم‌های اطلاعاتی مبتنی بر فناوری‌های جدید ارتباطی شکل جدیدی از سامان اجتماعی و سیاسی شکل گرفت که از آن می‌توان به موج چهارم یا عصر مجازی یاد کرد. امروزه با شروع میل به سوی مجازی شدن محدودیت‌های زمانی و مکانی از بین می‌روند به شکلی که ترکیبی از فناوری و اطلاعات به وجود می‌آید و واژه‌های مثل پول، اقتصاد، دولت، تجارت، خدمات، آموزش و... با پسوندی به نام مجازی شنیده خواهند شد (جلالی، ۱۳۷۳).

اختلافات زیادی بین اندیشمندان در بازتاب و ویژگی‌های این نماد مشترک وجود دارد. در میان نظریات مختلف می‌توان به این مباحث به صورت تیتروار اشاره کرد: نظریه "جامعه پسا صنعتی" که

بر اطلاعات تأکیدی ویژه دارد. افکار آتونی گیدنز درباره "دولت ملی و خشونت" که در آن نقش اطلاعات گردآوری شده را به منظور اعمال نظارت بر جسته می کند. دیدگاه های "هربرت شیلر" درباره نیاز سرمایه داری پیشرفته به اطلاعات و دستکاری آن. بحث "یورگن هابرماس" که "حوزه عمومی" و همراه با آن دسترسی اطلاعات را در حال زوال می بیند. این نظر که ما از جامعه "فورדיستی" به "پسا فورדיستی" در حال گذاریم یعنی جامعه ای که برای پیشرفت و توسعه متکی به اطلاعات است. نظر "ژان بودریار" و دیگر طرفداران "پسامدرنیسم" که به "انفجار نشانه ها" در دوران مدرن توجه جدی نشان می دهند. و دیدگاه "مانوئل کاستلز" درباره "شهر اطلاعاتی" (وبستر، ۱۳۸۹: ۴).

تحولاتی که در حوزه فناوری های اطلاعاتی و هم چنین سیستم های اطلاعاتی مبتنی بر کامپیوتر صورت گرفته، جمع آوری، ذخیره سازی، پردازش و تحلیل اطلاعات و ارسال آن را از حالت محدود به حالت گسترده و انبوه تبدیل نموده است. در زیر سایه این تحولات نهادهای اجتماعی دچار تغییرات اساسی شده اند و مفاهیم جدیدی در حوزه های مختلف اجتماعی و سیاسی پدید آمده است که منجر به انقلاب در ساحت فردی و اجتماعی انسان عصر حاضر گردیده است. این تغییرات دو سویی بسیار مهم دارند. سویی اجتماعی که در آن سیستم های اطلاعاتی و ارتباطی باعث به وجود آمدن مفهوم "زندگی شبکه ای" شده اند به طوری که حضور فناوری اطلاعات باعث انتشار تقریباً کنترل ناپذیر اطلاعات و دانش در پیکره جامعه گردیده است و از سوی دیگر باعث تحول در سازمان ها و تبع آن بزرگترین سازمان یعنی دولت شده و شکل جدیدی از صورت بندی سخت افزاری و نرم افزاری سازمانی را بوجود آورده است. سازمان هایی که باید جوامع اطلاعاتی شده را اداره کنند و خود مبتنی بر سیستم های اطلاعاتی پیشرفته برای تصمیم گیری و سیاست گذاری؛ اجرا و رصد بازخورد سیاست های اتخاذ شده باشند. میزان قدرت و گستره حاکمیت دولت در حال حاضر ارتباط مستقیمی با بکارگیری سیستم های اطلاعاتی مبتنی بر فناوری های دیجیتال دارد.

نقش فناوری اطلاعات در بسط ظرفیت های دولت مدرن

نقش فناوری های اطلاعاتی در بسط ظرفیت های سیاست گذاری و تصمیم گیری در دولت مدرن یکی از کارویژه های اصلی دولت ها سیاست گذاری در مورد مسایل مختلف اجتماعی است. تصمیم گیری جز مهمی از سیاست گذاری محسوب می شود. این کار در جوامع مدرن پیچیده تر از

گذشته به نظر می‌رسد زیر اقدرد دولت‌ها با نتایج تصمیم‌گیری‌ها تعیین می‌گردد. تصمیم‌گیری یکی از مباحث پایه‌ای است که در سطوح مختلف سیاست‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. یک موضوع از زمانی که هنوز چیزی بیشتر از یک دغدغه نیست تا زمانی که به یک مشکل یا معضل تبدیل و نیازمند سیاست‌گذاری می‌شود و تا مرحله وضع و اجرای یک سیاست در معرض تصمیم‌گیری‌های مکرر قرار می‌گیرد. اگر تصمیم‌گیری را در تعریفی ساده، فرآیندی بدانیم که به کمک آن تلاش می‌شود تا راه حلی برای یک مسئله پیدا شود (Stone) می‌توانیم آن را جزئی جدانشدنی از سیاست‌گذاری بدانیم. سیاست‌گذاری عمومی، کلتی از فرآیندهای تصمیمی است که به کمک آن یک دولت تصمیم می‌گیرد به مسئله یا ملاحظه‌ای پردازد یا نپردازد (شافریتز) (ملک محمدی، ۱۳۹۹: ۳۳). برای تصمیم‌گیری فرایندهای متفاوتی مطرح شده است. در تحلیل فرایند تصمیم‌گیری "هربرت سایمون" چهار مرحله را پیش‌بینی کرده است که تحقق هر کدام از آنها مستلزم دستیابی به اطلاعات مطلوب است این مراحل عبارتند از:

(۱) مرحله فعالیت هوشمندانه

(۲) مرحله فعالیت طراحی

(۳) مرحله فعالیت انتخاب

(۴) مرحله فعالیت ارزیابی (محمودی، ۱۳۹۱: ۶۰ و ۶۱)

این مسئله بر فرض محدودیت اطلاعات انسانی بنا شده است و تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را با یک تناقض مواجه می‌کند. از سویی بحث از محدودیت‌های انسان در گردآوری و ذخیره سازی و به خصوص تحلیل اطلاعات مطرح است از سویی دیگر در دنیای کنونی به وسیله فناوری‌های اطلاعاتی با انبوهی از داده‌ها در مورد یک پدیده مواجهیم که به صورت عکس به بحران تصمیم‌گیری به علت تورم اطلاعات تبدیل می‌شود. اینجاست که سیستم‌های اطلاعاتی از انواع تصمیمات مدیران پشتیبانی می‌کند و به آن‌ها کمک می‌کند که بهترین تصمیمات را در کمترین زمان ممکن اتخاذ کنند. این سیستم‌ها می‌توانند از پایین‌ترین رده‌های ممکن در حوزه جمع‌آوری تا بالاترین تصمیمات و تحلیل‌ها به صورت نیمه هوشمند و هوشمند در دسترس مدیران و سیاستگذاران قرار گیرند و پیچیدگی‌های تورم اطلاعاتی را رفع نمایند. هر

چه اطلاعات در مورد موضوع تصمیم دقیق تر و جامع تر باشد تصمیم گیری نیز از کیفیت و ضمانت اجرایی بالاتری برخوردار است گرچه اطلاعات در مراحل اجرا و بازخورد تصمیمات اتخاذ شده نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

امروزه سیستم های اطلاعاتی فناوری پایه توانسته اند پارادوکس کمبود اطلاعات و انبوه اطلاعات را در سیاستگذاری مرتفع سازند و باعث شده اند که از انبوه داده ها آن مواردی که مد نظر سیاست گذاران است جمع آوری، ذخیره سازی و تحلیل شود و به هر کدام از نهادها بنا به موقعیت گزارش داده شود. یکی از ویژگی های خاص سیستم های حرفه ای توانایی آنها در استدلال دادن، مهارت ها و اطلاعات لازم ذخیره شده در پایگاه اطلاعاتی و قابل قبول بودن این اطلاعات برای تصمیم گیری است. این رایانه ها طوری برنامه ریزی شده اند که می تواند اطلاعات را بر پایه مرحله جستجو و تطابق دادن تفسیر و ترجمه کنند. اطلاعات استخراج شده در ترکیبی به نام موتور استنباطی عمل می کنند و از آن نتایج افراد تازه کار به عنوان نظریه و پیشنهاد استفاده می کنند. در طول سال های گذشته فناوری سیستم های حرفه ای به طرز موفقیت آمیزی در بسیاری از شرکت ها و موسسات و هم چنین دولت های دور دنیا برای شناسایی و حل مسائل و مشکلات مربوط و کمک به تصمیم گیری به آنها به کار می رود (توربان، رینر، پاتر، ۱۳۹۱: ۴۰۹).

نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در بسط ظرفیت های امنیتی دولت مدرن

دولت ملی مسئول تأمین امنیت اتباع خود در حیطه سرزمینی و حتی فرا سرزمینی است که شامل دو بعد داخلی و خارجی است. در بعد داخلی حفظ امنیت در ابتدا به توانایی تشخیص تهدیدات بالقوه و بالفعل نیازمند است. دولت ها باید بتوانند تشخیص دهند با چه مخالفانی و در چه سطح تهدیدی مواجه هستند. برای این کار محتاج به سیستم های اطلاعاتی پیچیده و مبتنی بر فناوری های اطلاعاتی روز هستند. دولت مدرن با حساسیت نشان دادن به تهاجم داخلی میلی قوی برای جستجوی شورشگران دارد (ویستر، ۱۳۸۹: ۱۱۳). هر چه دسترسی دولت ها به اطلاعات امنیتی دقیق تر باشد، تصمیمات امنیتی کارآمدتر اتخاذ می شود.

یکی دیگر از کارویژه های مهم دولت مدرن حفظ تمامیت ارضی است. در واقع پیش نیاز شکل گیری دولت های مدرن آمادگی برای جنگ و توانایی دفاع از مرزهای سرزمینی است. همانطور که گیدنز اشاره می کند رابطه ای عمیق بین دولت ملی و جنگ وجود دارد و به عبارت

بهتر دولت های ملی در شرایط جنگی بوجود آمده اند و حد و مرز های خود را تعیین نموده اند. (همان: ۱۰۶ و ۱۰۷). در جهان مدرن جنگ ها نیز مدرن شده اند. شاید بتوان گفت پیشرفته ترین فناوری ها، فناوری های دفاعی اند و با پیشرفت صنعتی و تکنولوژی گره خورده اند. در عصر اطلاعات محور اصلی جنگ نیز اطلاعات و فناوری های اطلاعاتی شده اند. برتری نظامی آمریکا در بیش از پنج دهه گذشته مرهون توانایی استثنایی این کشور در تبدیل ابداعات فناورانه و توان صنعتی اش به مزیت های موثر میدان جنگ بوده است (اسکینر، ۱۳۸۴: ۵۳).

رابرت اسکیلز^۱ در کتاب جنگ آینده می نویسد: هنری فورد و هاینس گودریان آلمانی هرگز یکدیگر را ندیدند ولی این ژنرال آلمانی بارها از ابداع فورد برای رسیدن به پیروزی در میدان جنگ استفاده کرد. به همین ترتیب تاریخ سرانجام جنگجویی را خلق خواهد کرد که از فرصت های به وجود آمده توسط بیل گیتس و انقلابی که با نام او عجین است حداکثر استفاده را خواهد کرد (اسکیلز، ۱۳۸۴: ۲۵). در واقع جنگ در عصر اطلاعات ماهیت جدیدی مبتنی بر سیستم های اطلاعاتی با فناوری های پیشرفته پیدا کرده است. پروفیسور جان اریکسون^۲ مسئله مهم را با صراحت چنین بیان می کند: عملیات نظامی مدرن با سلاح سر و کار ندارند. آنها با اطلاعات، دستور و نظارت سرکار دارند. اطلاعات کارها را انجام می دهد. اطلاعات سلاح ها را شلیک می کند. اطلاعات به دیگران می گوید که به کجا بروند. شبکه علائم مهم ترین چیز است. اگر می خواهید دنیا را خلع سلاح کنید آن را از دست کامپیوترها نجات دهید (وبستر، ۱۳۸۹: ۱۰۹). نقطه کانونی جنگ های نوین سیستم های اطلاعاتی مبتنی بر فناوری های ارتباطاتی می باشند که نقشی تعیین کننده در امنیت دولت ها ایفا می کنند.

نقش فناوری های اطلاعات و ارتباطات در بسط ظرفیت های خدماتی دولت مدرن

از قرن بیستم استفاده گسترده از فناوری درون دستگاه های دولتی کشورهای متعددی در زمینه هایی چون ارتباطات، سیستم های اداری، جمع آوری و ذخیره داده، امنیت و نظارت و همچنین توزیع اطلاعات وجود داشته است و از این رو می توان گفت که دولت الکترونیک مفهوم جدیدی نیست اما صنعت همزمان اطلاعات ظرفیت های بی سابقه و قابلیت های متنوع و متکثری را در

1. Robert J Skinner

2. Johan Ericsson

اختیار دولت و سازمان های دولتی گذاشته و و ایده های متعددی درباره ایجاد ادارات مدرن برای ارائه خدمات دولتی مطرح شده است (عاملی، ۱۳۹۶: ۳۵). دولت الکترونیک به عنوان آخرین نسخه دولت مدرن، دستگاه حکومت خود را مجهز به فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی نموده و در حکمرانی شکلی اطلاعاتی و مبتنی بر داده به خود گرفته است. چنین دولتی چه در خصوص نظارت بر اتباع و چه در خصوص خدمات و وظایفی که در قبال آن ها بر عهده دارد به شدت مبتنی بر سیستم های اطلاعاتی عمل می کند.

در دولت الکترونیک بسیاری از فعالیت ها مانند اخذ مجوزها، ثبت اسناد و املاک، صدور گواهی نامه های مختلف و... به صورت برخط انجام می پذیرد. دولت ها و حکومت ها با به کارگیری (ICT) در اقدامات و فعالیت های خود خدمات و کالاهای عمومی را به شکل بهتر و مناسب تر به ملت های خویش عرضه می نمایند. با این روش نه تنها دولت می تواند به شکل مناسب تری اعمال تصدی گری و اعمال حاکمیتی خود را اعمال کند بلکه ضمن تعامل بهتر با مردم خود مفاهیمی چون شهروند، حقوق شهروندی، حاکمیت دولتی، مردم سالاری را نیز تعاریف جدیدی به خود گرفته اند. اینک حکومت ها با بهره گیری از آی سی تی دولتی به شکل الکترونیکی راه اندازی نموده و خدمات اداری، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، تولیدی، صنعتی، کشاورزی، آموزشی و حتی نظامی خود را با کمترین تردد و جابجایی فیزیکی انسان ها و امکانات جامعه و بدون استفاده از کاغذ و با افزایش بهره وری و بهبود خدمات و ارتقای سطح اطلاعات به شهروندان، شرکت ها، مؤسسات، تجار، کسبه و حتی کارکنان خود ارائه می نمایند (قاضی زاده فرد، ۱۳۸۷: ۵۲). دولت الکترونیک در دهه های اخیر بخصوص در کشور های پیشرفته عمومیت پیدا کرده است که دلایل متعددی را برای این امر می توان ذکر کرد از جمله:

الف) تکامل دولت ها در پاسخ به عصر اطلاعات

ب) تقاضای زیاد شهروندان

ج) مشارکت بیشتر شهروندان

د) بهتر و سریع تر بودن دولت الکترونیک برای همگان به خصوص در تعاملات دولت با شهروندان در گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی او.ای.سی.دی^۱ عوامل ظهور دولت

الکترونیک و ضرورت وجود آن در جامعه معاصر بر اساس "تکامل دولت‌ها در پاسخ به عصر اطلاعات" "تقاضای زیاد شهروندان" و "مشارکت بیشتر شهروندان" و "بهرتر بودن دولت الکترونیک نیز برای همگان" اشاره شده است (او.ای.سی.دی، ۲۰۰۳: ۶۲-۶۹)

نقش فناوری‌های اطلاعاتی در بسط ظرفیت‌های دیپلماسی دولت‌های مدرن

یکی از دستاوردهای مهم فناوری‌های دیجیتال در عصر ارتباطات مجموعه‌ای از سیستم‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است که بر بستر اینترنت یک شبکه مجازی ارتباطی را به وجود آورده است. که باعث بوجود آمدن یک منبع قدرت جدید برای دولت‌ها شده است. دیگر مرزها برای انتقال پیام مانعی محسوب نمی‌شوند و این موضوع باعث شکل‌گیری نوع جدیدی از دیپلماسی گردیده که به سوی عامه مردم گرایش دارد و در ابتدا تحت عنوان دیپلماسی عمومی^۱ نامیده می‌شد که در این اواخر مبتنی بر پیشرفت‌های فناوری‌های ارتباطی عمومی‌عنوانی مانند دیپلماسی سایبری^۲ برای آن مطرح شده است. با ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی و پیدایش بازیگران غیردولتی شیوه جدید دیپلماسی مطرح شد که بیشتر به سوی توده‌ها و عامه مردم گرایش داشت محققان این جریان جدید اطلاعات را به عنوان تبلیغات ارتباطات سیاسی اقناعی و به تازگی دیپلماسی علمی به رسمیت شناخته‌اند یکی از مهمترین ویژگی‌های این شکل جدید اطلاعات اهمیت بود که برای افکار عمومی قائل بودند (مولانا، ۱۳۸۷: ۳۰)

پیشرفت فناوری و ایجاد اینترنت منجر به شکل‌گیری شاخه‌ای از دیپلماسی عمومی موسوم به سایبر دیپلماسی گردید که از ویژگی‌های آن انتشار اخبار و اطلاعات از طریق رسانه‌های برخط است این امر روابط بین دولت‌ها را که پیشتر توسط دیپلمات‌ها انجام می‌گرفت به روابطی چندجانبه تبدیل کرده است نتیجه این وضعیت آن است که بیشترین تلاش دستگاه دیپلماسی هر کشور معطوف به برقراری روابط با ملت‌ها از طریق رسانه‌ها و در فضای مجازی گردیده است از سوی دیگر کارکنان رسانه‌ها و بازیگران غیردولتی با نفوذ به افشاگری می‌پردازند و با انگیزه جلب افکار عمومی در مسائل دخالت می‌کند (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۳)

1. Public Diplomacy

2. Cyber Diplomacy

چالش حاکمیت دولت های مدرن در عصر اطلاعات

فن آوری های اطلاعاتی لزوما باعث تقویت حاکمیت دولت های مدرن و یا به عبارت دیگر دولت های ملی نمی شوند و مواجهه ی دولت های ملی با این پدیده یکسان نتیجه یکسانی نداشته است. به اعتقاد کاستلز^۱ تنوع شیوه های ارتباطی و به هم پوستن همه رسانه ها در یک متن گسترده دیجیتالی و چند رسانه ای و امکان پذیری کنترل امواج ماهواره ها و ارتباطات کامپیوتری باعث شده اند تمامی جنبه های سنتی نظارت دفاعی در جهت مسدود کردن مرزهای سیاسی و فرهنگی بسیار تضعیف گردد. به اعتقاد وی جهانی شدن رسانه ها و ارتباطات الکترونیک به مثابه ملیت زدایی و دولت زدایی از اطلاعات است و این روند ها تفکیک ناپذیرند به شدت بر اقتدار سیاسی دولت های ملی می تواند آسیب وارد کند. (کاستلز، جلد ۲، ۱۳۸۰: ۳۰۹ و ۳۱۳). این اعتقاد فقط مختص کاستلز نیست بلکه بسیاری از صاحب نظران معتقدند در فرایند جهانی شدن فشارهای داخلی و خارجی باعث تضعیف حکومت های ملی خواهد شد. درباره تحول مفهوم حاکمیت ملی در دوران حاضر دیدگاه های مختلفی در حوزه نظریات روابط بین الملل وجود دارد. از جمله دو دیدگاه مهم این حوزه

۱. دیدگاه رئالیستی ها

۲. دیدگاه لیبرالیست ها

رئالیست ها معتقدند که اصل حاکمیت در نظام بین المللی رو به نابودی نیست بلکه شکل و نوع آن در حال تحول است و در این زمینه می توان به اتحادیه های اروپایی اشاره کرد که به جای حاکمیت های ضعیف یک حاکمیت قوی تحت عنوان ایالات متحده اروپا در حال ظهور است اما لیبرال ها نظری مغایر با این دیدگاه دارند و معتقدند که تضعیف حاکمیت های ملی در جهان معاصر در حال وقوع است همچنین مدعی اند که با رشد حقوق مالکانه از سوی شرکت ها، نهاد ها و اشخاص اصل حاکمیت رو به ضعف نهاده و در طولانی مدت رو به نابودی است (بدیعی و حسینی نصر آبادی، ۱۳۹۱: ۱۶۸) اما به نوعی هم لیبرال ها بخشی از حقیقت را عنوان می کنند و هم رئالیست ها. عصر اطلاعات و فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی از سویی باعث تضعیف حاکمیت برخی از دولت های ملی و از سوی دیگر موجب تقویت برخی دیگر می شود. عکس العمل دولت ها در

مواجهه با عصر اطلاعات به قوت و ضعف خود آن دولت‌ها بستگی خواهد داشت. جوامع به علت گستردگی فناوری‌های اطلاعاتی به جوامع شبکه‌ای تبدیل شده و یا می‌شوند و در واقع قدرت آن‌ها در مقابل دولت افزایش پیدا می‌کند. دولت‌های ضعیف در مقابل جامعه قدرتمند شده به وسیله اطلاعات و فناوری‌های ارتباطی روز به روز ضعیف‌تر می‌گردند و به سوی نابودی حاکمیت ملی حرکت می‌کنند. اما دولت‌های قوی و مجهز به فناوری‌های پیشرفته اطلاعاتی در صورت بکارگیری هوشمندانه‌ی این فناوری‌ها در جهت سیاست‌های اقناعی به سوی تقویت و بسط هرچه بیشتر حاکمیت ملی و حتی بین‌المللی خود حرکت خواهند کرد. برای بررسی این مدعا لازم است در ابتدا مفهوم دولت قوی و دولت ضعیف را مورد بررسی قرار دهیم.

دولت قوی و دولت ضعیف

قوت و ضعف دولت‌ها در توانمندی تحقق کارکردهای اصلی خود نمایان می‌شود. هر قدر دولت در تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های خود استقلال و توانمندی بالاتری داشته باشد قوی‌تر و هرگاه این استقلال و توانمندی کمتر باشد دولت به سمت ضعف حرکت می‌کند. این بحث را می‌توان به خوبی در نظریه ژول میگدال^۱ یافت. نظریه او بر الگوی تعامل جامعه و دولت قرار دارد. میگدال دولت را یک سازمان اجتماعی میان سایر سازمان‌های اجتماعی موجود می‌داند و از سویی دیگر جامعه را نیز آمیزه‌ای از سازمان‌های اجتماعی متنوع در نظر می‌گیرد که می‌تواند شامل خانواده، قبایل، نهاد‌های مدنی، سازمان‌ها و غیره باشد (Migdal, 1988: 28). هر یک از این سازمان‌های اجتماعی قوانین و باورهای خود را تولید و انتشار می‌دهد و این افراد هستند که از بین آن‌ها انتخاب می‌کنند و از هر یک از آن‌ها پیروی می‌نمایند. این انتخاب بر اساس برآورده کردن نیازهای روحی و روانی افراد، که میگدال آن را "استراتژی بقا - برنامه عمل و عقیده" می‌نامد، انجام می‌شود (Migdal, 1988: 27). در تسلیم شدن افراد به قوانین سازمان، سوی دیگری نیز وجود دارد که میگدال آن را "کنترل اجتماعی" توسط سازمان‌ها نام‌گذاری می‌کند. این کنترل اجتماعی میزان قدرت نفوذ سازمان‌های اجتماعی را نمایان می‌کند که می‌تواند در طیفی از اجبار تا اقناع و مشروعیت قرار گیرد (Migdal, 1988: 22). دولت به عنوان یک سازمان اجتماعی مشغول بازی با همین

قواعد برای ایجاد کنترل اجتماعی بیشتر و پذیرش قواعد و رویه های خود از سوی افراد است و در این مسیر با سایر سازمان های اجتماعی در ستیز و یا تعامل است (Migdal, 1988: 22). این نکته اصلی الگوی تعامل دولت-جامعه میگدال است. یعنی دولت و سازمان های اجتماعی به طور مداوم برای کنترل اجتماعی رقابت می کنند. اقتدار قالب تعیین کننده پیروز این میدان است.

معمولاً رابطه دولت و جامعه با سلطه یکی بر دیگری مشخص نمی شود، گرچه این امر در شرایط خاصی رخ می دهد (مثلاً تسلط دولت در رژیم های توتالیتار). در حقیقت، هر دو نهاد بر یکدیگر تأثیر می گذارند. قابلیت های دولتی "ظرفیت هایی برای نفوذ به جامعه، تنظیم روابط اجتماعی، استخراج منابع و اختصاص یا استفاده از منابع به روش های معین را شامل می شود. دولت های قدرتمند آنهایی هستند که توانایی های بالایی در انجام این کارها دارند، در حالی که دولت های ضعیف در رده پایین این طیف قابلیت ها قرار دارند" (Migdal, 1988: 4-5) تمایز دولت قوی و دولت ضعیف بر اساس شاخص سطح تحقق عینی حق حاکمیت دولت در معنای وبری تعریف می شود. مطابق تعریف کلاسیک توماس هابز^۱ و بعدها ماکس^۲ و بر عنصر معرف و مقوم دولت مدرن انحصار کاربرد مشروع زور توسط یک گروه در یک محدوده سرزمینی با مرزهای مشخص دانسته شده است بر بستر تحقق حاکمیت است که امکان شکل گیری امنیت، تضمین حقوق مالکیت، آموزش عمومی و نظایر آن در جوامع مدرن ممکن شده است (کاظمی، ۱۳۹۴: ۷۱۳).

در آن سوی دولت جامعه قرار دارد که آن نیز به جامعه قوی و ضعیف تقسیم می شود. هرچه جامعه در مقابل دولت از استقلال و نفوذ ناپذیری بیشتری برخوردار باشد جامعه قوی و هرچه مطیع تر و نفوذپذیر تر در مقابل سیاست های دولت باشد ضعیف تر است. جامعه قوی را می توان با دورویکرد منفی و مثبت شناسایی کرد. جامعه مدنی مبتنی بر نهادهای اجتماعی مدرن رویکرد مثبت آن و جوامع قبیله ای، نفوذ ناپذیر و پراکنده رویکرد منفی جامعه را به نمایش می گذارند. جامعه قوی منفی در یک تعریف این گونه بیان می شود، ویژگی های چون وجود شکاف های متنوع اجتماعی گروه بندی های به شدت متعارض وجود همبستگی های درون گروهی شدید در متن جامعه هویت های قبیله ای، قومی، محلی و عدم شکل گیری و تثبیت هویت ملی

1. Hobbes Thomas

2. Weber Max

و در نهایت تمایل به حفظ خودمختاری منطقه‌ای و محلی در چنین برداشتی قوی بودن جوامع جهان‌سومی به عنوان یک ویژگی منفی مفهومی بسیار متفاوت با مفهوم جامعه مدنی قوی به عنوان پشتوانه تعهد دموکراسی‌های پایدار دارد (کاظمی، ۱۳۹۴: ۷۱۵)

چالش حاکمیت دولت‌های ضعیف در عصر اطلاعات

دولت‌ها در عصر اطلاعات از دو سو با تهدید ضعیف شدن حاکمیت ملی مواجه‌اند از یک سو جریان اطلاعات در حوزه ملی و سرزمینی خود و از سوی دیگر جریان اطلاعات جهانی شده و فرا سرزمینی مجهز شدن جوامع خودبسند و قوی به فناوری‌های ارتباطی و فرایند جهانی شدن که فناوری‌های اطلاعاتی آن را تسریع نموده است دوروی یک سکه‌اند که موجب تضعیف حاکمیت‌های ملی به خصوص تضعیف حاکمیت ملی در دولت‌های ضعیف می‌گردند. واقعیت این است که انقلاب اطلاعات ساختارهای قدرت را به شدت تحت فشار خود قرار داده است در این فضا اعمال حاکمیت یا قدرت کشور برای جلوگیری از دخالت دیگران در امور داخلی به سرعت در حال تضعیف است به طوری که امروز هیچ فرد کشوری نمی‌تواند مانع ورود جریان اطلاعات به مرزهای داخلی شود به این ترتیب فضای مجازی و شبکه مجازی اینترنت به دلیل ماهیت عملکرد فراملی و نیز قابلیت برقراری ارتباط و جابجایی اطلاعات و داده‌ها در مقیاس جهانی به اتصال کاربران سراسر جهان صرف نظر از ملیت قومیت مذهب نژاد زبان و جز اینها عملاً در تعارض با منافع حکومت‌ها و کشورها و دولت‌های ملی قرار می‌گیرد (بدیعی، ۱۳۹۱: ۱۵۷ و ۱۶۸).

این چالش به خصوص برای دولت‌های ضعیف که از قابلیت‌های نوین مبتنی بر سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطی نیز کم بهره هستند و به حاکمیتی سنتی و غیر مشروع دارند کاملاً جدی به نظر می‌رسد. اعتماد نقطه اساسی پیوند جامعه به دولت است و کافی است در جامعه شبکه‌ای شده و مبتنی بر اینترنت این اعتماد فرو بریزد. در این صورت جامعه اطلاعاتی شده مبتنی بر اساس اینترنت و مجموعه نرم افزارهای اینترنتی فضایی جدید برای ایجاد همبستگی و ابراز مخالفت دارد که دولت تسلطی بر آن نخواهد داشت. در این اوضاع شبکه‌های اجتماعی اینترنتی یک فضای خودمختاری تشکیل داده‌اند. این شبکه‌ها فضای خودمختاری هستند که تا اندازه زیادی خارج از کنترل حکومت‌ها و شرکت‌ها عمل می‌کنند. حکومت‌ها و شرکت‌هایی که در سراسر تاریخ به انحصاری کردن کانال‌های ارتباط به مثابه شالوده قدرتشان پرداختند (کاستلز، ۱۳۹۴: ۱۰).

در دولت هایی که مشروعیت خود را از دست داده اند شبکه ای شدن جامعه به ایجاد تنش های اجتماعی منجر می شود که حاکمیت دولت ها را از درون مورد تهدید قرار می دهد.

به نظر می رسد بیشتر از اینکه کلیت دولت ملی در عصر اطلاعات مورد تهدید قرار گیرد این دولت های ضعیف هستند که با چالش مواجه می شوند. دولت های ضعیفی که از مشروعیت کافی نیز برخوردار نیستند و در جهان کنونی شبکه ای شده توسط اینترنت و فناوری های نوین اطلاعاتی در معرض تضعیف حاکمیت و حتی اضمحلال قرار دارند. این تهدید برای این تیپ از دولت ها فقط از سمت جامعه خود آن ها نیست بلکه می تواند از سوی دولت های دیگر و گردش اطلاعات جهانی شده بر بستر فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی صورت گیرد. دولت هایی که با جامعه و محیط جهانی شبکه ای شده و اطلاعاتی شده مواجه اند و قابلیت کافی برای فهم، مواجهه و پاسخگویی به نیاز های جدید جامعه خود و جامعه جهانی را ندارند. اما سوال اینجاست که آیا دولت های قوی نیز با چنین بحرانی مواجه می شوند؟

بسط ظرفیت حاکمیت دولت های قوی مبتنی بر قدرت نرم توسط فناوری های اطلاعاتی و چالش های آن

همانطور که گفته شد دولت های قوی دولت هایی هستند که در تصمیم گیری و اجرای سیاست های خود از استقلال و توانمندی بالایی در مقابل سازمان های اجتماعی دیگر برخوردارند. این دولت ها نه تنها از قابلیت مسلط شدن بر فناوری های جدید بهره می برند بلکه خود نیز در خلق چنین فناوری هایی پیشرو هستند و از آن ها برای بسط ظرفیت های حاکمیت خود نهایت استفاده را می کنند. (کاظمی: ۱۳۹۸ جزوه) دولت های قوی به نوعی خود عامل و سیاست گذار پیشرفت های فناوری های نوین ارتباطی اند و حتی بر شرکت های خصوصی که در حوزه این فناوری ها پیشرو هستند نظارت می کنند. این فناوری ها باعث گسترش هر چه بیشتر نظارت دولت های قوی بر اتباع خود می شوند.

به نظر می رسد شیوه اعمال حاکمیت در دولت های مدرن قوی که به فناوری های اطلاعاتی جدید مجهزند در حال تغییر است. این دولت ها به علت برخورداری از اطلاعات گسترده و دقیق از جامع خویش و حتی جامعه جهانی به فرصتی تاریخی و بی بدیل برای حکمرانی نرم و اقتناعی دست پیدا کرده اند. اطلاعات گسترده و چند وجهی منبعی عظیم برای کنترل، جهت

دهی و اقتناع افکار عمومی در اختیار دولت های مجهز به فناوری های اطلاعاتی قرار داده است. دولت ها جهت پیشبرد و تامین منافع ملی و جهانی راهی جز استفاده از یک سیستم سایبرنتیک^۱ برای کنترل سیستم ها از طریق کنترل اطلاعات و احتراز از حرکت مبتنی بر قدرت و تاکید بر اطلاعات و ارتباطات آزاد و رفتار انعطاف پذیر در تعامل با جامعه های مدنی باقی نمانده است (جهانگیر، ۱۳۸۶: ۹۴)

ما در حال گذار به نوعی حکمرانی پیچیده مبتنی بر اطلاعات هستیم که در دولت های قوی در حال شکل گیری است. در واقع این فناوری ها فرصتی بی نظیر در اختیار دولت های قوی برای نظارت و شناخت به زوایای پنهان فکری، گرایشی و رفتاری اتباع تحت حاکمیت قرار داده است که این عامل مهمی در ایجاد انگیزه در دولت ها برای کسب مشروعیت از طریق سیاستگذاری ها و تصمیمات اقناعی و نرم در مواجهه با جامعه ایجاد کرده است. شیوه جدید حکومتداری از رهگذر ترکیب آلیاژگونه "قدرت، فناوری و روان" است (ستاری: ۱۳۹۴، ۶۷۹-۶۹۷). بنابراین در عصر اطلاعات که فناوری های اطلاعاتی موتور پیشران آن محسوب می شوند، حکمرانی بر جوامع شبکه ای شده چالشی است که موجب تضعیف و یا اضمحلال دولت های ضعیف می گردد و از سوی دیگر همین چالش موجب بازآفرینی نسل جدیدی از دولت های مدرن مشروعیت خواه با رویکرد های اقناعی و نرم با حکمرانی مبتنی بر داده و اطلاعات گردیده است که توانسته اند ظرفیت های حکمرانی خود را بر اساس فناوری های نوین اطلاعاتی گسترش دهند. بدون زیرساخت های برنامه ریزی و خط مشی ارتباطی کشورهای از نظر صنعتی کمتر توسعه یافته برای مهار کاربردهای منابع در موقعیت ضعیف قرار دارد و به شدت تحت تأثیر شرکت های بین المللی خصوصی هستند که دستور کار آنها با اهداف توسعه ملی کشورهای مزبور تفاوت دارد. از سوی دیگر چنین کشورهایی با درجه بالایی از منابع طبیعی و انسانی از راهبردهای ملی با دقت طراحی شده برای برنامه ریزی و خط مشی ارتباطی می توانند نظارت قدرتمندی را بر عوامل اقتصادی سیاسی فرهنگی و فناوریانه و قانونی موثر بر توسعه اعمال کنند. (مولانا، ۱۳۸۷: ۳۱۴).

البته لازم به ذکر است که همین فناوری ها موجب ایجاد تهدیدات جدیدی بر علیه دولت های مدرن قوی نیز گردیده اند. تهدیداتی مانند:

- افزایش خطر تروریسم سایبری و گروه های تبهکار سایبری
 - جنگ سایبری و دزدی اطلاعات توسط دولت ها رقیب یا دشمن
 - تقویت مخالفان سیاسی و شبکه ای شدن آن ها با استفاده از این فناوری ها .
 - چالش های تصمیم گیری در حوزه های مختلف به علت تورم اطلاعات.
 - وابستگی بیش از حد ارتش این کشورها به این فناوری ها در مقابل دشمنان سنتی که خود باعث به وجود آمدن چالش های نامتقارن در جنگ خواهد شد و ممکن است دشمنان را به موازنه های نامتقارن برساند .
 - نارضایتی اتباع از نظارت دولت ها می گردد
- هر یک از این چالش ها قابلیت تبدیل شدن به تهدیدات جدی علیه هر یک از دولت های مدرن قوی را دارا می باشند و در صورت عدم آمادگی دولت ها می توانند منجر به سقوط قدرت حاکمیت آن ها گردند.

نتیجه گیری

در این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش اساسی بودیم که گسترش فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی چه تاثیری در بسط ظرفیت های سیاستگذاری، دیپلماتیک و... دولت های مدرن داشته است و چه چالش هایی را پیش روی دولتهای مدرن گذاشته است و در پاسخ به این سوال این فرضیه را مطرح کردیم که در عصر اطلاعاتی شدن جوامع یکی از ابزارهای افزایش قدرت نرم کشورهای بسط ظرفیت های ارتباطی و اطلاعاتی می باشد. همه نظام های سیاسی از دولت های سنتی تا دولت های مدرن مکلف به اتخاذ تصمیم و اجرای تصمیمات خود بوده اند فارغ از اینکه این تصمیمات با چه فرایندی گرفته می شدند و چگونه اجرا می شدند، باید اذعان کرد که در تمام این مراحل نظام های سیاسی به دنبال یافتن اطلاعات مفید در خصوص موضوع تصمیمات خود بوده اند. اما در جوامع مدرن که سازمان یافتگی به یکی از وجوه مهم افتراق آن با جوامع سنتی تبدیل شده است احتیاج به نظارت و داشتن اطلاعات برای دولت های مدرنی که بر این جوامع حکمرانی می کنند بسیار مهم تر از گذشته به چشم می خورد و به بیانی می توان گفت که اطلاعات بخشی از ماهیت دولت های مدرن تبدیل گشته است و این دولت ها را به دولت های اطلاعاتی تبدیل نموده است.

در حال حاضر این فناوری ها با تبدیل کردن جوامع به جوامع شبکه ای باعث خودمختاری و هرچه قدرتمند تر شدن آن ها گشته است و حکمرانی را در عصر اطلاعات پیچیده تر نموده است. رشد فناوری های اطلاعاتی در بستر انواع سیستم های اطلاعاتی از سوی دیگر باعث گردیده که دولت های مدرن در صورت توجه و استفاده کارآمد از آن ها بتوانند ظرفیت های گردآوری و تحلیل اطلاعات را در خود گسترش داده و از این طریق نظارت و خدمات خود را بسط دهند. این استفاده در حال حاضر به گونه ای است که شاهد شکل گیری ساختارهای جدید در آژانس های اطلاعاتی، تشکیل ارتش ها و سلاح های اطلاعات محور، شکل گیری دیپلماسی سایبری و تصمیم گیری های پشتیبانی شده توسط سیستم های اطلاعاتی هوشمند در دولت های مدرن می باشیم.

اما همه دولت های مدرن قادر به بسط ظرفیت های خود از این طریق نمی باشند. دولت های ضعیفی که نمی توانند از این ظرفیت ها استفاده کنند در مقابل جوامع شبکه ای قدرتمند شده خود به سمت اضمحلال و بی ثباتی حرکت می کنند در سوی دیگر دولت های قوی که قادر به استفاده گسترده از این سیستم ها و فناوری ها می شوند در صورت مدیریت کارآمد می توانند ظرفیت های نظارتی و خدماتی خود را گسترش داده و حاکمیت خود را از این طریق تقویت نمایند. نکته اساسی این است که شکل حکمرانی به علت وجود جوامع اطلاعاتی و قدرتمند تر شدن آن ها به سمت تقویت و توجه بیشتر به مشروعیت و اقتناع در حرکت است و به نظر می رسد دولت های قوی با استفاده از اطلاعات وسیع از اتباع خود و حتی اتباع سایر دولت ها و تحلیل های هوشمند مبتنی بر سیستم های اطلاعاتی فناوری محور، قادر به درک این پیچیدگی ها و در نهایت اتخاذ تصمیماتی می شوند که قابلیت اقناعی بیشتری دارند.

چالش هایی نیز دولت مدرن قوی را تهدید می کند که برگرفته از همین فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی است. از جمله سرقت اطلاعات توسط دولت های رقیب یا استفاده تروریسم بین المللی از این فناوری ها و همچنین پدیده ای به نام جنگ سایبری و غیره. با این حال نمی توان اهمیت سیستم های اطلاعاتی مبتنی بر فناوری های جدید را در امر اداره و بسط ظرفیت های دولت ها نادیده و یا کم ارزش جلوه داد. لازم است در رشته علوم سیاسی که به مطالعه دولت می پردازد نقش سیستم های اطلاعاتی فناوری پایه و اهمیت آن بر روی بسط ظرفیت های پررنگ تر دنبال شود و در معادله قدرت متغیر سیستم های اطلاعاتی فناوری پایه را به طور جدی لحاظ نماید.

منابع

۱. ابراهیم پور، حبیب و الیک، فهمیه (۱۳۹۵). «بررسی نقش حکمرانی خوب در کارآمدی دولتها»، کنفرانس بین المللی نخبگان
۲. آشنایی با شاخص های دولت مدرن (۱۳۹۵). دفتر مطالعات بنیادین حکومتی، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
۳. پژوهشگران گروه رسانه، اقناع در خبر (۱۳۹۷).
۴. پورا احمدی، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: موسسه بوستان کتاب.
۵. جمالی، حسین (۱۳۷۹). تاریخ و اصول روابط بین الملل، قم: مرکز تحقیقات اسلامی.
۶. ره پیک، سیامک و کلاهیچیان، محمود (۱۳۸۷)، «طراحی الگوی مناسب کاربرد منابع قدرت نرم در تامین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۲۱.
۷. عسگری، محمود (۱۳۸۹). «رویکردی انتقادی به نظریه قدرت نرم»، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۲۸، بهار.
۸. گروه مطالعات امنیتی (۱۳۸۷). تهدیدات قدرت ملی شاخص ها و ابعاد، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۹. نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم، "ابزار موفقیت در سیاست بین الملل"، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی دوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۰. نای، جوزف (۱۳۹۲)، قدرت و موازنه نرم در سیاست بین الملل، ترجمه عسگر قهرمانپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت در عصر اطلاعات؛ از واقع گرایی تا جهانی شدن، ترجمه سعید میرترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
12. Gill.B. & Y. Huang (Summer2006). "Sources and limits of Chinese soft power", Survival, Vol.48, No2.
13. Nye, joseph (1990), "The Changing Nature of Power", Political Science Review Quarterly", Vol.105, No.4.

14. Nye, Joseph (2004), "Soft Power: The Means to Success in World Politics", New YORK: Carnegie Council of Ethics and International Affair.
15. Zhang, Yazhi (2001), "On the Disintegration of the Soviet Union, from the perspective of soft power in Culture", Available at:<http://www.dlb.ut.ac.ir/Idll>.

قدرت انگاره‌ای به مثابه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

سعید شکوهی^۱

چکیده

این پژوهش بر آن است که مفهوم‌بندی رایج از قدرت نرم نمی‌تواند نفوذ و محبوبیت ایران در میان کشورهای منطقه را به‌خوبی تبیین نماید. دلیل آن هم این است که مولفه‌های شکل‌دهنده به قدرت نرم در این چهارچوب عمدتاً مولفه‌های مادی، این جهانی و سکولار هستند. از این‌رو باید یک مفهوم‌بندی متفاوتی از قدرت داشته باشیم تا بتوان این نفوذ و محبوبیت در میان ملل لبنان، فلسطین، عراق، یمن، افغانستان و دیگران را تبیین نمود. بر این اساس، مقاله حاضر مدعی است که برای بررسی مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران باید از چهارچوب مفهومی دیگری بهره جست. بنابراین، مسأله اصلی پژوهش حاضر یافتن چهارچوب مفهومی جدیدی برای تبیین قدرت نرم ایران در منطقه است. به باور نویسنده و بر اساس یافته‌های یک مطالعه پایلوت و هم‌چنین هم‌راستا با برخی پژوهشی‌های پیشین، نویسنده باور دارد که ریشه این قدرت و نفوذ را باید در جهان‌بینی ایرانی-اسلامی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران جست. از این‌رو، با استفاده از مدل نظری برگرفته از دیدگاه‌های آیت‌الله مطهری، مولفه‌های شکل‌دهنده به ۳ بنیان جهان‌بینی، یعنی هست‌ها، آرمان‌ها و باید‌های جهان‌بینی ایرانی-اسلامی در نگاه رهبران جمهوری اسلامی ایران مورد کاوش قرار گرفته است. برای کاویدن این جهان‌بینی از روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد جهت‌دار استفاده شده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که هست‌ها و آرمان‌های جهان‌بینی ایرانی-اسلامی عمدتاً مولفه‌های انگاره‌ای هستند که به بایدهای رفتاری آن نیز شکل می‌دهند. از این‌رو ادعا می‌شود چهارچوب مفهومی قدرت انگاره‌ای^۲ با مولفه‌های غیرمادی، دینی و آن جهانی می‌تواند تبیین بهتری از قدرت و نفوذ ایران در کشورهای دیگر به‌دست دهد.

واژگان کلیدی: قدرت انگاره‌ای، قدرت نرم، جمهوری اسلامی ایران، جهان‌بینی ایرانی-اسلامی.

۱. استادیار روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

shokoohi@atu.ac.ir

2. Ideational Power

مقدمه

اصلی‌ترین ابزار تأمین منافع کشورها در نظام بین‌الملل پیچیده کنونی، قدرت است. میزان قدرت دولت‌ها را مولفه‌های ثابت و متغیر زیادی تعیین می‌کنند که ممکن است از عصری به عصر دیگر متفاوت باشند. طی دهه‌های اخیر مفهوم‌بندی جوزف نای از قدرت و تقسیم آن به قدرت سخت، نرم، هوشمند و اخیراً قدرت گزنده^۱، توجه زیادی را به خود جلب نموده است. از نظر او قدرت نرم آن چیزی است که با ایجاد جاذبه و تسخیر اذهان و ابدال، باعث می‌شود دیگران با میل و علاقه خود آن چیزی را بخواهند و انجام دهند که کشور دارنده قدرت نرم دوست دارد. از نظر نای، سه مولفه اصلی قدرت نرم عبارتند از ارزش‌های سیاسی، جاذبه‌های فرهنگی و سیاست خارجی (Nye, 1990).

جمهوری اسلامی ایران دارای نفوذ و قدرت منطقه‌ای چشم‌گیری است و از این‌رو خیلی از پژوهشگران این نفوذ را ناشی از قدرت نرم ایران می‌خوانند و بر اساس دستگاه نظری طرح‌شده توسط جوزف نای، به تبیین آن گام برمی‌دارند. اما آنچه از نظر نویسنده مقاله در این زمینه متفاوت است این‌که خیلی از منابع و مولفه‌های قدرت نرم ایران در چارچوب نظری نای نمی‌گنجد و نیازمند تبیینی دیگر هستند. به عبارت بهتر اگر چارچوب‌بندی متصلب نای در زمینه قدرت نرم را بپذیریم آن‌گاه نفوذ جمهوری اسلامی ایران را به‌خوبی نمی‌توان توضیح داد. حتی برخی اختلاف‌نظرهای ایران با برخی همسایگان به‌خاطر همین اشتراکات فرهنگی و گاه‌تاریخی است. این پژوهش سعی دارد با فرارفتن از چارچوب مفهومی نای، مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در وادی دیگری جستجو نماید. به نظر می‌رسد با فرارفتن از دیدگاه جریان اصلی درباره قدرت نرم بتوانیم به چارچوب مفهومی برسیم که قابلیت تبیین بهتری به‌دست می‌دهد. از این‌رو، پژوهش حاضر شناسایی این مولفه‌ها را در دستور کار خود قرار داده و برای احصاء آنها، به تحلیل محتوای دیدگاه‌های رهبران نظام پرداخته است.

پژوهش حاضر بر آن است که ماهیت و جنس مولفه‌های شکل‌دهنده به نظریه جوزف نای، مادی، سکولار و این‌جهانی است. به دیگر معنا، همه عناصر و ابزارهایی که نای آنها را برای جذب و تسخیر اذهان و قلوب مخاطبان مهم می‌پندارد از جنس ابزارهای دنیوی، مادی و فیزیکی

1. Sharp Power

از این اصطلاح با نام قدرت زیرکانه هم یاد شده است.

هستند. تأکید بر مولفه‌هایی چون فیلم‌های هالیوودی، سبک زندگی آمریکایی، ارزش‌های لیبرال دموکراسی، مدیریت دانش و پیش‌رو بودن دانشگاه‌های آمریکایی و به‌عنوان ریشه‌های قدرت نرم آمریکایی همگی نشان از این جهانی و فیزیکی و مادی بودن آن‌ها دارد. اگر چنین مواردی را پایه و اساس قدرت نرم بدانیم، سخت بتوان نفوذ و قدرت تعیین‌کنندگی ایران در معادلات منطقه‌ای را توضیح داد. به‌نظر می‌رسد راز و ریشه نفوذ ایران و قدرت آن در برخی کشورهای منطقه و فرامنطقه در فراسوی این مفهوم‌بندی متصلب و این جهانی‌نای باشد.

در این نوشتار تلاش خواهد شد مفهوم‌بندی متفاوتی از قدرت و نفوذ ایران در منطقه به‌دست دهیم. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران از نظر مسائل اقتصادی از ابتدای انقلاب اسلامی تحت شدیدترین فشارها قرار داشته، با توجه به حساسیت برخی کشورها به مولفه‌های غیرعربی قدرت ایران و بر اساس مطالعات پابلوت و یافته‌های پژوهش‌های پیشین، این پژوهش بر آن است که آن‌چه ایران را در افزایش قدرت و نفوذ خود در منطقه یاری‌گر بوده، قدرت انگارای آن بوده است. این پژوهش ضمن طرح یک مفهوم‌بندی جدید، مدعی است که این مفهوم تبیین بهتری از روابط ایران با ملت‌های منطقه به‌دست می‌دهد. در ادامه تلاش خواهد شد ابعاد مهم این قدرت واکاوی شود.

اهداف و سوال اصلی پژوهش

هدف اصلی از این پژوهش، یافتن چارچوب مفهومی جدیدی برای تبیین قدرت نرم و نفوذ منطقه‌ای ایران است. از این رو تلاش خواهد شد به این پرسش پاسخ داده شود که مولفه‌های جهان‌بینی ایرانی - اسلامی در اندیشه رهبران جمهوری اسلامی ایران کدام‌ها هستند و این مولفه‌ها چه چارچوب مفهومی جدیدی برای فهم قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران به‌دست می‌دهند؟

۱. مروری بر پیشینه پژوهش

در سال‌های گذشته پژوهش‌های زیادی در زمینه قدرت نرم و بعدهای گوناگون آن انجام شده است. این پژوهش‌ها هم در زمینه بحث‌های نظری و هم بحث‌های مصداقی توانسته‌اند ادبیات

به نسبت خوب و پرباری در این زمینه به وجود بیاورند. اما در زمینه قدرت انگاره‌ای به شکل مستقل پژوهش خاصی شکل نگرفته و همین امر هم نوآوری این پژوهش را نشان می‌دهد. نزدیک‌ترین ادبیات موجود به قدرت انگاره‌ای، قدرت نرم است که با توجه به حجم بودن شمار پژوهش‌های موجود در این حوزه، در این بخش صرفاً به برخی از مرتبط‌ترین و مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

ذوالفقاری و همکاران (۱۳۹۲) در کتاب قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مولفه‌هایی چون صدور فرهنگی انقلاب، سبک‌های زندگی رشد محور اسلامی و گسترش فرهنگ عفاف و حجاب و قدرت فرهنگی را از مولفه‌های قدرت نرم ایران دانسته‌اند. هادی شجاعی (۱۳۹۸) در کتاب منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عرصه روابط بین الملل، ضمن بررسی مفهوم شناختی مقوله قدرت نرم در دوران مختلف مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را برشمرده است.

جواد یوسفی (۱۳۹۱) در کتاب قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی فلسطین، تلاش نموده ضمن احصاء منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تأثیرگذاری آن در تحولات مربوط به فلسطین را در فاصله سالهای ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷ تبیین نماید. حسین پوراحمدی (۱۳۸۹) ضمن بررسی مفهوم شناختی قدرت نرم و جایگاه آن در نظریه‌های قدرت در روابط بین الملل، به نقش انقلاب ارتباطاتی اطلاعاتی در عرصه قدرت نرم اشاراتی دارد. در ادامه مواردی چون مشروعیت سیاسی، رهبری مقتدر، انسجام اجتماعی و همگرایی درونی، تاریخ تمدن ایران، نیروی انسانی و موقعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران به عنوان منابع قدرت نرم ایران بررسی می‌شوند. مجید عباسی و یوسف سیفی (۱۳۹۶) در کتابی با عنوان قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی به بررسی موردی نقش و جایگاه قدرت نرم انقلاب اسلامی در تحولات موسوم به بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه پرداخته‌اند.

بیکی و خرمشاد (۱۳۸۸) در کتاب قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تلاش کرده‌اند ضمن بازخوانی قدرت نرم در چارچوب جمهوری اسلامی، نسبت به تحلیل موردی منابع قدرت نرم ایران در عمل نیز نگاهی بیندازند. افتخاری و کمالی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان ساختار قدرت نرم درگفتمان اسلامی، مدعی هستند که انگاره «قدرت نرم» در گفتمان غربی تک بعدی و ناظر بر وجه مادی انسان است و لذا میان قدرت و اخلاق تفکیک قائل

شده و از درک سایر منابع قدرت عاجز می‌باشد. سعیدی و مقدم‌فر (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین منابع قدرت نرم آن را زبان و ادبیات فارسی، رسوم و آیین‌ها، هنرها، آثار باستانی، نفوذ مرجعیت شیعه، فرهنگ شهادت و فرهنگ انتظار، الگوی اسلام سیاسی، ارزش استقلال و مقاومت، حمایت از مظلومان و مستضعفان، ضدیت با نظام سلطه، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و اقدامات بشردوستانه دانسته‌اند.

جعفری، تویسرکانی و هرسیج (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران، مدعی هستند که جمهوری اسلامی ایران بیشترین کاربرد مولفه‌های قدرت نرم را در میان کشورهای اوراسیای مرکزی (۷۶/۲۸ درصد) و کمترین میزان (۳/۶۹ درصد) را در منطقه آمریکای لاتین داشته است. همچنین مشخص شد بالاترین میزان اعمال قدرت نرم ایران در مناطقی است که ساکنان آن بیشتر با زبان فارسی در ارتباط هستند. هیوا فیضی و بابک طالبی (۲۰۱۲) نیز معتقدند ایران یکی از پیش‌روان استفاده از قدرت نرم بوده و به‌شدت از دیپلماسی فرهنگی در منطقه استفاده کرده و خواهد کرد. ادوارد وستیج (۲۰۱۴) به بررسی جایگاه دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی ایران پرداخته و مدعی است ایران با بهره‌گیری مناسب از این مقوله توانسته قدرت نرم و وجهه بین‌المللی خود را در تقویت نموده و بهبود بخشد.

جعفری پناه و پورا احمدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مولفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران، مدعی هستند که مؤلفه‌های قدرت نرم آن گونه که در اسلام مطرح می‌باشد متفاوت از آن چیزی است که در مفهوم‌سازی اولیه از این قدرت ارائه شده است. علت این تفاوت در نوع نگاه به قدرت، انسان، اخلاق و خدا است. از نظر ایشان، منابع قدرت نرم اسلامی بر ارزش‌هایی چون شهادت‌طلبی، معنویت‌گرایی، عدالت‌باوری و استقلال‌طلبی استوار است. عیوضی و همکاران (۱۳۹۵) نیز مدعی هستند قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با تأثیرگذاری بر ساختار سیاسی و انسجام‌بخشی جریان‌های سیاسی شیعه منطقه، سبب رشد و تقویت این جریان‌ها شده است.

۱-۱: تمایز و نوآوری پژوهش حاضر:

همان‌طور که پیشتر نیز گفته شد، در زمینه مفهوم قدرت انگاره‌ای پژوهش مستقلی انجام نشده و پژوهش‌های مشابه نیز ذیل عنوان قدرت نرم صورت گرفته است. از طرف دیگر، در این

پژوهش ضمن فرارفتن از نظریه جوزف نای، از یک چارچوب مفهومی ایرانی- اسلامی برای صورت‌بندی و پیش‌برد پژوهش یاری خواهیم جست. هم‌چنین با استفاده از روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی، به بررسی نقش و جایگاه این مفهوم‌بندی در اندیشه رهبران جمهوری اسلامی خواهیم پرداخت. چیزی که خیلی در پژوهش‌های انجام‌شده، شاهد آن نیستیم. طرح یک مفهوم‌بندی جدید از قدرت، بهره‌گیری از یک چارچوب مفهومی ایرانی- اسلامی و راهبري پژوهش بر اساس یک روش پژوهشی متفاوت، نوآور بودن این پژوهش را نشان می‌دهند.

۲. مدل نظری:

یک مدل نظری دربردارنده مفاهیم و ایده‌هایی است که به پدیده خاصی مربوط می‌شوند. ویلر «مدل نظری» را چنین تعریف می‌کند: «مفهوم‌سازی درباره گروهی از پدیده‌ها که بر اساس منطق بنیادینی بر ساخته می‌شوند و قصد نهایی این است که مفاهیم، روابط و گزاره‌ها مجهز به سیستمی صوری شوند که اگر معتبر باشد به یک نظریه بدل می‌شود». (بلیکی، ۱۳۸۴: ۲۲۴-۲۲۰) یک مدل نظری حاوی یک منطق بنیادی هم هست. منطق بنیادی دیدگاهی است درباره یک پدیده، راهی برای نگریستن به جهان اجتماعی. با این مقدمه و با در نظر گرفتن اینکه موضوع مورد تحقیق در این پژوهش موضوعی است که بیشتر به دنبال اکتشاف است و در پی ارائه نگاه و ایده جدید، از این‌رو، برای واکاوی مفهوم قدرت انگاره‌ای و عناصر و دقایق آن در اندیشه رهبران ایرانی، باید به جهان‌بینی و مولفه‌های شکل‌دهنده آن بپردازیم و سپس این مولفه‌ها را در اندیشه رهبران پی بگیریم. برای بررسی جهان‌بینی رهبران جمهوری اسلامی، نیاز به یک دستگاه نظری داریم که آن را از اندیشه‌های استاد شهید مرتضی مطهری وام گرفته‌ایم.

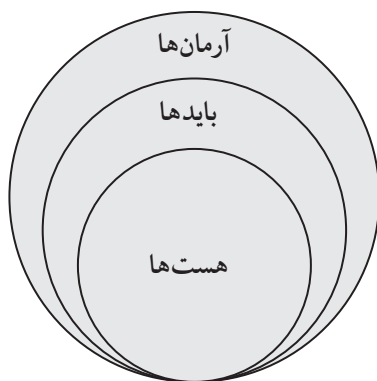
۲-۱: جهان‌بینی از نظر استاد مطهری

جهان‌بینی و هستی‌شناسی از مهمترین شاخص‌های شناخت یک جریان فکری یا مکتب اندیشه‌گی است. جهان‌بینی عبارتست از نگرش انسان به هستی و توجیه و تبیین آن در رابطه با انسان. به عبارت دیگر دید کلی که انسان از جهان هستی دارد و بر اساس آن به تعبیر و تفسیر آن می‌پردازد، جهان‌بینی نامیده می‌شود و به طور کلی برداشت کلی انسان از جهان هستی را جهان‌بینی او می‌گویند. (دائرة المعارف طهور، مدخل جهان‌بینی)

استاد شهید، مرتضی مطهری برآن هستند که جهان بینی نه تنها پایه و اساس جریان های فکری و فلسفی را شکل می دهد بلکه نگاه انسان به هستی، زندگی و اهمیت آن را نیز جهت می دهد. علاوه بر این، قدرت تبیینی و اجرایی مکاتب فکری نیز به این مهم بستگی دارد. (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۵۹). از نظر استاد مطهری، نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می دارد اصطلاحاً جهان بینی نامیده می شود. (مطهری، ۱۳۸۶: ۷)

ایشان معتقدند که جهان بینی به معنی جهان شناسی است و به مسئله شناخت مربوط می شود. شناخت از مختصات انسان است، برتری انسان از سایر جانداران در شناخت جهان یعنی نوعی بینش عمق درباره جهان است. (مطهری، ۱۳۸۶: ۸) آنچه که از دیدگاه آیت الله شهید مطهری در زمینه جهان بینی می توان استنباط کرد این است که جهان بینی دیدی نسبت به هست ها یا جهان هستی می دهد، انسان را از باید ها (واقعیت ها) آگاه می سازد و او را به دنبال کردن آرمان ها تشویق می کند. در این جهان بینی، انسان موجودی خلاق و عقلانی است که با شناخت هست ها و واقعیت ها مسئولیت کنش های خود را عهده دار شده و انگیزه و شوق رسیدن به جهان ایده آل خود را داشته و در این راه نیز تلاش می کند (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۵-۸). ترکیب این مولفه ها در قالب جهان بینی در شکل زیر دیده می شود:

شکل ۱: مولفه های شکل دهنده به یک جهان بینی از نظر آیت الله مطهری



در این پژوهش از این مدل نظری یاری گرفته خواهد شد و آن را در ارتباط با جهان بینی رهبران ایران مورد استفاده قرار خواهیم داد.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش به دنبال آن هستیم که جهان‌بینی رهبران ایرانی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم. برای دستیابی به نتایج موثق، باید اندیشه و افکار آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. اندیشه و آراء این رهبران به بهترین شکل در آثار مکتوب و یا در سخنرانی‌ها و اظهارات آنان متجلی می‌گردد. بنابراین باید روشی برای مطالعه این آثار انتخاب می‌شد که بتواند به داده‌هایی عینی، نظام‌مند و قابل تعمیم دست یابد. روش تحلیل محتوای کیفی از آن‌رو برای این هدف برگزیده شد که می‌تواند در رسیدن به این نتایج ما را یاری نماید. از طرف دیگر، بر اساس این روش می‌توان علاوه بر دریافت معانی و مفاهیم آشکار در پیام و اندیشه این نخبگان، به مفاهیم و معانی نهان و بافتارمند در دیدگاه آنان نیز پی برد.

روش تحلیل محتوای کیفی این مزیت را دارد که هر مرحله از انجام آن بر اساس قواعد خاص و علمی انجام می‌شود. از طرف دیگر، پژوهش را نظام‌مند نموده و باعث می‌شود که پژوهش صرفاً به دنبال جمع‌آوری تأییدات نظری برای فرضیات پژوهشگر نباشد. بنابراین می‌تواند ما را در رسیدن به نتایج بهتر و فهم بهتر از نگرش رهبران ایران یاری نماید. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهای را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید. روش پژوهش در این مقاله، روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار است که جزئیات آن در ادامه می‌آید:

۳-۱. جامعه آماری

بررسی اندیشه‌های رهبران عالی نظام جمهوری اسلامی یعنی آیت‌الله خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای.

۳-۲. جامعه‌ی نمونه و واحد تحلیل

با توجه به رجوع مستقیم به دیدگاه‌ها و سخنرانی‌های نخبگان مذکور، نیازی به داشتن جامعه نمونه گسترده و زیاد برای دریافت آراء و اندیشه آنان نیستیم و با توجه به محدودیت فضای بحث در این تحقیق، به حداقل جامعه نمونه اکتفا خواهیم کرد. واحد تحلیل در این پژوهش، موضوع می‌باشد.

۴. هست‌های جهان‌بینی ایرانی - اسلامی

توجه به مولفه‌های غیرمادی بخشی مهم و لاینفک از تاریخ و سنت اندیشه‌گی ایرانیان به شمار می‌آید. منظور از معناگرایی، توجه به عناصر و مقوله‌های غیرمادی است که به تعبیری می‌توان آن را ترکیب عناصر و ارزشهای کیهانی در اندیشه ایرانی نام برد. معناگرایی ایرانی قدمتی هم‌پا با تاریخ دیرپای آن دارد. ایرانیان همواره دارای دیدگاه ویژه‌ای نسبت به جهان، نظم هستی، آفریدگار آن، انسان، جایگاه و وظیفه او در جهان، هدف از آفرینش و ... دارند و بنابراین توجه آنها به این مولفه‌های غیرمادی، ناشی از همین دیدگاه‌هاست و بنابراین ارزشها و مقولانی نه این جهانی بلکه کیهانی هستند که سعادت دنیوی و اخروی انسانها نیز در گرو توجه به آنهاست. مولفه‌هایی چون اعتقاد به وجود خدا، عادلانه بودن نظم هستی، وجود نیروهای خیر و شر، سیاسی بودن دین و اصالت اخلاق نگاه معنامحور ایرانیان به جهان و نظم جهانی را شکل می‌دهند که در ادامه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۴-۱. باور به وجود خدای یکتا

امام خمینی رهبری انقلابی را بر عهده داشتند که هدف آن، تشکیل حکومتی الهی، برخاسته از دستورات خداوندی و به دنبال اجرای احکام و اصول اسلامی بود. از همین رو کاملاً مشخص است که باور به خداوند و یاری و الطاف او مهمترین نقش را در شکل‌گیری انقلاب و جمهوری اسلامی در ایران داشته است. کلمه خدا، مترادفات و مشتقات آن بیش از ۱۰ هزار بار در صحیفه امام تکرار شده‌اند که نشان از تأکید امام خمینی به اهمیت خداباوری در تداوم پیروزی‌های انقلاب و اسلام دارد.

۴-۱-۱: رمزگذاری

کد	اندیشه‌های امام خمینی
۱-۱: حکومت اسلامی باید مورد رضایت مردم باشد.	۱. «ما هم که حکومت اسلامی می‌گوییم، می‌خواهیم يك حکومتی باشد که هم دلخواه ملت باشد، و هم حکومتی باشد که خدای تبارک و تعالی نسبت به او گاهی بگوید که اینهایی که با تو بیعت کردند با خدا بیعت کردند.... حکومت حکومت الهی باشد.
۱-۲: حکومت اسلامی باید مورد رضایت خداوند باشد.	... آرزوی ما این است که يك همچو حکومتی سر کار بیاید که تخلف از قانون الهی نکند.» (صحیفه امام، ۱۳۸۳، ج ۴: ۴۶۱)
۱-۳: بیعت با حکومت اسلامی به مثابه بیعت با خداوند است.	
۱-۴: حکومت باید حکومت الهی باشد.	
۱-۵: حکومت نباید از قوانین الهی سرپیچی کند.	

کد	اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای
۲-۱. باید همواره به یاد خدا بود. ۲-۲. باید همواره به خدا توکل داشت. ۲-۳. به نیروی خدادادی درون باید توجه داشت. ۲-۴. عزم و اراده و توکل به خدا قادر به انجام هرکاری است.	۲. با خدا باشید؛ دل به خدا بسپارید؛ توکل‌تان را به خدای متعال از دست ندهید؛ به نیروی عظیمی که خدای متعال در دل شما، در ذهن شما، در اراده‌ی شما، در وجود شما و در جسم شما به ودیعه قرار داده است، باور و ایمان بیاورید و بدانید با این نیرو می‌توانید کوه‌های عظیم را جابه‌جا کنید. (خامنه‌ای، ۱۳۸۴)

۲-۱-۴. رمزگشایی

از دید امام خمینی، رمز پیروزی مردم ایران در انقلاب اسلامی، اعتقاد به خداوند و ایمان به رسول او و وحدت کلمه بود. ایشان از دیگر ملل مسلمان می‌خواهند که برای رسیدن به پیروزی در مبارزات خود این رمز پیروزی را در دستور کار خود قرار دهند (صحیفه امام، ج ۷: ۱۸۷).

بنیانگذار جمهوری اسلامی، با اطمینان از قدرت لایزال خداوندی و توکل مردم ایران به این قدرت بر این اعتقاد هستند که قدرت‌های بزرگی که در مقابل انقلاب اسلامی ایران صف‌آرایی کرده‌اند قادر نیستند ضربه‌ای به آن بزنند چرا که خدا پشتیبان این انقلاب و نظام است و دیگر نباید نگرانی از قدرت ابرقدرتها داشت. (صحیفه امام، ج ۹: ۲۸).

به عنوان رهبر جمهوری اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر این اعتقاد هستند که صاحب اصلی قدرت و حکمت خداوند متعال می‌باشد و از این رو باید تمام نیت و رفتار مردم و مسئولین جمهوری اسلامی خالص و در راه رضای او باشد. از منظر ایشان تنها در سایه توکل و خالص کردن نیت برای خداوند است که می‌توان انتظار نصرت الهی را نیز داشت.

۲-۴. اصالت اخلاق

امام خمینی (ره) در مسئولیت رهبری و زمامداری به گونه‌ای جامع و همه‌سویه به نقش اخلاق در سیاست و جامعه توجه نموده‌اند. کلمه اخلاق و مشتقات آن حدود ۶۰۰ بار در صحیفه امام تکرار شده‌اند که نشان از اهمیت و جایگاه والای آن در اندیشه ایشان دارد.

۱-۲-۴. رمزگذاری

کد	اندیشه‌های امام خمینی
۱-۱: اسلام با داشتن اخلاق و آداب اسلامی میسر می‌شود. ۲-۱: آداب و احکام اسلامی را باید نشر داد.	۱. «صدر اسلام به این است که اخلاق اسلامی، آداب اسلامی، اعمال اسلامی آنجا طوری باشد که مردم توجه به آن بکنند. (صحیفه امام، ۱۳۸۳، ج ۱۳: ۴۸۶)

۲-۱: هیچ دولتی مثل دولت اسلامی پای بند اخلاق نیست.	۲. «در هیچ رژیمی و در هیچ دولتی آن طوری که در دولت اسلام و در رژیم اسلامی پایبند اخلاق و پایبند ارزشهای انسانی است، نخواهد بود. ادعاها زیاد است.» (صحیفه امام، ۱۳۸۳، ج ۱۴: ۶۵).
۳-۱: هدف در جامعه اسلامی، حاکم شدن ارزشهای اخلاقی اسلامی است.	۳. هدف اصلی این است که انسانها متخلق به اخلاق الله بشوند. تخلق به اخلاق الله، مقدمه برای یک کار دیگر نیست؛ کارهای دیگر، مقدمه برای تخلق به اخلاق الله است. عدل، مقدمه‌ی تخلق به اخلاق الله و نورانی شدن انسانهاست. حکومت اسلامی و حاکمیت پیامبران، برای همین است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۰)
۳-۲: همه اهداف دیگر مقدمه‌ای برای جاری شدن ارزشهای اخلاقی اسلامی در جامعه است.	
۳-۳: حکومت اسلامی و پیامبران برای حاکم کردن ارزشهای اخلاقی آمده‌اند.	

۲-۲-۴. رمزگشایی

امام خمینی، تهذیب نفس و توسل جستن به ارزشهای آسمانی و اخلاقی را یگانه راه دست یافتن به معرفت الهی و حصول وحدت در بین مسلمانان عنوان می‌کنند. اهمیت اصول اخلاق در منظر امام خمینی آنقدر بالاست که ایشان راه صدور انقلاب و اسلام را از طریق صدور اصول اخلاقی اسلامی دانسته و می‌فرمایند که برای صدور انقلاب باید ارزشهای اخلاقی و اسلامی خود را به عنوان الگویی برای دیگر ملل ارائه دهیم.

آیت الله خامنه‌ای، اخلاق اسلامی را اساس و محور جامعه اسلامی می‌دانند که همه امور و اعمال دیگر مقدمه‌ای برای رسیدن به این محور و اساس هستند. ایشان پای بندی به اخلاق اسلامی را برای مردم جامعه اسلامی ضرورتی می‌پندارند که تخطئی از آن به معنای انحراف از مسیر الهی و خط امام خمینی می‌باشد.

۴-۳. سیاسی بودن دین

با توجه به اینکه ایرانیان در اغلب مقاطع تاریخی دارای اعتقادات دینی راسخی بوده و یکتاپرست بودند از این رو بدیهی به نظر می‌رسد که دین نقش اساسی در سیاست ایفا نماید.

۴-۳-۱. رمزگذاری

کد	اندیشه های امام خمینی
۱-۱. اسلام به همه ابعاد سیاست توجه دارد.	۱. واللّٰه اسلام تمامش سیاست است. (صحیفه امام، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۷۰)
۱-۲. اسلام بیش از آنکه دینی معنوی باشد دینی سیاسی است.	۲. اسلام دین سیاست است قبل از اینکه دین معنویات باشد. (صحیفه امام، ۱۳۸۳، ج ۶: ۴۶۸)

۳-۱. در اسلام، دین و دولت یکی است و از هم جدا نیستند.	۳. اگر ما مسلمانیم، دین و دولت به یکدیگر آمیخته است؛ نه مثل دو چیزی که به هم وصل شده باشند. دین و دولت یک چیز است.
۳-۲. سرچشمه دین و دولت در اسلام یکی است.	در اسلام دین و دولت از یک منبع و یک منشأ سرچشمه می‌گیرد و آن، وحی الهی است. قرآن و اسلام، این است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۵)
۳-۳. وحی الهی منبع مشترک دین و دولت در اسلام است.	

۲-۳-۴. رمزگشایی

امام خمینی به شدت ایده جدایی دین از سیاست را رد کرده و بر آن بودند که اسلام نه تنها برای احکام دینی مقرراتی وضع کرده بلکه برای زندگی روزمره، حکومت‌داری و شیوه حکمرانی نیز مقررات خاص خود را دارد. از دید ایشان، اسلام بیش از آنکه دارای احکام عقیدتی باشد دارای احکام و ضوابط سیاسی است و به رابطه میان حاکم و ملت، حاکم با حاکمان دیگر بلاد نیز نظر دارد و سعی در تنظیم آنها دارد.

آیت‌الله خامنه‌ای هم، ایده جدایی دین از سیاست را به شدت رد کرده و مطرح شدن آن را نتیجه توطئه دشمنانی می‌داند که از برقراری حکومت دینی مخصوصاً در ایران به شدت متضرر شده‌اند. ایشان منبع دیانت و سیاست در اسلام را وحی الهی و قرآن دانسته و معتقدند که اگر دین از سیاست در اسلام جدا بود؛ قرآن همه احکام و مسائل سیاسی را به خدا و اسلام مرتبط نمی‌ساخت.

۴-۴. باور به آموزه ثنویت حق و باطل

وجود نیروهای، خیر و شر و یا حق و باطل و تقابل ابدی آنها عنصری تقریباً مانا در جهان‌بینی ایرانی-اسلامی بوده و از دوران باستان تاکنون در قالب‌های مختلف بازتولید شده است. این عنصر در دوران پس از انقلاب اسلامی نقش بسیار پررنگ‌تری در سیاست خارجی ایران به خود گرفته است.

۱-۴-۴. رمزگذاری

جدول کد	اندیشه‌های امام خمینی (ره)
۱-۱: قیام مردم ایران قیام حق علیه باطل بود.	۱. «این قیام قیام حق بود، قیام حق بر باطل بود، قیام الوهیت بر طاغوت بود، قیام انسانیت بر توحش بود، قیام تمدن بر بربریت بود. (صحیفه امام، ۱۳۸۳، ج ۷: ۶)
۱-۲: قیام مردم ایران قیامی الهی بر علیه طاغوت بود.	
۱-۳: قیام مردم ایران قیام انسانیت بر علیه وحشی‌گری بود.	
۱-۴: قیام مردم ایران قیام تمدن بر علیه وحشی‌گری بود.	
۱-۵: پیروزی جبهه حق بر باطل با یاری خدا میسر شده است.	

۲-۱. پیروزی نهایی از آن حق است.	۲. آن چیزی که در قانون الهی است، این است که در نهایت، حق پیروز خواهد شد؛ در نهایت، باطل سرنگون خواهد شد. (خامنه‌ای، ۱۳۷۰)
۲-۲. باطل نابودشدنی است.	

۲-۴-۴. رمزگشایی

تقابل حق و باطل از مفاهیم کلیدی در اندیشه سیاسی امام خمینی به شمار می‌روند. از منظر امام خمینی ایران در شرایط کنونی، رهبری جبهه حق را برعهده داشته و از یاری خداوند نیز بهره‌مند است. چرا که قیام مردم ایران قیام در راه خدا و حق است و از این رو خدا و اسلام پشتیبان ایرانیان است. (صحیفه امام، ۱۳۸۳، ج ۹: ۴۱۳) کلمه حق ۲۱۴۵ بار و کلمه باطل و مشتقات آن حدود ۳۵۰ بار در صحیفه امام تکرار شده‌اند و یکی از پرتکرارترین واژه‌های کلیدی صحیفه به شمار می‌روند. آیت الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی به مثابه امام خمینی، بر تقابل دائمی و مانای حق و باطل در این دنیا تأکید دارند. ایشان ایران را نماد جبهه حق می‌دانند که ادامه دهنده راه انبیا در مبارزه بر علیه جبهه شیطانی است.

۵. آرمان‌های جهان‌بینی ایرانی-اسلامی

آرمان‌خواهی از عناصر اصلی در اندیشه سیاسی اسلامی-ایرانی محسوب می‌شود. انقلابیون ایرانی با اعتقادات خاص خویش به خداوند و مبانی اسلامی در پی در انداختن نظامی نوین برای رسیدن به آرمان‌شهر خود بودند. از این رو آرمان‌خواهی در جهان‌بینی و نظام فکری آنان از جایگاه بالایی برخوردار است. ایرانیان انقلابی دارای چندین آرمان بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره داشت: رهبری الهی، نظم سیاسی عادلانه، ایده جانشینی خدا و پیروزی نهایی حق بر باطل. در ادامه به بررسی و تحلیل محتوای اندیشه‌های نخبگان منتخب در ارتباط با مولفه‌هایی خواهیم پرداخت که به بحث قدرت نرم ایران ارتباط پیدا می‌کنند. مقوله جانشینی خدا در این زمینه خیلی آثار چشم‌گیری نداشت و بنابراین از تحلیل کنار گذاشته شد و پیروزی نهایی حق بر باطل نیز در بخش پیشین بررسی شد و از تکرار آن دوری خواهیم گزید.

۵-۱. رهبری الهی

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، نظام جمهوری اسلامی جای سلطنت را گرفت. امام خمینی رهبری این نظام را برعهده گرفته و آن را به پیش بردند. از منظر ایشان، نظام اسلامی باید توسط

فقیه واجد شرایط خاص هدایت شود تا جامعه از مسیر اسلامی خارج نشود و به سرمنزل مقصود رهنمون گردد.

۱-۱-۵. رمزگذاری

کد	اندیشه های امام خمینی
۱-۱: نفی ولایت فقیه به مثابه نفی ائمه است. ۱-۲: نفی ولایت فقیه به مثابه نفی اسلام است. ۱-۳: تبعیت از ولایت فقیه به مثابه تبعیت از اسلام، قرآن و پیامبر است.	۱. «نگویید ما ولایت فقیه را قبول داریم، لکن با ولایت فقیه اسلام تباه می شود! این معنایش تکذیب ائمه است؛ تکذیب اسلام است و شما مَنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُ این حرف را می زنید. تبعیت بکنید از اسلام، تبعیت بکنید از قرآن کریم، تبعیت بکنید از پیغمبر اسلام، مخالفت نکنید اینقدر.» (صحیفه امام، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۵۹)

۱-۲-۵. رمزگشایی

امام خمینی معتقدند که ولایت فقیه آن چنان دارای جایگاه رفیعی است که عدم پذیرش آن به مثابه عدم پذیرش ولایت پیامبران و ائمه است. ایشان ولایت فقیه را هم شأن ولایت پیامبر دانسته و معتقدند که این ولایت نه تنها دیکتاتوری نیست بلکه از سوی خداوند برای جلوگیری از دیکتاتوری ایجاد شده است. در اندیشه امام خمینی، ولی فقیه از جانب اسلام، خدا و ائمه نیز مورد تأیید می باشد. فلذا حکومت ولی فقیه، بهترین و آرمانی ترین نوع حکومت در جامعه اسلامی است که از سوی خداوند نیز مورد تأیید و عنایت است. آیت الله خامنه ای نیز همین دیدگاه را در زمینه ولایت فقیه دارند.

۲-۵. نظم عادلانه

عدالت جویی در نهاد همه انسان ها وجود دارد. این خصیصه در بین ایرانیان قدری پررنگ تر است و دلیل آن نیز این امر است که ایرانیان در اغلب مقاطع تاریخ انسانهایی یکتاپرست بوده و به قدرت و عدالت خداوند ایمان داشته اند. همین اعتقاد توحیدی باعث شده است که ایرانیان همیشه عدالت خواه، عدالت جوی و در پی عدالت گستری باشند.

۱-۲-۵. رمزگذاری

جدول کد	اندیشه های امام خمینی (ره)
۱-۱. خدا عادل است. ۱-۲. پیامبر عادل است.	۱. «اسلام خدایش عادل است، پیغمبرش هم عادل است و معصوم، امامش هم عادل و معصوم»

۳-۱. امام عادل و معصوم است. ۴-۱. قاضی در نظام اسلامی باید عادل باشد. ۵-۱. فقیه در نظام اسلامی باید عادل باشد. ۶-۱. امام جماعت و امام جمعه در نظام اسلامی باید عادل باشند. ۷-۱. حاکم در نظام اسلامی باید عادل باشد. ۸-۱. حاکمان محلی نیز در نظام اسلامی باید عادل باشند. ۹-۱. بی عدالتی حاکمان موجب مفسده است.	است، قاضی اش هم معتبر است که عادل باشد، فقیهش هم معتبر است که عادل باشد، شاهد طلاقش هم معتبر است که عادل باشد، امام جماعتش هم معتبر است که عادل باشد، امام جمعه اش هم باید عادل باشد- از ذات مقدس کبریا گرفته تا آن آخر. زمامدار باید عادل باشد؛ وُلاتشان هم باید عادل باشند. این وُلاتی که در اسلام می فرستادند، والی هایی که می فرستادند به این طرف و آن طرف، امام جماعتشان هم بود، باید عادل باشد. اگر عادل نباشد، اگر عدالت در بین زمامداران نباشد، این مفاسدی است که دارید می بینید.» (صحیفه امام، ۱۳۸۳، ج ۳: ۳۰۴)
۱-۲: عدالت از جایگاه ویژه ای در انقلاب اسلامی برخوردار است. ۲-۲: ارزش عدالت مطلق است و نسبی نیست. ۳-۲: جمهوری اسلامی به دنبال عدالت حداکثری است. ۴-۲: جمهوری اسلامی به دنبال ریشه کن کردن ظلم است.	۲. در انقلاب اسلامی ما به طور طبیعی عدالت جایگاه ممتازی داشت و دارد. عدالت یک ارزش مطلق است؛ یعنی هیچ جا نداریم که عدالت بد باشد. آن چیزی که ما نیاز داریم، آن چیزی که ما دنبالش هستیم، عدالت حداکثری است؛ نه صرفاً در یک حد قابل قبول؛ نه، ما دنبال عدالت حداکثری هستیم؛ ما میخواهیم ظلم در جامعه نباشد. (خامنه ای، ۱۳۹۰)

۲-۲-۵. رمزگشایی

بر اساس دیدگاه امام خمینی، اصل و اساس حکومت اسلامی برپایه عدالت است چرا که خدا، پیامبر و امام آن عادل هستند و نظام اسلامی هم باید هدف خود را برقراری نظام عدل و قسط قرار دهد و از این روست که حاکمان، دست اندرکاران و صاحب منصبان نظام اسلامی باید همه عادل باشند تا نظام در مسیر کمال و رشد خود قرار گیرد. در غیر این صورت، جامعه از مسیر الهی خود خارج شده و به تباهی و نیستی ره خواهد برد. واژه عدالت در حدود ۵۲۰ بار در صحیفه امام تکرار شده است که نشان از اهمیت آن در اندیشه امام خمینی دارد.

آیت الله خامنه ای، به عنوان جانشین امام خمینی و رهبر انقلاب نیز بر این اعتقادند که عدالت از آرمان های اصلی انقلاب اسلامی بوده و پس از آن نیز موتور محرکه و از آرمان مهم جمهوری اسلامی است. از منظر ایشان، جمهوری اسلامی باید به یک جامعه نمونه اسلامی تبدیل شود تا

بتواند برای دیگر ملل دیگر الگو گردد. برای نمونه شدن، این جامعه اسلامی نیاز دارد که در کنار پاسخ به رفاه مادی و معنوی مردم، در پی برقراری عدالت نیز باشد.

۶. بایدهای جهان‌بینی ایرانی - اسلامی

پیشتر گفته شد که بایدها نتیجه نگاه خاص ایرانیان به هست‌ها است. این نگاه، الگوی رفتاری خاصی را به ایرانیان تجویز می‌کند. از مولفه‌های برجسته این الگوهای رفتاری می‌توان به مواردی چون خردمحوری، قدرت‌یابی، بدبینی و بی‌اعتمادی، توان جنگجویی و تقابل، جهان‌گرایی و رهبری دیگران اشاره داشت. از بین این موارد، آن‌هایی که می‌توانند در تبیین قدرت نرم ایران موثر باشند در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۶. خردمحوری

امام خمینی برای عقل و خرد در تصمیم‌گیریها و رفتارها جایگاه بسیار والایی متصور بودند و از آن به رسول باطنی یاد می‌کردند. البته عقلانیتی که امام خمینی بر آن تأکید داشتند متفاوت از عقلانیت ابزاری است که در دوران معاصر مطرح شده است.

۱-۶: رمزگذاری

کد	اندیشه‌های امام خمینی
۱-۱. عقل باید راهبر و هدایتگر انسان باشد. ۱-۲. اسلام باید مقصد نهایی انسانها باشد. ۱-۳. باید در برابر دستورات اسلامی، سر تواضع فرود آورد. ۱-۴. عقل باید هدایتگر کنش آدمی باشد. ۱-۵. بر اساس تعقل اسلامی، مسلمانها باید متحد باشند. ۱-۶. بر اساس تعقل اسلامی، اتحاد مانع تجاوز دیگران به بلاد اسلامی است.	۱. «باید عقل را پیشوای خودتان قرار بدهید و اسلام را مقتدای خودتان قرار بدهید و در مقابل اسلام همه خاضع باشید و به حکم عقل عمل کنید و عقل و اسلام می‌گوید شما با هم متحد باشید و اگر متحد باشید هیچ کشوری به شما نمی‌تواند تعدی کند.» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۴۵۳)
۲-۱. عقلانیت عامل دینداری افراد است. ۲-۲. عقل عامل بندگی انسان در برابر خداوند است. ۲-۳. عقل مانع افتادن انسان در دام جهل است.	۲. عقل است که انسان را به دین راهبرد می‌دهد، انسان را به دین می‌کشاند. عقل است که انسان را در مقابل خدا به عبودیت وادار می‌کند. عقل است که انسان را از اعمال سفیهانه و جهالت‌آمیز

قدرت نرم

و دل دادن به دنیا باز می‌دارد؛ عقل این است. لذا اول کار این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام بگیرد؛ تکلیف ما هم این است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۸)	۲-۴. اولین وظیفه حکومت اسلامی، ترویج و پرورش خردگرایی است.
--	--

۶-۱-۲. رمزگشایی

امام خمینی آن چنان برای عقل و تعقل جایگاه والایی قائل هستند که آن را راهبر و هدایتگر انسان به سمت کمال و ارزشهای معنوی می‌دانند که نبود آن حتماً سبب خسران، فساد و تباهی خواهد شد. از منظر ایشان، تمامی رفتار، کردار و گفتار آدمی باید منطبق بر عقل بوده و عقل نیز تابع احکام شرع باشد تا بدین طریق بتواند ره به کمال و سعادت بشری ببرد.

آیت الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران معتقدند که اسلام نه تنها در برابر عقل و علم نیست بلکه عقل را از مهمترین وسیله‌ها و منابع دریافت احکام الهی و اسلامی می‌داند. در دین اسلام، به مدد عقل است که می‌توان حقانیت دعوت ائمه را دریافت و گام در راه آنان گذاشت. از این رو باید هرچه بیشتر تلاش کرد تا این قوه را در جامعه اسلامی تقویت نمود. ایشان بر این اعتقاد هستند که جمهوری اسلامی از همان آغاز شکل‌گیری خود بر عقلانیت تکیه داشته و آن را اساس و معیار رفتار خویش قرار داده است.

۶-۲. قدرت‌یابی

به فراخور اهمیت جنگاوری، رزم و مبارزه با دشمنان در دین اسلام، بر قدرت و افزایش قوا نیز بسیار تأکید شده است. اسلام از بدو شکل‌گیری خود با دشمنان زیادی روبرو بود و بنابراین برای رویارویی با این دشمنان، باید بر قوای خود می‌افزود و همواره آماده نبرد می‌بود. از همین روست که تأکید بر قدرت و افزایش قدرت در ایران اسلامی نیز بسیار پررنگ است، طوری که کلمه قدرت و مشتقات آن حدود ۵۰۰۰ بار در صحیفه امام تکرار شده‌اند. پ

۶-۲-۱. رمزگذاری

کد	اندیشه‌های امام خمینی
۱-۱. اسلام خواهان تسلط مسلمانان بر همه جهان است.	۱. «اسلام از خدا می‌خواهد که شما بر همه مقدرات عالم حکومت کنید. اسلام آن بود که شمشیر را کشید و تقریباً نصف دنیا یا بیشتر را گرفت؛ با شمشیر گرفت؛ این اسلام مرتجع است؟
۱-۲. اسلام به قدرت زور خود توانست بر نصف جهان مسلط شود.	

اسلام آن بود که این ممالکی که شما حالا تحت اسارت او هستید، تحت اسارت آورد. (صحیفه امام، ج: ۱، ۲۹۴)	۳-۱. اسلام در برهه‌ای توانست اغلب کشورهای قدرتمند کنونی را به سلطه خود درآورد.
۲. ملت ایران باید خود را قوی کند؛ ... اگر ملتی قوی نباشد و ضعیف باشد... به او زور میگویند؛ اگر ملتی قوی نباشد، باج‌گیران عالم از او باج می‌خواهند؛ اگر بتوانند به او اهانت می‌کنند؛ اگر بتوانند زیر پا او را لگد می‌کنند. طبیعت دنیایی که با افکار مادی اداره میشود، همین است؛ (خامنه‌ای، ۱۳۹۳)	۲-۱. ایران باید قدرتمندتر شود. ۲-۲. ضعیف بودن باعث می‌شود کشور مورد ظلم قرار گیرد. ۳-۲. ضعیف بودن باعث می‌شود کشور مورد توهین واقع شود. ۴-۲. کشور ضعیف مجبور به باج‌دهی است. ۵-۲. در این جهان مادی، اقویا ضعفا را مورد ظلم و زورگویی قرار می‌دهند.

۲-۲-۶. رمزگشایی

دیدگاه امام خمینی در مورد قدرت را می‌توان در چند مقوله کلی خلاصه کرد:

۱- منبع اصلی قدرت، خداوند متعال است. قدرت ایمان و معنویت بسیار والاتر و کارآمدتر

از قدرت مادی کشورهای قدرتمند دوران‌هاست (صحیفه امام، ج: ۱، ۲۹۴)

۲- هیچ قدرتی قادر به شکست یک ملت متحد و قیام آنها بر اساس ایمان نیست. (صحیفه

امام، ج: ۳، ۳۹۲)

۳- رمز قدرت‌مندی و شکست ناپذیری اتصال به قدرت لایزال خداوندی است. (صحیفه

امام، ج: ۵، ۱۶۸)

دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در مقوله قدرت نیز در چندین بخش قابل ارزیابی است:

۱- برای داشتن امنیت، رفاه و عزت در این جهان، ناگزیر از قدرتمندتر هستیم. ملت ایران و

نظامیان ایران باید خود را قدرتمندتر سازند. چرا که در نظام بین‌الملل کنونی، آن کسی

که ضعیف است خوار و ذلیل گشته و مورد ظلم و زورگویی واقع می‌شود.

۲- اقتدار ملی محدود به داشتن قدرت نظامی برتر نیست. اقتدار ملی دارای ابعاد متعدد

دیگری نیز هست از جمله: اقتدار علمی، اقتدار اقتصادی، اقتدار فرهنگی و اجتماعی.

(خامنه‌ای، ۱۳۹۳).

۳-۶. توان جنگندگی و تقابل

برخورداری از توانمندی مبارزه و جنگندگی از ویژگی‌هایی است که اسلام بر آن بسیار تأکید

دارد و پیروان خود را به تقویت نیرو و قوای جنگی تشویق می‌کند تا با دشمنان اسلام و خدا مبارزه نمایند. این روحیه مبارزه و جنگندگی بعد از وقوع انقلاب اسلامی و حتی مدتی پیش از آن تقویت شد.

۱-۳-۶. رمزگذاری

کد	اندیشه‌های امام خمینی
۵-۱: خدا ما را موظف به مبارزه با دشمنان اسلام نموده است.	۱- «خدای تبارک و تعالی ما را مکلف کرده ... که با اینها معارضه و مبارزه بکنیم. اگر يك وقتی هم دستمان برسد، دست به تفنگ می‌بریم و معارضه می‌کنیم. خودمان تفنگ به دوشمان می‌زنیم و معارضه با آنها می‌کنیم، هر وقت مقتضی بشود؛ ... در این اصل هیچ اشکالی برای ما نیست که ما کشته می‌دهیم.» (صحیفه امام، ج ۵: ۲۱)
۵-۲: در صورت فراهم بودن شرایط، مبارزه مسلحانه نیز بر ما واجب است.	۸- هرچه در توان یک ملت است، باید آن را برای آمادگی در مقابل زورگویی و تجاوز و تحقیری که از سوی قدرتهای ظالم پیش می‌آید، به کار بگیرد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳)
۵-۳: تلفات دادن در راه دین، اصلاً مهم نیست.	۹- باید خودتان را آماده‌ی دفاع بکنید. باید بدانید که دشمن برای ضربه زدن، منتظر فرصت است. پس باید آماده بود. روزبه‌روز باید آمادگی‌تان را بیشتر کنید و آموزشها را پیش ببرید. (خامنه‌ای، ۱۳۶۹)
۸-۱: باید در برابر تجاوز و زورگویی ظالمان آمادگی نظامی خود را حفظ کرد.	۹-۱: دشمن مترصد هرگونه فرصتی برای ضربه زدن به ایران است.
۹-۲: نیروهای نظامی باید هر لحظه آماده دفاع از کشور باشند.	۹-۲: نیروهای نظامی باید هر لحظه آماده دفاع از کشور باشند.

۲-۳-۶. رمزگشایی

امام خمینی همواره به مولفه توان مبارزه و تقابل بسیار اعتقاد داشته و آن را تنها راه رهایی از چنگال استبداد و استکبار می‌دانستند. از نظر ایشان، خود اسلام، مکتب مبارزه و مقاومت است و این اصول را سرلوحه برنامه خود قرار داده است تا اینکه حکومت عدل و داد در سراسر جهان برقرار شود. (صحیفه امام، ج ۴: ۵۳) امام خمینی مبارزه با دشمنان اسلام و خدا را تکلیف و وظیفه‌ای الهی دانسته و کشته شدن در این راه را نیز افتخار می‌دانند.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز به تناسب اعتقاد زیادی که به توطئه دشمنان برای ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی در ایران دارند، بر لزوم آمادگی قوای نظامی و قدرت رزمی آنها تأکید زیادی دارند. ایشان معتقدند که دشمنان مترصد آن هستند که از هر فرصت بوجود آمده برای ضربه زدن به ایران استفاده کنند. از همین رو نظامیان و ملت باید همواره در حال ارتقای آمادگی دفاعی خود باشند.

۷. یافته‌های پژوهش

آنچه از یافته‌های این پژوهش برمی‌آید این است که مولفه‌های معناگرایانه (انگاره‌ای) در جهان‌بینی رهبران ایرانی می‌توانند دلایل بسط نفوذ و قدرت معنوی ایران در میان دیگر ملل منطقه را تبیین کنند. این مولفه‌های معناگرایانه راهی به فراسوی چارچوب مفهومی غربی پیش‌روی ما می‌گشاید و می‌تواند به مثابه چراغ راهی به سوی آینده باشد. مقوله‌هایی چون باورمندی به وجود خدای یکتا، خردگرایی، باور به نبرد حق و باطل و پیروزی نهایی حق بر باطل، باور به لزوم قدرت‌یابی برای مقابله با استکبار، باور به رهبری الهی، عدالت‌گرایی، حمایت از مستضعفین و مظلومان، ... همه و همه به شکل‌گیری مفهومی کمک می‌کنند که در اینجا از آن به قدرت انگاره‌ای یا معنایی یاد می‌شود. این مفهوم، اولاً بر خلاف مفهوم‌بندی غربی، سکولار و این‌جهانی و فیزیکی نیست. دوم این‌که، بهتر و دقیق‌تر می‌تواند نفوذ و قدرت فزاینده ایران در میان ملل منطقه را تبیین کنند. سوم این‌که با تأکید هرچه بیشتر بر این مولفه‌ها و تبیین هرچه بیشتر آنها می‌توان بر تأثیرگذاری و کارآمدی آنها در آینده افزود.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش‌های پیشین دریافته‌ایم که مفهوم‌بندی رایج از قدرت نرم به سبک جوزف نای یا دیگر نظریه‌پردازان غربی نمی‌تواند دلایل موفقیت جمهوری اسلامی ایران در برقراری روابط بهینه با ملت‌های منطقه و بسط قدرت و نفوذ آن را تبیین کنند. تأکید عمده این نظریه‌ها بر ارزش‌ها و مولفه‌های این‌جهانی، مادی و سکولار است. این موارد نمی‌توانند نفوذ و قدرت ایران در میان مردم یمن، عراق، لبنان، سوریه، فلسطین، افغانستان و دیگر ملتها را توضیح دهند. اگر تعریف آنان از قدرت نرم را مبنا قرار دهیم باید شاهد روابط بسیار نزدیک و عمیق ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز می‌بودیم که دارای اشتراکات تاریخی، زبانی، فرهنگی و دینی زیادی با آنها بوده هستیم. اما این اشتراکات نتوانسته‌اند پلی به سمت همگرایی درخور این کشورها ایجاد کنند و حتی در برخی موارد سبب واگرایی و تنش هم شده‌اند. از این‌رو در این پژوهش به دنبال مفهوم‌بندی دیگری از قدرت بودیم و برای یافتن مولفه‌های آن جهان‌بینی رهبران جمهوری اسلامی ایران را مورد کندوکاش قرار دادیم.

به‌منظور کاویدن ابعاد مختلف جهان‌بینی ایرانی - اسلامی رهبران جمهوری اسلامی ایران

از مدل نظری برگرفته از دیدگاه‌های آیت الله مطهری بهره گرفتیم و از روش تحلیل محتوای کیفی جهت دار نیز به منظور کشف معانی و دقایق گفتمانی دیدگاه‌های آنان استفاده کردیم. بر اساس مدل نظری اشاره شده، مولفه‌های شکل دهنده به سه بعد هست‌ها، باید‌ها و آرمان‌ها در اندیشه رهبران ایران تحلیل، رمزگذاری و رمزگشایی شد. مولفه‌های شکل دهنده به هست‌های جهان‌بینی - ایرانی همگی مولفه‌های کیهانی، معنوی و انگاره‌ای هستند که به باید‌ها و آرمان‌های این جهان‌بینی نیز جهت می‌دهد. آن مولفه‌هایی از جهان‌بینی ایرانی - اسلامی مورد بررسی قرار گرفت که می‌توانستند به تبیین قدرت نرم ایران در منطقه کمک کنند. مواردی چون باورمندی به وجود خدای یکتا، باور به نظام عدالت‌محور، اصالت اخلاق، دین سیاسی و باور به آموزه ثنویت حق و باطل شالوده این هست‌ها را شکل می‌دهد. همگی این مولفه‌ها در کنار آرمان‌ها و باید‌های جهان‌بینی ایرانی ما را به سمت مفهوم قدرت انگاره‌ای (معناگرایانه) سوق می‌دهد که می‌توان آن را به مثابه قدرت نرم ایرانی پنداشت. در پژوهش‌های آتی می‌توان کارکرد این مولفه‌ها را به صورت مصداقی و موردی در حوزه‌های جغرافیایی مختلف مورد بررسی قرار داد.

منابع

۱. افتخاری، اصغر و کمالی، علی (۱۳۹۴). «ساختار قدرت نرم در گفتمان اسلامی»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ۵، شماره ۱۲، ۹-۲۷.
۲. بلیکی، نورمن (۱۳۸۴). طراحی پژوهشهای اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
۳. بیکی، مهدی و خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۸). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: انتشارات بوستان کتاب قم.
۵. جعفرپناه، مهدی و پوراحمدی، حسین (۱۳۹۲). «قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مولفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۳، شماره ۸، ۱۱۳-۹۷.
۶. جعفری، علی اکبر و قربی، محمدجواد (۱۳۹۷). «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه کمی سیاست های کلی علم و فناوری»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۷، ۱۷۵-۱۵۱.
۷. جعفری، لیلا؛ تویسرکانی، مجتبی و هرسیج، حسین (۱۳۸۸). «ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۳، شماره ۲، ۲۶۹-۲۲۵.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۹). بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از پاسداران سپاه، <http://khamenei.ir/>
۹. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۰). بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، <http://khamenei.ir/>
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۰). بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان بوشهر، <http://khamenei.ir/>
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴). بیانات در مراسم صبحگاه رده‌های مختلف نیروی مقاومت بسیج، <http://khamenei.ir/>
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۵). بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در

http://khamenei.ir/ سالروز عید مبعث

۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸). بیانات در سالروز عید سعید مبعث، <http://khamenei.ir/>

۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰). بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی، <http://khamenei.ir/>

۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳). بیانات در حرم مطهر رضوی، <http://khamenei.ir/>

۱۶. ذوالفقاری، مهدی؛ جمال‌زاده، ناصر و ترابی، یوسف (۱۳۹۲). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

۱۷. سعیدی، روح‌الامین و مقدم‌فر، حمیدرضا (۱۳۹۳). «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ۵، شماره ۱۱.

۱۸. شجاعی، هادی (۱۳۹۸). منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عرصه روابط بین الملل، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۱۹. عباسی، مجید و سیفی، یوسف (۱۳۹۶). قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲۰. عیوضی، محمدرضا و نوازنی، علی و علیمحمدی، فریا (۱۳۹۵). «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و جریان‌های سیاسی شیعه غرب آسیا»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۹، ۱-۲۸.

۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). یادداشت‌های شهید مطهری (جلد دوم)، تهران: انتشارات صدرا.

۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (جلد دوم: جهان‌بینی توحیدی)، تهران: انتشارات صدرا.

۲۳. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۳). صحیفه امام خمینی، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

۲۴. یوسفی، جواد (۱۳۹۱). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی فلسطین، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

25. Feizi, Hiva and Talebi, Babak (2012). Iran's Soft Power Borne of Necessity and Complexity of its Multi-Dimensional Audience, Exchange:

- The Journal of Public Diplomacy, 3 (1), 48-52.
26. Mirmohammad Sadeghi, S.M. and Hajimineh, Rahmat (2019). The Role of Iran's «Soft Power» in Confronting Iranophobia", MGIMO Review of International Relations, 67(4), 216-238.
27. Nye, Joseph (1990). Soft Power, *Foreign Policy*, 80 (20), 153-171.
28. Wastindge, Edward (2014). The Modalities of Iranian Soft Power: From Cultural Diplomacy to Soft War, *Politics*, 35(3-4), 364-377.

عقلانیت انقلابی در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)

رحمت عباس تبار مفری^۱

عباداله اختری^۲

چکیده

عقلانیت در معرفت‌شناسی، مفهومی هنجاری است و وقتی باوری را معقول به حساب می‌آوریم، حاکی از این است که وظیفه‌ای معرفت‌شناختی را در پذیرفتن آن رعایت کرده‌ایم. هدف از نوشتار این مقاله، بهره‌گیری از کارکرد نظریه عقلانیت انقلابی و ترویج این گفتمان، ضمن تاکید بر ارزش‌ها و آرمان‌ها، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، با توجه به بازخوانی عقل سیاسی و انقلابی و مدل نظری عقلانیت ماکس وبر است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که رابطه میان انقلابی‌گری با عقلانیت چگونه است و مهم‌ترین مبانی عقلانیت انقلابی کدامند؟ همچنین موانع عقلانیت را نیز مورد کاوش قرار خواهیم داد. از این رو پژوهش حاضر ضمن تمرکز بر این پرسش‌ها، می‌کوشد داده‌های لازم را از طریق مطالعه کتابخانه‌ای استخراج و به روش توصیفی-تحلیلی آن‌ها را مورد واکاوی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. یافته‌های اولیه پژوهش حاکی از آن است که نگاه و جایگاه عقلانیت انقلابی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر گزاره‌هایی چون: سعادت و غایت جامعه سیاسی، سیاست دین محور، تطبیق آرمان و واقعیت، سیاست اصل محور و مبتنی بر مردم سالاری دینی است. **واژگان کلیدی:** عقلانیت انقلابی، اسلام سیاسی، آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، عقلانیت ماکس وبر.

۱. عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)
R.abbastabar@umz.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

مقدمه

امروزه پس از گذشت چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی در ایران و قرار گرفتن در دهه پنجم و با توجه به کارنامه جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف و همچنین با تأکید بر بیانات و ارشادات مقام معظم رهبری، به راحتی می‌توان مفهوم عقلانیت در نظام ۴۰ ساله جمهوری اسلامی ایران را بررسی نمود و متناسب با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در جله دوم انقلاب، گام‌های اساسی‌تری برداشت و انقلابی‌گری را فقط به معنای تغییر اصل نظام و حاکمیت معنا نکنیم، بلکه براساس بیانیه گام دوم انقلاب، انقلابی‌گری را به معنای تحول معنا کنیم. آن چه در این نوشتار از اندیشهٔ سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) مطرح می‌شود، بر این فرض اصلی استوار است که در نظر آن بزرگوار ملاحظه‌های عقلی، هم در تأسیس و هم در تداوم حکومت اسلامی به اندازه مبانی شرعی اهمیت و اعتبار دارد و به استناد اصل کلی «کلما حکم به الشرع حکم به العقل»، چنانچه حکومت بر اساس موازین مورد قبول عقل، از جمله آزادی افکار، قانون‌مندی، ضرورت سنجی و... حرکت کند، مورد تصویب شرع هم است. شرع و عقل حکم می‌کند که نگذاریم برخی رفتار و سیاست‌های غیردینی و گاهی متضاد با دین اسلام و اهداف انقلاب اسلامی ادامه پیدا کند. دلایل این کار واضح است، چون لازمه برقراری نظام سیاسی اسلامی، وجود سیاست‌ها و کارگزارانی از جنس انقلاب اسلامی و برخوردار از مبانی فکری صحیح دینی اسلامی می‌باشد.

آنچه که ذهن هر پژوهشگری را به خود مشغول می‌کند این است که آیا سیاست دهه‌های گذشته نظام جمهوری اسلامی بر پایه و اساس عقلانیت سیاسی بوده است؟ رهبران نظام جمهوری اسلامی، خصوصاً حضرت آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله‌العالی)، به عنوان عالی‌ترین شخصیت سیاسی نظام، چه اصول و شاخصه‌هایی را برای عقلانیت در نظر گرفته اند؟ نسبت میان عقلانیت سیاسی و تفکر انقلابی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای چگونه است؟ مفروض بحث این است که انقلاب اسلامی ناشی از محاسبه عقلانی صحیح و با پشتوانه علمی-دینی تحقق پیدا کرده است. مطالبه‌گری به حق مردم در امور آزادی، استقلال و عدالت طلبی، بخشی از مضامین عقلی برای تشکیل حکومت اسلامی بوده است و بر این فرض استوار است که انقلاب اسلامی برآمده از عقلانیت مردمی است و به عبارتی، بین عقلانیت و انقلابی‌گری نوعی رابطه دوسویه برقرار است.

در بررسی ادبیات پژوهش، تحقیقی با مضمون "عقلانیت انقلابی" مشاهده نشده است، اما تک‌نگاره‌هایی در باب عقلانیت سیاسی و یا عقلانیت در انقلاب اسلامی دیده می‌شود. مثلاً در کتاب «انقلاب عقلانی» (ذوعلم، ۱۳۸۹)، معنای "عقلانی بودن انقلاب اسلامی" و به عبارتی دیگر، رابطه «انقلاب» با «عقلانیت» تبیین شده است و به عنوان سلسله نوشتارهایی است در تبیین کلیدی‌ترین مفاهیمی که مورد نیاز جامعه‌ی امروز ماست و در بیانات رهبر حکیم انقلاب اسلامی نیز مورد توجه یا اشاره قرار گرفته است. همچنین مقاله محمد مهدی اسماعیلی و میثم عباسی فیروزجاء (۱۳۹۵) در مورد "عقلانیت انقلاب اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای"، عقلانیت جزء جدا ناشدنی انقلاب به شمار می‌رود که در کنار دو مفهوم معنویت و عدالت، ابعاد اصلی مکتب امام خمینی (ره) را تشکیل می‌دهند. از منظر نویسندگان این مقاله، انقلاب بر حسب عقلانیت خاص خود به تولید مفاهیمی می‌پردازد که برای اداره جامعه و حرکت به سمت الگوی مطلوب پیشرفت از اهمیت اساسی برخوردار است. این مضمونها آموزه‌هایی ذهنی و مبتنی بر قوه مجرد عقلی نیست، بلکه مفاهیمی «عملی» و «تمدن ساز» است که جمهوری اسلامی باید در راستای تحقق آن حرکت کند. اما پژوهش حاضر سعی دارد، مهم‌ترین مولفه‌های عقلانیت را با شاخصه‌های انقلابی از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای استخراج و به عنوان راهبرد در جهل ساله دوم انقلاب مدنظر قرار گیرد.

۱. چارچوب نظری و مفهومی

۱-۱. عقلانیت سیاسی از منظر ماکس وبر

از نظر ماکس وبر، «عقلانیت یا عقلانی شدن» یعنی: پیچیدگی در نظام اداری، اجتماعی و اقتصادی، پیدایش تقسیم کار و وظایف گسترده، پیش‌بینی پذیر شدن امور زندگی اجتماعی و اقتصادی، به ویژه بهره‌گیری انسان از ابزارها و گسترش عقلانیت ابزاری در حیطه‌های دولتی، بوروکراسی، اقتصاد سرمایه داری و... اما عقلانی شدن لزوماً به معنای بقای روحانی انسان نیست، حتی به معنای افزایش آگاهی انسان هم نیست؛ زیرا انسان تنها در جامعه مدرن از وسایلی استفاده می‌کند که نسبت به جزئیات آنها آگاهی ندارد. تفاوت انسان مدرن با انسان سنتی در آن است که انسان مدرن به لحاظ گسترش تخصص‌ها، نقش‌های مختلفی را در جامعه بازی می‌کند. انسان مدرن میان «واقعیت» و «امکان» فاصله می‌بیند. عقلانیت مورد توجه

ویر را نباید با مفهوم به اصطلاح عقلانیت موجود در تاریخ که حاصل صیورت انسانی در فرایند ترقی جهان بوده و فرجام آن پیروزی عقل به معنای شکوفایی عدالت حقیقی، تقوای واقعی، برابری صلح و... است با مفهوم امری عقلانی که در نهایت به انسان مداری می انجامد اشتباه کرد (آزادارمکی، ۱۳۷۵: ۳۹). زمینه و منشاء توضیح و تشریح نظریه عقلانیت در نظر وبر، کیفیت تکامل تمدن غرب بر حسب عقلانیت فزاینده‌ای بوده که سبب آفرینش یک نظم اجتماعی برنامه‌ریزی شده در زمینه‌های متعددی همچون اقتصاد سیاست دین و غیره بوده است (شیخ زاده، ۱۳۸۱: ۱۴۱). با توجه به تقسیم بندی که ماکس وبر بر عقلانیت دارد، می توان به فهم تمرکز ایشان بر عقلانیت، پی برد؛

الف- عقلانیت عملی: از نگاه وبر، عقلانیت عملی در حقیقت هر گونه شیوه‌ای از زندگی فرد است که شخص در آن اعمال دنیایی و تاثیرات آنها بر خود را ارزیابی می کند. عقلانیت عملی، استراتژی برای بهترین حالت زندگی فرد، رسیدن او به اهداف مهم و ترجیحات تا حد امکان است. هرگونه شیوه زندگی را که فعالیت دنیایی را با مبنا قرار دادن منافع فردی در وجه صرفاً عملگرایانه می نگرد و داوری می کند، واحد عقلانیت عملی وبر شناخته می شود (وبر، ۱۳۷۱: ۱۷۲).

ب- عقلانیت نظری: این نوع عقلانیت متضمن مهار کردن آگاهانه واقعیت است نه از طریق کنش بلکه از طریق ساختن مفاهیم انتزاعی که دارای دقتی فزاینده‌اند. در این جا مواجهه شناختی شخص با تجربه‌اش مانند فرآیندهای فکری از قبیل قیاس و استقرایهای منطقی فراوان رخ می دهد. اسناد علیت و ایجاد معانی نمادین در این عقلانیت، اموری عادی اند، به طور کلی تر تمام فرآیندهای انتزاعی مربوط به شناخت در تمام صورتهای فراگیر و فعال شان نشانه‌های عقلانیت نظری اند. این نوع عقلانیت تلاشی است آگاهانه برای نیل و وقوف به واقعیت مسلط و برتر، بیشتر از طریق افزایش مفاهیم انتزاعی است تا از طریق کنش (وبر، ۱۳۷۱: ۲۳۲).

ج- عقلانیت صوری: این نوع عقلانیت که دارای معانی کاملاً روشن و دقیق است، برای گزینش ابزارهای درست نسبت به یک هدف که قصد دستیابی به آن را داریم دلالت دارد (قائمی نیا، ۱۳۸۳: ۳). در این نوع عقلانیت، کنش گر بهترین و کاراترین راه برای رسیدن به هدفی مشخص را می سنجد و محاسبه می کند، و این کنش را نه به خاطر

خواستن خود بلکه به دلیل اینکه بهترین و کاراترین راه برای رسیدن به هدف است انجام می دهد (و بر، ۱۳۷۴: ۲۸). از نظر کیوستو، تاکید و بر بر عقلانیت از نوع صوری آن به نقش ابزاری عقل و انصراف از عقل حقیقت جو به عقل کارآمد است و غایت آن انتخاب و یافتن بهترین راه با کمترین هزینه برای رسیدن به هدف است (کیوستو، ۱۳۸۵: ۸۳).

د- عقلانیت ذاتی: انتخاب ابزاری از طریق ارزش ها برای دستیابی به اهداف در متن یک سیستم ارزشی است، یا به عبارت دیگر به کارگیری محاسبه عقلانی برای اهداف یا ارزش های نامحدود و آتی است (ارامکی، ۱۳۷۵: ۳۹). عقلانیت ذاتی از این نظر که کنش را مستقیماً به سوی الگو هدایت می کند مشابه عقلانیت عملی است، هرچند شباهتی به عقلانیت نظری ندارد، اما این هدایتگری نه بر پایه بررسی راه حل های مسائل روزمره از طریق محاسبه محض وسیله هدف است بلکه در ارتباط با اصلی ارزشی است که در گذشته، حال یا بالقوه موجود صورت می گیرد.

آنچه که ملاک ما در این پژوهش است، عقلانیت ذاتی است. یعنی مدعای ما این است که عقلانیت انقلابی نوعی عقلانیت ذاتی و ماهوی است که ریشه در ارزش های انقلابی دارد. بنابراین، این گونه عقلانیت منحصر به جوامع غربی نیست و فرا فرهنگی و فرا تاریخی است و هر جامعه ای که اصول ارزشی مستحکمی داشته باشد از عقلانیت ماهوی و ذاتی به بی بهره نیست. یعنی ملاکی منحصر به فرد با تکیه بر آن، رویدادهای بی پایان تجربی را که در عالم واقع جریان دارند می توان مورد گزینش سنجش و داوری قرارداد. به عبارتی دیگر این نوع عقلانیت دارای مفهومی هنجاری است بدین معنا که که واژه ای برای ارزیابی و مستلزم بایدهاست. عقلانیت انقلابی در اندیشه آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) هم از عقلانیت ماهوی و ذاتی است که بر پایه ارزش های انقلاب اسلامی شکل می گیرد. عقلانیت ذاتی منشاء عقلانیت های ارزش شناختی است، یعنی با ضابطه مند کردن ارزش ها می توان تحلیلی روشمند برای زندگی عقلانی ارائه داد.

۱-۲- عقلانیت سیاسی

عقلانیت سیاسی در مفهوم عام به این معناست که سیاست های اعمال شده و یا برنامه ریزی های سیاسی که در نظر گرفته می شود، با عقل و منطق صحیح منطبق باشد. عقلانیت سیاسی با يك وسعت نظر، باید طوری برنامه ریزی کند که حداقل موانع اساسی را از پیش پای جامعه

بردارد. همچنین در این معنا، انسان باید از خرد و بینش خود که همراه با دانش است، حداکثر بهره برداری را در جهت تصمیم‌گیری‌ها و شیوه‌های سیاسی انجام دهد. در عقلانیت سیاسی باید وسایل و ابزارها را طوری با اهداف هماهنگ کرد تا به یک نتیجه معین رسید، مکاتبی نظیر لیبرالیسم، سوسیالیسم و زیرمجموعه‌های مختلف تأکید زیادی بر مفهوم تصمیم عقلانی در سیاست دارند. تصمیم‌گیری عقلانی بر این فرض استوار است که تصمیم‌گیر در اتخاذ تصمیم از قانون هزینه و فایده تبعیت می‌کند. به عبارت دیگر در مدل عقلایی تصمیم‌گیری، بازیگر ضمن تعیین اهدافی مطابق آرمان و ارزشهای مکتب خود، راه‌های رسیدن به آن هدف را مشخص می‌کند. بازیگر در مرحله بعدی تبعات و عواقب هر راه‌حل را می‌سنجد و در نهایت تصمیمی منطقی در موضوعات سیاست می‌گیرد. لذا مدل عقلانی تصمیم‌گیری در سیاست، مدلی مرسوم است.

به طور معمول، عقلانیت در زندگی بشر را در سه سطح عقلانیت نظری، کنشی و ساختاری مورد بررسی قرار می‌دهند: منظور از عقلانیت نظری که از قدیمی‌ترین عرصه‌های عقلانیت است، بسط عقل در حوزه معرفت نظری و برهان و استدلال می‌باشد که در تاریخ فکر بشر، در قالب فلسفه و کلام تبلور یافته است. عقلانیت کنشی، ظهور عقل در کردارها، اعمال و رفتار افراد را شامل می‌شود. عقلانیت ساختاری نیز به بازتولید عقل در نهادها و قواعد جمعی اطلاق می‌گردد که باید‌ها و نبایدهای عقلانی را به انسانها منتقل می‌سازد (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۴-۱۵) که مراد ما در اینجا همین عقلانیت ساختاری است که مبنای عقلانیت سیاسی را می‌سازد.

شکل‌گیری عصر جدید با نظریه پردازی افرادی همچون ماکیاوولی، هابز، الک، هیوم، بنتام، جیمز میل، استوارت میل، روسو، کانت و هگل صورت پذیرفته است که هر یک سعی کرده‌اند چرخه عقلانیت و حضور آن در سیاست را در جوامع غربی نهادینه کنند. برخی در این راستا سخن از قرارداد اجتماعی به میان آورده‌اند، برخی به اصالت منفعت تأکید کردند و برخی نیز عقلانیت را مبتنی بر اراده‌ای عقلانی دانسته‌اند. (پولادی، ۱۳۸۰: ۲۶)

اما همان‌طور که از عقلانیت سیاسی غربی سخن گفته شد، لازم است از عقلانیت سیاسی اسلام نیز نام برده شود. روشن است که عقلانیت اسلامی از شعب و شاخه‌های متعددی برخوردار است که مهم‌ترین آنها، عقلانیت سیاسی است. بر اساس بینش اسلامی، عقل انسانی برای تفکر و تعقل آمده است و باید گفت عقل سیاسی ریشه در ایمان و اعتقاد و تفکر دارد و در

کنار آموزه‌های دینی و بهره‌گیری از پرتو وحی می‌تواند عقل سلیم به معنای حقیقی باشد. واقعیت این است که اگر بتوان عقلانیت اسلامی را نوسازی کرد، به تبع آن، عقلانیت سیاسی اسلام نیز نوسازی شده است و امکان دست‌یابی به عقلانیت سیاسی به مراتب قوی‌تر و کارآمدتر وجود دارد (غلامی، ۱۳۹۸: ۳). در عقلانیت سیاسی برآمده از اسلام، هست‌ها به عنوان الگو و منبع الهامی برای باید‌ها معرفی می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۴۸).

۱-۳- عقلانیت انقلابی

با بررسی و اتکا به بیانات مقام معظم رهبری در موضوع عقلانیت می‌توان مفهوم عقلانیت از دیدگاه ایشان را ضمن کلیدواژه «عقلانیت انقلابی» خلاصه کرد. موضوع عقلانیت، بحثی معرفتی و بینشی است که مکاتب گوناگون درباره آن دیدگاه‌های متفاوتی دارند. اما عقلانیت از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی را می‌توان در همان مفهوم «عقلانیت انقلابی» خلاصه کرد. بطور خلاصه می‌توان گفت، عقلانیت انقلابی، مرجع و محملی منطقی برای تحلیل و ابراز نظر در مسائل گوناگون سیاسی، امنیتی و بین‌المللی است که با رویکردی فعالانه و متناسب با واقعیات به تحلیل و اقدام جهت حل مشکلات و مسائل می‌پردازد. عقلانیت در اندیشه مقام معظم رهبری، از پایه‌های اصلی جامعه اسلامی و در عرض ایمان، مجاهدت و عزّت قرار دارد. به عقیده ایشان جایگاه عقلانیت در فرآیند جامعه‌سازی اسلامی از نقش بسیار مهمی برخوردار است. بدون شک عقلانیت از مهم‌ترین ابزار جهت‌دهنده و ارزش‌گذار فعالیت‌ها در نظام اسلامی به شمار می‌آید. همچنین در ارکان تفکر و تمدن اسلامی، عقلانیت در کنار نوگرایی و سماحت اسلامی جایگاهی بسیار مهم و تأثیرگذار دارد.

باتوجه به تشریح عقلانیت انقلابی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله العالی)، می‌توان تفاوت عقلانیت وبری و عقلانیت انقلابی را در دینی و سکولاری بودن آن معنا کرد. در عقلانیت دینی حقایق ثابت وجود دارد، برخلاف عقلانیت سکولار که همه چیز را تابع قرارداد می‌داند. در عقلانیت دینی واقعیت، منحصر به هستی و وضعیت محیطی نیست، بلکه واقعیت‌های فرا محیطی نیز وجود دارد که بر رفتار انسان تأثیر می‌گذارد. بنابراین طبق عقلانیت دینی انسان نباید در تصمیمات خود فقط بر وضعیت موجود اکتفا کند، بلکه باید امور ماورای آن را نیز در تصمیمات دخالت دهد. چون امکان دست‌یابی به حقیقت فراهم است و هر امری طبق هنجارهای اخلاقی

دارای مصلحت و مفسده است. از نظر عقلانیت دینی ملاک در انتخاب هدف و راه رسیدن بدان صرفاً کارآمدی و عملی بودن نیست، بلکه درستی و حقیقت داشتن ملاک است. یعنی به سبب عدم تمایز میان عقلانیت و ارزش‌ها، دخالت عقلانیت سطوح مافوق بر سطوح مادون، سطوح مافوق به عقلانیت ابزاری اجازه نمی‌دهد که هر آن چه را خواست برگزیند، بلکه باید بر مبنای درستی و حقیقت داشتن، هدف و راه وصول بدان را انتخاب نماید (فصیحی، ۱۳۸۴: ۳).

عقلانیت از دیدگاه وبر که از ویژگی‌های عصر مدرن است یک عقلانیت سکولار است و فرآیندی را طی می‌کند که از طریق آن تمام روابط و مناسبات انسانی در معرض تحلیل محاسبه و مدیریت قرار می‌گیرد. وبر حتی خود دین را به طور نسبی عقلانی می‌داند و بر این باور است که دین این ظرفیت را دارد که سرچشمه برای رشد عقلانیت باشد، همانگونه که اخلاق پروتستان در غرب مبنای تحولات فرهنگی خاصی شده است. اخلاقی که روی اصالت فرد، سخت کوشی، رفتار عقلانی و اعتماد به نفس تاکید می‌کند. ماکس وبر شناخت کاملی از تمام ادیان نداشت لذا بیش از اندازه به عقلانیت ابزاری تکیه می‌کند. بنابراین تحلیل وی یک تحلیل سابژکتیو است. به این معنی که تنها به یک جنبه از تحلیل دین می‌پردازد، در صورتی که جنبه‌های دیگر را در نظر نمی‌گرفت و ابعاد عقلانی، سیاسی، تاریخی و غیره که هر کدام تفسیری پویا دارند را به کنار گذاشت و آن را ساخته ذهن بشر می‌دانست (یزدانی، ۱۳۸۹: ۹۳).

۲. شاخصه‌های عقلانیت انقلابی

با فحص و تعمق در اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله العالی)، مواردی را می‌توان به عنوان شاخصه‌های عقلانیت انقلابی احصاء نمود:

۱-۲. آینده‌نگری و دوراندیشی در تصمیمات

تأمل در موضوع آینده انقلاب اسلامی که مباحث بسیار عمیق و جامع در آن قابل بحث است، آغاز مرحله‌ای دیگر از رشد و بالندگی این نهضت الهی و مردمی است. دیدگاه و افق آینده‌نگرانه مقام رهبری نسبت به انقلاب اسلامی، از عمق و جامعیت بالایی برخوردار است. ایشان با اشراف کامل به مسائل و احاطه به رویدادها و قدرت تجزیه و تحلیل موضوعات مرتبط با آینده انقلاب، راه کارها و الزاماتی را برای دستیابی به آینده مطلوب

و نیز تضمین سلامت انقلاب اسلامی ترسیم می نماید. توجه و عمل به این دیدگاهها و راهبردها در حوزه های مختلف و اساسی موجب پویندگی و بالندگی انقلاب در مسیر تکاملی خود می گردد.

نگاه فرا زمانی و مکانی در طراحی زیر ساخت های نظام اسلامی و برنامه نویسی سیاست های کلان، برجسته ترین راهبرد مقام معظم رهبری در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی بوده و بیانگر نوعی عقلانیت انقلابی است. در این زمینه می توان به چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، و معرف سیر کلی تحولات مطلوب ایران در عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی بسوی تمدن نوین اسلامی ایرانی در نیم قرن آینده اشاره کرد. این الگو با مشارکت گسترده متفکران و صاحب نظران ایرانی و بر اساس جهان بینی و اصول اسلامی و ارزش های انقلاب اسلامی و با توجه به مقتضیات اجتماعی و اقلیمی و میراث فرهنگی ایران و با در نظر گرفتن زمان و مکان، بر طبق روش های علمی و با استفاده از دستاوردهای بشری و مطالعه آینده پژوهانه تحولات جهانی طراحی شده و شامل مبانی، آرمان ها، رسالت، افق و تدابیر است.

آیت الله خامنه ای در دستور خود به مجمع تشخیص مصلحت نظام در تدوین و تصویب سند چشم انداز بیست ساله، به اصولی از امانتداری و آینده نگری اشاره کرده تا جهت کلی مسیر انقلاب برای توسعه در حوزه های داخلی و بین المللی برای آیندگان ترسیم گردد.

جلوه ای دیگر از عقلانیت انقلابی و آینده نگری آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، توجه به اصول کلی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی است. بدین معنا که انقلاب اسلامی بر مبنا و اصول کلی پایه ریزی شده و استحکام یافته است، بنابراین پای بندی به این اصول باید به گونه ای باشد که سایر قوانین و مقررات و آیین نامه ها از این اصول سرچشمه بگیرد. "باید تصمیم بگیریم که خط انقلاب را به معنای حقیقی کلمه و بدون هیچ گونه کمبود و کسری و پذیرش ساییدگی در گوشه ای از این هدف ها با قاطعیت و قدرت به سمت هدف های انقلاب ادامه دهیم (آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، ۱۳۶۸/۵/۱۸). روال کار بایستی تداوم و استمرار سیاست های کلی باشد که مجموعه نظام آن را برای آینده کشور تصویر کرده است" (آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، ۱۳۸۳/۶/۴).

۲-۲. احیاء هویت دینی

هویت، از جمله مفاهیمی است که در جامعه شناسی و روانشناسی همواره از وجوه گوناگون

مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. این مفهوم در جامعه‌شناسی به قوه استدراک و تلقی انسان به‌طور خاص و اجتماع انسانی به‌طور عام از چیستی و کیستی خویش و کیفیت تعین معنا در عالم بین‌الذهانی اشاره دارد. مفهوم هویت را می‌توان به دو گونه خاص «هویت اجتماعی» و «هویت شخصی»، که در طی کنش و واکنش‌های اجتماعی بین فرد و اجتماع طی فرایندی دیالکتیکی بین کل و جزء همواره بر هم تأثیر می‌گذارند، تقسیم کرد؛ که هویت اجتماعی به معنی القاب و ویژگی‌هایی است که از جانب «دیگری» به «فرد» یا «اجتماعی» خاص نسبت داده می‌شود (گیدنز، ۱۳۹۰: ۴۵).

از دیگر شاخصه‌های عقلانیت انقلابی در بیان و بنان آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، ارزشگذاری بر دین اسلام و تجدید حیات هویتی مردم ایران است. احیای دین مهم‌ترین انگیزه پیدایش انقلاب اسلامی و حضور مردم قهرمان و مبارز در عرصه‌های مختلف انقلاب بود. اجرای احکام اسلام در همه سطوح جامعه نیز برجسته‌ترین خواسته آنان به شمار می‌رفت. نقش انقلاب در بسترسازی احیای احکام و ارزش‌های اسلام ناب، غیر قابل کتمان است؛ "ما هر جا موفق شدیم ناشی از تبعیت از اسلام بوده، هر جا ناموفق ماندیم ناشی از سرپیچی از اسلام بود. این نهضت و انقلاب، همه این‌ها مقدمه این است از برای این که اسلام پیاده بشود ما دنبال این هستیم که اسلام تحقق پیدا بکند، دنبال اسم نیستیم که حالا ما اسم جمهوری اسلامی پیدا کردیم کافی است برای ما. مقصد این است که کشور ما یک کشور اسلامی باشد، کشور ما در تحت رهبری قرآن، تحت رهبری پیغمبر اکرم (ص) و سایر اولیاء عظام اداره بشود" (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹).

وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) نقطه‌ای عطفی در تحولات فرهنگی و هویتی جهان اسلام بوده است: «توحید رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی این اسلامی است که ما می‌خواهیم بر اساس آن این حکومت و این نظام و این حرکت را راه بیندازیم» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲). انقلاب اسلامی ایران، احیای فرهنگ و هویت اسلامی بود.

۲-۳. اقتدار و عزت ملی

مبنای اقتدار در جمهوری اسلامی یک مبنای «عقلانی» است؛ یعنی اقتدار صرفاً محصول

احساسات و عواطف نیست. محاسبه اقتدار ملی یک محاسبه عقلانی است؛ یعنی یک محاسبه درست و منطقی. حد و اندازه قدرت دفاعی، عرض و طول نیروهای مسلح، چگونگی تقسیم مسئولیت‌ها میان نیروهای مسلح و تعیین انواع ابزارهای دفاعی، همه بر اساس محاسبات درست و منطقی است. "ما اگر بخواهیم عقلانیت را به کار بگیریم برای مشخص کردن حد و حدود قدرت دفاعی مان، بایستی تهدید را به شکل واقعی خودش ببینیم. دشمنان گاهی تهدید را مخفی می‌کنند، پنهان می‌کنند برای غافل‌گیری، گاهی تهدید را ده برابر بزرگ‌تر نشان می‌دهند برای ایجاد ترس و رعب در ملت‌های عالم که این کار دوم را بیشتر ابرقدرت‌ها می‌کنند. تهدید خودشان را، قدرت خودشان را، خیلی خیلی بیشتر از آنچه هست نشان می‌دهند برای اینکه دیگران را وادار به تسلیم بکنند. اگر چنانچه یک ملتی، یک کشوری و نیروهای مسلح او و سردمداران و مدیران نیروهای مسلح تهدید را در اندازه واقعی خودش ببینند، از طرفی ظرفیت‌های خودشان و توان و استعداد خودشان را هم به صورت واقعی ببینند و آن را اعداد کنند، آن را بسیج کنند، آماده کنند - وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ؛ هر چه می‌توانید اعداد کنید - امکانات خود را اعداد بکنند و توان تهدید دشمن را هم ببینند، این قطعاً منافع ملی را تأمین خواهد کرد و موجودیت ملی را حفظ خواهد کرد، هویت ملی را محفوظ خواهد داشت" (آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، ۲۱ / ۷ / ۹۹).

۲-۴. اعتماد به مردم (مردم سالاری دینی)

مردم سالاری دینی قبل از طرح در جهان اسلام، با عنوان تنودموکراسی در جهان مسیحی برای ایجاد ارتباط میان الهیات و حکومت دموکراتیک توسط جوزف اسمیت مطرح شد. از نظر اسمیت منظور از این مفهوم، نظامی است که «خدا و مردم» قدرت را بر پایه درستکاری برعهده دارند. این اصطلاح قبل از رواج در ایران پس از انقلاب، توسط برخی از اندیشمندان مسلمان از جمله ابوالاعلی مودودی، از متفکران هند و پاکستان طرح شد. وی مردم سالاری دینی را حکومتی می‌داند که حاکمان آن به واسطه اراده آزاد مردم انتخاب می‌شوند و سیاست‌گذاری‌های آن بر پایه اصول اسلامی برآمده از کتاب و سنت انجام می‌گیرد (مبلغی، ۱۳۹۳: ۴۳).

مردم سالاری دینی شیوه‌ای از حکومت‌داری در کشورهای اسلامی است که شهروندان دین‌باور در چارچوب آموزه‌های شریعت، مشارکتی فعال در زندگی سیاسی دارند و از هرگونه

استبداد فردی در تصمیم‌گیری‌های عمومی اجتناب می‌کنند. "الهی بودن ذات حاکمیت" و "واگذاری حاکمیت از طرف خدا به مردم" را دو عنصر اصلی این نوع حکومت دانسته‌اند. مردم‌سالاری دینی پس از انقلاب اسلامی ایران از نشان‌های اصلی جریان اسلام‌گرایی سیاسی و از مصادیق چالش مدرنیسم و سنت معرفی شد. از مردم‌سالاری دینی به عنوان بدیلی امنیت آفرین در برابر سکولاریسم، راهکاری برای خروج جهان اسلام از افراط‌گرایی و سلفیسم و همچنین پاسخی به مطالبات تاریخی مردم ایران در جمع میان دین و شاخص‌های دموکراسی از زمان انقلاب مشروطه یاد شده است و در جمهوری اسلامی این مهم به عنوان مصداقی از مبانی عقلانیت نمو پیدا کرد و هرچه از عمر آن می‌گذرد رشد این شاخصه بیشتر نمایان می‌شود.

در رویکرد عقلانی آیت‌الله خامنه‌ای به مردم، اعتماد به مردم، جزء سنن آفرینش است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: "محاسبات جمهوری اسلامی از روز اول براساس منطق عقلانی بوده است؛ عناصری که این محاسبات را شکل میداده اینها هستند: اول، اعتماد به خدا و سنن آفرینش؛ دوم، بی‌اعتمادی به دشمن و شناخت او. از جمله‌ی موارد اعتماد به خدا و سنن آفرینش، اعتماد به مردم است؛ اعتماد به ایمانها است؛ اعتماد به محبتها است؛ اعتماد به انگیزه‌های صادقانه است؛ اعتماد به صدق مردم است. اعتقاد به خودباوری و اینکه «ما میتوانیم»، تکیه به عمل و پرهیز از بیکارگی، اعتماد به نصرت الهی، تکیه به تکلیف و مجاهدت در راه تکلیف. اینها آن چیزهایی است که از روز اول تا امروز مجموعه عناصر قوه عقلانی نظام اسلامی را شکل داده است (آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، ۱۳۹۳/۴/۱۶).

۲-۵. استقلال طلبی

استقلال یعنی آزادی از اراده بیگانگان و اراده دیگران. این را هیچ عقلی نمیتواند انکار کند (آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، ۱۳۹۳/۴/۱۶). استقلال یعنی يك كشوري مداخله‌گر را بشناسد، با آن مقابله کند و در مقابل آن بایستد. استقلال به معنای بداخلاقی کردن با همه‌ی دنیا نیست. استقلال به معنای مقابله با آن قدرتی است که میخواهد مداخله کند، میخواهد دستور بدهد، میخواهد حیثیت و شرف يك ملت را برای منافع خود خرج کند (آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹). شعار اصلی انقلاب اسلامی این سه کلمه بود: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی، همان نظامی است که وارد میدان شد، با تلاش‌های خود و

چالش‌هایی که با آن روبه‌رو بوده است، پیش می‌رود و راه را باز می‌کند. شعار آزادی، جزو شعارهای بسیار جذاب است. درباره آزادی، سخن‌ها بسیار گفته شده است؛ بعضی با اعتدال، بعضی با افراط، بعضی با تفریط.

شعار استقلال، یکی از مهم‌ترین شعارهاست. اگر استقلال نباشد، يك ملت به آزادی خود و به شعار آزادی خود هم نمی‌تواند خوشبین باشد. استقلال را بعضی عمداً، بعضی سهواً، بعضی از روی غفلت و بعضی از روی خباثت، می‌خواهند به دست فراموشی بسپارند. "استقلال یعنی اینکه يك ملت بتواند بر سرنوشت خود مسلط باشد، بیگانگان دست دراز نکنند و سرنوشت او را خائنانه و مغرضانه رقم نزنند. این معنای استقلال است. اگر از ملتی استقلال او گرفته شد، یعنی اگر بیگانگان که یقیناً دلسوز او نیستند بر سرنوشت او مسلط شدند، دو چیز را از دست می‌دهد: اول، عزت نفس خود را، افتخارات خود را، احساس هویت خود را؛ دوم، منافع خود را. دشمنی که بر سرنوشت يك ملت مسلط شود، دلسوز آن ملت نیست و منافع آن ملت برای او اهمیت ندارد. آنکه می‌آید يك ملت را مستخر سرنجه قدرت خود می‌کند، در درجه‌ی اول در حقیقت، در اول و آخر به فکر منافع خود است. آنچه برای او کمترین اهمیتی ندارد، منافع آن ملتی است که استقلال خود را از دست داده است. ما در این زمینه نمونه‌های فراوانی در قرن نوزدهم و سپس به دنبال آن در قرن بیستم داریم (آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، ۱۴/۷/۱۳۷۹).

۲-۶- قانون‌گرایی

شاخص دیگر عقلانیت، توجه، تمرکز و اعمال قانون است. از منظر آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، به حکم عقل، قانون‌گرایی جنبه الزام‌آور و حاکمیتی و ولایتی دارد. ایشان می‌فرمایند: "شما با قانون دارید اعمال ولایت می‌کنید بر جامعه، اعمال اقتدار می‌کنید بر جامعه، لذا قانون الزام‌آور است. یعنی طرف شما در جامعه که آحاد مردم - از جمله خود شما - هستند، در زیر اقتدار قانون قرار می‌گیرند. قانون بر آنها اعمال ولایت می‌کند. این جنبه‌ی واضح قانون است" (آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)، ۱۰/۱/۱۳۸۸). اثر فرهنگی، تربیتی و اخلاقی، بعد دیگر قانون‌گرایی و و قانون‌گذاری است که آیت الله خامنه ای به آن توجه می‌دهند. "هر قانونی که شما بگذرانید، ولو به حسب ظاهر این قانون ارتباط با مسائل تربیتی و فرهنگی هم ندارد - یک قانون اقتصادی فرض بفرمائید -، این یک اثر مستقیم یا غیر مستقیم فرهنگی و اخلاقی و تربیتی بر روی مردم

دارد. رفتارها و خلقیات و تربیت‌ها اثر متقابل دارند؛ هم اخلاق در رفتار تأثیر می‌گذارد، هم رفتار بر اخلاق تأثیر می‌گذارد. شما ببینید: «ثم کان عاقبة الذین اساءوا السوء»، کار بد که می‌کنیم، روی دل ما اثر می‌گذارد، روی اخلاق ما اثر می‌گذارد، گاهی روی برداشت‌ها و تلقی‌های ما اثر می‌گذارد؛ دل‌بستگی که پیدا می‌کنیم، این دل‌بستگی روی ذهنیات ما اثر می‌گذارد. اعمال و رفتار از یک طرف، و اخلاق و تربیت از یک طرف؛ اینها تأثیر متقابل دارند. اگر ملتی دچار بی‌قانونی بشود، قانون‌شکنی بر ذهن و عمل مردم حاکم بشود، هیچ پیشرفت معقول و درستی نصیب آن ملت و کشور نخواهد شد (آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۸۸/۱/۱۰).

۷-۲. منطق محوری حکمرانی

منطق آیت‌الله خامنه‌ای در هدایت و مدیریت انقلاب و نظام اسلامی که یکی از لوازم و اقتضائات مهم و اساسی برای ایفای نقش و انجام وظیفه بر اساس مراتب ولایتمحوری می‌باشد، مبتنی است بر منطق و نظام فکری حاکم بر سبک مدیریت و حکمرانی "ولی". حکومت در همه جنبه‌هایش اعم از فرهنگ، سیاست، اجتماع، امنیت، دفاع و... عرصه مسائل نوپدید است و بسیاری از این حوادث پیشینه تاریخی مسلم و قطعی ندارند تا بتوان با شباهت جوئی و الگوپذیری از تاریخ، آنها را حل نمود. سرعت تحولات در کشورها و ملت‌های جهان و عدم دسترسی لحظه‌ای به "ولی امر" برای پرسش از نحوه مواجهه با این تحولات، اقتضا می‌کند بر اساس آگاهی از منطق حکمرانی ایشان، حکم هر مسئله را بیابیم.

اگر ما به زمینه‌ها، علل، عوامل و دلایل انتخاب‌های فقیه حاکم آگاهی نیابیم، امکان همراهی با تصمیمات وی به حداقل میرسد و ممکن است دچار کج فهمی‌های برخی یاران ائمه و نائبان آنها بشویم. ارزشمندی کشف منطق حکمرانی ولی فقیه از آن جهت است که منطق و اندیشه شیعه این است که در زمان عدم دسترسی به امام معصوم علیه السلام، فقیه جامع شرایط نزدیک‌ترین فرد به او است چون به احکام کلی اسلام آگاهی کامل دارد (فقاها)، از نظر شایستگی‌های روحی و اخلاقی سرآمد است و از کارآیی مطلوب در مقام مدیریت و هدایت جامعه برخوردار می‌باشد (کفایت و تدبیر). "ولی" در بسیاری از موارد ناگزیر است متناسب با همراهی خواص و فهم و مشارکت عموم، فرمانی صادر کند، به همین دلیل اقدام همراهان انقلابی او اگر بر اساس کشف منطق حکمرانی ایشان باشد، باعث میشود زمینه موضع‌گیری آشکار و

تصمیم‌گیری حداکثری رهبری فراهم شود و اقتدار (بسط‌ید) فراوانی برای ایشان ایجاد گردد. چنانچه مؤمنین انقلابی بر اساس منطق حکمرانی رهبری اقدام نکنند، ممکن است "ولی" در بسیاری از موارد ناگزیر به ورود در صحنه شود و هزینه اقدام افزایش یابد. در یک جمله، «منطق حکمرانی» آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی): عالمانه، مبنامند، آرمان‌گرایانه، واقع‌بینانه، مدبرانه، چشم‌اندازنگرا، راهبردمدارانه، خیرخواهانه و مشفقانه، کمال‌جویانه، مصلحانه، خدمت‌گزارانه، هنرمندانه، انسجام‌یافته، روشمند، و عزت‌مندانه است (کسائی، ۱۳۹۹: ۲۹).

۳. موانع عقلانیت

آنچه از مسیر عقلانیت جلوگیری می‌کند، اختلال در نظام محاسباتی است که به دلایل مختلفی اتفاق می‌افتد. در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای به بخشی از الگوهای اختلال در نظام محاسباتی اشاره شده است:

۱. تصویرسازی غلط از توان خود و دشمن (۱۳۹۱/۵/۳)
۲. تصور تحویل هدف بدون هزینه (۱۳۹۱/۵/۳)
۳. کامل‌ندیدن واقعیت و تکیه بر توهمات غیرواقعی (۱۳۹۰/۱۲/۱۸)
۴. تحریم و فشار اقتصادی (۱۳۹۰/۱۰/۱۹)
۵. تبدیل یک معنای صحیح به مفهومی نادرست (۱۳۷۱/۱۱/۲۵)
۶. تغییر ادراک از مصلحت (۱۳۹۸/۷/۴)
۷. القای عجز و ناتوانی (۱۳۹۸/۳/۱۴)
۸. تغییر نظام هزینه-فایده مسئولین (۱۳۹۴/۱۲/۲۰)
۹. تغییر باورها و ارزش‌های مردم (۱۳۹۴/۵/۱)
۱۰. پردازش اشتباه داده‌ها (۱۳۹۳/۵/۱)
۱۱. بی‌خاصیت‌سازی تجارب و تضعیف اراده منجر به اقدام و عمل (۱۳۹۳/۴/۱۶)
۱۲. برجسته‌سازی فرعیات (۱۳۹۶/۳/۱۷)

نتیجه‌گیری

در طرح اندیشه حکومت اسلامی، توافق و هم‌راهی عقل و شرع را می‌توان با در نظر گرفتن

شرایط زمانی و مکانی به خوبی تبیین کرد. در اندیشه آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، حکومت اسلامی با سه گانه عدالت، عقلانیت و معنویت، معنا و محقق می‌شود. این سه اصل از یکدیگر غیرقابل انفکاکند. عقلانیت، از پایه‌های اصلی جامعه اسلامی و در عرض ایمان، مجاهدت و عزت است. معنویت روح کار، عقلانیت مهم‌ترین ابزار کار و عدالت جهت‌دهنده و ارزشگذار کارها در نظام اسلامی است. ارکان تفکر و تمدن اسلامی، نوگرایی و سماحت و عقلانیت است. نزدیک‌ترین تعبیر به عقلانیت (در بیان آیت الله خامنه‌ای)، (مدظله العالی) حکمت و خردگرایی است. عقلانیت یعنی توجه به ظرفیت کارشناس، کار کارشناسی، مطالعه درست، ملاحظه جوانب و آثار و تبعات یک اقدام و حتی گاهی ملاحظه تبعات یک اظهار نظر. عقلانیت یعنی به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات. عقلانیت به معنای تسلیم نیست. عقلانیت به معنای هزیمت هم نیست. عقلانیت برای پیش رفتن و در جهت یافتن راه‌هایی برای هر چه موفق‌تر شدن در رسیدن به آرمان‌هاست.

لذا مفهوم عقلانیت در اندیشه مقام معظم رهبری را می‌توان در چند مؤلفه خلاصه نمود. اول، داشتن رویکرد منطقی و محاسبه‌گر. دوم، نگاه انقلابی و به دور از محافظه‌کاری. سوم، توجه به واقعیات و وضعیت موجود. بر همین اساس نظام سیاسی اسلام، برآمده از سه گانه عقلانیت، معنویت و عدالت، و مردم‌سالاری دینی است. مردم‌سالاری دینی، به این معنی است که اداره و کنترل جامعه در حوزه سیاسی توسط نمایندگان مردم، مطابق با ارزش‌های دینی و مذهبی صورت می‌گیرد. در مردم‌سالاری دینی، هدف، حفظ و ارتقاء ارزش‌های انسانی و اخلاقی جامعه است. بر همین اساس، انعطاف در برابر استدلال برتر از هر شخص خارج از جایگاه اجتماعی-اعتقادی، ملاک اداره یا کنترل جامعه قرار می‌گیرد.

منابع

۱. اسماعیلی، محمد مهدی و عباسی فیروزجاه، میثم (۱۳۹۵). «عقلانیت انقلاب اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه ای»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، شماره ۲.
۲. آزاد ارمکی، نقی (۱۳۷۵). «جامعه شناسی عقلانیت»، قیسات، دوره ۱، شماره ۱.
۳. بیانات آیت الله خامنه ای در ارتباط تصویری با مراسم مشترک دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه های افسری نیروهای مسلح، ۲۱ مهر ۹۹.
۴. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۴ مهر ۱۳۷۹.
۵. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۹ بهمن ۱۳۹۲.
۶. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار کارکنان نهاد ریاست جمهوری، ۱۸ مرداد ۱۳۶۸.
۷. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار کارگزاران نظام، ۱۲ آذر ۱۳۷۹.
۸. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار مسئولان نظام، ۱۶ تیر ۱۳۹۳.
۹. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار با مردم قم، ۱۹ دی ۱۳۸۱.
۱۰. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت، ۴ شهریور ۱۳۸۳.
۱۱. بیانات آیت الله خامنه ای در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۰ فروردین ۱۳۸۸.
۱۲. پولادی، کمال (۱۳۸۰). از دولت اقتدار تا دولت عقل در فلسفه سیاسی مدرن، تهران: نشر مرکز.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). مبادی اخلاق در قرآن، قم: اسراء.
۱۴. ذوعلم، علی؛ طیار، نژاد، رامین؛ صالحی، محمد مهدی و قائد علی، حمیدرضا (۱۳۹۸). انقلاب عقلانی، تهران: معاونت پژوهش و آموزش موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۵. شیخ راده، محمد (۱۳۸۶). «بررسی مبانی عقلانیت در تصمیم گیری»، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۱.
۱۶. شیدایان، حسین (۱۳۸۶). «الزامات آینده انقلاب اسلامی از نگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری»، فصلنامه حصون، شماره ۱۱.
۱۷. غلامی، رضا (۱۳۹۸). نظام عقلانیت سیاسی اسلام و جایگاه آن در شکل گیری تمدن نوین اسلامی، تهران: نشر آفتاب توسعه.

۱۸. فصیحی، امان الله (۱۳۸۴). «عقلانیت دینی و سکولار»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۳۲.
۱۹. قائمی نیا، علیرضا (۱۳۸۴). «چیستی عقلانیت»، نشریه ذهن، شماره ۱۷.
۲۰. کالبرگ، استپان (۱۳۸۳). «انواع عقلانیت از دیدگاه ماکس وبر، بنیادهایی برای تحلیل فرآیندهای عقلانی شدن در تاریخ»، ترجمه مهدی دستگردی، معرفت، شماره ۸۰.
۲۱. کسائی، سعید و داودی، عباس (۱۳۹۹). تلخیص کتاب تربیت و تعالی دینی (۲)، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، تهران: زمزم هدایت
۲۲. گیدنر، آنتونی و بردسال، کاردن (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
۲۳. مبلغی، عبدالمجید (۱۳۹۳). «سودمندگرایی و مردم سالاری دینی»، پژوهش های سیاسی نظری، شماره ۱۵.
۲۴. محمدی، رحیم (۱۳۸۲). درآمدی بر جامعه شناسی عقلانیت، تهران: انتشارات باز.
۲۵. مصطفایی، مهران (۱۳۸۹). «عقلانیت و سیاست در اندیشه ماکس وبر»، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۳۵.
۲۶. معزالدینی، امیرحسین (۱۳۹۳). روزنامه رسالت، شماره ۸۱۲۸.
۲۷. وبر، ماکس (۱۳۷۱). اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری، ترجمه رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، تهران: علمی فرهنگی
۲۸. وبر، ماکس (۱۳۸۷). دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس.
۲۹. یزدانی، عباس (۱۳۸۹). «دین و عقلانیت در فلسفه اجتماعی ماکس وبر و نقد آن»، فصلنامه معرفت، شماره ۱۵۷.

طراحی و تدوین الگوی مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی مبتنی بر منظومه فکری آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی)

مهدی افراریان^۱

حمید پیشگاه هادیان^۲

غلامحسین بلندیان^۳

اکبر اشرفی^۴

چکیده

امروزه فرآیند عمومی سیاست‌گذاری امنیتی، یکی از موضوعاتی است که در تمامی کشورها، هم‌زاد با سیاست و آیین‌کشورداری بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بسیاری از کشورهای دنیا، اهمیت تعیین این فرآیند را به‌خوبی درک کرده و با فراهم آوردن شرایط مناسب، جایگاه ویژه‌ای را برای سیاست‌گذاری‌های امنیتی تدارک دیده‌اند. اما طرح مسأله امنیتی به‌سادگی امکان‌پذیر نیست، بلکه این امر مستلزم توجه به مبانی و ارکان تحلیلی امنیت در هر سیستم می‌باشد. بدین منظور و با عنایت به لزوم مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی، پژوهش حاضر با هدف ارائه نظریه بومی مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی مبتنی بر منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی به رشته تحریر درآمده و از بیانات، نامه‌ها، احکام و فرامین رهبری در جهت راهیابی به الگوی مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی که مرجع فکری این موضوع هستند استفاده گردیده است. در این راستا، بیانات معظم‌له در حوزه موضوع تحقیق به روش تمام‌شمار مطالعه و با ۲۰ نفر از نخبگان و صاحب‌نظران موضوع تحقیق مصاحبه گردید. متن‌های مکتوب موجود و مصاحبه‌های صورت گرفته پس از تحلیل با روش استقرایی در کنار یکدیگر قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: مساله‌شناسی، الگوی مساله‌شناسی، سیاست‌گذاری امنیتی، منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله العالی).

۱. گروه سیاست‌گذاری عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
ham.pishguahadian@iauctb.ac.ir

۳. گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴. گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

امروزه سیاستگذاری امنیتی یکی از مهمترین وظایف دولت‌ها در راستای تأمین امنیت در تمامی حوزه‌ها زمینه‌ها بشمار می‌آید. سیاستگذاری امنیتی ناظر بر خط مشی‌های حاکم بر روندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مرتبط با امنیت ملی است (رضوی نژاد، ۱۳۹۹: ۴). بدین لحاظ حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی و عرصه‌های نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، مدیریتی و حتی فرهنگی و اجتماعی با مقوله سیاستگذاری امنیتی ارتباط وثیق می‌یابند؛ در این میان، نیاز به امنیت، مقوله‌ای اجتماعی است. امنیت فراتر از ذهنیت محض، تابعی عینی است که از اوضاع اجتماع (در کلیت آن) و نوع و مقدار پدیدارهای نظم زدا، نشأت می‌گیرد. تبعیت امنیت مجموعه روابط جمعی هر واحد هویت دار اجتماعی، اثبات اجتناب ناپذیری «سیالیت و پویایی» امنیت در بستر زمان و مکان است و از بطن اجتماع و محیط زیست انسانی برمی‌خیزد، تهدید می‌شود و چهره عوض می‌کند. در چنین پهنه‌ای از تحلیل اجتماعی و هستی‌شناسانه امنیت، نیاز به انسان‌شناسی امنیت نیز عرض اندام نموده و خود جلوه‌هایی خاص از این مقوله را به همراه داشته است: امنیت بیش از آنکه «از» و «برای» ساختارهای مجازی قدرت در اجتماع باشد، مولود روابط بین انسانی و ناظر بر فراهم‌سازی محیط و شرایطی است که بشر تعالی و کمال خود را از رهگذر مسیری که در اجتماع به روی وی گشوده شده، به مناسب‌ترین وجه دنبال نماید (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۱۱). در این صورت امنیت انسانی (بر خلاف مرکز ثقل امنیت در مکتب کپنهاگ) جایگزین یا عرصه‌ای موازی با امنیت سنتی می‌گردد که هم فلسفه و غایتی مختص به خود دارد و هم هنجار (نرم‌ها) و بایسته‌هایی متفاوت به همراه می‌آورد (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

از آنجاکه تعیین سیاست‌های کلان کشور به موجب اصل ۱۱۰ قانون اساسی بر عهده رهبری است، سیاستگذاری امنیتی در کشور ضرورتاً باید ملهم از اندیشه و سیاست‌های رهبری در باب مسائل امنیتی باشد. به این منظور، پژوهش حاضر با هدف پر کردن چنین خلأ و ضرورتی با عنایت به اینکه طرح و توصیف یک مسأله نقطه آغازین که شاید مهم‌ترین نقطه یک سیاست‌گذاری است، در صدد طراحی و تبیین الگوی مسأله‌شناسی در سیاستگذاری امنیتی در اندیشه آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی) برآمده است. متناسب با چنین هدفی، استراتژی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به‌عنوان روش تحقیق انتخاب گردیده است. به این منظور با

بررسی کیفی تمامی جامعه آماری شامل بیانات، سیاست‌های ابلاغی، پیام‌ها، احکام و نامه‌های معظم از نیمه خرداد ۱۳۶۸ تا کنون (۱۴۰۰) پرداخته شد. الگوی نهایی پژوهش ضمن بنیادین بودن، می‌تواند به‌موجب قانون اساسی به‌عنوان سند راهنمای تدوین سیاست‌های کلان امنیتی جمهوری اسلامی ایران توسط نهادهای مسئول مورد توجه قرار گیرد.

۱. پیشینه‌شناسی پژوهش

حبیب زاده (۱۳۹۸) در مقاله «ابعاد امنیت از منظر امام خامنه‌ای»^(مدظله العالی) تلاش دارد با تحلیل گفتمان و با رویکرد استنباطی و به صورت تمام شمار، بیانات معظم له را بررسی نموده و ابعاد امنیت را احصاء نماید. در این راستا از بررسی، واکاوی و تحلیل فرمایشات امام خامنه‌ای^(مدظله العالی) چنین نتیجه گرفته شده که ابعاد امنیت را می‌توان در شش بُعد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، دفاعی-امنیتی و زیست محیطی سازمان دهی کرد. این ابعاد به هم مرتبط بوده و تهدید یا وجود آسیب در هر یک از آن‌ها، سایر ابعاد را متأثر خواهد نمود.

موسوی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «مرجع امنیت ملی در اندیشه‌ی فقهی آیت‌الله خامنه‌ای» و در پاسخ به مرجع امنیت ملی از منظر فقهی آیت‌الله خامنه‌ای بر این نظرند که به ترتیب سه موضوع اسلام، ثبات کشور و استقلال، دارای اهمیت بیشتر بوده و از بین این موارد، اسلام، چه در قالب ایمان و باور ملی و چه ایدئولوژی نظام سیاسی، دارای اولویت بیشتر و مرجع امنیت ملی از منظر رهبر انقلاب اسلامی است و دو موضوع دیگر نقشی مقدمی و اجتناب‌ناپذیر نسبت به آن دارند.

برزگر و رضایی (۱۳۹۵) در مقاله «راهبرد دفاعی ایران از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» ضمن بررسی شناخت ابعاد علمی و نظری تفکر راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله العالی) از منظر مکتب رئالیسم سعی در پاسخ به این سؤال دارند که آیا مکتب رئالیسم از توانایی و ظرفیت لازم برای تبیین انگیزه‌ها، اهداف، تصمیم‌ها، رفتارها و رویکردهای رهبری در مقام فرماندهی کل قوای مسلح در جمهوری اسلامی ایران برخوردار است؟ نویسندگان معتقدند فرامین و اندیشه‌های دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله العالی) غالباً مبتنی بر افزایش «امنیت نسبی» و نه «قدرت نسبی» است؛ که به شکلی واقع‌گرایانه بازتعریف و بر مبنای ملاحظات اخلاقی (اسلامی) صورت بندی شده است. بر این اساس، اهداف و راهبردهای نظامی آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله العالی) عموماً

در راستای فعال سازی الگوهای معطوف به بازدارندگی فعال و مهار چالش های ناشی از بروز تحولات جدید در مناطق فوری امنیتی کشور است.

رضوی نژاد و ملک محمدی (۱۳۹۷)، در مقاله «درآمدی تحلیلی بر مسئله شناسی در سیاستگذاری امنیتی» به روش توصیفی تحلیلی، ضمن تبیین تعریف، رهیافت ها، مراجع و پیشران های امنیتی بعنوان ملزومات اولیه در سیاستگذاری امنیتی، به ضرورت و اهمیت، مجریان، شیوه و روش اقدام در فرآیند مسئله شناسی امنیتی پرداخته اند.

به رغم انجام تحقیقات متعدد، نوشتاری که مستقیماً به مساله شناسی سیاستگذاری امنیتی مبتنی بر منظومه فکری رهبری پرداخته باشد یافت نشد و به جرأت می توان گفت که تحقیق حاضر تلاش دارد برای اولین بار در این زمینه تولید محتوا نماید.

۲. ادبیات نظری

۲-۱. سیاستگذاری امنیتی و ساختار آن

فرآیند عمومی سیاستگذاری امنیتی، یکی از موضوعاتی است که در تمامی کشورها، همزاد با کشورداری بوده و از اهمیت ویژه ای برخوردار است و بسیاری از کشورهای دنیا، اهمیت تعیین این فرآیند را به خوبی درک کرده و با فراهم آوردن شرایط مناسب، جایگاه ویژه ای را برای سیاستگذاری های امنیتی، به خوبی تدارک دیده اند نکته اساسی در فرآیند سیاستگذاری امنیتی، توجه به ملاحظات است که دارای تأثیر مستقیم در این فرآیند می باشد. یعنی نخست: امنیت کمتر تعریف پذیر بوده و بیشتر توصیف پذیر است. دوم: امنیت بیشتر از آنکه مربوط به عینیت های بیرونی باشد، مربوط به حوزه ادراکی است و مرکز شکل گیری و تکوین امنیت در حوزه ادراک و تصورات است. سوم: امنیت موضوعی دفعی نبوده و دفعتاً تولید نمی شود، بلکه ساختی بوده و طی مراحل انجام می شود. به عبارت دیگر؛ امنیت، هم تدریجی است و هم ساختی. همچنین فرآیند عمومی سیاستگذاری به معنای عام و سیاستگذاری در رابطه با امنیت به طور خاص در تمامی کشورها از ضرورت های اجتناب ناپذیر بوده و هست. در همین راستاست که هر کشور متناسب با ارزش ها، آرمان ها، اهداف و مصالح ملی خود، مبادرت به تعیین فرآیندهای لازم و مناسب جهت سیاستگذاری امنیتی می نماید.

تعریف جامعی از سیاستگذاری امنیتی بدین شرح است: «سیاستگذاری امنیتی ناظر بر

خط مشی‌های حاکم بر روندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مرتبط با امنیت ملی است. بدین لحاظ حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی و عرصه‌های نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، مدیریتی و حتی فرهنگی و اجتماعی با مقوله سیاستگذاری امنیتی ارتباط وثیق می‌یابند. سیاستگذاری امنیتی، شباهت‌های زیادی با سیاستگذاری عمومی دارد و آن بخش خط مشی عمومی که ناظر بر حمایت و گسترش ارزش‌های حیاتی ملی علیه تهدیدهای موجود و بالقوه است، و یا آن دسته از سیاست‌های ملی که عمدتاً برای دستیابی به مقاصد امنیت ملی را راهنمایی می‌کند، خط مشی امنیت ملی می‌نامند. بنابراین، چنانچه دولتی به دلایل مختلف از جمله: کمبود منابع، ضعف نیروی انسانی یا پایین بودن تجربه و دانش اداری، نتواند مشکلات اساسی کشور را شناسایی و آنها را کاهش دهد یا حل نماید، زمینه رشد آسیب‌های دیگر و تهدیدها را فراهم می‌نماید. لذا در مورد آنچه در حوزه سیاستگذاری امنیت ملی قابل طرح است، برخی معتقدند: به‌طور کلی، نگاه نظریات امنیتی به حوزه سیاستگذاری در دو بخش: طرح مسئله امنیتی و روش حل مسئله امنیتی، خلاصه می‌شود.

سیاستگذاری امنیتی دارای چهار مولفه مهم است که عبارتند از: بسترها، ساختارها، فرایندها و بازیگران و یا کارگزاران».

مولفه اول: در آن به هشت بستر اشاره شده و مورد توجه قرار می‌گیرد: زمینه تاریخی، فرهنگ سیاسی و خصوصیات ملی، منابع انسانی، وضعیت جغرافیایی، نظام اجتماعی، افکار عمومی، نظام اقتصادی، ایدئولوژی سیاسی.

مولفه دوم: در سیاستگذاری امنیتی (ساختار)، باید ابتدا نوع ساختار سیاسی را مشخص کرد. زیرا سیاستگذاری در یک نظام فدرال با یک نظام بسیط و... متفاوت است. مولفه سوم: در سیاستگذاری امنیتی (فرایندها).

مولفه چهارم: در سیاستگذاری امنیتی، نهادهای مؤثر در تصمیم‌گیری (هلد، ۱۳۶۹، ۳۱۳-۳۱۲).

برای تشریح ساختار سیاستگذاری امنیتی، ابتدا باید نوع ساختار سیاسی را مشخص کرد. زیرا سیاستگذاری در یک نظام فدرال با یک نظام بسیط، متفاوت است. سپس باید دید آیا در حکومتی که سیاستگذاری می‌کند، تفکیک قوا، به وحدت رویه سیاستگذاری یا به توازن کارکردهای مختلف حکومتی منجر شده است؟ و در نهایت: آیا در آن نظام اجتماعی، نظام

حزبی وجود دارد؟ و اگر وجود دارد، از چه نوعی است؟ در عین حال، اینکه نظام مطبوعاتی به چه نحوی است، حزبی است، عمومی است یا حکومتی است و ... بسیار مهم بوده و اینجاست که تفاوت نظام های کثرت گرا یا نظام های اقتدار گرا اهمیت می یابد و این مسئله حتی در سیاست گذاری این نظام تأثیرگذار است (صفری، ۱۳۹۰، ۱۷۲-۱۷۱ و ۱۷۵).

در سیاستگذاری امنیتی، اگر سیاستگذاری را در وهله اول، شناسایی و مسائل نیازها و سپس مداخلات هدفمند، آگاهانه و سنجیده انسانی در مسیر حوادث و فرآیند ها بدانیم که نتیجه آن ممکن است موفقیت آمیز، با موفقیت نسبی یا بدون موفقیت باشد بر این اساس، سیاست گذاری امنیتی را نیز می توان شناسایی و مسائل و مشکلات به همراه کوشش آگاهانه، سنجیده و سازمان یافته دولت (نظام سیاسی) برای ایجاد تغییر در وضع موجود، کنترل و مدیریت آسیب ها و تهدید ها و دستیابی به اهداف مطلوب در حوزه امنیتی دانست که با هماهنگ سازی عناصر مختلف قدرت ملی و به کار گیری مناسب آن میسر می شود. لذا برخی، فرآیند سیاست گذاری امنیت ملی که نمی توان آن را فارغ از فرآیند عمومی سیاست گذاری امنیتی دانست، در قالب پنج مرحله ترسیم کرده اند: «۱. تعیین آرمان های ملی»؛ «۲. تعیین منافع امنیت ملی»؛ «۳. تعیین اهداف امنیت ملی»؛ «۴. تعیین سیاست های دفاعی و امنیتی» و «۵. تدوین استراتژی امنیت ملی».

در مرحله تدوین استراتژی امنیت ملی، سیاست گذاران سعی می نمایند تا با تهیه طرح های استراتژیکی، زمینه های لازم را برای به کار گیری منابع، امکانات و عوامل مختلف قدرت ملی به روش های علمی در جهت پشتیبانی از سیاست امنیت ملی فراهم سازند. صدور راهنمای سیاسی - امنیتی طرح ریزی آخرین مرحله سیاست گذاری های امنیتی در سطح ملی است. راهنمای سیاسی - امنیتی حدود اختیارات، چهارچوب تصمیمات و اطلاعات مورد نیاز تصمیم گیری های اجرایی را در اختیار مدیران میانی قرار می دهد (تهامی، ۱۳۷۶، ۱۶۹).

برخی از مشکلات مفهومی ساختاری و فرآیندی سیاست گذاری در حوزه امنیتی عبارت اند از: ۱. مشکلات مفهومی ساختاری، شامل: نبود تعریفی مشخص از سیاست های امنیتی، رفتار نامتقارن در عرصه امنیت ملی، پیچیده بودن ساختار امنیت ملی کشورها، بی ثباتی تصمیم گیری امنیت ملی، جزئی نگری و عدم آینده نگری در موضوعات امنیتی، عدم مشارکت موثر مردم در تصمیمات امنیتی؛ ۲. مشکلات مفهومی فرآیند سیاست گذاری امنیت ملی، شامل: فرآیند شش گانه سیاست گذاری که در ساختار سیاست گذاری برخی کشورها مشخص نیست، بی توجهی

دستگاه‌های تصمیم‌گیری به برخی نظرات کارشناسی، و سومین مشکل عدم یادگیری و درس‌آموزی از گذشته است. به طور کلی سخن از گزاره‌هایی همچون، روند سیاست امنیت ملی و تصمیم‌گیری امنیت ملی شیوه رایج و معمول است. ما می‌توانیم بگوییم که سیاست‌گذاری یعنی حق انتخاب، اما مهم است که از همان ابتدا لفظ جمع را بکار ببریم و نه مفرد، و بگوییم روندهای متعدد سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری تنوع و پیچیدگی در تصمیم‌گیری‌ها مشخص می‌سازد که سیاست‌گذاری امنیت ملی گسترده و ناهمگون است و نهادهای مختلفی در این تصمیم‌گیری‌ها نقش دارند (شولتز و دیگران، ۱۳۹۴، ۲۳۵ - ۲۳۶).

۲-۲. مسأله امنیتی

نقطه آغازین که شاید مهم‌ترین نقطه یک سیاست‌گذاری است طرح و توصیف یک مسأله است. مسأله عبارت است از یک مشکل، معضل یا نیاز که صرف نظر از وجود عینی و خارجی، در یک فرآیند ادراکی و اجتماعی، برچسب مسأله بر آن زده شده است (پارسونز، ۱۳۸۵، ۱۶۵). تحلیل‌گران نیز اغلب با هم اختلاف نظر دارند برخی از آنها می‌گویند جامعه جدید بیش از جوامع ساده‌تر، مسأله تولید می‌کند. عده‌ای نیز با این نظر مخالف‌اند. بعضی می‌گویند راه حل‌هایی که جامعه جدید تولید می‌کند از تعداد مسائل ایجاد شده کمتر است، اما دیگران، مدعی‌اند مشکل واقعی اضافه تولید همین به اصطلاح راه حل‌هاست. به عبارتی بسیاری سعی دارند دریابند این مسائل چگونه پدید می‌آیند؟ و چطور می‌توان آنها را مهار کرد؟

برخی شرایط، که ما آنها را مسائل اجتماعی می‌نامیم در زمان‌های پیش، چنین تلقی نمی‌شدند برخی موارد که اجداد ما آنها را مسأله می‌خوانند امروزه بی‌هیچ پرسشی پذیرفته شده‌اند. برخی شرایط را که در حال حاضر از آنها چشم می‌پوشیم، بی‌تردید در آینده مسأله اجتماعی محسوب خواهند شد. احتمالاً بعضی چیزها، صرف نظر از طبیعت دشوارشان، هرگز مسأله اجتماعی تلقی نشده و نخواهند شد (کوثرنژاد، ۱۳۹۴، ۵۳ - ۵۴).

جامعه‌شناسان معمولاً در بررسی مسائل اجتماعی، معمولاً به وضعیت‌هایی که فقط از نظر اجتماعی مشکل‌آفرین و مضر بوده و مردم آنها را مسأله تلقی کرده‌اند، توجه می‌کنند (Manis, 1974, Thio, 1973).

برای تعریف مسئله امنیتی، با کندوکاو محیطی بر مبنای به کارگیری تکنیک‌های تحلیل،

اطلاعات و داده های موجود در محیط دریافت، تجزیه و تحلیل می شود. (رضوی نژاد؛ ملک محمدی، ۱۳۹۷، ۲۹۲).

مسئله امنیتی در واقع همان تهدیدات عینی است یا مسئله امنیتی، مسئله ای است که با ارزش های اساسی یک سیستم درگیر می شود. اما برخی معتقدند مسئله امنیتی تنها به پدیده ها، حوادث و رفتارهای بیرونی ارتباط ندارد و اساساً صرف چنین ارتباطی صابل توضیح نیست بلکه درک و تلقی بازیگران امنیتی از یک پدیده به علاوه اعلام امنیتی بودن یک مسئله از سوی آنها و نهایتاً پذیرش مخاطبان، حلقات شکل گیری یک مسئله امنیتی است (گروه مطالعات امنیت، ۱۳۸۷: ۶۳).

برخی از مسائل امنیتی پدیده هایی تک وقوع و یک باری هستند و پس از حل شدن، مجدداً پدید نمی آیند. برخی دیگر به شکلی ماهوی، رجعت پذیر و پایان ناپذیرند و در زمان های مختلف، با اشکال، شدت و شیوه های متنوع بروز پیدا می کنند. این گونه مسائل نیازمند سیاست گذاری های بلندمدت، پویا و به روزند. (رضوی نژاد؛ ملک محمدی، ۱۳۹۷، ۲۹۲). زمانی که مسئله ای امنیتی پیش می آید، آن مسئله از سوی فرد یا گروه به شیوه خاص درک و بر آن اساس تعریف می شود. پس، تعریف مسئله عبارت است از بیان برخی واقعیات و انجام قضاوت ارزشی درباره آن (Roger: 1984, 122).

۲-۳. مسئله شناسی امنیتی

تلاش انسانها در راستای تأمین امنیت، از جمله علل و زمینه های تأسیس دولت به شکل کنونی است. از سوی دیگر، بقای دولت ها نیز به تأمین و برقراری امنیت وابسته است. بنابراین، از آنجاکه کار سیاستگذاری بسامان کردن امور است، سیاستگذاری امنیتی از ملزومات حیاتی و زیربنایی برای دولت محسوب می شود. در این راستا، به منظور گام برداشتن در فرایند سیاستگذاری امنیتی، مطابق با اشتراک نظر اندیشمندان سیاستگذاری درخصوص شناخت مسئله به عنوان گام نخست، ضرورتاً به شناخت مسئله امنیتی پرداخته می شود. اگر این مرحله به درستی انجام نپذیرد، سایر مراحل نیز دچار انحراف و مشکل خواهند شد و چه بسا خود، منجر به ایجاد مسئله یا بحران امنیتی شود. در شناسایی مسائل امنیتی ضرورتاً می بایست تعریف، چارچوب، رهیافت و رویکرد امنیتی مطلوب ارائه و تبیین شود، چراکه ممکن است

شاخص مسئله امنیتی در یک رویکرد با رویکرد دیگر متفاوت باشد و منجر به سیاستگذاری و اقدامات متفاوتی شود و گاه سرنگونی نظام را به دنبال داشته باشد. بر همین اساس در شناخت مسئله، لازم است اهمیت مسأله، بازیگران، تصمیم گیرندگان، امکانات و تجهیزات و روش های مورد استفاده، اهداف، عوامل و پیش زمینه ها، چگونگی تعریف و انتقال مسئله، چارچوب و محدودیت ها و در نهایت راه کارهای پیشنهادی، شناسایی و مشخص شوند (رضوی نژاد و ملک محمدی، ۱۳۹۷: ۲۷۹ و ۲۹۴).

۲-۴. اهمیت شناخت مسأله در سیاستگذاری امنیتی

سیاستگذاری امنیتی، در وهله نخست، به دنبال درک مسئله امنیتی، تمرکز بر آن و سپس، یافتن راه حل مناسب است. یافتن مسئله و شناخت آن اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا مسئله ای که دیده نشود یا نادرست دیده شود، هر دو در حکم شناخته نشدن است. مسئله های که شناخته نشود، حل نمی شود و اگر حل نشود ممکن است به بحران تبدیل شود. مسائل، در ابتدای راه، ممکن است با تمهیداتی ساده و کم هزینه حل شود اما زمانی که به بحران انجامید، حل آنها دشوار و با هزینه بسیار خواهد بود. (رضوی نژاد؛ ملک محمدی، ۱۳۹۷: ۲۸۷)

در مسیر فاجعه شدت مسئله در هر مرحله، از مرحله قبلی بیشتر است و هزینه های مادی و معنوی آن در بسیاری از موارد با تناسب هندسی افزایش می یابد.

فاجعه > بحران > معضل > مشکل > مسئله > دغدغه

(ملک محمدی، ۱۳۹۴: ۱۹)

حرکت از دغدغه به فاجعه ممکن است در میانه راه وارد حوزه های دیگر هم بشود و برای مثال، چهر های اقتصادی، اجتماعی و ... به خود بگیرد. البته باید توجه داشت که سیاست گذاری الزاما برای حل مشکل ایجاد نمی شود، بلکه گاهی لازم است تا برای بهتر شدن وضعیت در یک زمینه، تطابق با شرایط جدیدی که به وجود آمده است یا احتمال دارد به وجود آید، و یا حتی رفع برخی نیازها، سیاس تهایی وضع شود. این سیاست ها باید دارای برخی ویژگی ها از جمله وضوح سیاست، قابلیت اجرا، انعطاف پذیری و جامعیت باشد (رضائیان، ۱۳۶۹: ۱۰۶). بنجامین فرانکلین (۱۷۵۸) در اهمیت شناخت مسئله می گوید: به خاطر یک میخ نعل از دست رفت. به خاطر یک نعل، اسب از دست رفت. به خاطر یک اسب، سوار

از دست رفت. به خاطر یک سوار، نبرد از دست رفت. به خاطر یک نبرد، پادشاهی از دست رفت و همه ای نها به خاطر یک میخ نعل اسب بود (شافریتز، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

۲-۵. امنیتی شدن مسأله از منظر آیت الله سید علی خامنه ای (مدظله العالی)

مقام معظم رهبری تهدیدات امنیتی را دارای درجات متفاوت می دانند:

«البته، امنیت مثال های مهم تر و مثال های کم اهمیت تر هم دارد مثال ناامانی که همه آحاد مردم ممکن است در زندگی روزمره خودشان، یا با آن برخورد کرده باشند، چیزهایی است که اگرچه حائز اهمیت است، اما آن چنان از تهدید کننده نیست مثل سرقت ها که البته دستگاه ها باید جلو این ها را بگیرند. سرقت، مقوله ای است که دستگاه های انتظامی باید با جدیت مقابل آن بایستند. عده ای برای اهداف پست و حقیر خودشان امنیت خانواده ها را به هم می زنند. این یک مثال برای ناامنی است؛ اما یک مثال درجه اول نیست. ناامنی از قتل انسانهای لایبالی و شرور و اوباش و اراذل که طبعاً شرارت دارند و محیط زندگی را ناامن می کنند؛ این هم ناامنی است، ... از همه اینها بالاتر، ناامنی اجتماعی است که در حقیقت ناامنی ملی، بیشتر متوجه به این نمونه است، محیط های کار را ناامن می کنند؛ محیط های علمی را ناامن می کنند؛ محیط های دانشجویی را ناامن می کنند؛ این که من قبلاً هم اشاره کردم مقام آمریکایی در یک ماه قبل از این، خبر داد که در ایران ناامنی وجود خواهد داشت، این ناامنی است. اینها برنامه هایی دارند. بایستی، هم آحاد مردم هوشیار باشند، هم کسانی که بیشتر در آماج توطئه اینها هستند ... مثل همان وضعیتی که در ۲۱ و ۲۲ تیرماه سال ۷۸ در تهران پیش آوردند؛ جان انسان ها، جان حیوانات و کودکان، جان زنان، جان رهگذران جان آن کسی که پشت پنجره اتاقش نشسته، در معرض تهدید قرار گیرد». (بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حضرت رضا (ع) در مشهد مقدس، ۱۳۷۹/۱/۶).

ایشان در دو بعد تهدید های درونی و بیرونی، مطالبی بیان فرمودند که کدام تهدید ها تبدیل به مسأله امنیتی می شوند:

الف) تهدید های درونی

۱. فرهنگی: اباحه گری و فساد اخلاقی، غرب زدگی، دوری از معنویت، اخلاق و تهذیب،

پیدایش فرقه‌های نوظهور، رشد خرافات، بدعت و سطحی‌نگری، شکاف فرهنگی نسل‌ها، انحراف در سیستم آموزشی، رکود علمی و عدم خلاقیت، تحجر و جمود فکری.

۲. سیاسی: تکثر بی‌رویه احزاب و جریانات سیاسی، گرایش به سازش با آمریکا، تحرکات مشکوک احزاب و جریانات سیاسی وابسته، تفرقه و اختلاف در کارگزاران، بی‌اعتمادی مردم به مسئولان، تقویت و گسترش خط نفوذ و استحاله در مراکز حساس و کلیدی نظام.

۳. اقتصادی: رشد نرخ بیکاری، تورم و گرانی، وابستگی صنایع کلیدی و کشاورزی به بیگانگان، فشار اقتصادی و مالیاتی به اقشار کم‌درآمد، ارتشاء، ربا، اختلاس، تجمل‌گرایی و اسراف.

۴. اجتماعی: فساد اداری، ناهنجاری‌های اخلاقی، قاچاق، مواد مخدر، عدم نظارت عمومی بر عملکردها.

۵. مدیریتی: باندبازی و رانت خواری، ضعف مدیریت، قدرت طلبی، بی‌توجهی به مطالبات مشروع و منطقی و قانونی مردم.

ب) تهدیدهای بیرونی

۱. گسترش حوزه نفوذ نظامی سیاسی آمریکا و اتحادیه اروپا و پیمان نظامی ناتو در خاورمیانه، جهان اسلام، آسیای میانه و قفقاز شمالی خصوصاً در کشورهای همسایه ایران اسلامی.

۲. تحرکات سیاسی، نظامی و تبلیغاتی و طرح‌های سلطه طلبانه رژیم صهیونیستی در خاورمیانه.

۳. حمایت مالی و تبلیغاتی و تسلیحاتی گروه‌های تروریستی توسط آمریکا در کشورهای همسایه ایران.

۴. تلاش‌های مرموزانه و منافقانه پنهان و آشکار دولت‌های وابسته در خاورمیانه برای نفوذ و تقویت صهیونیسم و آمریکا در منطقه.

۵. جاسوسی سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی درباره توانایی و امکانات و استعدادهای درونی نظام و بهره‌گیری از رسانه‌ها در جنگ روانی و تبلیغاتی جهت فریب افکار عمومی (شیدائیان، ۱۳۸۸: ۶۷-۶۶).

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش نظریه پایه‌ور (داده‌بنیاد) یکی از پرکاربردترین روش‌های نظام‌مند تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی است که قادر است تا مفاهیم نهفته در ورای داده‌ها را استخراج کرده و با کشف روابط بین آن‌ها به نظریه‌هایی دست یابد که چگونگی و چرایی پدیده‌ها را توضیح می‌دهد (حسینقلی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶۲).

نظریه‌پردازی داده بنیاد، یک روش‌شناسی «استقرایی» کشف نظریه است که این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌آورد تا گزارشی نظری از ویژگی‌های عمومی موضوع پرورش دهد، در حالی که به‌طور هم‌زمان، پایه این گزارش را در مشاهده‌های تجربی داده‌ها محکم می‌سازد. از جهتی، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد نشان‌دهنده همان عملی است که بسیاری از پژوهشگران، در هنگام مرور گذشته انجام می‌دهند، آن‌ها برای سازگار شدن با داده‌ها، فرضیه‌های جدیدی شکل می‌دهند (بختیاری، ۱۳۹۵: ۹۹). با این حال، در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، پژوهشگر وانمود نمی‌کند که فرضیه‌ها را پیشاپیش تدوین کرده است؛ زیرا پژوهشگران از فرضیه‌های از پیش شکل گرفته، منع می‌شوند (دانایی‌فرد، ۱۳۸۶: ۷۶).

با توجه به ویژگی‌های برشمرده شده از روش تحلیل داده‌بنیاد برای انجام تحقیق حاضر استفاده گردید. همچنین در این پژوهش، به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از فرآیند ۳ مرحله‌ای کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق نیز عبارتند از: الف) بهره‌گیری از بیانات حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) از سال ۱۳۶۷ (سالی که مقام معظم رهبری به ولایت رسیدند) تا ۱۳۹۹/۰۱/۰۱؛ ب) تعداد ۲۰ نفر از خبرگان، جهت انجام نظرسنجی طی مراحل؛ کدگذاری باز و محوری و ج) تعداد ۱۱۰ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران برای تکمیل پرسشنامه.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

۴-۱. کدگذاری باز

کدگذاری باز، جزئی از تحلیل است که با تحلیل دقیق داده‌ها، نام‌گذاری و طبقه‌بندی کردن داده‌ها، انجام می‌شود. برای طبقه‌بندی دقیق مفاهیم در مقوله‌ها، باید هر مفهوم، بعد از تفکیک برچسب بخورد و داده‌های خام به‌وسیله بررسی دقیق متن مصاحبه‌ها و یادداشت‌های زمینه‌ای،

مفهوم سازی شوند. داده ها، جمع آوری شده از مبانی نظری و مصاحبه شوندگان، کدگذاری می شوند تا به شکل راحت تری شباهت ها و تفاوت ها شناسایی شوند (زین الدین، ۱۳۹۵). مقوله های حاصله از کدهای اولیه و مفاهیم در جدول ذیل (جدول شماره ۱) ارائه می گردند:

جدول شماره ۱. مقوله های نهایی

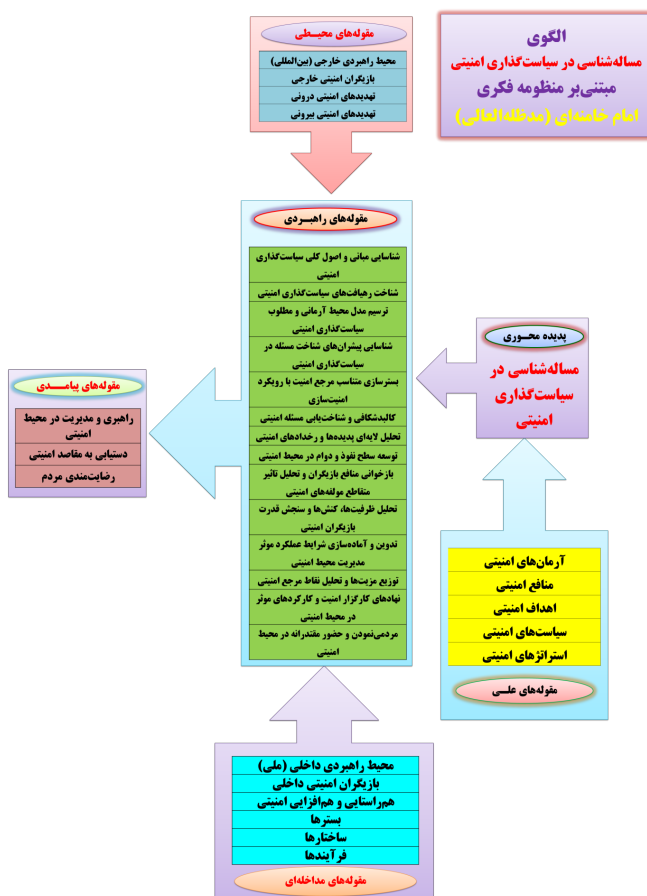
سیاست امنیتی	دکترین امنیتی	ولایت فقیه
منافع ملی و امنیت ملی	ساختار سیاسی نظام ج.ا.ا	استراتژی (راهبرد) امنیتی
شدت (حساسیت) امنیت	چیستی امنیت	مرجع امنیت
امنیت بالاتر از آب و نان	امنیت از پایه ها و ارکان اصلی قوام کشور	پیچیده بودن سیاست گذاری امنیتی
شکل گیری تمدن نوین اسلامی	رهبران سیاسی	بازیگران سیاسی
جهاد کبیر	امنیت فکری و ذهنی	اتحاد مردم
روحیه جهاد و شهادت	روحیه انقلابی و دینی	ایستادگی و مقاومت
شناخت رهیافت های سیاست گذاری امنیتی	شناسایی مبانی سیاست گذاری امنیتی	نحوه مدیریت و سیاست گذاری امنیتی
مدیریت مسائل امنیتی در سطح ملی	پایداری و مقاومت بر اصول انقلاب اسلامی در محیط امنیتی	توجه به آموزه های اسلام ناب محمدی در سیاست گذاری امنیتی
تامین منافع ملی و امنیت عمومی	بازدارندگی و پاسخ گویی موثر به تهدیدها	صیانت از اسلام و آرمان های انقلاب
دشمن شناسی هوشمندانه	دشمن شناسی همه جانبه	گسترش صلح و ثبات و امنیت در منطقه
فرهنگ شهادت طلبی	ارزش های معنوی	اخلاص در عمل و انجام وظیفه بر اساس تکلیف الهی
برنامه ریزی و توطئه دشمنان برای اخلال در امنیت ایران	به هم زدن امنیت ایران، هدف کوتاه مدت دشمنان	شناخت یابی مسئله امنیتی
فناوری های امنیتی	ایدئولوژی	قوت ها و ضعف ها
دشمنان بالفعل	فرصت ها و تهدیدات امنیتی	همسایگان متزلزل امنیتی
دوری از معنویت	غرب زدگی	اباحه گری و فساد اخلاقی
رشد خرافات	پیدایش فرقه های نوظهور	اخلاق و تهذیب
انحراف در سیستم آموزشی	شکاف فرهنگی نسل ها	بدعت و سطحی نگری

رشد نرخ بیکاری	تعقیب و تحقق منافع امنیت ملی	اولویت بالای مسائل امنیتی
زمینه تاریخی ج.ا.ا	نظام اجتماعی ج.ا.ا	وضعیت جغرافیایی ج.ا.ا
جاسوسی و خرابکاری	رضایت‌مندی مردم	جریان‌های قومی و مذهبی
رکود علمی و عدم خلاقیت	تحجر و جمود فکری	تفرقه و اختلاف در کارگزاران
تجمل‌گرایی و اسراف	ارتشاء، ربا و اختلاس	فساد اداری
ناهنجاری‌های اخلاقی	قاچاق موادمخدر	عدم نظارت عمومی بر عملکردها
باندبازی و رانت‌خواری	ضعف مدیریت	قدرت‌طلبی برخی از مسئولین
رفتارها و کنش‌های در محیط امنیتی	گفتمان مسلط در سیاست‌گذاری امنیتی	درک صحیح از سیاست‌گذاری امنیتی
بررسی سناریوهای رقیب در محیط امنیتی	حساس‌شدن بخش‌های امنیتی به مسائل و موضوعات	فرهنگ سیاسی و خصوصیات ملی ج.ا.ا
تشکیل مرکز رصد و مسئله‌یابی امنیت	توجه به تمامی گزینه‌ها و ملاحظات در مسائل امنیتی	شفافیت نظام سیاسی در محیط امنیتی
صراحت نظام جمهوری اسلامی ایران در اهداف کلان امنیتی	بررسی سناریوهای رقیب در سیاست‌گذاری امنیتی	نقش نهادهای موثر در سیاست‌گذاری امنیتی
آینده‌نگری در سیاست‌گذاری امنیتی	منازعات و بحران‌های امنیتی داخلی و بین‌المللی	نهادهای و کارکردهای سیاست‌گذاری امنیتی
تکثر بی‌رویه احزاب و جریان‌های سیاسی	تحركات مشکوک احزاب و جریان‌های سیاسی وابسته	وابستگی صنایع کلیدی و کشاورزی به بیگانگان
تقویت و گسترش خط نفوذ و استحاله در مراکز حساس نظام	طرح‌های سلطه‌طلبانه رژیم صهیونیستی در خاورمیانه	فشار اقتصادی و مالیاتی به اقشار کم درآمد
بی‌توجهی به مطالبات مشروع و منطقی و قانونی مردم	جاسوسی سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی بیگانه از کشور	بهره‌گیری از رسانه‌ها در جنگ روانی و تبلیغاتی علیه ایران
نیاز به تحرک بیشتر مسئولین در سه حوزه اقتصاد، امنیت و فرهنگ	نفوذ چهره‌های امنیتی با هویت‌های علمی، فرهنگی و هنری	ایجاد امنیت اقتصادی از طریق قطع دست دزدان و چپاول‌گران از صحنه اقتصادی کشور
امنیت مهم‌ترین داشته‌ی یک ملت	لزوم هوشیاری و مراقبت نیروهای امنیتی	موفقیت نیروهای امنیتی در شکست دشمن
امنیت پیش‌نیاز تمامی بخش‌ها	اقتدار جمهوری اسلامی ایران در حوزه امنیتی	اجر کارهای امنیتی در پیش خداوند

حفظ یکپارچگی نظام سیاسی	هم‌سویی و همراهی و وحدت ملی	خودکفایی و استقلال اقتصادی
قانون‌شکنی	انحراف اخلاقی	تفرقه قومی و مذهبی
ایجاد شایعه و پخش آن	بحران هویت	ضعف همبستگی و انسجام جمعی
نارضایتی از وضع موجود	ناامن کردن محیط‌های اجتماعی	ایجاد فتنه و آشوب
احساس بی‌عدالتی توزیعی، نابرابری و تبعیض	جلوگیری از سلطه دشمن	تهاجم فرهنگی دشمن
هوشیاری و هوشمندی	امنیت اقتصادی و شغلی	امنیت اجتماعی، فرهنگی و مدنی
امنیت نظامی - انتظامی	امنیت روانی	امنیت اخلاقی
امنیت قضایی	امنیت منطقه‌ای و جهانی	امنیت ملی
قابلیت‌سازی در مسائل امنیتی	سازمان‌دهی تهدیدمحور	سرعت واکنش بالا نسبت به تهدیدات امنیتی
مدیریت زمان (حرکت جلوتر از دشمن و عمل پیش از دشمن)	تحریم‌های ظالمانه علیه ج.ا.ا	نظام‌های بین‌المللی تجاوزگر
عدم‌ایستایی و سکون مباحث امنیتی	متغیرهای تاثیرگذار غیرقابل کنترل بر فضای امنیتی	چالش‌های بسیار و تاثیرگذار بر مباحث امنیتی
ناپایدار بودن و سیال بودن مباحث امنیتی	تقویت بنیه دفاعی - امنیتی	سازماندهی عمیق همراه با نظم
آمادگی و هوشیاری همیشگی و صددرصدی	نقش اساسی و محوری نیروی انسانی در موفقیت‌ها	وظیفه دفاع از آرمان‌های بلند انسانی توسط نیروهای نظامی - امنیتی
قابلیت‌محوری	ایجاد آمادگی و حفظ آن	استفاده از تمامی ظرفیت‌ها
کاهش نقاط ضعف	وجود عناصر قدرت فراوان	دفاع در مقابل دخالت قدرت‌ها در امور کشور
ضرورت یاد شهدا و فرهنگ شهادت	دفاع از تمامیت ارضی و استقلال کشور	ایستادگی و بنیان دفاعی قوی
دفاع از موجودیت و تمامیت کشور	عدم‌سازش با ظالمان	حمایت از قیام مستضعفان جهان
مردمی‌نمودن	توسعه سطح نفوذ	امنیت ایران همواره آماج دشمنی دشمنان

۴-۲. کدگذاری محوری

کدگذاری محوری، مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه پردازی داده بنیاد است. در کدگذاری باز، داده‌ها خرد و ریز می‌شوند، این امر به محقق اجازه می‌دهد تا مقوله‌ها را شناسایی کند. در کدگذاری محوری همان داده‌ها، دوباره با ایجاد روابط بین مقوله‌ها به نوعی جدید به یکدیگر مرتبط می‌شوند (استراس و همکاران، ۱۳۹۰). مقوله‌های حاصله از کدگذاری باز و دسته‌بندی آن‌ها (کدگذاری محوری) در شش مقوله علی، محوری، محیطی، واسطه‌ای، راهبردی و پیامدی در نمودار ذیل (نمودار شماره ۱) ارائه می‌گردد:



نمودار شماره ۱. الگوی پارادایمی مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی

۳-۴. کدگذاری انتخابی (مرحله نظریه‌پردازی)

هدف نظریه‌پردازی بنیادی، تولید نظریه است، نه توصیف صرف پدیده. برای تبدیل تحلیل‌ها به نظریه، طبقه‌ها باید به‌طور منظم به یکدیگر مربوط شوند. کدگذاری انتخابی (براساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری) مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. به این ترتیب که طبقه محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر طبقه‌ها ربط داده و آن را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند. در این مرحله پژوهشگر بر حسب فهم خود از متن پدیده مورد مطالعه، یا چارچوب مدل پارادایم را به‌صورت روایتی عرضه می‌کند یا مدل پارادایم را به‌هم می‌ریزد و به‌صورت ترسیمی نظریه نهایی را نشان می‌دهد (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

مهم‌ترین گام در مرحله کدگذاری انتخابی ترسیم «روایت یا خط داستان» تحقیق است. داستان فقط نقل قولی توصیفی در مورد پدیده اصلی تحت مطالعه است و خط داستان مفهوم این داستان است (دانایی‌فرد، ۱۳۸۳). تبیین این روایت یا خط داستان با استفاده از یادداشت‌های نظری و عملیاتی که محقق طی مراحل مختلف تجزیه و تحلیل داده‌ها تهیه نموده است، انجام می‌شود.

۴-۴. روایت پژوهش

امروزه یکی از اصلی‌ترین وظایف دولت‌ها تامین امنیت در تمامی حوزه‌ها و زمینه‌هاست و سیاست‌گذاری امنیتی که شباهت‌های زیادی با سیاست‌گذاری عمومی دارد به دلیل وسعت مطالب به‌طور مستقل مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد، اگرچه می‌توان این بخش را از قلمرو و نظریه امنیتی خارج کرد اما از نگاه یک نظریه جامع امنیتی، اجزای اصلی و مهم سیاست‌گذاری جذاب و قابل توجه است، لذا قابلیت تحلیل این بخش در یک نظریه امنیتی وجود دارد و ناظر بر خط‌مشی‌های حاکم بر روندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مرتبط با امنیت ملی است. بدین لحاظ حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی و عرصه‌های نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، مدیریتی و حتی فرهنگی و اجتماعی با مقوله سیاست‌گذاری امنیتی ارتباط وثیق می‌یابند.

فرآیند عمومی سیاست‌گذاری امنیتی، یکی از موضوعاتی است که در تمامی کشورها، همزاد

با کشورداری بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بسیاری از کشورهای دنیا، اهمیت تعیین این فرآیند را به‌خوبی درک کرده و با فراهم آوردن شرایط مناسب، جایگاه ویژه‌ای را برای سیاست‌گذاری‌های امنیتی تدارک دیده‌اند، اما نکته اساسی در فرآیند سیاست‌گذاری امنیتی، توجه به ملاحظات امنیتی است که دارای تأثیر مستقیم در این فرآیند می‌باشد. یعنی نخست: امنیت کمتر تعریف‌پذیر بوده و بیشتر توصیف‌پذیر است. دوم: امنیت بیشتر از آنکه مربوط به عنیت‌های بیرونی باشد، مربوط به حوزه ادراکی است و مرکز شکل‌گیری و تکوین امنیت در حوزه ادراک و تصورات است. سوم: امنیت موضوعی دفعی نبوده و دفعاً تولید نمی‌شود، بلکه ساختی بوده و طی مراحل انجام می‌شود. به عبارت دیگر؛ امنیت، هم تدریجی است و هم ساختی. همچنین فرآیند عمومی سیاست‌گذاری به معنای عام و سیاست‌گذاری در رابطه با امنیت به‌طور خاص در تمامی کشورها از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر بوده و هست. در همین راستا هر کشوری متناسب با ارزش‌ها، آرمان‌ها، اهداف و مصالح ملی خود، مبادرت به تعیین فرآیندهای لازم و مناسب جهت سیاست‌گذاری امنیتی می‌نماید و در وهله نخست، به دنبال درک مسئله امنیتی، تمرکز بر آن و سپس، یافتن راه‌حل مناسب است. یافتن مسئله و شناخت آن اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا مسئله‌ای که دیده نشود یا نادرست دیده شود، هر دو در حکم شناخته نشدن است. مسئله‌ای که شناخته نشود، حل نمی‌شود و اگر حل نشود ممکن است به بحران تبدیل شود. مسائل، در ابتدای راه، ممکن است با تمهیداتی ساده و کم‌هزینه حل شود، اما زمانی که به بحران انجامید، حل آن‌ها دشوار و با هزینه بسیار خواهد بود؛ به عبارت دیگر سیاست‌گذاری چرخه یا فرایندی است که یکی از مراحل مهم و به عبارت دیگر مهم‌ترین نقطه آغاز آن، طرح مسأله سیاست‌گذاری می‌باشد؛ بنابراین طرح مسأله امنیتی در سیاست‌گذاری امنیتی نیز همین نقش و جایگاه را بر عهده دارد. مسأله امنیتی مانند سایر مسائل، امری است که بر معضل، مشکل یا نیاز قابل رفع و حل دلالت می‌کند. اهمیت مسأله با اهمیت حوزه مورد بحث تناسب دارد ولی در هر حال در هر حوزه مفروض، مسأله یا مسایل قابل طرح اهمیت قابل توجهی دارند، لذا هر چیزی را نمی‌توان مسأله یک حوزه دانست. بدیهی است حوزه امنیت به‌ویژه امنیت ملی حاوی اهمیت‌ها و ضرورت‌های بالا و فوق‌العاده می‌باشد و مسأله آن نیز باید با آن تناسب داشته باشد. طرح مسأله امنیتی از جهت دیگر نیز مهم است، زیرا در واقع با طرح مسأله، فرآیند سیاست‌گذاری با تمام هزینه‌ها، دشواری‌ها و پیچیدگی‌هایش آغاز می‌گردد. به همین جهت سیاست‌گذاران تلاش

می‌کنند در انتخاب و طرح مسائل خود دقت کافی بخرج دهند تا از هدر رفتن منابع جلوگیری نمایند.

همان‌طور که بیان گردید، طرح مسأله امنیتی به سادگی امکان‌پذیر نیست بلکه این امر مستلزم توجه به مبانی و ارکان تحلیلی امنیت در هر سیستم می‌باشند. به‌طور مثال، مسأله امنیتی هر واحد مفروض، با ارزش‌ها، آرمان‌ها، مرجع امنیت و تهدیدات آن ارتباط دارد. هر چه ارکان تحلیلی امنیت پیچیده‌تر باشد درک و یافتن مسأله امنیتی نیز پیچیدگی بیشتری پیدا می‌کند و طرح مسأله امنیتی باید به‌گونه‌ای باشد که بتوان بر اساس آن، تصمیمات و راه‌هایی برای حل آن تعیین کرد. تعریف علاوه‌بر داشتن مشخصه‌های صحت، دقت و وضوح، باید جامع و مانع باشد. در تعریف مسئله، لایه‌های پنهان باید آشکار و تبیین گردد. همچنین، کاستی‌ها، کم‌کاری و یا خطاهای انجام گرفته و به‌عبارتی دلایل و زمینه‌های بروز مسئله نیز آشکار شده و افراد یا مجموعه‌های مرتبط در بروز مسئله و همچنین نقش‌ها و مسئولیت‌های افراد یا مجموعه‌های مرتبط در حل آن مشخص می‌گردد.

در نتیجه‌گیری روایت پژوهش می‌توان بیان نمود که آرمان‌های امنیتی؛ منافع امنیتی؛ اهداف امنیتی؛ سیاست‌های امنیتی و استراتژی‌های امنیتی به‌عنوان علل به‌وجود آورنده مساله‌شناسی سیاست‌گذاری امنیتی با تاثیرپذیری از محیط راهبردی خارجی (بین‌المللی)؛ بازیگران امنیتی خارجی؛ تهدیدهای امنیتی درونی و تهدیدهای امنیتی بیرونی و همچنین با بسترسازی محیط راهبردی داخلی (ملی)؛ بازیگران امنیتی داخلی؛ هم‌راستایی و هم‌افزایی امنیتی؛ بسترها؛ ساختارها و فرایندها، در نهایت با شناسایی مبانی و اصول کلی سیاست‌گذاری امنیتی؛ شناخت رهیافت‌های سیاست‌گذاری امنیتی؛ ترسیم مدل محیط آرمانی و مطلوب سیاست‌گذاری امنیتی؛ شناسایی پیشران‌های شناخت مسئله در سیاست‌گذاری امنیتی؛ بسترسازی متناسب مرجع امنیت با رویکرد امنیت‌سازی؛ کالبدشکافی و شناخت‌یابی مسئله امنیتی؛ تحلیل لایه‌ای پدیده‌ها و رخدادهای امنیتی؛ توسعه سطح نفوذ و دوام در محیط امنیتی؛ بازخوانی منافع بازیگران و تحلیل تاثیر متقاطع مولفه‌های امنیتی؛ تحلیل ظرفیت‌ها، کنش‌ها و سنجش قدرت بازیگران امنیتی؛ تدوین و آماده‌سازی شرایط عملکرد موثر مدیریت محیط امنیتی؛ توزیع مزیت‌ها و تحلیل نقاط مرجع امنیتی؛ نهادهای کارگزار امنیت و کارکردهای موثر در محیط امنیتی و مردمی نمودن و حضور مقتدرانه در محیط امنیتی ابزارهایی مناسب برای ایفای نقش، مسئولیت و وظایف

مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی ارائه می‌دهند که در نهایت منجر به راهبری و مدیریت در محیط امنیتی، دستیابی به مقاصد امنیتی و در نهایت رضایت‌مندی مردم می‌شود.

۴-۵. کفایت نظری تحقیق

در نظریه مبنایی، یک قاعده کلی وجود دارد و آن این است که نمونه‌گیری را تا موقعی که هر مقوله به اشباع نظری برسد، ادامه می‌دهیم؛ یعنی، تا زمانی که تولید داده‌های جدید متوقف شود، گسترش مقوله‌ها تا آنجا که به عناصر پارادایم مربوط است به غلظت کافی رسیده باشد و در نهایت، روابط بین مقوله‌ها برقرار و تأیید گردند (Glaser & et al, 1961).

اشباع عناصر کلیدی (مفاهیم، مقوله‌ها و کدها) نظریه مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی در جدول شماره (۲) نمایش داده شده است.

جدول شماره (۲) فرآیند اشباع نظری عناصر کلیدی نظریه مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی

تعداد؛ مقوله‌ها، زیرمقوله‌ها، مفاهیم، زیر مفاهیم و کدهای تحقیق				
ردیف	نوع مقوله	تعداد مقوله	تعداد مفهوم	تعداد کد
۱	علی	۵	۱۱	۲۳
۲	محوری	۱	۱	۱۲
۳	محیطی	۴	۱۳	۲۹
۴	واسطه‌ای	۶	۲۵	۴۹
۵	راهبردی	۱۴	۳۱	۶۵
۶	پیامدی	۳	۱۶	۳۳
جمع	۶	۳۳	۹۷	۲۱۱

بر اساس اطلاعات مندرج در این جدول، ۲۱۱ کد استخراج شده از اسناد بالادستی، مبنای نظری و مصاحبه‌های صورت گرفته، ۹۷ مفهوم و ۳۳ مقوله را تشکیل داده است. سپس در مرحله کشف مقوله‌ها، این مفاهیم در قالب ۳۳ مقوله با محور مشترک، دسته‌بندی و در مرحله کدگذاری محوری، مقوله‌های سی و هفت‌گانه، تشکیل ابعاد اصلی الگوی مفهومی اولیه تحقیق را دادند و به این ترتیب نشانه کفایت نظری شامل حداقل شدن ارزش نهایی داده‌های جدید ظاهر گردیده است.

۴-۶. فضایی نظری پژوهش

بر اساس روایت پژوهش و ترسیم مدل نظریه مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی در این قسمت ده قضیه برای پژوهش حاضر مطرح می‌گردد:

(۱) قضیه علی: امروزه مهمترین وظیفه دولت‌ها تامین امنیت در تمامی زمینه‌هاست. سیاست‌گذاری امنیتی ناظر بر خط‌مشی‌های حاکم بر روندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مرتبط با امنیت ملی است. بدین لحاظ حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی و عرصه‌های نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، مدیریتی و حتی فرهنگی و اجتماعی با مقوله سیاست‌گذاری امنیتی ارتباط وثیق می‌یابند.

(۲) قضیه علی: برای حیات پایدار هر اجتماع، امنیت شرط لازم و به تعبیری دیگر، یک سرمایه تلقی می‌شود و به همین دلیل، شناخت و طراحی منظومه امنیت ملی بر پایه دانش و تفکر صحیح، به کارکردی حیاتی در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری راهبردی تبدیل شده است. به تعبیر دیگر، تفکر نظام‌مند و دوراندیشی در مورد امنیت و دفاع ملی، یکی از مولفه‌های نظام برنامه‌ریزی راهبردی است که در پرتو آن، پلی از وضعیت حال به آینده‌های کوتاه یا بلندمدت ترسیم می‌گردد. در پرتو شناخت آینده و افق‌های امنیتی است که می‌توان ضمن درک صحیح وضعیت تهدیدها و فرصت‌ها، ظرفیت‌های ملی را به‌منظور تامین اطمینان‌بخش امنیت ملی به‌کار گرفت و تحرک بخشید.

(۳) قضیه علی: جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام حکومتی جوان، که ریشه در تعالیم الهی دارد، در طول عمر خود با چالش‌ها و تهدیدهای امنیتی جدی و گسترده‌ای روبرو بوده است. مواجهه با این تهدیدها نیازمند سطح بالایی از قدرت ملی است. قدرت ملی ترکیبی از مولفه‌های مختلف است که وجود امنیت یکی از ارکان مهم آن به‌شمار می‌رود. از این‌رو، برخورداری از امنیت از جمله اولویت‌های ملی جمهوری اسلامی ایران به‌حساب می‌آید.

(۴) قضیه علی: از مهم‌ترین دغدغه دولت‌ها تلاش برای حفظ امنیت و مقابله با تهدیدات متنوعی است که حیات و بقاء و یا توسعه و پیشرفت کشورها را به مخاطره انداخته است. از این‌رو تقویت مولفه‌های قدرت و ارتقای سطح امنیتی از اهم اولویت‌های سیاست‌گذاری دولت‌ها است. سیاست امنیتی در هر دولت، برنامه جامع و مشی کلان عملیاتی در جهت تحقق چنین اهدافی است. تجربه چندین دهه جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی

ایران به واسطه موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و نیز مشخصات سیاسی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی و نظام سیاسی آن با طیف وسیعی از تهدیدات، سخت، نرم و نیمه سخت روبه‌رو بوده و از این جهت نیازمند تدوین سیاست امنیتی متناسب با وضعیت جغرافیایی و مبانی، ارزش‌ها و اهداف راهبردی و متغیرهای محیطی و فرامحیطی تاثیرگذار بوده است. در این خصوص، آرمان‌های امنیتی؛ منافع امنیتی؛ اهداف امنیتی؛ سیاست‌های امنیتی و استراتژی‌های امنیتی علت نیاز و دلیل به وجود آورنده مساله‌شناسی سیاست‌گذاری امنیتی محسوب می‌شوند.

(۵) قضیه علی: صراحت نظام جمهوری اسلامی ایران در اهداف کلان امنیتی، وجود منازعات و بحران‌های امنیتی داخلی و بین‌المللی و بررسی سناریوهای رقیب در سیاست‌گذاری امنیتی منجر به حساس شدن بخش‌های نظام به مسائل و موضوعات امنیتی و ترسیم مدل محیط آرمانی و مطلوب سیاست‌گذاری امنیتی شده است که از طریق تشکیل مرکز رصد و مسئله‌یابی امنیت و آینده‌نگری در سیاست‌گذاری امنیتی صورت می‌گیرد.

(۶) قضیه علی: جهانی شدن محیط امنیتی کشورها، روش‌ها و الگوهای سیاست‌گذاری امنیتی دولت‌های مدرن و ملی را تحت‌تأثیر قرار داده است. سیاست‌گذاری امنیتی ناظر بر خط‌مشی‌های حاکم بر روندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مرتبط با امنیت ملی است. بدین لحاظ حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی و عرصه‌های نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، مدیریتی و حتی فرهنگی و اجتماعی با مقوله سیاست‌گذاری امنیتی ارتباط وثیق می‌یابند. در واقع امنیت کلاً امری سیاسی است و معمولاً ویژگی‌های امنیت سیاسی همان ویژگی‌های کلی خواهد بود، زیرا همه انواع امنیت، سیاسی هستند.

(۷) قضیه زمینه‌ای: اقتضانات جمهوری اسلامی ایران و بالطبع وجود محیط راهبردی خارجی (بین‌المللی)، بازیگران امنیتی خارجی، تهدیدهای امنیتی درونی و بیرونی، شرایط محیطی را برای مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی فراهم می‌نماید.

(۸) قضیه واسطه‌ای: محیط راهبردی داخلی (ملی)؛ بازیگران امنیتی داخلی؛ هم‌راستایی و هم‌افزایی امنیتی؛ بسترها، ساختارها و فرایندها عوامل درونی و قابل کنترل هستند که بر راهبردهای مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی تاثیرگذار می‌باشند.

(۹) قضیه راهبردی: شناسایی مبانی و اصول کلی سیاست‌گذاری امنیتی؛ شناخت رهیافت‌های سیاست‌گذاری امنیتی؛ ترسیم مدل محیط آرمانی و مطلوب سیاست‌گذاری امنیتی؛

شناسایی پیشران‌های شناخت مسئله در سیاست‌گذاری امنیتی؛ بسترسازی متناسب مرجع امنیت با رویکرد امنیت‌سازی؛ کالبدشکافی و شناخت‌یابی مسئله امنیتی؛ تحلیل لایه‌ای پدیده‌ها و رخدادهای امنیتی؛ توسعه سطح نفوذ و دوام در محیط امنیتی؛ بازخوانی منافع بازیگران و تحلیل تاثیر متقاطع مولفه‌های امنیتی؛ تحلیل ظرفیت‌ها، کنش‌ها و سنجش قدرت بازیگران امنیتی؛ تدوین و آماده‌سازی شرایط عملکرد موثر مدیریت محیط امنیتی؛ توزیع مزیت‌ها و تحلیل نقاط مرجع امنیتی؛ نهادهای کارگزار امنیت و کارکردهای موثر در محیط امنیتی و مردمی نمودن و حضور مقتدرانه در محیط امنیتی ابزارها و سازوکارهایی هستند که موجب مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی می‌باشند و برای سیاست‌گذاری امنیتی به آن‌ها نیاز دارد.

(۱۰) قضیه پیامدی: مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی و اعمال سیاست‌گذاری امنیتی موجب راهبری و مدیریت در محیط امنیتی؛ دستیابی به مقاصد امنیتی و در نهایت رضایت‌مندی مردم می‌شود.

نتیجه‌گیری

از مجموعه آنچه که ارائه شده، می‌توان برداشت کرد که امروزه مهم‌ترین وظیفه دولت‌ها تامین امنیت در تمامی زمینه‌هاست و سیاست‌گذاری امنیتی که شباهت‌های زیادی با سیاست‌گذاری عمومی دارد به دلیل وسعت مطالب به‌طور مستقل مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد، اگرچه می‌توان این بخش را از قلمرو و نظریه امنیتی خارج کرد اما از نگاه یک نظریه جامع امنیتی، اجزای اصلی و مهم سیاست‌گذاری جذاب و قابل توجه است، لذا قابلیت تحلیل این بخش در یک نظریه امنیتی وجود دارد و ناظر بر خط‌مشی‌های حاکم بر روندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مرتبط با امنیت ملی است. بدین لحاظ حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی و عرصه‌های نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، مدیریتی و حتی فرهنگی و اجتماعی با مقوله سیاست‌گذاری امنیتی ارتباط وثیق می‌یابند.

فرآیند عمومی سیاست‌گذاری امنیتی، یکی از موضوعاتی است که در تمامی کشورها، هم‌زاد با کشورداری بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بسیاری از کشورهای دنیا، اهمیت تعیین این فرآیند را به‌خوبی درک کرده و با فراهم آوردن شرایط مناسب، جایگاه ویژه‌ای را برای سیاست‌گذاری‌های امنیتی تدارک دیده‌اند، اما نکته اساسی در فرآیند سیاست‌گذاری امنیتی،

توجه به ملاحظات است که دارای تأثیر مستقیم در این فرآیند می باشد. یعنی نخست: امنیت کمتر تعریف پذیر بوده و بیشتر توصیف پذیر است. دوم: امنیت بیشتر از آنکه مربوط به عینیت های بیرونی باشد، مربوط به حوزه ادراکی است و مرکز شکل گیری و تکوین امنیت در حوزه ادراک و تصورات است. سوم: امنیت موضوعی دفعی نبوده و دفعاً تولید نمی شود، بلکه ساختی بوده و طی مراحل انجام می شود. به عبارت دیگر؛ امنیت، هم تدریجی است و هم ساختی. همچنین فرآیند عمومی سیاست گذاری به معنای عام و سیاست گذاری در رابطه با امنیت به طور خاص در تمامی کشورها از ضرورت های اجتناب ناپذیر بوده و هست. در همین راستا هر کشوری متناسب با ارزش ها، آرمان ها، اهداف و مصالح ملی خود، مبادرت به تعیین فرآیندهای لازم و مناسب جهت سیاست گذاری امنیتی می نماید و در وهله نخست، به دنبال درک مسئله امنیتی، تمرکز بر آن و سپس، یافتن راه حل مناسب است. یافتن مسئله و شناخت آن اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا مسئله ای که دیده نشود یا نادرست دیده شود، هر دو در حکم شناخته نشدن است. مسئله ای که شناخته نشود، حل نمی شود و اگر حل نشود ممکن است به بحران تبدیل شود. مسائل، در ابتدای راه، ممکن است با تمهیداتی ساده و کم هزینه حل شود، اما زمانی که به بحران انجامید، حل آن ها دشوار و با هزینه بسیار خواهد بود؛ به عبارت دیگر سیاست گذاری چرخه یا فرایندی است که یکی از مراحل مهم و به عبارت دیگر مهم ترین نقطه آغاز آن، طرح مسأله سیاست گذاری می باشد؛ بنابراین طرح مسأله امنیتی در سیاست گذاری امنیتی نیز همین نقش و جایگاه را بر عهده دارد. مسأله امنیتی مانند سایر مسائل، امری است که بر معضل، مشکل یا نیاز قابل رفع و حل دلالت می کند. اهمیت مسأله با اهمیت حوزه مورد بحث تناسب دارد ولی در هر حال در هر حوزه مفروض، مسأله یا مسایل قابل طرح اهمیت قابل توجهی دارند، لذا هر چیزی را نمی توان مسأله یک حوزه دانست. بدیهی است حوزه امنیت به ویژه امنیت ملی حاوی اهمیت ها و ضروریات های بالا و فوق العاده می باشد و مسأله آن نیز باید با آن تناسب داشته باشد. طرح مسأله امنیتی از جهت دیگر نیز مهم است، زیرا در واقع با طرح مسأله، فرآیند سیاست گذاری با تمام هزینه ها، دشواری ها و پیچیدگی هایش آغاز می گردد. به همین جهت سیاست گذاران تلاش می کنند در انتخاب و طرح مسائل خود دقت کافی بخرج دهند تا از هدر رفتن منابع جلوگیری نمایند.

در نتیجه گیری روایت پژوهش می توان بیان نمود که آرمان های امنیتی؛ منافع امنیتی؛ اهداف

امنیتی؛ سیاست‌های امنیتی و استراتژی‌های امنیتی به‌عنوان علل به‌وجود آورنده مساله‌شناسی سیاست‌گذاری امنیتی با تاثیرپذیری از محیط راهبردی خارجی (بین‌المللی)؛ بازیگران امنیتی خارجی؛ تهدیدهای امنیتی درونی و تهدیدهای امنیتی بیرونی و همچنین با بسترسازی محیط راهبردی داخلی (ملی)؛ بازیگران امنیتی داخلی؛ هم‌راستایی و هم‌افزایی امنیتی؛ بسترها؛ ساختارها و فرآیندها، در نهایت با شناسایی مبانی و اصول کلی سیاست‌گذاری امنیتی؛ شناخت رهیافت‌های سیاست‌گذاری امنیتی؛ ترسیم مدل محیط آرمانی و مطلوب سیاست‌گذاری امنیتی؛ شناسایی پیشران‌های شناخت مسئله در سیاست‌گذاری امنیتی؛ بسترسازی متناسب مرجع امنیت با رویکرد امنیت‌سازی؛ کالبدشکافی و شناخت‌یابی مسئله امنیتی؛ تحلیل لایه‌ای پدیده‌ها و رخدادهای امنیتی؛ توسعه سطح نفوذ و دوام در محیط امنیتی؛ بازخوانی منافع بازیگران و تحلیل تاثیر متقاطع مولفه‌های امنیتی؛ تحلیل ظرفیت‌ها، کنش‌ها و سنجش قدرت بازیگران امنیتی؛ تدوین و آماده‌سازی شرایط عملکرد موثر مدیریت محیط امنیتی؛ توزیع مزیت‌ها و تحلیل نقاط مرجع امنیتی؛ نهادهای کارگزار امنیت و کارکردهای موثر در محیط امنیتی و مردمی نمودن و حضور مقتدرانه در محیط امنیتی ابزارهایی مناسب برای ایفای نقش، مسئولیت و وظایف مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی ارائه می‌دهند که در نهایت منجر به راهبری و مدیریت در محیط امنیتی، دستیابی به مقاصد امنیتی و در نهایت رضایت‌مندی مردم می‌شود.

به همین دلیل طراحی و تدوین الگوی مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی مبتنی بر منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی ضمن بیان ابعاد، مولفه‌ها و نشانه‌ها، راهکارهای کاربردی به‌منظور ایفای نقش مطلوب و راهبردی‌تر را بیان می‌نماید.

همچنین با توجه به لزوم مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی، به‌گونه‌ای جدید نظریه بومی مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی مبتنی بر منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی طراحی و ارائه شده است. به این ترتیب دست کم دو دلیل عمده برای تدوین این رساله وجود دارد:

دلیل اول لزوم بهره‌گیری از بیانات، نامه‌ها، احکام و فرامین رهبری در جهت راهیابی به الگوی مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی که مرجع فکری این موضوع هستند.

دلیل دوم فقدان نظریه و الگوی مدون برای مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی که در حال حاضر الگوی بومی تبیین نشده و این الگو زمینه‌ساز تولید دانش بومی تعامل راهبردی مبتنی بر اندیشه‌ها و دیدگاه‌های رهبری انقلاب اسلامی است. با این الگو امکان اهتمام ملی و راهبردی

برای مسأله‌شناسی در سیاستگذاری امنیتی در نظام جمهوری اسلامی ایران فراهم خواهد شد. در این راستا، بیانات و رهنمودهای حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در حوزه موضوع تحقیق را محقق به روش تمام‌شمار مطالعه و با ۲۰ نفر از نخبگان و صاحب‌نظران موضوع تحقیق مصاحبه نموده است. متن‌های مکتوب موجود و مصاحبه‌های صورت گرفته پس از تحلیل، به شیوه مندرج در فصل سوم تبیین و تجزیه و تحلیل فصل چهارم با روش استقرایی در کنار یکدیگر قرار گرفته است. نکات مرتبط با موضوع تحقیق از پاراگراف‌های منتخب، به شیوه جزء به جزء (کلمه به کلمه و خط به خط)، در قالب «کد» استخراج گردیده و کدهای مشترک، تشکیل «مفهوم» و مفاهیم مشترک، تشکیل «مقوله» را داده‌اند. سپس به صورت رفت و برگشتی، کدها، مفاهیم و مقوله‌های ایجاد شده، مورد بازنگری قرار گرفت تا در نهایت محقق به اشباع نظری رسید. در پایان این مرحله که به کدگذاری باز مرسوم است؛ تعداد ۲۱۱ کد باز ایجاد گردید. از تلفیق آن‌ها تعداد ۹۷ مفهوم و از تلفیق مفاهیم، تعداد ۳۳ مقوله در شش دسته؛ علی، محوری، مداخله‌ای، محیطی، راهبردی و پیامدی مرتب دسته‌بندی شدند. مقوله‌های علی در الگوی پارادایمی، شرایط مقدم را تشکیل و پنج مقوله (۱) آرمان‌های امنیتی؛ (۲) منافع امنیتی؛ (۳) اهداف امنیتی؛ (۴) سیاست‌های امنیتی و (۵) استراتژی‌های امنیتی با این عنوان در الگو قرار گرفت. به همین ترتیب مقوله‌های محیطی شامل چهار مقوله؛ (۱) محیط راهبردی خارجی (بین‌المللی)؛ (۲) بازیگران امنیتی خارجی؛ (۳) تهدیدهای امنیتی درونی و (۴) تهدیدهای امنیتی بیرونی؛ مقوله‌های مداخله‌ای شامل شش مقوله (۱) محیط راهبردی داخلی (ملی)؛ (۲) بازیگران امنیتی داخلی؛ (۳) هم‌راستایی و هم‌افزایی امنیتی؛ (۴) بسترها؛ (۵) ساختارها و (۶) فرایندها و مقوله‌های راهبردی شامل چهارده مقوله (۱) شناسایی مبانی و اصول کلی سیاست‌گذاری امنیتی؛ (۲) شناخت رهیافت‌های سیاست‌گذاری امنیتی؛ (۳) ترسیم مدل محیط آرمانی و مطلوب سیاست‌گذاری امنیتی؛ (۴) شناسایی پیشران‌های شناخت مسئله در سیاست‌گذاری امنیتی؛ (۵) بسترسازی متناسب مرجع امنیت با رویکرد امنیت‌سازی؛ (۶) کالبدشکافی و شناخت‌یابی مسئله امنیتی؛ (۷) تحلیل لایه‌ای پدیده‌ها و رخداد‌های امنیتی؛ (۸) توسعه سطح نفوذ و دوام در محیط امنیتی؛ (۹) بازخوانی منافع بازیگران و تحلیل تاثیر متقاطع مولفه‌های امنیتی؛ (۱۰) تحلیل ظرفیت‌ها، کنش‌ها و سنجش قدرت بازیگران امنیتی؛ (۱۱) تدوین و آماده‌سازی شرایط عملکرد موثر مدیریت محیط امنیتی؛ (۱۲) توزیع مزیت‌ها و تحلیل

نقاط مرجع امنیتی؛ (۱۳) نهادهای کارگزار امنیت و کارکردهای موثر در محیط امنیتی و (۱۴) مردمی نمودن و حضور مقتدرانه در محیط امنیتی و بالاخره مقوله‌های پیامدی شامل سه مقوله (۱) راهبری و مدیریت در محیط امنیتی؛ (۲) دستیابی به مقاصد امنیتی و (۳) رضایت‌مندی مردم حول پدیده محوری "مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی" قرار گرفت.

پیشنهادهای

۱. سازمان‌های امنیتی رهیافت‌های تحقیق را در برنامه‌های سالیانه مساله‌شناسی خود لحاظ نماید.
۲. قابل بهره‌برداری به‌عنوان متون آموزشی برای «دانشگاه امام محمد باقر (علیه السلام)»، «دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی» و «دانشگاه امام حسین (علیه السلام)».
۳. بهره‌گیری از نتایج پژوهش حاضر به‌منظور کاربردی نمودن آن و ارزیابی سازمان‌های امنیتی در «مرکز مطالعاتی ابرار معاصر».
۴. بهره‌گیری از نتایج پژوهش حاضر در سازمان‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران به‌منظور اجرا و کاربردی آن در سازمان مدنظر.
۵. پژوهشگران آتی می‌توانند میزان تأثیر هر یک ابعاد و عوامل الگوی مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی مورد آزمون قرار گیرد.
۶. بر اساس یافته‌های پژوهش، محققان راهبردهای^۱ مساله‌شناسی در سیاست‌گذاری امنیتی را احصاء نمایند.

۱. منظور راهبردهای مورد نظر در مدیریت راهبردی است، که راهبردها نتیجه بررسی عوامل محیطی به کمک تهدیدات، فرصت‌ها، (عوامل خارجی)، ضعف‌ها و قوت‌ها (عوامل داخلی) است.

منابع

۱. برزگر، کیهان و رضایی، مسعود (۱۳۹۵). «راهبرد دفاعی ایران از منظر آیت الله خامنه ای»، راهبرد دفاعی، دوره ۱۹، شماره ۷۴، زمستان، صص ۳۳-۷.
۲. پارسونز؛ واین (۱۳۸۵). مبانی سیاست گذاری عمومی و تحلیل سیاست ها، ج ۲، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. تهامی، سید مجتبی (۱۳۷۶). امنیت ملی، دکترین و سیاست های دفاعی و امنیتی، ج ۱، چاپ دوم، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۴. حبیب زاده قاسم (۱۳۹۸). «ابعاد امنیت از منظر امام خامنه ای (مدظله العالی)»، امنیت ملی، دوره ۹، شماره ۳۱، صص ۳۲-۷.
۵. رضائیان، علی (۱۳۶۹). اصول مدیریت، تهران: سمت.
۶. رضوی نژاد، سید امین؛ ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۷). «درآمدی تحلیلی بر مسئله شناسی در سیاستگذاری امنیتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۷، تابستان، صص ۲۹۶-۲۷۹.
۷. رضوی نژاد، سید امین (۱۳۹۹). سیاست گذاری امنیت داخلی: طراحی مدل مطلوب جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری.
۸. شافریتز، جی. ام و کریستوفر پی. بریک (۱۳۹۰). سیاست گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۹. شولتز، ریچارد و دیگران (۱۳۹۴). رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی، ترجمه ی سید محمد علی متقی نژاد، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. شیدائیان، حسین (۱۳۸۸). «امنیت ملی از منظر امام و مقام معظم رهبری»، فصلنامه حصون، شماره ۱۹.
۱۱. غرایاق زندی، داود (۱۳۹۰). درآمدی بر سیاستگذاری امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۲. موسوی، سید سعید؛ نباتیان، محمداسماعیل؛ کلانتری، ابراهیم و حق گو، جواد (۱۳۹۹)، «مرجع امنیت ملی در اندیشه ی فقهی آیت الله خامنه ای»، شماره ۳۳، تابستان، صص ۱۵۳-۱۳۱.

۱۳. هلد، دیوید (۱۳۶۷). مدل‌های دموکراسی، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر روشنگران.

14. Glaser, B.G and Strauss, A.L (1991). The Discovery of Grounded theory: Stratedies for Qualitative Research, New York York :Aldine de Gruyter.
15. Manis, Jerome G (1974). Assessing the Seriousness of Social Problems, Social Problems, Volume 22, Issue 1, 1 October, Pages 1-15, <https://doi.org/10.2307/799563>.
16. RogerW.Cobb, CharlesElder(1984). AgendaBuilding, in policy studies Journal, vol. 13. No 1. Sep 1984. Pp 115-129.

بازخوانی تأثیر قدرت نرم (تکنیک شایعه سازی) گروه تکفیری داعش در کاهش احساس امنیت شهروندان در استان ایلام

رضا عبدالرحمانی^۱

جواد کیانی^۲

محمد رضا رفیعی دولت آبادی^۳

چکیده

در سال‌های اخیر بنیادگرایی اسلامی داعش و اقدامات آنها، منطقه خاور میانه و کل نظام بین‌الملل را متاثر کرده است. جمهوری اسلامی ایران به‌خاطر هویت شیعی و غیرعربی خود در معرض مستقیم تهدیدات داعش قرار گرفت. هدف اصلی این پژوهش بازخوانی تأثیر قدرت نرم (تکنیک شایعه‌سازی) گروه تکفیری داعش در کاهش احساس امنیت شهروندان در استان ایلام است. روش تحقیق کیفی از نوع نشست خبری و تحلیل مضمون است که طی آن نظرات کارشناسان از طریق مصاحبه‌ها استخراج و تحلیل گردید. جامعه آماری شامل: کارشناسان نیروی انتظامی بویژه رشته اطلاعات (۱۰ نفر)، معلمان آموزش و پرورش (۸ نفر) و اعضای هیأت علمی و دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه ایلام (۹ نفر) و مسئولین عالی‌رتبه (۸ نفر) شهر ایلام می‌باشد، که به‌صورت هدفمند با بالاترین تنوع گروه‌ها تا اشباع نظری انتخاب شدند. روش گردآوری اطلاعات، میدانی و ابزار آن مصاحبه عمیق نیمه‌ساختار یافته می‌باشد. یافته‌ها در بازخوانی تأثیر شایعات داعش بر احساس امنیت به سبب نابودی هسته‌های تیمی گروه‌های سلفی و تکفیری که از لحاظ خوانش فکری و اعتقادی هم رده داعش بودند، مشخص گردید در حال حاضر احساس امنیت در خصوص پنج حوزه تحقیق افزایش یافته و به نظر نمی‌رسد که احساس امنیت از خلال پدیده داعش و شایعه‌سازی آنها چندان اثری در احساس امنیت روانی، ترس و وحشت، مهاجرت، سرمایه اجتماعی و توانمندی نیروهای مسلح در شهر ایلام داشته باشد.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، شایعه، احساس امنیت، داعش، ایلام.

۱. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده منابع انسانی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران (نویسنده مسئول) rar0664@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده عقیدتی سیاسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

مقدمه

شایعه در همه جا و در تمامی طبقات اجتماعی وجود دارد و از جمله مهم ترین شیوه رسانه ای کردن اخبار بوده است. پیش از آن که نوشتار به وجود آید، گفتار، تنها شیوه ارتباطی بود و شایعه خبرها را منتقل می کرد. امروزه، به رغم ظهور انواع رسانه های جمعی مانند روزنامه، رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت، شایعات نه تنها کاهش نیافته که از طریق این کانال های ارتباطی، وسعت و بعد جدیدی یافته است. پیدایش رسانه های نوین نه تنها نتوانسته مانع از پخش شایعه شود، که آن را به گونه ای پیچیده تر ساخته است. به طوری که امروزه انواع مختلفی از شایعه ها از طریق انواع گوناگون رسانه های جمعی انتشار می یابد (خزانی، ۱۳۷۴، ۵۶) و افتخاری، (۱۳۷۹، ۴۳). در کنار بسیاری از عوامل اثرگذار بر امنیت و احساس امنیت، بی تردید شایعه و شایعه سازی یکی از مهم ترین آنهاست. شایعه، پدیده ایی اجتماعی است که حوزه های گوناگون روانی، نظم و آرامش جمعی و گاه سرمایه های اجتماعی را مورد تهدید قرار داده، حتی گاه به مهاجرت مردم می انجامد. این پدیده با توجه به ماهیت و قدرت تأثیرگذارش، می تواند تنش های اجتماعی را افزایش، میزان بهره وری و تولید را کاهش و چرخه اقتصاد را فلج نماید (افروز، ۱۳۷۷: ۴).

شایعه، به عنوان یکی از فنون قدرت نرم (صلاحی، ۱۳۹۰: ۲۱) می تواند ناشی از اختلال در برآوردن نیازهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، یا پاسخگویی به موقعیتی خاص، و یا عکس العمل نسبت به تصمیم یا پاسخ به رفتاری خاص شکل بگیرد. عوامل موقعیتی و شرایط اجتماعی، یکی از مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر شکل گیری و انتشار انواع شایعه است. هنگامی که در محیط اجتماعی ابهامات زیادی وجود دارد، مردم خلاقانه می کوشند تا به وقایع معنا بخشیده، آن ها را مورد تعبیر و تفسیر قرار دهند. در واقع می توان شایعه را نوعی حل مسأله جمعی با تاکید بر عدم شفافیت ها و فقدان اطلاعات دانست (نای، ۲۰۱۰: ۳۴). شواهد نشان می دهد که علی رغم بهبود وضع زندگی به لحاظ رشد و تحولات فرهنگی و اجتماعی و همچنین توسعه و گسترش مراکز و مؤسسات خدمات روان شناسی، شایعه به وفور و سریع در بین مردم، و حتی در میان نظامی ها انتشار می یابد و ممکن است جامعه را دچار اختلال کند (عباس زاده، ۱۳۷۸:

۳۴). ظهور و گسترش انواع اقدامات عملی، تبلیغاتی و فعالیت های مختلف گروه تکفیری داعش یکی از اهداف دشمنان با تاکید موارد یادشده در بالاست که در برخی مرزهای غربی کشور طی سال های اخیر قوت گرفته است. حتی قدرت نرم (به ویژه شایعه پراکنی) در دو دهه اخیر، مهمترین راهبرد دشمن علیه جمهوری اسلامی در سخنان رهبر معظم انقلاب بوده است (۱۳۸۸/۹/۴).

تداوم ناامنی ها در عراق، می تواند به گونه ای تداوم ناامنی در کشورهای همجوار آن و از جمله ایران بوده و پیامدهای امنیتی ناخوشایندی را برای نظام جمهوری اسلامی ایران در پی داشته باشد. در این میان استان ایلام با داشتن ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک در شهرستان های مهران و دهگلان با کشور عراق و همچنین شناخت و آگاهی مردم از اندیشه های فرقه داعش که شیعه را مهدورالدم و نظام جمهوری اسلامی ایران را مشرک تلقی می کنند، شایعات متعددی در این خصوص در بین مردم این استان رواج می داد. همچنین بر اساس گزارش های اعلام شده در سایت محلی ایلام، بیشترین جستجوی کلمه ی داعش در سال ۱۳۹۳ در کل کشور مختص به شهروندان استان ایلام بوده است. مطالعات اکتشافی جدیدتر نشان می دهد اگر چه داعش از منطقه بیرون رانده شده، اما هنوز تاثیرات آن باقی است. از این رو اهمیت این موضوع به عنوان یک مسأله ی اجتماعی - امنیتی در استان ایلام نیازمند بررسی عمیق و موشکافانه است، چرا که در صورت احساس عدم وجود امنیت از طرف مردم محدوده مورد مطالعه، کشور با تنش و چالش مهاجرت و هرج و مرج در نواحی مذکور می شود.

بر همین اساس مسأله اساسی این تحقیق آن است که با روش بازخوانی به این سوالات پاسخ دهد که چه اندازه شایعه سازی ها گروه های تکفیری داعش توانسته بر احساس امنیت شهروندان استان ایلام اثر بگذارد؟ و این شایعه سازی ها تا چه میزان بر ایجاد ترس و وحشت در شهروندان استان ایلام افزوده است؟ به تعبیر دیگر هدف اصلی این پژوهش بازخوانی شناسایی میزان تأثیر شایعات مربوط به گروه های تکفیری داعش بر احساس امنیت شهروندان استان ایلام با تاکید بر میزان (ترس و وحشت، سرمایه اجتماعی، توانمندی نیروهای مسلح، مهاجرت و امنیت روانی) و اینکه احساس امنیت در زمان فعلی از زبان گروهی از نخبگان، کارشناسان و نیروهای اطلاعاتی ناجا چگونه است.

پیشینه تحقیق

تحقیقات مختلفی در خصوص شایعه (به عنوان یکی از فنون جنگ نرم) انجام گرفته که در زیر به برخی از آنها که به موضوع تحقیق نزدیک ترند، اشاره شده است. اسماعیلی (۱۳۷۸) در مطالعه خود به چگونگی انتشار شایعه و نقش آن در نیروهای مسلح پرداخته و به این موضوع دست یافت که شایعات در برخی مواقع روحیه نظامیان را مورد تهدید قرار می دهد. کیانی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان شایعه و امنیت روانی به این نتیجه رسیده که شایعه به عنوان قدیمی ترین رسانه گروهی است. این رسانه به عنوان ابزاری مؤثر برای دستیابی به اهداف و مقاصد گوناگون چه در طول مبارزات و جنگ‌ها (کارکردهای نظامی) و چه در جهت اهداف سیاستمداران و مقاصد پشت پرده سیاسی - اجتماعی مورد استفاده قرار می گرفته است. به باور وی شایعات بر فعالیت‌ها و چگونگی اجرای مأموریت‌های پلیس نیز تأثیر می گذارد. یحیایی ایله ای (۱۳۸۶) در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که شایعه شاخص ترین بحران اجتماعی است که در اثر بحران‌های دیگر به وجود می آید. فهیمی راد (۱۳۹۰) با بررسی نقش شایعه در برهم زدن امنیت اجتماعی، به بسترهای ایجاد شایعه، بررسی پیامدهای اجتماعی آن و روش‌های مقابله با آن به خصوص شایعات امنیتی پرداخته و بر این باور شده که شایعه در برهم زدن احساس امنیت مؤثر است. بهرامی (۱۳۹۱) در پژوهش خود به ضرورت اهمیت دادن به پدیده پذیرش شایعه توجه کرده، و به این نتیجه رسیده که پذیرش شایعه با متغیرهای مانند اهمیت موضوع، ابهام موضوع، منبع شایعه رابطه معنی داری دارد. وی همچنین دریافت که مؤلفه‌های فردی نظیر سن و تحصیلات با پذیرش شایعه رابطه دارند ولی بین جنسیت و شغل چنین رابطه وجود ندارد. ربانی، برندگی و مهربانی (۱۳۹۲) در یافته‌های خود متوجه شدند شایعه، فرآیندی است که از طریق آن، اخباری انتشار می یابد، بی آن که از کانال‌های رایج، عبور کرده باشد. شایعه می تواند از يك اطلاع نادرست منشأ گیرد و یا آن که منبع آن، اطلاعی درست ولی اغراق آمیز و اشتباه باشد. نصراللهی، مرادی و حاتمی (۱۳۹۲) در بررسی زمینه‌ها و علل جامعه شناختی و روان شناختی شایعه پردازی و ارتباط آن با بحران‌های امنیتی دریافتند که شایعه با پدیده‌هایی مانند بحران‌های اجتماعی، مهاجرت و کاهش احساس امنیت عمومی رابطه دارد. به این معنا که با گسترش بحران‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، میزان‌های تولید و انتشار شایعه نیز افزایش می یابد. حاجی حسین نژاد (۱۳۹۲) و عباس زاده (۱۳۷۸) در تحقیقات خود به این نتیجه

دست یافتند که شایعه در شرایطی رونق می گیرد که ابهامات و فقدان اطلاع رسانی افزایش یابد. ساوه درودی (۱۳۹۲) و (۱۳۹۳) به برآیند تنازعات و ناامنی های منطقه ای در عراق با نشان دادن نقش گروهگ تکفیری داعش پرداخت و به این نتیجه رسیده این گروه وضعیتی امنیتی منطقه را دچار اختلال کرده و منجر به مهاجرت بسیاری از شهروندان شده است. توکلی (۱۳۹۳) به انواع افتراقات و تشابهات میان القاعده و داعش در تبلیغ، اقناع و شایعه سازی تاکید کرده، مهاجرت، احساس عدم امنیت و اعتماد را از پیامدهای ظهور این دو حرکت دانسته است. مصلی نژاد و فخرالسادات (۱۳۹۳) در بررسی تأثیر شایعه بر احساس امنیت، دریافت که شایعه بر میزان مشارکت اجتماعی نیز موثر است. محروق (۱۳۹۴) بر جنبه های اقتصادی داعش اشاره داشت. شریفی و شاهینی (۱۳۹۵) در تحقیقی به بررسی ابزارها، تاکتیک ها و رویکردهای رسانه ای گروه تروریستی داعش پرداخته، اذعان داشته اند که به کارگیری فنون عملیات روانی و جنگ نرم، مهم ترین تاکتیک های رسانه ای داعش بوده که به افزایش مهاجرت ها، کاهش اعتماد و احساس امنیت شده است. ترکمان و شهابی (۱۳۹۵) عوامل اجتماعی موثر در پذیرش شایعه ها پرداخته، بر این اعتقاد بودند که گروه های اجتماعی از رسانه ها در پذیرش شایعه ها استفاده می کنند و از خلال آن به اهداف خود مانند: کاهش امنیت عمومی، برهم زدن سرمایه گذاری ها و... می رسند. اسماعیل زاده، امامقلی و احمدی فشارکی (۱۳۹۵) بر تأثیر اقدامات داعش بر امنیت ایران تاکید کردند. راسخی (۱۳۹۵) به نقش شایعه در اجرای عملیات روانی و راهکارهای مقابله با ترویج آن در ناجا پرداخته است. فاضلی و سلطانی فرو عباسی (۱۳۹۶) کارکردهای شبکه های اجتماعی برای گروه های تروریستی داعش. همچنین آذرشین و تاجیک اسماعیلی (۱۳۹۶) بر بررسی میزان باورپذیری پدیده «شایعه» در پیام رسانه ای اجتماعی بین مردم شهرستان اهواز تاکید داشتند. قاسمی و شجاع (۱۳۹۶)، اسدی و مجیدی (۱۳۹۷) بر شیوه های تبلیغی داعش به ویژه استفاده از ابزار ترس و شایعه پرداختند. آقامحمدی و امیدی (۱۳۹۷) در تحقیق خود بر خشونت گرایی شدید داعش توجه کردند. بابایی آقبلاغ، ستاری اردبیلی (۱۳۹۷) تحقیقی را در خصوص رفتار شایعه سازی داعش انجام دادند. حسوند (۱۳۹۷) نیز به رابطه میان سرمایه اجتماعی - فرهنگی و احساس امنیت و شایعه پراکنی توجه کرده است. بیات (۱۳۹۸) بر ماهیت گروه های تروریستی داعش و القاعده و ابزارهای رسانه ای آنها پرداختند. صفوی و خاکسار علی (۱۳۹۷) بر تأثیر داعش بر معادلات سیاسی - امنیتی. نجفی و مرادی (۱۳۹۸) و سیفی و

پورحسن (۱۳۹۷) و کرمی و سهرابی (۱۳۹۸) بر انواع تهدیدات گروه تروریستی داعش و تاثیر آن بر روابط میان ایران و عراق و نیز کاهش سرمایه گذاری، مهاجرت، و کاهش سرمایه اجتماعی پرداختند. بشیری خطیبی (۱۳۹۸) نیز به تبیین جامعه شناختی نقش و کارکرد پدافند غیرعامل در حوزه شایعه سازی های فضای مجازی (مورد مطالعه: استان آذربایجان شرقی) با تاکید بر نقش پلیس در پیشگیری و مقابله با آن پرداخته است.

جوزف نای شایعه را یکی از انواع فنون جنگ نرم دانسته است (نای، ۱۳۸۹). گزارش دوازدهم دیبرکل (۲۰۲۱) در مورد تهدیدهای داعش (صلح) بر صلح و امنیت بین المللی و دامنه تلاش های سازمان ملل متحد در حمایت از کشورهای عضو در مقابله با تهدید، نشان می دهد اعمال وحشیانه این گروه و کشتار و ترسی که ایجاد کرده بودند، تا چه اندازه اهمیت داشته است. هررا (۱۸ مارس ۲۰۱۹) پس از تحقیق در خصوص خشونت های داعش اذعان داشت که بیشتر قربانیان تروریست های داعش، مسلمان هستند، که البته هنوز هم به اشکال دیگر ادامه دارد. سیلندر و واکه و جانزکوویچ (۲۰۱۷) در تحقیق خود دریافتند که ظهور داعش امنیت تمامی منطقه به ویژه سوریه، عراق و ایران را تهدید می کرده است. این محققان همچنین تلاش های سازمان های غیر دولتی را در تامین و بازگشت امنیت به منطقه را مورد بررسی قرار دادند. مک کانت (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان «آخرازمان داعش» به تحلیل تاریخ، استراتژی و چشم اندازهای ظهور و اقدامات داعش به ویژه ترورها، و اعدام های آنها پرداخته، خطر آنها برای جهان را مورد تاکید قرار داده است. ساژمن (۲۰۰۴) در خصوص درک شبکه های ترور داعش و چگونگی تاثیرگذاری آنها به تحلیلی جامعه شناختی پرداخته، پیشنهادهایی در رفع آن ارائه نموده است.

با در نظر گرفتن تحقیقات صورت گرفته که در بالا سعی شد به موارد جامعی از تحقیقات اشاره شود، می توان تفاوت بسیار مهمی را مشاهده نمود. بر این اساس که در این تحقیق به احساس امنیت شهروندان ایلام در دوره زمانی، زمان وجود داعش و زمان بعد از نابودی داعش پرداخته شده است و دیدگاه خبرگان و کارشناسان این حوزه مورد تحلیل قرار گرفته است، درحالی که در هیچکدام از تحقیقات اشاره تحلیلی این چنینی اشاره نشده است.

چارچوب نظری

به باور «آلن بیرو» پدیده شایعه، فرآیندی است که از طریق آن، اخباری پخش می شود، بی آن که

از کانال های رایج گذشته باشد. شایعه می تواند از يك اطلاع نادرست منشأ گیرد و یا آن که منبع آن اطلاعی درست، ولی اغراق آمیز و اشتباه باشد (Biro, 1991: 56). شایعه، نقش عمده ای در روحیه ملت ها و احساس امنیت آنها دارد. هر چند که در جه تأثیر آن ممکن است بر حسب نوع شایعه و انگیزه هایی که در پشت سر آن مخفی است، و این که شنونده های شایعه چه کسانی اند، فرق کند (صلاح، ۱۳۸۰: ۲۷). روان شناسان اجتماعی نظرات متفاوتی در خصوص شایعه دارند (Meyer, 2002: 96). برای نمونه «نظریه قضاوت اجتماعی» به این واقعیت تأکید دارد که مخاطبان، پیام های دریافتی را تنها بر اساس ارائه و استدلال فرستنده ارزیابی نمی کنند، بلکه درباره پیام و چگونگی رابطه گیرنده بر اثر آن توجه دارند. (Coen, 2002: 64). به باور اینان مخاطبان پیام را با مقایسه موقعیت مورد حمایت و موقعیت خود نسبت به مسأله ارزیابی می کنند. اگر موقعیت مورد پذیرش فرد واقع شود، پیام جذب می گردد و برعکس، اگر موقعیت در قیود عدم پذیرش فرد واقع باشد، به اندازه ای که مغایر هست دیده می شود. محرک اجتماعی - روانی دومی وجود دارد که در پذیرش شایعه اهمیت دارد این است که انسان ها تمایل دارند هر چیز را آن گونه ببینند که دوست دارند. این همان مفهوم تخصصی «پیشگویی خود کامبخش» است (Anderson, 1992: 85). به باور برخی ها شایعاتی که توقعات افراد را ارضا می کند، ممکن است به تأیید عزت نفس کمک کند (کریمی، ۱۳۸۴: ۸۷). راستو و کیمل (۲۰۰۰) شرح می دهند که چگونه پراکنده سازی شایعات، روان فرد را تسکین می دهد و فرد با بیان شایعات، تمایلات و علایق درونی خود را برون فکنی می کند. عامل دیگری که به شرح پدیده شایعه کمک می کند، مفهوم «اسناد تدافعی» است. عموماً، مردم از فکر کردن درباره این که فاجعه ها، ترس و وحشت، فرار و سایر وقایع قوی که ممکن است برای هر کس پیش بیاید، احساس خطر می کنند. نظریه «جاذبه اجتماعی»، که مبتنی بر میل و گرایش به گروه و انتخاب شبکه تمرکز دارد، ممکن است در برخی نمونه ها انگیزه اساسی در انتشار شایعات را شرح دهد. «جاذبه اجتماعی» برای کسانی که خودشان را با گروه قوی تری مشخص می کنند، قوی تر خواهد بود (هوگ، ۱۹۹۱: ۶۵).

متغیرهای مجاورتی ملاحظه بعدی در تبیین این که چرا بعضی شایعات پراکنده می شوند و برخی خیر، کمک کننده است. صرف وجود مجاورت فیزیکی با سایرین، می تواند گاه نفوذ و ارتباطات جهت دار را تقویت کند. مردم می خواهند از دیگران تصدیق و اعتبار کسب کنند. به همین

سبب در مجاورت یکدیگر قرار می گیرند و با هم تعامل می کنند: Allport and Postman, 1993: 52؛ نصراللهی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۴). نظریه کاربری و خشنودی رسانه ها که در اواخر دهه ۱۹۶۰ توسط بلومر، کاتز و گروپیچ ابداع شد، بر این تاکید دارد که مردم بسته به موقعیتی که در آن قرار دارند، ممکن است از رسانه ها به عنوان منابع اطلاعاتی یا سرگرمی یا تکمیل بخشی از اوقات فراغت استفاده کنند. مفهوم کاربری با مفاهیم خشنودی، دوعلتی هستند که بنا بر نظریه کاربری و خشنودی سبب توجه مردم به رسانه ها شده است (حکیم آرا، ۱۳۸۴: ۲۳).

به باور جامعه شناسان، شایعه، پدیده ای اجتماعی با رویکردی دوگانه است که هم می تواند کارکرد مثبت داشته باشد و هم کارکرد منفی: اما گویا کارکرد منفی شایعه (مانند: ایجاد فضای ناسالم و به خطر افتادن امنیت عمومی، ایجاد تفرقه، رویارویی و صف بندی اقشار مختلف جامعه با هم و یا با نظامی ها، ایجاد بدبینی و سلب اعتماد مردم از دولتمردان، کاهش اعتماد مردم به وسایل ارتباط جمعی داخلی و روی آوردن به منابع غیر رسمی و از همه مهم تر، گسترش ناامنی، ترس، اضطراب و نگرانی، و کاهش سرمایه های اجتماعی)، بیش از کارکرد مثبت آن است (Allport and Postman, 1993: 9). «تایلور» (۱۹۴۰) در کتاب خود «راهبرد وحشت» توضیح می دهد که در جریان جنگ دوم جهانی، چگونه آلمان ها هنگام آماده شدن برای حمله، قربانیان خود را از طریق داستان های وحشت آور و مطالب القاکننده احساس شکست، غرق می نمودند. آنها با استفاده از رادیو، شایعات را در داخل کشورهای طرف جنگ، پخش می کردند. این داستان ها هم زمان با طرح قریب الوقوع بودن تهاجم نظامی، خبر نزدیک بودن مذاکرات صلح را نیز پخش می نمودند. هدف این نوع شایعات، ایجاد سردرگمی و تضعیف روحیه مردم و نظامیان، فراری دادن مردم، ترس و... بود.

صرف نظر از تمامی شرایط، صاحب نظران دو شرط اساسی را برای رواج شایعه بیان نموده اند: نخست آن که موضوع شایعه باید برای گوینده و شنونده، دارای اهمیت باشد و شرط دوم، این که درباره آن موضوع، ابهام وجود داشته باشد. برای نمونه در زمان جنگ یا شرایط جنگی شرایط پخش و نشر شایعه مهیوتر است: چرا که همان گونه که بروکner^۱ (۱۹۶۵) اذعان داشته، اولاً مسائل نظامی و نظامیان از بیشترین اهمیت برخوردارند، و از طرفی، لزوم حفاظت از اطلاعات نظامی، موجب بروز ابهامات بسیار در این موضوعات می شود. به باور وی و برخی جامعه شناسان شایعه اصولاً بر

1. Taylor

2. Buekner. Taylor (1965)

اساس سه رشته از احساسات انتشار می یابد: ترس، امید و تنفر (Coen, 2002: 250).

به هر ترتیب، می توان نتیجه گرفت که: بین «شایعه» به عنوان پدیده اجتماعی و «اضطراب» به عنوان پدیده ای روانی، تعاملی دو سویه وجود دارد: بدین معنا که از یک سو، اضطراب از انگیزه های ساخت و رواج شایعه است و از سوی دیگر، شایعه نیز در پیدایی اضطراب، مؤثر است (Rosno and Kimmel, 2000: 74) این شرایط ممکن است بروز و گسترش برخی پدیده های دیگر مانند افزایش میزان های مهاجرت افراد یک جامعه و نیز کاهش سرمایه گذاری ها و سرمایه های اجتماعی موجود محتمل باشد.

جدول شماره ۱ مدل مفهومی تحقیق.

مؤلفه ها	تحقیقات	نظریه پرداز (سال)	شاخص ها
مهاجرت شهروندان	ترکمان و شهابی (۱۳۹۵)/صفوی و خاکسار (۱۳۹۷)/اسدی مجیدی (۱۳۹۷)	روسنو و کیمل، ۲۰۰۰	جابجایی و مهاجرت/ ترک کامل خانه/رها ساختن کار و فعالیت
ترس و وحشت شهروندان	بابایی آقبلاغ و ستاری اردبیلی (۱۳۹۷)/آذرشین، اسماعیلی (۱۳۹۶)/نجف زاده و جمالی (۱۳۹۸)/کرمی و سهرابی (۱۳۹۸)/فرهنگی و عباسی (۱۳۹۷)/آقامحمدی و امیدی (۱۳۹۷)	بیرو، ۱۳۷۰/کوئن، ۱۳۸۱/آل پُورت و پستمن، ۱۳۷۴/کوئن، ۱۳۸۰	احساس امنیت شهروندان/ایجاد ترس و وحشت/اختلال در هوشیاری/اضطراب و دلهره
کاهش سرمایه اجتماعی	کرمی و سهرابی (۱۳۹۸)/توکلی (۱۳۹۳)/شریفی و شاهینی (۱۳۹۵)/مصلی نژاد و فخرالسادات (۱۳۹۳)/حسنوند (۱۳۹۷)	روسنو و کیمل، ۲۰۰۰/محروق (۱۳۹۴)/البرت و پست من (۱۹۹۳)	برهم زدن شرایط اجتماعی/کاهش اعتماد و روابط/کاهش انسجام و پیوندها/کاهش مشارکت اجتماعی
کاهش امنیت (و) احساس امنیت (روانی)	توکلی (۱۳۹۳)/غروی ناییبی و همکاران (۱۳۹۱)/نجفی هادی و مرادی (۱۳۹۸)/کرمی و سهرابی نبی (۱۳۹۸)/بیات (۱۳۹۸)/فرهنگی و عباسی (۱۳۹۷)/آقا محمدی و امیدی (۱۳۹۷)	آل پُورت و پستمن، ۱۳۷۴/راسنو و کیمل (۲۰۰۰)/شربتیان (۱۳۸۸)	ترس و اضطراب/عدم امنیت جانی و مالی/بدبینی و سوءظن نسبت به حکومت/کاهش انسجام
توانمندی نیروهای مسلح	(کیانی، ۱۳۸۵: فرهانی، ۱۳۹۹)/اسماعیلی (۱۳۷۸)	بروکنر ^۱ (۱۹۶۵)/الپورت و پستمن (۱۹۹۳)	ناکارآمدسازی نیروهای نظامی و انتظامی. تهدید روحیه نظامیان

آنچه از مدل تفصیلی فوق برمی آید آن است که این مدل بر تاثیر شایعه وجود داعش بر مؤلفه‌های امنیت روانی، مهاجرت، ترس و وحشت، سرمایه اجتماعی و توانمندی نیروهای مسلح تاکید داشته و بر این باور است که شایعه می تواند با تاثیر گذاری بر متغیرهای فوق بر کلیت احساس امنیت شهروندان ایلامی تاثیر بگذارد.

تعریف شایعه^۱

شایعه، همان گونه که رهبر معظم انقلاب تاکید کردند به عنوان یکی از فنون جنگ نرم (۱۳۸۸/۰۹/۰۴) عبارت است از: پیامی که در میان افراد جامعه، دهان به دهان می گردد ولی واقعیت، آن را تأیید نمی کند» (Coen, 2002: 250). شایعه، فرآیندی است که از طریق آن، اخباری انتشار می یابد، بی آن که از کانال های رایج، عبور کرده باشد. شایعه می تواند از يك اطلاع نادرست منشأ گیرد و یا آن که منبع آن، اطلاعاتی درست ولی اغراق آمیز و اشتباه باشد. شایعه، کوششی جمعی است برای تفسیر (سوگیرانه ی) یک موقعیت مبهم ولی جذاب. شایعه، خبر یا اطلاعاتی غیر موثق است که مبتنی بر مشهورات یا قول اجماع است یعنی اعتبار خود را از تواتر و شیوع خود می گیرد. مشخص نبودن فرستنده پیام و مخاطبان، سرعت بالای انتقال آن، هزینه انتقال اندک آن، وسیع و غیر قابل پیش بینی بودن محدوده و گستره پخش و توزیع آن، استفاده از کانال های ارتباطی متنوع، محدود بودن قابلیت کنترل و پیشگیری آن بسیار محدود است، و انحراف اذهان عمومی از جمله ویژگی های شایعه است (یحیی ایلہ ای، ۱۳۸۴: ۳۱).

دولت اسلامی عراق و شام (داعش). داعش گروه تکفیری منشعب از القاعده، که ابتدا به القاعده عراق مشهور بود و سپس با کمک برخی قدرت های منطقه ای و فرمانطقه ای، بخش هایی از عراق و سوریه را به اشغال خود در آورد و با نام الدّولة الاسلامیة فی العراق والشّام (داعش) معروف شد. این گروه خسارات انسانی، اقتصادی و فرهنگی چشمگیری به بار آورد و مدعی احیای خلافت اسلامی است.

احساس امنیت. اعتماد، آرامش و رهایی از اضطراب و ترس در رابطه با برآورده شدن نیازهای خود در حال و آینده است (بیات، ۱۳۸۸: ۱۵). حالتی است که آحاد جامعه هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی های مشروع خود نداشته و هیچ وجه حقوق آنها به مخاطره

نیفتد، احساس امنیت در سه بعد امنیت مالی، جانی و حیثیتی سنجیده می شود. احساس امنیت، همان عایق و پوششی است که جمع، با برخورداری از آن نگرانی ها و تشویش ها را به کنار می نهد و به آسودگی به زندگی خویش ادامه می دهند (نویدینا، ۱۳۸۸: ۵۴).

روش تحقیق. روش تحقیق پژوهش حاضر کیفی از نوع نشست خبرگی و تحلیل مضمون است که طی آن نظرات کارشناسان آنها از طریق مصاحبه ها استخراج و تحلیل گردید. جامعه آماری این پژوهش کارشناسان نیروی انتظامی بویژه رسته اطلاعات (۱۰ نفر)، معلمان آموزش پرورش (۸ نفر) و اعضای هیأت علمی و دانشجویان رشته های مختلف دانشگاه ایلام (۹ نفر) و مسئولین عالی رتبه (۸ نفر) شهر ایلام می باشد، که به صورت هدفمند با بالاترین تنوع گروهها تا اشباع نظری انتخاب شدند. این افراد که در کل ۳۵ نفر بودند، به این سبب انتخاب شدند که بیشترین اطلاعات را در خصوص موضوع تحقیق داشتند. روش گردآوری اطلاعات میدانی و ابزار آن مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته بود. روایی و پایایی داده های این پژوهش از معیارهای مقبولیت، همسانی، تعیین و انتقال پذیری بروان و کلاک (۲۰۰۶) بدست آمد.

جدول شماره ۲ جمعیت شناختی

ردیف	جامعه آماری	حجم نمونه	روش نمونه گیری
۱	کارشناسان رسته اطلاعات ناجا	۱۰ نفر	هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری
۲	معلم ها آموزش و پرورش	۸ نفر	هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری
۳	اعضای هیأت علمی	۵ نفر	هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری
۴	دانشجویان	۴ نفر	هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری
۵	مسئولین عالی رتبه شهر	۸ نفر	هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری
	جمع کل	۳۵ نفر	

یافته های تحقیق

الف) یافته های توصیفی. در بخش آمار توصیفی ویژگی های جمعیت شناختی پاسخگویان به تفکیک جنسیت، سن، تحصیلات و سابقه کار به شرح ذیل است.

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول شماره ۲ تعداد کل مصاحبه شوندگان ۳۵ نفر بود. از این تعداد آمار توصیفی ۳۱ نفر، معادل ۸/۵۶٪ کل پاسخ دهندگان را افراد متأهل و ۴ نفر معادل ۲۰/۴۳٪ را افراد مجرد تشکیل می دهند. بر اساس مندرجات جدول سن مصاحبه شوندگان به ۵ دسته تقسیم گردید که بیشترین آنها بین ۳۷ تا ۴۵ سال و کمترین بین ۲۵ تا ۳۰ سال بود.

بیشترین سنوات خدمتی مصاحبه شوندگان بین ۲۵ تا ۳۰ سال و کمترین آنها بین ۵ تا ۱۰ سال بود. تحصیلات مصاحبه شوندگان به ترتیب ۸ نفر دکتری، ۱۱ نفر فوق لیسانس، ۱۰ نفر لیسانس، ۶ نفر فوق دیپلم بودند. جنسیت مصاحبه شوندگان ۲۸ نفر مرد و ۷ نفر زن بودند.

ب) یافته های تحلیلی.

یافته اصلی تحقیق اولیه، بین شایعات مربوط به گروه های تکفیری داعش با احساس امنیت شهروندان استان ایلام رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول (۳): مربوط به آزمون همبستگی کندال بین شایعه سازی و احساس امنیت

بازرسی و ارزیابی امنیت			
خبر	امنیت		
۶۰۱**	۱/۰۰۰	ضریب همبستگی	احساس امنیت
۰۰۰۰	.	Sig مقدار	
۳۴۰	۳۴۰	تعداد نمونه	
۱/۰۰۰	۶۰۱**	ضریب همبستگی	شایعه داعش
.	۰۰۰۰	Sig مقدار	
۳۴۰	۳۴۰	تعداد نمونه	

با توجه به جدول شماره ۳، ضریب همبستگی بین شایعات مربوط به گروه های تکفیری داعش با احساس امنیت شهروندان استان ایلام در سطح $P < 0.05$ برابر $(r = 0.601)$ است که این ضریب از نظر آماری معنی دار است. بنابراین با در نظر گرفتن $(sig = 0.000)$ در آزمون همبستگی کندال، فرض H_0 تأیید نشده و فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه معنی داری بین شایعات مربوط به گروه های تکفیری داعش با احساس امنیت شهروندان استان ایلام تأیید می گردد.

اولین یافته تحقیق اولیه، شایعه سازی های گروه های تکفیری داعش بر ایجاد ترس و وحشت در بین شهروندان استان ایلام تأثیر دارد.

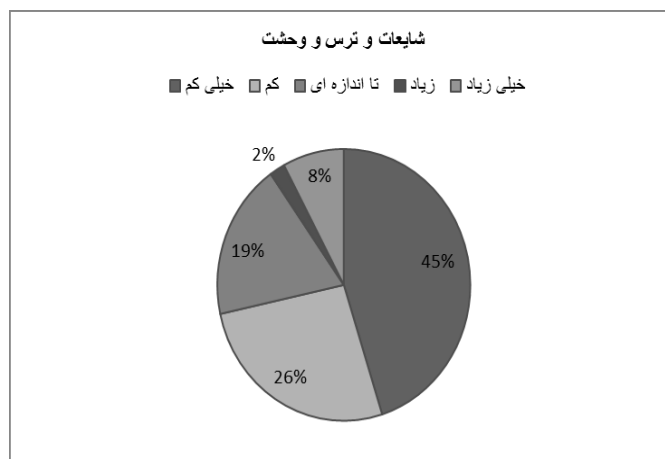
جدول (۴): مربوط به آزمون همبستگی کندال بین شایعه سازی و ترس و وحشت شهروندان

یافته های قدیم				
شایعه	ترس			
۱/۰۰۰	۰۵۹۵**	ضریب همبستگی	ایجاد ترس	آزمون کندال
.	۰۰۰۰	Sig مقدار		
۳۴۰	۳۴۰	تعداد نمونه		
۰۵۹۵**	۱/۰۰۰	ضریب همبستگی	شایعه سازی	
۰۰۰۰	.	Sig مقدار		
۳۴۰	۳۴۰	تعداد نمونه		

با توجه به جدول شماره ۴، ضریب همبستگی بین شایعه سازی های گروه های تکفیری داعش بر ایجاد ترس و وحشت در بین شهروندان استان ایلام در سطح $P < 0.05$ برابر $(r = 0.595)$ است که این ضریب از نظر آماری معنی دار است. بنابراین با در نظر گرفتن $(sig = 0.000)$ در آزمون پیرسون، فرض H_0 تأیید نشده و فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه معنی داری بین شایعه سازی های گروه های تکفیری داعش بر ایجاد ترس و وحشت در بین شهروندان استان ایلام تأیید می گردد.

با توجه به جدول شماره ۴، ضریب همبستگی بین شایعه سازی های گروه های تکفیری داعش بر ایجاد ترس و وحشت در بین شهروندان استان ایلام در سطح $P < 0.05$ برابر $(r = 0.644)$ است که این ضریب از نظر آماری معنی دار است. بنابراین با در نظر گرفتن $(sig = 0.000)$ در آزمون پیرسون، فرض H_0 تأیید نشده و فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه معنی داری بین شایعه سازی های گروه های تکفیری داعش، در کاهش میزان سرمایه گذاری در بین شهروندان استان ایلام تأیید می گردد.

یافته های جدید در مورد مولفه ترس و وحشت:



یافته های جدید نشان می دهد بیشترین پاسخ دهندگان به ترتیب با ۴۵٪ خیلی کم و ۲۶٪ کم معتقدند که در سال ۱۴۰۰ با شکست داعش و کاهش خطرات آن، اثرات شایعه سازی بر ترس و وحشت در شهر ایلام خیلی کم شده است و همچنین ۱۹٪ از پاسخ دهندگان اثرات آن را تا حدودی و تنها ۲ درصد نیز آن را زیاد و ۸٪ هنوز خیلی زیاد می دانند.

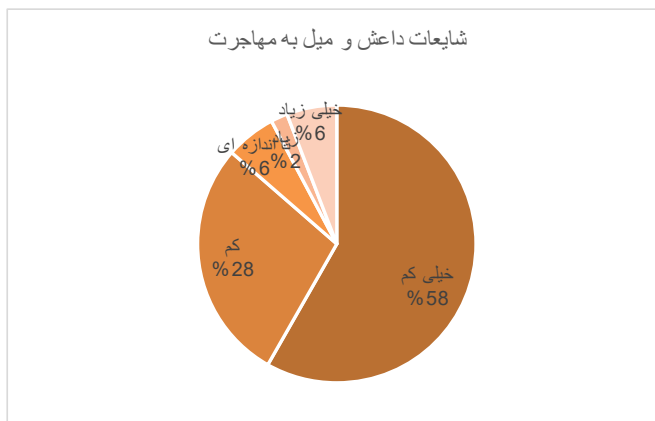
دومین یافته تحقیق قبل: شایعه سازی های گروه های تکفیری داعش در میل شهروندان ایلامی به مهاجرت از این استان تأثیر داشته است.

جدول (۵): مربوط به آزمون همبستگی کندال بین شایعه سازی و مهاجرت

مهاجرت	شایعه		
۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	ضریب همبستگی	شایعه
		Sig مقدار	
		تعداد نمونه	
۳۴۰	۳۴۰	ضریب همبستگی	مهاجرت
		Sig مقدار	
		تعداد نمونه	

با توجه به جدول شماره ۵، ضریب همبستگی بین شایعه سازی های گروه های تکفیری داعش بر ایجاد ترس و وحشت در بین شهروندان استان ایلام در سطح $P < 0/05$ برابر $r = 0/722$ است که این ضریب از نظر آماری معنی دار است. بنابراین با در نظر گرفتن $(sig = 0/000)$ در آزمون پیرسون، فرض H_0 تأیید نشده و فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه معنی داری بین شایعه سازی های گروه های تکفیری داعش در میل شهروندان ایلامی به مهاجرت در بین شهروندان استان ایلام تأیید می گردد.

یافته های جدید مولفه دوم نشان می دهد بیشترین پاسخ دهندگان به ترتیب با ۵۸٪ خیلی کم و ۲۸٪ کم معتقدند که در سال ۱۴۰۰ با شکست داعش و کاهش خطرات آن، اثرات شایعه سازی در میل شهروندان شهر ایلام به مهاجرت خیلی کم شده است و ۶٪ تا حدودی و ۶٪ و ۲٪ درصد نیز آن را خیلی زیاد و زیاد می دانند این در حالی است که نتایج تحقیقات اولیه حاکی از میل زیاد به مهاجرت داشت.

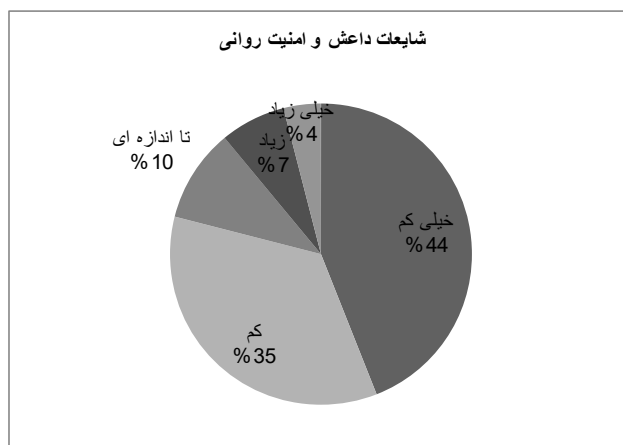


یافته‌های مولفه سوم تحقیق گذشته: شایعه سازی گروه‌های تکفیری داعش بر امنیت روانی شهروندان در استان ایلام تأثیر داشته است.

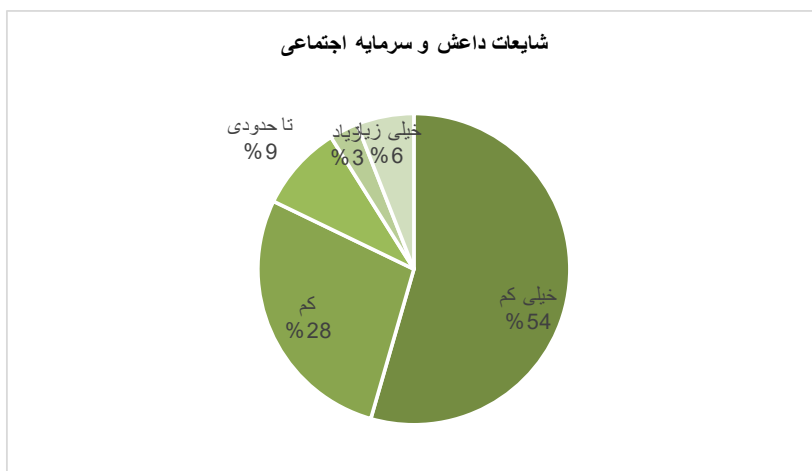
جدول (۶): مربوط به آزمون همبستگی کندال بین شایعه سازی و امنیت

امنیت	شایعه			
آزمون کندال	شایعه	ضریب همبستگی	۱/۰۰۰	۰۶۲۷**
		Sig مقدار	.	۰۰۰۰
		تعداد نمونه	۳۴۰	۳۴۰
	امنیت	ضریب همبستگی	۰۶۲۷**	۱/۰۰۰
		Sig مقدار	۰۰۰۰	.
		تعداد نمونه	۳۴۰	۳۴۰

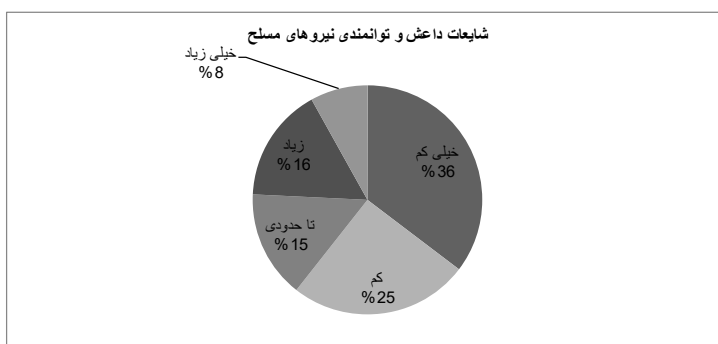
با توجه به جدول شماره ۶، ضریب همبستگی بین شایعه سازی گروه‌های تکفیری داعش بر امنیت روانی شهروندان در بین شهروندان استان ایلام در سطح $P < 0.05$ برابر $(r = 0.627)$ است که این ضریب از نظر آماری معنی دار است. بنابراین با در نظر گرفتن $(sig = 0.000)$ در آزمون پیرسون، فرض H_0 تأیید نشده و فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه معنی داری بین شایعه سازی گروه‌های تکفیری داعش بر امنیت روانی شهروندان در بین شهروندان استان ایلام تأیید می‌گردد. یافته‌های جدید مولفه سوم نشان می‌دهد بیشترین پاسخ دهندگان به ترتیب با ۴۴٪ خیلی کم و ۳۵٪ کم معتقدند که در سال ۱۴۰۰ با شکست داعش و کاهش خطرات آن، اثرات شایعه سازی بر امنیت روانی در شهر ایلام خیلی کم شده است و ۱۰٪ تا حدودی و ۴٪ و ۷٪ درصد نیز آن را خیلی زیاد و زیاد می‌دانند این در حالی است که نتایج تحقیق اولیه اثرات را بر امنیت روانی بالا می‌دانست.



یافته‌های مولفه چهارم. تاثیر شایعات داعش بر سرمایه اجتماعی در شهر ایلام
نتایج جدید نشان می‌دهد بیشترین پاسخ دهندگان به ترتیب با ۵۴٪ خیلی کم و ۲۸٪ کم
معتقدند که در سال ۱۴۰۰ با شکست داعش و کاهش خطرات آن، اثرات شایعه سازی بر کاهش
میزان سرمایه اجتماعی در شهر ایلام خیلی کم شده است و ۹٪ تا حدودی و تنها ۶٪ و ۲٪ درصد
نیز آن را خیلی زیاد و زیاد می‌دانند.



یافته‌های مولفه پنجم. تاثیر شایعه سازی‌های گروه‌های تکفیری داعش در توانمندی نیروهای مسلح
یافته‌های جدید مولفه پنجم نشان می‌دهد بیشترین پاسخ دهندگان به ترتیب با ۳۶٪ خیلی
کم و ۲۵٪ کم معتقدند که در سال ۱۴۰۰ با شکست داعش و کاهش خطرات آن، اثرات شایعه
سازی بر کاهش توانمندی نیروهای مسلح در شهر ایلام خیلی کم شده است و ۱۵٪ تا حدودی
و ۸٪ و ۱۶٪ درصد نیز آن را خیلی زیاد و زیاد می‌دانند



یافته های اصلی تحقیق اولیه: شایعات مربوط به گروه های تکفیری داعش بر احساس امنیت شهروندان استان ایلام و عوامل مرتبط با موضوع تاثیر دارد (ندارد).

جدول (۷ و ۸) نتیجه آزمون تی تک نمونه برای فرضیه اصلی

خطای معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	متغیرهای مستقل
۰/۰۵۳۱۷	۰/۹۸۰۳۶	۲/۷۸۲۴	۳۴۰	احساس امنیت

بازه فاصله اطمینان ۹۵٪		اختلاف میانگین	سطح معنی داری	درجه آزادی	آماره t	متغیرهای مستقل
حد بالا	حد پایین	۰/۲۱۷۶۵	۰۰۰	۳۳۹	۴/۰۹۴-	احساس امنیت
۰/۱۱-	۰/۳۲۲-					

همانطور که مشخص است تعداد نمونه ۳۴۰ نفر، انحراف معیار ۰/۹۸ و میانگین نیز ۲/۷۸ بدست آمده است که از حد وسط طیف لیکرت (۳) کوچکتر است. یعنی ظاهراً شایعه سازی گروه تکفیری بر امنیت شهروندان استان ایلام تاثیر ندارد. آزمون فریدمن جهت رتبه بندی.

جدول (۹): مربوط به آمار توصیفی آزمون فریدمن

آمار توصیفی	
تعداد	۳۴۰
مربع کی	۱۶۰/۹۸۰
Df	۳
Sig.	۰۰۰۰

همان گونه که در جدول شماره ۹ مشاهده می شود می توان مقدار آماره مربع کی را با ۳ درجه آزادی و همچنین سطح معنی داری آزمون Sig را با مقدار ۰/۰۰۰ مشاهده کرد نشان از رد شدن فرض صفر دارد.

نتیجه گیری

آنچه که توجه محققان و اندیشمندان را در بررسی پدیده شایعه به خود جلب کرده، قوانین

حاکم بر شایعات است. این یک اصل روانی است که ما انسان‌ها تمایل داریم بین خودمان (ما) و دیگران یا «ما و آنها»، دوستان و دشمنان، خودی‌ها و غیر خودی‌ها تمایز قائل شویم (احمدی، ۱۳۸۲: ۸۵). به همین سبب سعی می‌کنیم در مقابل هر نوع شایعه ایی عکس العمل نشان دهیم. از این لحاظ هر جامعه ای می‌بایست در جهت برخورداری از فرصت‌ها و منابع اجتماعی و فرهنگی به تامین امنیت شهروندان بپردازد. مقاله حاضر که به بازخوانی تاثیرات شایعه سازی داعش بر کاهش احساس امنیت اختصاص داشت و به روش کیفی و مصاحبه از گروه نخبگان مختلفی صورت پذیرفت، به طور کلی به این نتیجه رسید که با توجه به نابودی داعش در منطقه احساس امنیت شهروندان ایلامی در حد بالایی افزایش یافته است. یافته‌های «حقیقت کاشانی به نقل از نصر صلاح»، همانند یافته‌های ما: نشان می‌دهند که شایعات برای جامعه اهمیتی ملی دارند و نوعی ناهنجار اجتماعی‌اند که باید هر ملتی با اتحاد، برای مقاومت در برابر آن و از بین بردن آن، اقدام کنند (صلاح، ۱۳۸۰: ۶۳). برخی از رخداد‌های مانند شایعه سازی‌ها موجب ایجاد هراس و ناامنی در سطح جامعه می‌شوند. همان که در نتایج تحقیق اولیه بدان پرداخته شد، یعنی وجود همبستگی میان شایعات مربوط به گروه‌های تکفیری داعش با احساس امنیت شهروندان استان ایلام.

در بررسی قبلی تأثیر شایعه سازی گروه تکفیری، به عنوان یکی از فناوری‌های نوین ارتباطی و جنگ نرم (سازمان پدافند غیر عامل، ۱۳۹۰: ۴۵) بر احساس امنیت شهروندان استان ایلام با تأکید بر تحلیل یافته‌ها مشخص گردید که: از تعداد ۳۴۰ نفر نمونه تحقیق، انحراف معیار ۰/۹۸ و میانگین نیز ۲/۷۸ به دست آمد. این به بدان معناست که به لحاظ توصیفی شایعه سازی گروه تکفیری چندان بر امنیت شهروندان استان ایلام تأثیرگذار نبوده و نمونه‌ها تا اندازه‌ی زیادی بر این باور بودند که شایعات فوق بر آنها تأثیر نداشته است. با این وصف در پاسخگویی شهروندان به سؤالات تحقیق و با تأکید بر آزمون تای کندال، نزدیک به ۶۰ درصد مؤلفه‌ی امنیت، ۵۹ درصد مؤلفه‌ی ترس، ۶۴ درصد مؤلفه‌ی کاهش سرمایه گذاری و ۷۲ درصد مؤلفه‌ی مهاجرت را در شایعه سازی گروه‌های تکفیری داعش مؤثر دانستند. اگر چه نتیجه نهایی ابعاد تأثیر گذاری خبر شایعه داعش از نظر پاسخ دهندگان متفاوت بوده، با این اوصاف شایعه سازی گروه تکفیری داعش، بر مهاجرت شهروندان از شهر ایلام بالاترین و بر امنیت روانی کمترین تأثیر را داشت. به این معنا که تعداد بسیار اندکی از شهروندان ایلامی به سبب ترس از شایعه

سازی های داعش به مهاجرت از ایلام اقدام کردند. علاوه بر نتایج فوق، برخی یافته های دیگر به قرار زیر است: البته تحقیقات اکتشافی جدیدتر نگارندگان در سال ۱۴۰۰ نیز بر همین امر تاکید دارند.

در یافته های قبل نشان داده شد که با توجه به ضریب آماری جدول، ضریب همبستگی بین شایعه سازی های گروه های تکفیری داعش بر ایجاد ترس و وحشت در بین شهروندان استان ایلام رابطه معنی دار است. ولی یافته های جدید نشان می دهد بیشترین پاسخ دهندگان به ترتیب با ۴۴٪ خیلی کم و ۲۶٪ کم معتقدند که در سال ۱۴۰۰ با شکست داعش و کاهش خطرات آن، اثرات شایعه سازی بر ترس و وحشت در شهر ایلام خیلی کم شده است و همچنین ۱۹٪ از پاسخ دهندگان اثرات آن را تا حدودی و تنها ۲ درصد نیز آن را زیاد و ۸٪ هنوز خیلی زیاد می دانند بررسی نشان داد که بیشتر پاسخ دهندگانی که ترس و وحشت را زیاد می دانند از گروه زنان می باشند. پاسخ دهندگان بر خلاف یافته های قبلی بر کاهش اثر شایعات مذکور در ایجاد التهاب، تضاد بین قومیت ها و مشغول داشتن ذهنیت مردم تاکید داشتند. این نتایج با نتایج فهمی راد (۱۳۹۰) در مورد اثرات شایعه در برهم زدن احساس امنیت و نیز یافته های اسدی و مجیدی (۱۳۹۷) در مورد شیوه های تبلیغی داعش به ویژه استفاده از ابزار شایعه برای ایجاد ترس و وحشت قرابت داشت. مضاف اینکه یافته های ما نتایجی که توکلی (۱۳۹۳)، نجفی هادی و مرادی (۱۳۹۸) و برخی محققان دیگر از قبیل: کرمی و سهرابی نبی (۱۳۹۸)، بیات (۱۳۹۸)، فرهنگی و عباسی (۱۳۹۷)، آقا محمدی و امیدی (۱۳۹۷)، آل پُورت و پستمَن (۱۳۷۴)، راسنو و کیمل (۲۰۰۰)، شربتیان (۱۳۸۸) در مورد اثرات شایعه در افزایش ترس و اضطراب، عدم امنیت جانی و مالی و بدبینی و سوءظن نسبت به حکومت، مطابقت دارد.

یکی دیگر از نتایج تحقیق اولیه که به رابطه میان شایعه سازی های گروه های تکفیری داعش در مهاجرت شهروندان ایلامی تاکید داشت و در یافته های نصرالهی، مرادی و حاتمی (۱۳۹۲) و ساوه درودی (۱۳۹۲) و (۱۳۹۳)، ترکمان و شهابی (۱۳۹۵)/صفوی و خاکسار (۱۳۹۷)/اسدی مجیدی (۱۳۹۷) نیز دیده شده بود: در یافته های جدید مشخص گردید (۸۶٪) مصاحبه شوندگان بر این باورند که هم اکنون شایعه سازی تأثیرات اندکی بر مهاجرت شهروندان ایلامی دارد. این یافته جدید با دیدگاه روسنو و کیمل (۲۰۰۰) در مورد ارتباط میان احساس امنیت با مهاجرت مطابقت دارد.

یافته دیگر قبل که نشان از اثر شایعه سازی گروه‌های تکفیری داعش بر امنیت روانی شهروندان استان ایلام بود. در نتیجه گیری جدید مشخص گردید بیشتر پاسخ دهندگان به ترتیب با ۴۴٪ خیلی کم و ۳۵٪ کم معتقدند که در سال ۱۴۰۰ با شکست داعش و کاهش خطرات آن، اثرات شایعه سازی بر امنیت روانی در شهر ایلام خیلی کم شده است. این یافته با نتایج تحقیق اسماعیل زاده امامقلی و احمدی فشارکی (۱۳۹۵) که بر تاثیر اقدامات داعش بر امنیت ایران تاکید کردند و یافته های راسخی (۱۳۹۵) در نقش شایعه در اجرای عملیات روانی و راهکارهای مقابله با ترویج آن پرداخته نزدیک است. نتایج جدید بدست آمده از مصاحبه شونده‌گان تا اندازه زیادی با رویکرد نظری پیرو (۱۹۹۱) که معتقد بود شایعه، نقش عمده‌ای در روحیه ملت ها و احساس امنیت آنها دارد و همچنین با نظرات تایلور (۱۹۴۰) که هدف شایعات را ایجاد سردرگمی و تضعیف روحیه مردم و نظامیان، فراری دادن مردم، موثر می دانست و بالاخره با نظرات آل پورت و پستمن (۱۳۷۴) که شایعه را همبسته ترس و وحشت و احساس امنیت می دانست، همسانی دارد.

در بازخوانی تاثیرات شایعه سازی داعش بر احساس امنیت دو مولفه جدید با عناوین «سرمایه اجتماعی» و «توانمندی نیروهای مسلح» به سبب اهمیت آنها در نفوذ و نیز امحای داعش به تحقیق جدید افزوده شد. مصاحبه با نمونه های تحقیق نشان می دهد بیشترین پاسخ دهندگان یعنی ۸۲٪ آنها بر این باور بودند که در سال ۱۴۰۰ با شکست داعش و کاهش خطرات آن، اثرات شایعه سازی بر کاهش میزان سرمایه اجتماعی در شهر ایلام خیلی کم شده است. به این معنا که شایعه سازی اثر ناچیزی بر ۳ شاخص سرمایه اجتماعی: اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و شبکه ارتباطات اجتماعی دارد. این نتایج با یافته های تحقیق مصلی نژاد و فخرالسادات (۱۳۹۳) که به تاثیر شایعه بر میزان مشارکت اجتماعی پرداخته بودند و نیز یافته های حسنونند (۱۳۹۷) که به وجود رابطه میان سرمایه اجتماعی - فرهنگی و احساس امنیت و شایعه پراکنی تاکید داشتند و در نهایت با یافته های سیفی و پورحسن (۱۳۹۷) و کرمی و سهرابی (۱۳۹۸) و شریفی و شاهینی (۱۳۹۵) که به تاثیر شایعه سازی داعش بر کاهش سرمایه اجتماعی اشاره داشتند، مطابقت دارد.

همانطور که در بالا ذکر شد در بازخوانی تاثیرات شایعه سازی داعش بر احساس امنیت یکی دیگر از مولفه جدید با عنوان «توانمندی نیروهای مسلح» به سبب اهمیت آن به تحقیق

جدید افزوده و در مصاحبه مورد پرسش و پاسخ قرار گرفت. در این مورد (۶۱٪) پاسخ دهندگان معتقد بودند که در سال ۱۴۰۰ با شکست داعش و کاهش خطرات آن، اثرات شایعه سازی بر کاهش توانمندی نیروهای مسلح در شهر ایلام خیلی کم شده است. پاسخ دهندگان بر عدم تأثیر شایعات داعش بر کارآمدی، لیاقت و شایستگی، مشروعیت و محبوبیت و نگرش مثبت مردم به نیروهای مسلح تأکید داشتند. این یافته با نتایج تحقیق کیانی (۱۳۸۵) فراهانی (۱۳۹۹) و اسماعیلی (۱۳۷۸) که رسانه را به عنوان ابزاری مؤثر برای دستیابی به اهداف و به ویژه زیر سوال بردن کارآمدی و توانمندی نظامیان در جنگ‌ها می دانستند، مطابقت دارند. مضافاً اینکه بروکنر^۱ (۱۹۶۵) الپورت و پستمن (۱۹۹۳) نیز اذعان داشتند که همواره مسائل نظامی و نظامیان مورد توجه رسانه های جمعی می باشند و در مقابل شایعات دشمن باید حفاظت شوند.

پژوهش ها و همچنین نتایج این تحقیق نشان می دهد که احساس امنیت و امنیت روانی تا اندازه ی زیادی متأثر از محتواهای رسانه های گروهی است و به نظر می رسد هر زمان میزان احساس امنیت در جامعه ای نوسان می یابد، امنیت و احساس امنیت نیز به همان نسبت تقویت، تضعیف و یا نابود می شود. البته میزان احساس امنیت بر حسب مولفه هایی چون جنسیت، تاهل و میزان تحصیلات متفاوت است. به طور کلی همانگونه که در روش کار نیز آمد، در بازخوانی دوباره این تحقیق و بررسی وضعیت فعلی شهر ایلام (در سال ۱۴۰۰) نشان می دهد: به سبب نابودی هسته های تیمی گروه های سلفی و تکفیری که از لحاظ خوانش فکری و اعتقادی هم رده داعش بودند، در حال حاضر احساس امنیت در خصوص پنج حوزه تحقیق افزایش یافته و به نظر نمی رسد که احساس امنیت از خلال پدیده داعش و شایعه سازی آنها چندان اثری در احساس امنیت روانی، ترس و وحشت، مهاجرت، سرمایه اجتماعی و توانمندی نیروهای مسلح در شهر ایلام داشته باشد. با این وصف برای پیشگیری از وقوع و گسترش رخدادهای مشابه پیشنهاداتی (بر اساس یافته های تحقیق قبلی و نیز نظرات کارشناسان و نخبه های سه گروه یادشده) در زیر آمده است.

پیشنهادهات

۱- از آنجا که شایعه فضای ابهام و اضطراب برای مردم ایجاد می کند و بر امنیت فکری و

- ذهنی آنها صدمه وارد می کند. از اینرو پلیس ضمن اطلاع رسانی مؤثر، همراه با ارتباط بیشتر با گروه‌ها و اقشار مردم را در رأس برنامه‌های خود قرار دهد.
- ۲- با توجه به اینکه اعتبار منبع از مهمترین عوامل تاثیر رسانه ای است بنابراین پیشنهاد می شود محتوای رسانه‌های داخلی به ویژه صدا و سیما از کیفیت قابل قبولی برخوردار باشد، تا از وقوع هرگونه شایعه سازی جلوگیری شود.
- ۳- برای پیشگیری و گسترش شایعات باید برنامه ریزی میان مدت و بلند مدت در حوزه رسانه با تاکید بر ارائه گزارش ها، اخبار و نشست های تخصصی در زمینه خطرات شایعه، جهت بالا بردن سلامت روان افراد و جامعه تلاش کرد.
- ۴- برای پیشگیری و گسترش شایعات رسانه ای ضرورت دارد تعامل دو جانبه ارتباطی میان نیروی انتظامی و مردم و اصحاب رسانه در جامعه ارتقاء یابد.
- ۵- در جهت مقابله با پدیده مهاجرت به وسیله چنین شایعاتی باید افراد را مطمئن ساخت که عاملی برای ترس و وحشت وجود ندارد و این کار می تواند با حضور مستمر و همه جانبه نیروی انتظامی در سطح جامعه و ارائه گزارش های گزارش های به موقع در رسانه ها، تحقق یابد.
- ۶- با توجه به یکی از یافته ها که طی آن معلوم گردید ابهام، عدم شفافیت و چند پهلوی بودن از علل شایعه پراکنی است. لذا ابهام زدایی از اخبار و حقایق، آگاهی دادن سریع و درست و به موقع به مردم نسبت به رویدادهایی که برایشان با اهمیت است: می تواند زمینه های مساعدی را برای پیشگیری از فرایند شایعه سازی و شایعه پردازی فراهم آورد.
- ۷- شناسایی عوامل شکل دهنده و پخش کننده شایعه از سوی پلیس اطلاعات و برخورد قضایی با آنان می تواند در کاهش شایعه پراکنی مؤثر باشد.
- ۸- نیروی انتظامی و سایر نهادها می توانند با ترویج برنامه های فرهنگی واجتماعی و همچنین تامین امنیت در اماکن و فضاهای عمومی، خیابان ها و... موجبات ارتقاء احساس امنیت را در بین افراد به خصوص زنان فراهم آورند.
- ۹- اطلاع رسانی به موقع از طریق رسانه های داخلی توسط مسئولین در راستای خنثی کردن شایعات صورت گیرد.

فهرست منابع

۱. احمدی، حبیب (۱۳۸۲). جامعه شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت.
۲. اسدی، عباس و مجیدی، مصطفی (۱۳۹۷). «تحلیل گفتمان حاکم بر ساختار تبلیغاتی داعش (مورد مطالعه: مجله دابق)»، پژوهش های انقلاب اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۴ صص ۷-۲۴.
۳. اسماعیلی، عبدالله (۱۳۷۸). «شایعه و نقش آن در نیروهای مسلح»، همایش مسائل روانشناختی در نیروهای نظامی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله.
۴. اسماعیل زاده امامقلی، یاسر و احمدی فشارکی، حسنعلی (۱۳۹۵). «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، پژوهش های راهبردی سیاست، دوره ۵، شماره ۱۸ (پیاپی ۴۸)، صص ۱۲۳-۱۴۱.
۵. افتخاری، اصغر (۱۳۷۹) «رسانه، نظارت، امنیت (تحلیلی جامعه شناسانه عملکرد نظارتی مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۸، صص ۱۳۹-۱۵۹.
۶. افروز، غلام علی (۱۳۷۷). روان شناسی شایعه و روشهای مقابله، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۷. اندرسون، الیوت (۱۹۹۲). روان شناسی اجتماعی، ترجمه حسن شکرکن، تهران: انتشارات رشد.
۸. آذرشین، سیدامیر و تاجیک اسماعیلی، سمیه (۱۳۹۶). «بررسی میزان باورپذیری پدیده «شایعه» در پیام رسانه ای موبایلی بین مردم شهرستان اهواز با تاکید بر نقش «رسانه ملی»»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، دوره ۱۸، شماره ۴۰، صص ۶۵-۹۴.
۹. آقامحمدی، زهرا و امیدی، علی (۱۳۹۷). «تحلیل خشونت گرایی شدید داعش بر اساس نظریه روانشناسی سیاسی گروه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۷، شماره ۳ (پیاپی ۲۷)، صص ۱۲۱-۱۴۱.
۱۰. آلپورت، گردن، پستمن، لئو (۱۳۷۴). روان شناسی شایعه، ترجمه ساعد دبستانی، تهران: انتشارات سروش.
۱۱. بابایی آقبلاغ مریم، ستاری اردبیلی فرزاد (۱۳۹۷). «بررسی سازه های شکل دهنده رفتار

شایعه سازی، روانی اجتماعی و سازمانی»، مجله علوم روانشناختی، دوره ۱۷، شماره ۶۹، صص ۵۴۵-۵۵۶.

۱۲. بشیری خطیبی، بهنام (۱۳۹۸). «تبیین جامعه شناختی نقش و کارکرد پدافند غیرعامل در حوزه شایعه سازی های فضای مجازی (مورد مطالعه: استان آذربایجان شرقی)»، فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۱۵۶-۱۹۵.

۱۳. بیات، بهرام (۱۳۸۸). احساس امنیت اجتماعی، تهران: نشر امیرکبیر.

۱۴. بیات، جلیل (۱۳۹۸). «تاثیر رسانه های اجتماعی بر دگرگونی ماهیت گروه های تروریستی (با تاکید بر داعش و القاعده)»، آفاق امنیت، دوره ۱۲، شماره ۴۴، صص ۱۲۵-۱۴۵.

۱۵. بیرو، آلن (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.

۱۶. پیترسن، وارن ای. و گيست، ننول پی (۱۳۸۳). شایعه و افکار عمومی، ترجمه عبد الرضا خلیلی، تهران: روزنامه همشهری.

۱۷. ترکمان فرح و شهابی، زینب (۱۳۹۵). «شایعه و عوامل اجتماعی موثر در پذیرش آن»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۱۹۱-۲۱۵.

۱۸. توکلی، سعید (۱۳۹۳). «القاعده، داعش، افتراقات و تشابهات»، آفاق امنیت، دوره ۷، شماره ۲۳، صص ۱۵۱-۱۹۵.

۱۹. جهان بین، داریوش (۱۳۸۲). «نقش رسانه ها در کنترل و امنیت اجتماعی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۳، صص ۹۳-۱۱۹.

۲۰. حسنوند، مهدی (۱۳۹۷). «رابطه بین سرمایه اجتماعی - فرهنگی و احساس امنیت در بین زنان شهرستان خرم آباد»، فصلنامه علمی دانش انتظامی لرستان، دوره ۶، شماره ۲۳، صفحه ۲۷-۵۷.

۲۱. حکیم آراء، محمدعلی (۱۳۸۴). ارتباطات متقاعدگرانه و تبلیغ، تهران: سمت.

۲۲. خزائلی، عذرا (۱۳۷۴). «شایعه و وسایل ارتباط جمعی»، پژوهش های ارتباطی، دوره ۳، شماره ۷، صص ۱۵۰-۱۷۰.

۲۳. راسخی، افشین (۱۳۹۵). «نقش شایعه در عملیات روانی و راهکارهای مقابله با ترویج آن در ناجا»، دوره ۷، شماره ۲۸، صفحه ۵۳-۷۴.

۲۴. ربانی، رسول؛ برندگی، بدری و مهربانی، مرضیه (۱۳۹۲). «تحلیل و تبیین اشاعه خبر

و گسترش شایعه (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه اصفهان)»، دو فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۱-۲۲.

۲۵. سازمان پدافند غیر عامل <https://www.hamshahrionline.ir/news>

۲۶. ساوه درودی، مصطفی (۱۳۹۲). «گروهک تروریستی داعش: برابند تنازعات و ناامنی های منطقه ای»، فصلنامه امنیت پژوهی، دوره ۳، شماره ۴۵، صص ۸۹-۱۰۸.

۲۷. سورین، ورنر جوزف و تانکار، جیمز دبلیو (۱۳۸۱). نظریه های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: دانشگاه تهران.

۲۸. سیفی، عبدالمجید و پورحسن، ناصر (۱۳۹۷). «داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق. مطالعات روابط بین الملل (پژوهشنامه روابط بین الملل)، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صص ۳۷-۶۳.

۲۹. شریفی، سید مهدی و زینب، شاهینی (۱۳۹۵). «بررسی ابزارها، تاکتیک ها و رویکردهای رسانه ای گروه تروریستی داعش». پژوهشنامه رسانه بین الملل، دوره ۱، شماره ۱، صص ۲۰-۳۴.

۳۰. صفوی سیدحمزه و خاکسار علی محمد (۱۳۹۷). «تحلیل تأثیر داعش بر معادلات سیاسی-امنیتی خاورمیانه»، تحقیقات جغرافیایی، دوره ۳۳، شماره ۱ (پیاپی ۱۲۸).

۳۱. صلاح، نصر (۱۳۸۰). جنگ روانی (کلامی)، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، تهران: انتشارات سروش.

۳۲. صلاحی، سهراب (۱۳۹۰). قرآن و جنگ نرم، مطالعات قدرت نرم، دوره ۱، شماره ۲، صص ۵-۱۶.

۳۳. عباس زاده، مسعود (۱۳۷۸). «شایعه و نقش آن در نیروهای نظامی»، همایش مسایل روان شناختی در نیروهای نظامی، تهران: دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله.

۳۴. عیوضی محمدرحیم و محمود دامیار و ایوب دامیار (۱۳۹۵). «مبانی جنگ نرم در اندیشه مقام معظم رهبری»، جیل المتین، دوره ۵، ش ۱۴، صفحه ۲۴-۴۵.

۳۵. غروی نایینی، نهله؛ نیلساز، نصرت و پنه دانه زاده، فاطمه (۱۳۹۱). «شایعه در قرآن و روایات و امنیت جامعه»، لسان صدق، دوره ۱، شماره ۳، صص ۲۵-۴۰.

۳۶. فاضلی، نعمت اله؛ سلطانی فر، محمد و عباسی، حجت اله (۱۳۹۶). «مزیت ها و کارکردهای

شبکه های اجتماعی برای گروه های تروریستی (مطالعه موردی: استفاده گروه داعش از توئیتر و فیس بوک)» مطالعات رسانه های نوین، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۱-۲۹.

۳۷. فراهانی، روح الله (۱۳۹۹). «تأثیر جنگ نرم بر مؤلفه های امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش انتظامی مرکزی، شماره ۳۲، صص ۱۵۷-۱۷۶.

۳۸. فرهنگی، علی اکبر و عباسی، حجت اله (۱۳۹۷). «طراحی مدل مقابله با چالش های تروریسم رسانه ای در شبکه های اجتماعی (مطالعه موردی: مطالعه گروه داعش در شبکه های توئیتر و فیس بوک)»، دین و ارتباطات، دوره ۲۵، شماره ۱ (پیاپی ۵۳)، صص ۱۲۹-۱۵۶.

۳۹. قاسمی، فائزه و شجاع، مرتضی (۱۳۹۶). بررسی مقایسه ای در راهبرد رسانه ای گروه های القاعده و داعش. نشریه: مطالعات ملی. د ۱۸، ش ۳ (۷۱)، صص ۸۷-۱۰۴.

۴۰. کرمی، رضا و سهرابی، نبی (۱۳۹۸). «ارزیابی و سنجش تهدیدات داعش علیه ج.ا. ایران در دو مقطع قبل و بعد از فروپاشی»، مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی، دوره ۹، شماره ۳۵، صص ۸۷-۱۱۶.

۴۱. کریمی، یوسف (۱۳۸۴). روانشناسی اجتماعی، تهران: نشر ارسباران.

۴۲. کوئن، بروس (۱۳۸۱). درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات توتیا.

۴۳. کیانی، ر (۱۳۸۵). «شایعه و امنیت عمومی»، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۸ (۳)، صص ۱۳۱-۱۵۷.

۴۴. کیانی، رسول (۱۳۸۵). شایعه و امنیت عمومی. فصلنامه دانش انتظامی، د ۸، ش ۳، صص ۱۳۱-۱۵۷.

۴۵. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). نظریه های بنیادین جامعه شناسی. منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

۴۶. محروق، فاطمه (۱۳۹۴). «اقتصاد سیاسی تروریسم: مورد داعش»، روابط خارجی، دوره ۷، شماره ۴ (پیاپی ۲۸)، صص ۱۱۹-۱۵۲.

۴۷. مصلی نژاد، ا. و پیلتن، ف (۱۳۹۳). «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه دانشجویان دختر دانشگاه های شهر جهرم)»، مطالعات جامعه شناسی، شماره ۶ (۲۲)، صص ۱۰۹-۱۲۲.

۴۸. نای، جوزف اس (۱۳۸۹). قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه

سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

۴۹. نجف زاده مهدی و جمالی، جواد (۱۳۹۸). «نشانه شناسی عملیات انتحاری در گروه های

تکفیری اسلامی (مطالعه موردی: داعش در عراق)»، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۲۰، شماره ۱ (۷۷)، صص ۱۲۷ - ۱۴۴.

۵۰. نجفی هادی و مرادی، جهانبخش (۱۳۹۸). «حضور داعش در عراق و تأثیر آن بر امنیت

ایران از نگاه شهروندان مهران»، قانون یار، دوره ۳، شماره ۹، صص ۱۵۷ - ۱۷۷.

۵۱. نصراللهی، سجاد؛ مرادی، حجت الله و حاتمی، حمیدرضا (۱۳۹۲). «بررسی زمینه ها

و علل جامعه شناختی و روان شناختی شایعه پردازی و ارتباط آن با بحران های امنیتی (با

تاکید بر فتنه ۸۸)»، فصلنامه مدیریت بحران، شماره ۲۱

۵۲. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸). امنیت اجتماعی، چاپ اول، پ تهران. ژوهشکده مطالعات راهبردی.

۵۳. نیلد، راشل (۱۳۸۷). «نظارت شهروندان بر امنیت»، چاپ شده در کتاب برون سپاری

و مشارکت مردم در امور پلیسی. جمعی از نویسندگان ساسان رستمی. تهران: سازمان مطالعات و تحقیقات ناجا.

۵۴. یحیای ایله ای، احمد (۱۳۸۴). «مدیریت بحران»، فصلنامه تحقیقات روابط عمومی، سال

۵، شماره ۱۴، صص ۲۰-۳۵.

۵۵. یحیای ایله ای، احمد (۱۳۸۶). «شایعه شاخص ترین بحران اجتماعی (شایعه، انواع

شایعه و مدیریت شایعه)»، ماهنامه روابط عمومی، شماره ۵۱.

56. Buekner. Taylor (1965), A Theory of rumor transmission, the public opinion quarterly. 10.54-70

57. Daniel Silander, Don Wallace, John Janzekovic (2017) International Organizations and The Rise of ISIL. Global Responses to Human Security Threats. Published January 24, 2018 by Routledge.

58. Doerfel Marya L. & Lai, Chih-Hui & Chewning, Lisa V. (2005) The Evolutionary Role of Interorganizational Communication: Modeling Social Capital in Disaster Contexts. 36.125-162

59. Herrera, J. (Mar 18, 2019). Most terrorist victims are Muslim. Pacific Standard.
60. <https://reliefweb.int/report/world/twelfth-report-secretary-general-threat-posed-isil-da-esh-international-peace-and> (2021) Twelfth report of the Secretary-General on the threat posed by ISIL (Da'esh) to international peace and security and the range of United Nations efforts in support of Member States in countering the threat (S/2021/98) [EN/AR].
61. Hugh Nelson (1991), Rumors and public opinion, Translator A. Khalili
62. Mayer. David. G (2002), social psychology (7 thed) New york: Mc Grow Hill.
63. McCants, W. F. (2015). The ISIS apocalypse: The history, strategy, and doomsday vision of the Islamic State. St. Martin's Press.
64. Rosnow, R.L., Kimmel, A.J. (2000). Rumor . New York : Oxford university press and American psychological Association.
65. Sageman, Marc Understanding Terror Networks by Marc Sageman, University of Pennsylvania Press, 2004.
66. Taylor Edmond (1940) The Strategy of Terror. New York, NY 10065. Foreign Affairs. 278 pp, Houghton,

تحلیل سیاست گذاری عمومی ایران در مقابله با تحریم های یک جانبه آمریکا از منظر قدرت نرم

فاطمه نجف زاده^۱

ماشالله حیدرپور^۲

محمد ترابی^۳

چکیده

از قبل وقوع انقلاب اسلامی، ایران یک کشور تحریم خیز محسوب می شود. بنابراین همیشه در صدد بوده که راهکارهایی را برای مقابله با تحریم مدنظر قرار دهد. از آنجایی که بکارگیری قدرت سخت دارای هزینه های گزاف هست، و با توجه به اینکه سیاست گذاری، مبتنی بر کمترین هزینه و بیشترین سود می باشد، کشورها در تلاش هستند تا از قدرت نرم بهره گیرند. از این رو این پژوهش با بکارگیری روش تحلیلی، انجام مصاحبه از اساتید متخصص و نخبگان حوزه تحریم و سیاست گذاری و همچنین منابع کتابخانه ای قصد دارد به تحلیل سیاست گذاری عمومی ایران در وضع موجود با توجه به قدرت نرم در مقابله با تحریم های یک جانبه آمریکا بپردازد و نیز به این پرسش پاسخ دهد که راهکارهای سیاست گذاری عمومی ایران در مقابل تحریم های یک جانبه آمریکا، از منظر قدرت نرم، چیست؟ یافته های پژوهش حاکی از آن است که مؤلفه های فرهنگی و سیاست خارجی قدرت نرم بعنوان راهکار کاهش اثر تحریم در نظر گرفته شده اند. اما در مؤلفه سیاسی، اقتصادی، استراتژیک قدرت نرم، که توجه اصلی تحریم به این حوزه بوده، ایران دارای آسیب و راهکارهایی را برای مقابله با تحریم در نظر گرفته است. راهکارهای کشور در بعد قدرت نرم بر مبنای اقتصاد مقاومتی، مدل ابهام خلاق، نظریه آشوب یا اثر پروانه ای، مدل اقتضائی، تعامل با کشورهای تحریمی یا همسایه قرار دارد. **واژگان کلیدی:** سیاست گذاری عمومی، تحریم، قدرت نرم، ایدئولوژی، تاکتیک.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی سیاست گذاری عمومی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. استادیار گروه روابط بین الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)
mashallah.heidarpour@gmail.com

۳. استادیار گروه روابط بین الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

امروزه، کشورهای مختلف درصدد استفاده از قدرت نرم بجای قدرت سخت برآمده‌اند و در راستای تأثیرگذاری و افزایش نفوذ خود بر دیگر کشورها از این مقوله بهره می‌گیرند. قدرت نرم به عنوان روش موجود، یکی از ابزارهایی است که ایران برای برون‌رفت از شرایط تحریم، در سیاست‌گذاری عمومی در پیش گرفته است. سیاست‌گذاری عمومی در ایران نیز اگر چه سابقه طولانی ندارد، اما خود مفهوم ریشه‌های تاریخی عمیقی دارد و بعنوان رشته‌ای علمی در دهه گذشته مورد توجه محافل علمی و آکادمیک قرار گرفته است، فرایندها و مراحل علمی موجود، در نظام سیاست‌گذاری ایران نیز وجود دارد و سبب شده‌اند تا الگوهای متفاوتی پیشنهاد شود. وجود برخی عوامل محیطی نیز مانند محیط‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به مؤلفه‌هایی ختم می‌شوند که به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در فضای داخلی و بین‌المللی می‌انجامد.

بسیاری از تحلیلگران علم سیاست‌گذاری معتقدند شناخت فرایندهای سیاست‌گذاری به کنشگران کمک می‌کند تا به گفته دیوید ایستون به «جعبه سیاه سیاست‌گذاری‌ها» دست یابند. در این میان شیوه بیان و گفتمان موجود در سیاست‌ها، که در هر فعالیت سیاست‌گذاری وجود دارد، راهنمای خوبی برای این شناخت‌اند. شناخت نظام سیاست‌گذاری به بهینه‌سازی فرایندهای سیاست‌گذاری آینده کمک شایانی می‌کند و از سوی دیگر سیاست‌گذاران را با نقاط قوت و ضعف و خلأهای موجود آشنا می‌سازد. از آنجا که دولت‌ها همزمان با مسائل درونی، با مسائل بیرونی نیز درگیر هستند، اتخاذ تصمیمات درست یا نادرست، ارتباطات کشورها را با هم به تعامل یا تقابل سوق می‌دهد.

دیدگاه‌های بسیاری در خصوص عوامل تحریم و سیاست‌گذاری وجود دارد و تلاش ایران برای رفع اثرات تحریم استفاده از ظرفیت‌های موجود است، که یکی از این ظرفیت‌ها بهره‌گیری از مقوله قدرت نرم می‌باشد. منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم ایران، یا خود راهکار مقابله با تحریم گشته‌اند یا در برخی حوزه‌ها که آسیب پذیرتر بوده‌اند، با خلق یک راهکار، از شدت تحریم کاسته‌اند. البته باید نگرش دیگران نسبت به وضع موجود دیده شود. ایران در بحث فضای داخلی، با استفاده از موضوعات ایدئولوژیکی و تاکتیکی و در بعد خارجی، با استفاده از لابی‌های ارزشی، به اقناع سازی افکار دست یافته است.

این پژوهش بر آن است با بکارگیری روش تحلیلی و انجام مصاحبه از اساتید متخصص و نخبگان حوزه تحریم و سیاست‌گذاری، با توجه به در نظر داشتن مؤلفه‌های قدرت نرم، سیاست‌گذاری عمومی ایران در چارچوب این مقوله را در مقابله با تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، در وضعیت موجود، بررسی نماید، لذا برخی از چارچوب‌های مفهومی از جمله اقتصاد مقاومتی و نظریه آشوب یا اثر پروان‌های نیز مطرح گردیده است. این پژوهش فرضیه‌آزمای نیست، اما در یافته‌های خود به این مطلب رسیده است که ایران سیاست‌گذاری عمومی مبتنی بر برخی مؤلفه‌های قدرت نرم را از ابزارهای مورد مقابله با تحریم‌های آمریکا در نظر گرفته و تحلیل وضعیت موجود ایران در دو بعد داخلی و خارجی را مطمح نظر قرار داده است.

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه موضوع قدرت نرم از موضوعات جدید و مطرح شده در مقابل قدرت سخت، می‌باشد، لذا تحقیقات بسیاری در خصوص آن برای مقابله با تحریم علیه ایران، صورت نگرفته است. اما می‌توان به پاره‌ای از منابع مرتبط و مشابه به شرح زیر نام برد:

جنیدی و مولایی (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا معتقد است شرایط کنونی ایجاب می‌کند که ظرفیت‌های قدرت نرم کشور جهت خنثی کردن راهبردهای ایالات متحده به فعلیت درآمده و مقدمات معرفی صحیح جمهوری اسلامی و تصحیح چهره پیشین کشور فراهم شده است.

قنبرلو (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان الگوهای قدرت نرم در خاورمیانه به این نتیجه رسیده است که از قدرت نرم منطقه‌ای به نمایش گذاشته شده در اتکا به مبانی و منابع سه‌گانه قدرت نرم - مهربانی، هوشمندی و زیبایی اشتراک دارند. برای کشورهای منطقه برقراری مناسبات صلح‌آمیز و دوستانه با دولت‌های دیگر مهم است؛ تمامی آن‌ها درصددند از خود چهره‌ای موفق و کارآمد در عرصه بین‌الملل به نمایش بگذارند؛ و همچنین مروج اندیشه‌ها و عقایدی هستند که در منطقه می‌توانند زمینه جذب و گرایش بالایی داشته باشند.

خدادادی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در آمریکای لاتین به این یافته‌ها دست پیدا کرد که: منابع قدرت نرم ایران در آمریکای لاتین قابلیت بررسی

چهار محور را داراست: ۱- فرهنگ؛ (بخش‌هایی که دارای جذابیت برای دیگران است) من جمله تمدن غنی ایران و اشتراکات آن با تمدن کهن آمریکای لاتین، جاذبه‌های گردشگری، زبان و ادبیات فارسی؛ ۲- سیاست؛ شامل سیاست خارجی (تحركات و روابط دیپلماتیک) و ارزش‌ها و اصول سیاسی من جمله؛ ضدیت و بی‌اعتمادی مطلق به قدرت‌های سلطه‌گر، در رأس آن‌ها ایالات متحده، استقلال‌طلبی و نفی هرگونه سلطه و مبارزه برای عدالت، حمایت از ملت‌های مستضعف و آزادی خواه؛ ۳- اقتصاد با تأکید بر وجوه نرم آن از جمله کمک‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری و الگوسازی در اقتصاد مقاومتی؛ ۴- ایدئولوژی و دین با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلام شیعی در زمینه الگوهای اجتماعی متعالی و ظرفیت‌ساز در جامعه و امت‌سازی اسلامی در جوامع آمریکای لاتین، به عنوان منابع اصلی قدرت نرم می‌باشند.

کریمی منجرمویی (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان بازشناسی مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در منطقه خاورمیانه معتقد است منابع قدرت نرم ایران در سه محور سیاسی (ایدئولوژی یا انقلاب اسلامی، رهبری، اتحاد و انسجام اسلامی)، محور فرهنگی که در دو بخش عمده‌ی پیشینه و سابقه‌ی تمدنی مشترک با کشورهای منطقه و زبان و ادبیات فارسی می‌باشد و منابع اقتصادی که در دو بخش رشد اقتصادی و اقتصاد دانش بنیان آمده است که همگی می‌توانند به مثابه قدرت نرم ایران عمل نمایند.

عبادی (۱۳۹۵). در پژوهش خود با عنوان تأثیر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر اهداف و منافع آمریکا در عراق جدید ۲۰۰۳-۲۰۱۴، معتقد است ظهور انقلاب اسلامی ایران که با برچیده شدن نظام شاهنشاهی و قطع همه جانبه روابط ایران با ایالات متحده آمریکا شد و به همراه خود انقلاب بزرگتر و عظیم‌تر را به تعبیر امام خمینی^(ع) رقم زد و آن انقلاب درونی و معنوی بود؛ به همین دلیل بسیاری معتقدند که این انقلاب به شکل ویژه‌ای مبتنی بر مؤلفه‌های نرم افزانه قدرت بوده است. چرا که این انقلاب نه تنها به پارادایم انزوای دینی از حیات اجتماعی و سیاسی بشریت و خنثی بودن آن پایان داد بلکه در کنار احیاء هویت دینی و بیداری ملت‌ها، فرهنگ سیاسی اسلامی را در ایران و منطقه و جهان مطرح نمود. یافته‌ها وی حاکی از آن است که ایران از طریق نفوذ نرم در سه حوزه ارزشی - اعتقادی، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی در عراق و با بکارگیری دیپلماسی هوشمند مانع از تحقق برخی اهداف و منافع آمریکا در عراق شده است. در زمینه سیاست‌گذاری عمومی در ایران و مبانی آن، و نیز در خصوص تضادهای ایران

و آمریکا، و راهکار تعامل سازنده بین این دو کشور، در خصوص انواع تحریم‌ها، کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی نوشته شده است؛ اما در خصوص مهمترین مؤلفه‌های تاثیرگذار سیاست‌گذاری عمومی مبتنی بر قدرت نرم، بر روند تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران و راهکارهای آن با توجه به جستجوی منابع، هیچ پژوهشی یافته نشد؛ لذا نگارنده بر آن شد تا جهت تکمیل پژوهش‌های انجام شده قبلی، به طرح این موضوع بپردازد.

سیاست‌گذاری عمومی^۱

اصطلاح سیاست‌گذاری عمومی به لحاظ لفظی از ترکیب «سیاست‌گذاری» و «عمومی» تشکیل شده است. واژه سیاست در زبان فارسی واژه‌ای است که معادل دو واژه انگلیسی «پالیتیس^۲» و «پالیسی^۳» به کار می‌رود. ترکیب این دو واژه اصطلاح سیاست عمومی را می‌سازد و منظور از آن، سیاست‌هایی است که از سوی دولت یا نهادهای عمومی وضع می‌شود و تمام یا جمعیت زیادی را در معرض خود قرار می‌دهد.

برخی از تعاریف صورت گرفته از سیاست‌گذاری عمومی در جدول شماره (۱) آمده است:

جدول شماره (۱)، تعاریف سیاست‌گذاری عمومی

تعریف	محقق
آن‌چه را دولت‌ها انجام می‌دهند، چرا انجام می‌دهند و آن‌چه انجام می‌دهند چه خاصیتی دارد و چه تغییری ایجاد می‌کند (دانش فرد، ۱۳۹۴: ۱۸).	توماس دای ^۴
برنامه مدونی از اهداف، ارزش‌ها و کنش‌ها (لستر و استوارت، ۱۳۸۱: ۵).	هارولد لاسول ^۵
مجموعه‌ای هدفمند از عمل سخن که يك یا مجموعه‌ای بازیگر در ارتباط با يك مسئله یا موضوع دنبال می‌کنند (لستر و استوارت، ۱۳۸۱: ۵).	جیمز اندرسون ^۶

1. Public policy
2. Politice
3. Policy
4. Thomas Dye
5. Harold Lasswell
6. James Anderson

محقق	تعریف
مهدی الوانی	یک سلسله اقدامات هدف‌دار که به وسیله فرد یا افرادی که قدرت و مشروعیت سیاست‌گذاری دارند، برای مقابله با یک مشکل عمومی شکل می‌گیرد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷).
کیو مرث اشترین	مجموعه اقدامات هدفمند که به وسیله یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در مواجهه با یک مشکل یا موضوع خاص دنبال می‌شود (اشترین، ۱۳۸۶: ۲۷).
دیوید ایستون ^۱	آن را «اثرات فعالیت دولت» می‌نامد (لستر و استوارت، ۱۳۸۱: ۵).
آستین رنی ^۲	به منزله «خطوط تعیین شده اقدامات» یا «بیان خواسته‌ها» (لستر و استوارت، ۱۳۸۱: ۵).
ویلیام جکینز ^۳	مجموعه تصمیم‌های متعادل بازیگر یا گروهی از بازیگران سیاسی در مورد انتخاب اهداف و ابزار دستیابی به آن‌ها در شرایط مشخص، به شرط آنکه این تصمیم‌ها قانوناً در چارچوب اختیارات بازیگران اتخاذ شده باشند (هاولت و رامش و پرل، ۱۳۹۴: ۱۳).
روگن	تصمیم‌های مراجع مختلف بخش عمومی از قبیل مجلس، دولت و قوه قضائیه (چهاردولی و قاسمی بنابری، ۱۳۹۸: ۱۴۶).
واین پارسونز ^۴	به کار گرفتن چیزی بزرگ‌تر از تصمیماتی خاص، اما کوچک‌تر از حرکت‌های اجتماعی (چهاردولی و قاسمی بنابری، ۱۳۹۸: ۱۴۶).
مایکل کرفت و اسکات فورلانگ ^۵	یک رشته از عمل یا بی‌عملی دولت است که نسبت به مسائل اجتماعی صورت می‌گیرد (دانش فرد، ۱۳۹۴: ۱۸).

اندیشه سیاست‌گذاری عمومی شامل دو بخش مربوط به حوزه‌های «سیاست‌گذاری» و «عمومی» می‌شود. معنای «سیاست‌گذاری» شامل آگاهی هوشمندانه در زمینه انتخاب میان راه‌های جایگزین برای اداره جوامع است. سیاست متضمن استدلال‌های عقلایی در جهت فهم یک مسئله و راه‌حل آن است. سیاست عرضه‌کننده نوعی نظریه است که در پی آن ادعایی برای مشروعیت شکل می‌گیرد. بدیهی است که تحقق این امر مستلزم تأیید سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مربوط از سوی آحاد مردم و شهروندان است. ارائه سیاست، به‌طور معمول از سوی نخبگان

1. David Easton
2. Austin Ranney
3. William Jenkins
4. Wayne Parsons
5. Michael Kraft and Scott Furlong

فکری صورت می‌گیرد. اما اگر این امر از سوی نخبگان سیاسی و ابزاری جامعه که برخوردار از قدرت هستند صورت پذیرد، از آنجا که سیاست‌های مزبور جنبه عملیاتی و اجرایی پیدا می‌کند، «سیاست» به «سیاست‌گذاری» تبدیل می‌شود. پس هر سیاست هنگامی که امکان اجرایی شدن آن فراهم باشد، تبدیل به سیاست‌گذاری می‌شود (قریب، ۱۳۹۲: ۱۰۷-۱۰۶).

قدرت نرم^۱

قدرت نرم، توانایی تعیین اولویت‌ها است، به گونه‌ای که با دارایی‌های ناملموس مثل داشتن جذابیت‌های فرهنگی، شخصیتی، و ارزش‌های نهادی و سیاسی، مرتبط و همسو باشد یا این که سیاست‌های قابل قبول و دارای اعتبار معنوی را پدید آورد (ایزدی، ۱۳۸۷: ۱۲).

مفهوم قدرت نرم به عنوان یک نظریه منسجم را اولین بار جوزف نای^۲ در سال ۱۹۹۰ میلادی در مقاله‌ای با عنوان «گمراه‌کنندگی استعاره انحطاط» بر محور ماهیت متحول قدرت در نشریه آتلانتیک مطرح کرد، که در آن پایه‌های نظریه را مشخص نمود. از نظر وی در بررسی قدرت باید به مسائل و پیچیدگی‌های مربوط به اینکه کدام یک از منابع برای قدرت و تبدیل قدرت^۳ حائز اهمیت است توجه کرد. از این منظر وی تأکید داشت که باید میان روش اعمال مستقیم قدرت یا شیوه آمرانه^۴، روش اعمال غیرمستقیم قدرت یا رفتار متقاعد کننده قدرت^۵ تمایز قائل شد (کیوان حسینی و جمعه‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۵۲). در مورد اول، از مضامین تشویق و ترغیب کننده یا تهدیدآمیز استفاده می‌شود، اما در نوع دوم از مسائلی چون فرهنگ، ایدئولوژی، عقاید و باورها و توانایی دستور کار سیاسی برای پیشبرد اهداف استفاده می‌شود. از این منظر ایالات متحده بایستی فرهنگی جهانی داشته باشد و نقشی گسترده در عرصه بین‌المللی داشته باشد. از نظر جوزف نای، اطلاعات وجه بارز قرن اخیر است و در عصر اطلاعات کشورهایی صاحب قدرت هستند که فرهنگ و ایده‌های مسلط آن‌ها به هنجارهای جهانی تبدیل شده باشد. بدین ترتیب

-
1. soft power
 2. Joseph Nye
 3. Power Conversion
 4. Directive or Commanding Method of Exercising Power
 5. Power Behavior Indirect or Co-Optive

فرهنگ، سیاست‌های مقبول داخلی و خارجی و در اختیار داشتن ابزارهای ارتباطی به مثابه مؤلفه‌های شکل جدید قدرت (قدرت نرم) به حساب می‌آیند (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵: ۱۹۲).

در این راستا قدرت نرم، وا داشتن دیگران به خواستن آنچه شما می‌خواهید است؛ یعنی مردم را مجبور به انجام کاری کردن نیست، بلکه به همکاری خواندن است. در جنگ‌های جدید هدف دشمن کاهش پایداری مردم است. در جنگ نرم دشمنان به آرامی از داخل جبهه خودی، مقاومت مردم را کاهش داده و روش‌هایی را اتخاذ می‌کنند تا مردم در مسیر کمک به دست‌یابی اهداف آنان قرار گیرند (حبیبیان و صبوری، ۱۳۹۱: ۳۴).

قدرت نرم دارای منابع و عناصری است که باید آن‌ها را شناخت. جوزف نای معتقد است قدرت نرم در یک کشور می‌تواند از سه منبع اصلی بدست آید: ۱- فرهنگ آن کشور؛ ۲- ارزش‌های سیاسی؛ ۳- سیاست خارجی (نای، ۱۳۸۹: ۵۱).

۱- فرهنگ^۱

«بروس کوئن^۲»، فرهنگ را مجموع ویژگی‌های رفتاری، عقیدتی و اکتسابی اعضای یک جامعه خاص می‌داند (صالحی‌امیری، ۱۳۹۲: ۲۶). فرهنگ «شیوه ویژه‌ای زندگی» قلمداد می‌شود که ارزش‌ها، سنت‌ها، باورها، اهداف مادی و سرزمینی، آن را شکل می‌دهند و نظام بوم‌شناختی پیچیده و پویایی است از مردم، اشیاء، جهان‌بینی‌ها، کنش‌ها و شرایط که اگرچه شالوده آن پابرجاست اما در ارتباطات روزمره و اندرکنش اجتماعی دگرگونی می‌یابد. فرهنگ، «متن» است: شیوه‌ی گویش و پوشش، و غذایی است که خورده می‌شود، و نیز شیوه تهیه و مصرف آن، شیوه تقسیم زمان و فضا، شیوه دست‌افشانی و ارزش‌هایی است که با آن‌ها فرزندان را اجتماعی می‌کنیم، و نیز همه جزئیات دیگری که زندگی روزمره را برمی‌سازد (لال، ۱۳۷۹: ۹۹).

-
1. Culture
 2. Bruce Cohen

۲- ارزش‌های سیاسی^۱

بر اساس نظر گوردن ویلارد آلپورت^۲ ارزش غالباً جزء بنیادین نظام فرهنگی محسوب می‌شود و جریانی است که با آن فرد به محیط پاسخ می‌دهد. ارزش‌ها نشان دهنده آموخته‌های هر فرد است و در واقع به زندگی افراد هدف و جهت می‌دهد. ارزش‌ها همانند نگرش‌ها جریاناتی هستند که فرد کسب می‌کند و می‌آموزد و فرد در همان اوایل زندگی اجتماعی و فرهنگی خود از رفتارهای مطلوب و نامطلوب که پایه اصلی یادگیری را تشکیل می‌دهند، فرا می‌گیرد (آلپورت^۳، ۱۹۶۸: ۱). از نظر وی ارزش شامل ۶ جنبه نظری یا عملی، اقتصادی، زیباشناسی یا هنری، اجتماعی، مذهبی، و سیاسی می‌باشد. آلپورت معتقد است، کسی که دارای ارزش سیاسی است، علاقه به قدرت و کنترل کردن دیگران دارد و دارای خصوصیتی از جمله نفوذ پذیری، اقتدار و آوازه و شهرت است (سعیدی‌نژاد و آریاپوران، ۱۳۸۹: ۳۳).

۳- سیاست خارجی^۴:

در حوزه سیاست خارجی اگر یک کشور، سیاست‌هایش را به گونه‌ای تنظیم کند که بتواند بدون استفاده از تهدید و یا تطمیع، دیگران را بسیج نماید، منبع مهمی برای قدرت نرم به شمار می‌رود (نای، ۱۳۸۹: ۱۳۶). در واقع اگر سیاست خارجی یک کشور از نگاه دیگر بازیگران، مشروع شمرده شود، مقبولیت آن کشور بیشتر می‌شود (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵: ۱۹۳).

تحریم‌های آمریکا علیه ایران

اصطلاح تحریم^۵ عبارت است از امتناعی نظام یافته از برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا گروهی خاص از دولت‌ها برای تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول. با وجود این، کاربرد آن بیشتر در روابط اقتصادی بین‌المللی رایج است و کالاها و خدمات تولیدی

1. Political values
2. Gordon Willard Allport
3. Allport
4. Foreign policy
5. sanction

یک دولت خاص بایکوت می‌شود. تحریم ممکن است عام یعنی شامل همه کالاها و خدمات و یا خاص و محدود به یک نوع یا دسته خاصی از کالاها باشد (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۹۶).

وقوع انقلاب اسلامی ایران ابتدا راهبردهای منطقه‌ای دو ابرقدرت را دست‌خوش تغییر کرد و سپس باعث تغییراتی در راهبردهای جهانی آن‌ها شد. در رابطه با بلوک غرب، انقلاب اسلامی در کشوری که ژاندارم آمریکا در منطقه خوانده می‌شد (یعنی کشوری که باید در مقابل حرکت‌های ضدغربی بایستد) اتفاق افتاده بود و این امر از این‌رو بلافاصله یک خط آشکار قدرت در منطقه پدید آورد. آمریکا به‌منظور جبران خلأ قدرت، به اجرای «سیاست اتفاق‌نظر راهبردی»^۱ مبادرت ورزید. در سایه این سیاست، امنیت منطقه می‌توانست از طریق یک رشته موافقت‌نامه‌های نظامی و امنیتی بین ایالات متحده آمریکا و کشورهای منطقه حفظ شود (جعفری، ۱۳۹۵: ۸۱). از قبل از وقوع انقلاب اسلامی، ایران دارای یک سری از مؤلفه‌هایی است که آمریکا از آن‌ها جهت بکارگیری تحریم چه در ابعاد قدرت سخت و چه قدرت نرم استفاده کرده است. و همچنین در طی دوران تحریم همواره این مؤلفه‌ها، ریشه و علل تحریم ایران بوده‌اند و از سوی دیگر ایران نیز از برخی مؤلفه‌ها که در راستای قدرت نرم می‌باشند، برای مقابله با تحریم استفاده نموده است که می‌توان به ۱- ریشه‌های تاریخی (کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، حمایت و تحکیم پایه‌های حکومت استبدادی شاه، تحمیل قانون کاپیتولاسیون و تحقیر ملت بزرگ ایران، حمله نظامی به طبرستان) ۲- ریشه‌های ژئوپلیتیک (موقعیت ژئوپلیتیک ایران و خاورمیانه) ۳- ریشه‌های سیاسی (ایران مانع رهبری مطلق آمریکا بر جهان) ۴- ریشه‌های فرهنگی (علیزاده، ۱۳۸۸: ۹۹-۹۴) نام برد.

در توجیه تحریم‌ها آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران دلایل فراوانی ذکر می‌شود که عبارتند از: حقوق بشر، مقابله با تروریسم، مقابله با مواد مخدر، حمایت از محیط زیست که یک سری مفاهیم کلی هستند که هم استناد به آن‌ها آسان است و هم چهره‌ای موجه به سیاست‌های ایالات متحده می‌دهند (علوم، ۱۳۸۵: ۶۱). همچنین، در توجیه تحریم دلایل دیگری نیز ذکر می‌شود که عبارتند از: تمایل به تأثیرگذاری بر سیاست‌ها یا حتی ایجاد تغییر در نظام یک کشور، تنبیه و مجازات یک کشور به خاطر سیاست‌هایش، نشان دادن مراتب مخالفت نمادین با سیاست‌های

کشور هدف به دلایل مختلف، دادن اطمینان خاطر به مخاطبان در کشور تحریم کننده به اینکه دولت آن کشور با سیاست‌های کشور هدف مخالف است و تفهیم به کشور هدف و متحدان بالقوه‌اش در اجرای عملیات لازم علیه آن‌ها می‌باشد (کارتر^۱، ۱۹۸۸: ۱۲).

اما به گفته آمریکایی‌ها هدف از تحریم ایران، اعمال فشار حداکثری است. که این خود دو هدف را دنبال می‌کنند یا تغییر رژیم یا تغییر رفتار. آمریکایی‌ها ادعا می‌کنند هدف ما تغییر رژیم نیست ولی در نهایت این است که به مردم فشار بیاید، که مردم علیه هیئت حاکمه به شورش و اعتراض روی بیاورند، و حالا هیئت حاکمه در اثر فشار مردم یا تعویض شود، به نوعی انقلاب از دل آن بیرون بیاید، یا مجبور شود از مقاومت در برابر آمریکا دست بکشد و سر سازش و تسلیم پیش بگیرد. شاید این به نوعی سیاست و هدف غرب از تحریم باشد (دهشیری، ۱۳۹۸).

آمریکا می‌خواهد ایران با تغییر در رفتار سه منفعت آن‌ها را تأمین نماید.

۱- امنیت اسرائیل

۲- امنیت نفت

۳- رفتار نسبت به کشورهای عربی منطقه

و مادامی که ایران از حزب الله حمایت می‌کند؛ مذاکرات فرایند صلح خاورمیانه را قبول نداشته باشد؛ از حزب الله علیه اسرائیل حمایت کند؛ و از نظر آن‌ها کشورهای عربی منطقه را بی ثبات نماید؛ مشروعیت کشورها را در مبارزه نکردن با آمریکا به سخره گیرد؛ و به تفسیر آمریکایی‌ها، در امور داخلی آن‌ها دخالت کند؛ این کار تحریم‌ها ادامه خواهد داشت (کیانی، ۱۳۹۸).

تحریم بخشی از واقعیت سیاسی آمریکا در برخورد با ایران است. در چهل سال گذشته این تحریم همواره با شدت و ضعف خاصی اعمال می‌شده است. مسئله اصلی آمریکا این است که ایران انقلابی رادیکال به قدرت منطقه‌ای دست پیدا نکند. در شرایط موجود همه نشانه‌هایی که یک قدرت منطقه‌ای می‌تواند داشته باشد، ایران دارد. جمعیت گسترده، عمق ژئوپولیتیکی، منابع اقتصادی و از همه مهمتر کنترل بازیرگر. در این فضا، ایالات متحده نگاهی این است که محدودیت‌هایی را در قبال ایران اعمال کند. اعمال محدودیت‌ها و تحریم‌ها ماهیت ساختاری

دارد؛ یعنی ربطی به قالب‌های سیاسی ما ندارد. قدرت ایران به یک بازیگری با فضای منطقه‌ای تبدیل شده و از قابلیت لازم برای اثربخشی بر امنیت منطقه، ایدئولوژی منطقه و قدرت منطقه‌ای برخوردار است. مسئله آمریکایی‌ها این است که فشارهای اقتصادی را در چارچوب تحریم‌ها ادامه دهند و زمانی که این تحریم‌ها ادامه پیدا کرد، قدرت اقتصادی ایران کاهش پیدا کند. تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا فقط معطوف به اعمال فشار علیه دولت نیست، بلکه اعمال فشار علیه نیروهای اجتماعی نیز می‌باشد و هدفشان این است که جامعه را در وضعیت اعتراضی قرار دهند (متقی، ۱۳۹۸).

منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و مؤلفه‌های آن عبارتند از:

۱- فرهنگ:

منابع قدرت نرم ایران در حوزه فرهنگ در دو بخش قابل طرح است: هویت ایرانی: شامل سرزمین و نام ایران، قومیت، نژاد و هم‌زیستی، زبان فارسی، رسوم و آیین‌ها، هنر، و آثار باستانی می‌شود (جنیدی و مولایی، ۱۳۹۸: ۷۸). هویت اسلامی: شامل فرهنگ سیاسی شیعه در شاخص‌هایی چون ایثار و شهادت، فرهنگ انتظار و ظهور منجی، قاعده نفی سبیل، فرهنگ عاشورا، ظلم ستیزی، نفوذ مرجعیت شیعه و پذیرش ولایت مطلقه فقیه، دین و ایدئولوژی، کمک به مسلمانان، حمایت از مستضعفان، مبارزه با ظلم می‌باشد (جلالی‌راد و سپهرنیا، ۱۳۹۶: ۱۴۴).

۲- ارزش‌های سیاسی، اقتصادی و استراتژیک

منابع قدرت نرم ایران در حوزه ارزش‌های سیاسی مانند: دموکراسی، آزادی بیان، ترویج حقوق بشر (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵: ۱۹۳) و اقتصادی، استراتژیک نیز شامل: موقعیت جغرافیایی و استراتژیک و پانزده کشور همسایه (خشکی و دریایی)، منابع معدنی (نفت، گاز، اورانیوم، آهن، سرب، مس، روی و...) (جنیدی و مولایی، ۱۳۹۸: ۷۹).

۳- سیاست خارجی

منابع قدرت نرم ایران در حوزه سیاست خارجی شامل: نمایندگی‌های سیاسی (۱۰۰ سفارتخانه و ۴۳ رایزنی فرهنگی در کشورهای جهان)، و حضور در مجامع بین‌المللی عضویت ایران در پیمان‌های منطقه‌ای (نظیر پیمان شانگهای، کشورهای اسلامی و...) و مجامع بین‌المللی (نظیر سازمان ملل متحد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و...)، دیپلماسی فعال در سطح منطقه و بین‌الملل (جنیدی و مولایی، ۱۳۹۸: ۷۹)، و جبهه مقاومت اسلامی در منطقه خاورمیانه (جلالی‌راد، ۱۴۰۰) مذاکره با گروه پنج بعلاوه یک و چهاره بعلاوه یک، می‌باشد.

تأثیر تحریم بر منابع قدرت نرم ایران

با توجه به منابع قدرت نرم ایران، توجه اصلی تحریم‌ها بر بخش منابع سیاسی و استراتژیکی و مخصوصاً اقتصادی، استوار است و ایران همیشه در تلاش بود تا بتواند در مواقع بحران با خلق راهکارهایی، شدت اثر تحریم و آسیب‌ها را کاهش دهد. در حوزه فرهنگ، به تعبیر مقام معظم رهبری، تأکید آمریکا بر تهاجم فرهنگی بود و نه تنها تحریم‌هایش بر این حوزه اثری نداشته، بلکه ایران توانست در بعضی موارد از ظرفیت فرهنگ در مقابله با تحریم‌ها استفاده نماید. از سوی دیگر منابع سیاست خارجی نیز برای سیاست‌گذاری و عبور از بحران تحریم‌ها موثر می‌باشد که ایران از آن‌ها نیز بهره گرفته است. لذا ایران از این دو مقوله بعنوان راهکار استفاده کرده است.

راهکارهای جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تحریم

بررسی پیامدها و تأثیرات جهانی‌شدن و گسترش تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی حاکی از آن است که الگوهای سنتی سیاست‌گذاری در حوزه امنیتی و دیپلماسی پاسخگوی شرایط جدید نیست. سیاست‌گذاری جدید الزامات خاصی را می‌طلبد. با گسترش رسانه‌ها و اهمیت آن به عنوان قدرت نرم، و همچنین نقش پر رنگ دین در زندگی مردم، فشار افکار عمومی نیز اهمیت یافته است. از سوی دیگر امنیت در چارچوب دولت ملی با اولویت قدرت نظامی کم اهمیت شده است. امروزه رسانه‌های جهانی یک حادثه محلی و منطقه‌ای را به سرعت منتشر و پخش جهانی می‌کنند. نیروهای جامعه مدنی و شهروندان فراملی فشار نرم و تهدید نرم را برای

پیش برد اهداف خود انتخاب کرده‌اند. از این رو بدیهی است که با توجه به شرایط مجازی و فرهنگی جدید، استفاده از سیاست‌گذاری‌ها و راهبردهای جدید در دستور کار دولت‌ها قرار گیرد. به عبارت دیگر استفاده از قدرت سخت که مستلزم بکارگیری سلاح و تجهیزات نظامی و حضور نیروهای مسلح باشد، قابل تعریف و تحلیل نیست.

فضای نرم‌افزاری و فرهنگی و مجازی استفاده از سیاست‌گذاری‌های جدید را ضروری کرده است. این سیاست‌گذاری‌ها در جهت کاهش آسیب‌پذیری کشور، ارتقا پایداری ملی و تسهیل در مدیریت بحران در مقابل تهدیدات دشمن، نهادهای مختلف و شهروندان را فعال می‌سازد. (لعل علی‌زاده و احمدپوراردجانی، ۱۳۹۰: ۲۰۴). بنابراین می‌توان سیاست‌گذاری عمومی ایران از منظر قدرت نرم را از دو منظر سیاست داخلی (رویکرد ایدئولوژیکی و تاکتیکی) و سیاست خارجی بررسی کرد.

از منظر سیاست داخلی

الف) رویکرد ایدئولوژیکی

ایدئولوژی، سیستمی از ایده‌ها، افکار و باورهاست که بر رفتارها، تصمیم‌ها و توصیه‌ها، اثر می‌گذارد. ژان بشلر ایدئولوژی را حالتی از آگاهی می‌داند که با عمل سیاسی پیوند دارد. به بیان دیگر هر صورتی از آگاهی که وارد عمل سیاسی شود، جنبه ایدئولوژیک به خود خواهد گرفت (بشلر، ۱۳۷۰: ۲۳)، از این حیث وقتی یک نظام سیاست‌گذاری می‌خواهد انجام شود خودش به عنوان پدیده‌ای است که در بطن^۱ یا در زمینه و بستر اجتماعی قرار می‌گیرد. بنابراین پیش زمینه‌های اجرایی دارای اهمیت می‌شود. بحث‌های مهم در اجرای سیاست‌گذاری و سیاست‌ها، پیش از اینکه به سیاست برگردد، به مقومات اجرا برمی‌گردد. مثلاً بحث مهم بحث جامعه‌پذیری است و بحث فرهنگ‌پذیری، بعد وارد کردن فرهنگ به زندگی عادی و روزمره. به عنوان مثال، موضوعی که در ایران مغفول اما در تاریخ ریشه‌دار است، اقتصاد مقاومتی است. بعد از اتمام جنگ جهانی دوم، اقتصادهای خراب و شکست خورده در جنگ به سمت ادبیاتی

پیش آمدند که اسمش «تاب‌آوری»^۱ معنی شده است. و یک درجه از «مقاومت»^۲ بالاتر است. مقاومت، ایستادگی و حالت منفعلانه است در حالی که تاب‌آوری، مقاومت فعال است نه منفعل. اقتصاد مقاومتی یعنی فرهنگ تاب‌آوری؛ حتی خود آمریکایی‌ها وقتی در شرایط بحران هستند و در بحران اقتصادی به مرحله تاب‌آوری می‌روند. حالا این تاب‌آوری می‌تواند با وضع سیاست‌های خاص باشد، با از بین بردن یا ادغام برخی سیاست‌های خاص، یا با جداکردن برخی سیاست‌های خاص. تاب‌آوری یعنی مقاومت بعلاوه تفکر برای رهاسازی. روی فرهنگ این قضیه کار شده است (ملک محمدی، ۱۳۹۸). اقتصاد مقاومتی به معنای فرهنگ تاب‌آوری، در بطن ایدئولوژی قرار دارد و شاید بتوان آن را «ایدئولوژی اقتصادی» نامید.

در ایران چهار نقطه قوت اساسی در خصوص باورهای مردم وجود دارد. اول اینکه یک نوع رهبری متمرکز وجود دارد. اینکه اگرچه اختلاف نظر بین مجلس، دولت و قوه قضائیه به نظر می‌رسد، اما تصمیم‌گیری این‌ها، متمرکز است. یعنی در جهت‌گیری^۳، تفکرشان متمرکز است. ویژگی دوم که برای ایران قدرت‌ساز است، اگرچه فضای جامعه انتقادی است، اما در عین حال، یکپارچه است. بحث گروه‌های سیاسی، این نیست که با نظام سیاسی مقابله کنند، بلکه این است که در نظام سیاسی، مشارکت کنند. پس کشور در فضای یکپارچگی قرار دارد یعنی دارای انسجام^۴ است. نکته سوم این که انعطاف‌پذیری^۵ در جامعه ایران بالا است. این انعطاف‌پذیری، توان ایران را برای عبور از بحران‌ها، بیشتر می‌کند. مثلاً مفهومی که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) استفاده کردند با عنوان «نرمش قهرمانانه»، بیانگر این است که ایران در حوزه سیاست، باید انعطاف‌پذیری داشته باشد. حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) در این مورد می‌فرماید: معنای دیگر ویژگی مهارت دیپلماتیک (استفاده به موقع و به جا از انعطاف و اقتدار) نرمش قهرمانانه است که صلح امام حسن مجتبی (علیه السلام) پرشکوه‌ترین نمونه‌ی تاریخی آن به شمار می‌رود. نرمش قهرمانانه برخلاف برخی تفاسیر، معنای واضحی دارد که نمونه‌ی آن در مسابقه‌ی کشتی

1. Resilience
2. Resistance
3. Orientation
4. Cohesion
5. Flexibility

نمایان است در این مسابقه که هدف آن شکست دادن حریف است اگر کسی قدرت داشته باشد اما انعطاف لازم را در جای خود به کار نگیرد، قطعاً شکست می‌خورد؛ اما اگر انعطاف و قدرت را به موقع مورد استفاده قرار دهد پشت حریف را به خاک می‌نشانند (خامنه‌ای (الف)، ۱۳۹۳). یا مفهومی که ایران در سند چشم‌انداز دارد: «دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت» (سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴). یا بیانیه گام دوم، با عنوان "عزت، حکمت، مصلحت" که در آن آمده است: عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصل "عزت، حکمت، و مصلحت" در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه. اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی). به این معنا است که ایران باید حتماً در یک نوع فضای حکمت هم قرار داشته باشد. حکمت به معنای، سنجش فعالیت‌هایی که انجام می‌پذیرد و مواضعی که اتخاذ می‌کند. ویژگی چهارمی که دارد، این است که منابع اجتماعی و اقتصادی ایران متنوع است و این تنوع می‌تواند نیاز ایران را به واردات بیش از حد، کاهش دهد و می‌تواند نیاز کشور را به اقتصاد تک محصولی نیز، کاهش دهد (متقی، ۱۳۹۸).

همانطور که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) فرمودند: «به‌طور خلاصه در دو کلمه به ملت ایران بگویم: جنگ نخواهد شد و مذاکره نخواهیم کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷) و آنچه ایشان به عنوان راهکار مقابله طی سالیان متوالی بر آن تأکید داشتند مقاومت است، البته مقاومتی هم مبتنی بر اقتصاد مقاومتی. ایشان در این باره تأکید داشتند: «تحریم را با مجاهدت در باب اقتصاد مقاومتی بایستی خنثی کرد» (خامنه‌ای (ب)، ۱۳۹۳). اگر بتوان اقتصاد مقاومتی را چه از درون کشور تقویت کرد و چه تقویت محور مقاومت که بتوان از طریق آن با ایجاد شبکه بازدارنده، برای کشورهایی که به نوعی از سیاست تحریم حمایت می‌کنند، هزینه ایجاد کرد تا حداقل با سیاست‌های تحریمی یکجانبه آمریکا، همراهی نکنند (دهشیری، ۱۳۹۸).

ب) رویکرد تاکتیکی

تاکتیک استراتژی مقطعی و کوچک شده است که انعطاف‌پذیری بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. همه کشورها برای تقابل با موضوعاتی همچون تحریم، یا از راهبرد و یا از تاکتیک استفاده می‌کنند. و سیاست ایران برای مقابله با تحریم‌ها، دائماً جنبه تاکتیکی بجای راهبرد کلان داشته است. علت این است که وقتی ایران در معرض تهدید قرار دارد، اولین کار این است که تحریم را رفع کند تا به شرایط با ثبات برسد و بخاطر همین به ابزارهای گوناگون متوسل می‌شود تا تحریم را رفع کند. بنابراین مجبور است که به تاکتیک در دوران تحریم، دست بزند. چرا که هم نظام کنونی در حال شدن است و هم نوع سیاست‌های طرف مقابل، دائماً ایضایی است، بنابراین ایران هم مجبور است که دائماً متناسب با نظام بین‌الملل سیاست‌های جدیدی را طراحی کند. بی‌ثباتی فضای سیاست‌های داخلی ایران و نیز وجود و کارکرد نهادهای موازی در یک موضوع تحریمی، در کنار معایب، حُسن هم دارد به این معنی که طرف مقابل گیج می‌شود و نمی‌داند کدام نهاد را باید کنترل کند. مثلاً دولت یک سیاست مقابله با تحریم دارد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سیاست دیگر، که به آن ابهام‌خلاق^۱ می‌گویند. ابهامی که سازنده است و می‌تواند خنثی‌کننده سیاست‌های طرف مقابل باشد. بنابراین طرف مقابل را دچار گیجی می‌کند. از سیاست‌های ترامپ هم، ایجاد آنومی، یا سرگشتگی در طرف مقابل بود. سیاست ایران هم همین ویژگی را دارد و طرف مقابل را دچار گیجی و سرگشتگی می‌کند. به اصطلاح کارکردگرایان، تداخل کارکردی در ایران، بین نهادهای دخیل در امر مقابله با تحریم، منجر به این وضعیت، شده است که آمریکا نداند که مخاطب او در ایران، چه کسی است (دهشیری، ۱۳۹۸). و البته این مطلب باعث شده تا آمریکا، افراد بسیاری را در نهادهای مختلف ایران، در لیست تحریم‌ها بیاورد.

گاهی نیز مدل ایران در سیاست‌گذاری عمومی بر مبنای مدیریت اقتضائی است، یعنی بیش از اینکه راهبرد داشته باشد، بخاطر محدودیت‌های بیش از حدی که وجود دارد؛ به ناچار بر معیارها و مؤلفه‌های تاکتیکی متمرکز می‌شود. بنابراین در فضای موجود، همه تلاش این است که تحریم‌ها را بردارد یا کاهش دهد. بنابراین یک فشار در محیط بیرونی اعمال می‌شود و ایران

متناسب با آن فشار، واکنشی را به انجام می‌رساند. ایران قابلیت‌های اجتماعی، اقتصادی و نظامی دارد اما باید تهدیدها را هم کاهش دهد (متقی، ۱۳۹۸).

از موارد دیگری که می‌توان در این مقوله از آن یاد کرد این است که مردم ایران از ابتدای انقلاب به بعد، اصولاً به یک نوعی از سیستم سوسیالیستی خو گرفته‌اند. در ابتدای انقلاب سیستم کوپنی در کشور حاکم بود. به طور کلی دولت در توزیع اجتماعی و درآمدها کارنامه نسبتاً خوبی دارد. به عنوان مثال یارانه‌ها عملاً مثل یک مُسکن عمل کردند. این هم از منظر تفکر مدیریت سوسیالیستی در کشور بود که در شرایط تحریم بهتر از تفکر نولیبرالی عمل کرد. اگر مسئولین کشور می‌خواستند نسخه‌های نولیبرالی در قبال تحریم در کشور انجام بدهند، اگرچه می‌تواند نسخه خوبی باشد، ولی در شرایط تحریم خوب نیست و به فروپاشی کشور می‌انجامد. لذا خوگرفتن مردم در چهار دهه به "تحریم تدریجی" که از اول انقلاب بعد از بحران گروگانگیری شروع شد؛ سپس به "تحریم‌های متوسط" و به "تحریم‌های طولانی مدت" که بعد از فروپاشی شوروی و تحریم‌های داماتو تا تحریم‌هایی که از سال ۲۰۱۱ میلادی با پیوستن اروپا، بسیار قوی و کمر شکن شدند، به کمک ایران آمد تا بتواند زیر فشار اصطلاح «تحریم‌های کمرشکن و دندان شکن» که خانم هیلاری کلینتون در زمان انتصابش به عنوان وزیر خارجه آمریکا، استفاده می‌کرد، دوام آورد (کیانی، ۱۳۹۸).

از منظر سیاست خارجی

اگر بپذیریم که دولت‌ها از جمله ایران در سیاست جهانی به دنبال اهداف هستند، بنابراین سیاست‌گذاری و تصمیمات آن بر مبنای داشتن اهداف مشخص، اولویت‌های معین، اطلاعات کافی و احتمال موفقیت و محاسبه سود و زیان هر یک از گزینه‌ها شکل می‌گیرد (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۱۴). لذا در خصوص سیاست خارجی ایران، می‌توان اظهار داشت، به دلیل همین سود زبانی که در بطن اهداف قرار دارد، با همکاری کشورهایی که جزء کشورهای غیر متعهد هستند، تا حدودی به پارادایم‌سازی پرداخته است و روی چندجانبه‌گرایی و نفی سیاست‌های یکجانبه گرایانه آمریکا، عمل کرده است. رویکرد تعاملی و هنجار محور ایران در خصوص کشورهایی مانند عراق و سوریه، یمن، فلسطین، لبنان، و گروه‌های جنبشی از قبیل حزب الله و انصار الله نیز در دور زدن تحریم‌ها، به ایران کمک کرده است. همچنین در خصوص رویکرد تمدنی که همه

ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. مثلاً ایران در حوزه نوروز بسیار تأکید می‌کند. این کشور شاید با آذربایجان خیلی اختلاف داشته باشد اما در رویکرد تمدنی توانسته، ارتباط برقرار کند.

در خصوص مسائل منطقه، ایران دائماً روی ثبات منطقه تأکید می‌کرد، ولی در طی زمان به این نتیجه رسید که ثبات منطقه ضرورتاً همیشه منافع ندارد. گهگاه باید هزینه را برای طرف مقابل افزایش داد تا او هم بفهمد اقداماتی که انجام می‌دهد برای او دارای تبعات زیان‌بار و هزینه‌بر خواهد بود. به همین دلیل برخی از اقدامات در حمایت از برخی گروه‌های نیابتی انجام شد که بتواند هزینه طرف مقابل را در سیاست‌گذاری دوران تحریم افزایش دهد. وضعیتی که ایران در دوران تحریم دارد، این است که دائماً نقش‌ها جابجا می‌شود. یعنی در واقع یکبار ایران عامل ثبات و عربستان عامل تنش می‌شود و گاهی برعکس، ایران عامل تنش و عربستان عامل ثبات است. و در این شرایط که به آن شرایط آشوب می‌گویند، ایران سیاست‌گذاری را در شرایط نرمال ندارد؛ شرایط نظریه آشوب^۱ یا نظریه اثر پروان‌های^۲ که می‌گوید هر حرکتی می‌تواند تأثیری روی پدیده دیگری داشته باشد. یعنی هر اقدام ایران و آمریکا بر روی هم تأثیر می‌گذارد و این تأثیر و تأثیر متقابل، منجر به این می‌شود که ایران متناسب با آن واکنش نشان دهد. بنابراین دلیل دارد که ایران چرا سیاست‌های متنوع و در عین حال، سیالیت‌وار در شرایط تحریم دارد؛ به دلیل همین اثر پروان‌های است (دهشیری، ۱۳۹۸).

همچنین می‌توان گفت، هر چند قدرت‌های تحریم‌کننده، هم آمریکایی‌ها و هم اروپایی‌ها، اذعان دارند تحریم ایران به عنوان کشوری با دارا بودن ۱۵ کشور همسایه (خشکی و دریایی) کار خیلی سختی است چرا که ایران فقط ۱۱۰ مبادی گمرک ورودی دارد، اما به دلیل جزیره و کم همسایه نبودن، در دور زدن تحریم‌ها موفق عمل کرده است. در دراز مدت پیوند خودش را با همسایگان و نهادهای منطقه‌ای حفظ و بیشتر کرده تا اولاً به راحتی تحریم نشود، چون نه تنها باید کاری بکند که تحریم‌اش، تحریم یک جمع محسوب بشود و آن جمع در مقابل تحریم کننده، مقاومت نکنند، بلکه اولویت قراردادن همکاری با همسایگان به مراتب کم هزینه‌تر است (کیانی، ۱۳۹۸).

-
1. Chaos Theory
 2. Butterfly Effect

ایران در موضوع تحریم چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی در بسیاری موارد آگاهانه سیاست‌ها را تغییر داده و یا شاید از ابتدا این استراتژی را دارا بوده است. مثلاً در حین مذاکرات و توافق هسته‌ای، آزمایش موشکی انجام می‌دهد و این سوال را به وجود می‌آورد که اگر اصل بر مذاکره بود، این گونه تنش‌ها به چه دلیل صورت می‌گیرد؟ (جلالی، ۱۳۹۸) و این همان موضوعی است که شاید بتوان سیاست "ابهام‌سازی"، نام نهاد تا آمریکا را با یک سردرگمی مواجه نماید تا خود به فرصت اندوزی برای خلق تاکتیک بهتر برسد.

نتیجه‌گیری

یکی از سیاست‌گذاری‌های ایران در مقابله با تحریم‌های یکجانبه آمریکا استفاده از قدرت نرم می‌باشد. با توجه به منابع قدرت نرم و تأثیر تحریم بر برخی حوزه‌ها و ایجاد بحران، علی‌الخصوص در بخش‌های اقتصاد و سیاست، راهکارهای ایران در دو سطح داخلی و خارجی حائز اهمیت است که سطح داخلی ایران را می‌توان از دو منظر ایدئولوژیکی و تاکتیکی بررسی کرد. از منظر ایدئولوژیکی، با استفاده از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و تاب‌آوری و نرمش قهرمانانه، به نوعی فرهنگ "تحریم‌پذیری" در ایران را نهادینه کرده است. از منظر تاکتیکی نیز، با بهره‌گیری از مدل اقتضائی، مدل ابهام‌سازی با توجه به تداخل کارکردی نهادها، تلاش کرد تا از اثر تحریم‌های یکجانبه آمریکا بکاهد و با بکارگیری این دو، نه تنها، بستر تعامل با کشورهای تحریمی را فراهم کرده است، کشورهایی که ایدئولوژی یا شرایط مشابهی را در خصوص تحریم با ایران دارند، بلکه با هدف ایجاد باشگاه کشورهای تحریم، یا ایجاد شبکه‌ای از کشورهای همسوسه لحاظ مسائل ارزشی و ایدئولوژیک، برای تحقق اهداف مقابله با تحریم تلاش می‌کند و در این شرایط نه تنها به تغییر رویه راضی نشده و از خود کنش ایجابی نشان نداد، بلکه با افزایش تحریم‌ها کنش سلبی نیز بیشتر شده است. لذا در انتخاب سیاست خارجی علاوه بر رویکرد تعامل یا هنجار محور با کشورهای همسایه و یا کشورهای تحریمی، مدل آشوب و اثر پروانه‌ای را در دوران تحریم مدنظر قرار داده است.

منابع

۱. اشترینان، کیومرث (۱۳۸۶). سیاست‌گذاری عمومی ایران. تهران: نشر میزان.
۲. ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷). «مبانی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، زمستان، شماره ۴۱.
۳. ایوانز، گراهام و نونام، جفری (۱۳۸۱). فرهنگ روابط بین‌الملل؛ ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طرازکوهی، تهران: نشر میزان.
۴. بشلر، ژان (۱۳۷۰). ایدئولوژی چیست؟ نقدی بر ایدئولوژی‌های غربی. ترجمه علی اسدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>
۶. جعفری، سید اصغر (۱۳۹۵). «نقش امام خمینی در شکل‌گیری قطب قدرت اسلامی»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۵(۱۸)، صص ۷۵-۱۰۳.
۷. جلالی‌راد، محمدصادق؛ سپهرنیا، رزیتا (۱۳۹۶). «شاخص‌های فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران در بعد کلان از دیدگاه نخبگان»، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۷(۲۳)، صص ۱۳۳-۱۵۸.
۸. جلالی‌راد، محمدصادق (۱۴۰۰). مصاحبه تخصصی، تهران.
۹. جنیدی، رضا؛ مولایی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، راهبرد سیاسی، ۳(۸)، صص ۸۹-۶۵.
۱۰. چهاردولی، عباس، قاسمی بنابری، حمیدرضا (۱۳۹۸). مبانی و اصول سیاست‌گذاری با رویکرد تطبیقی (اسلام و غرب). تهران: مرکز انتشارات راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۱. حبیبیان، محمدحسن؛ صبوری، محمدحسن (۱۳۹۱). «جنگ نرم و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، امنیت پژوهی، ۱۱(۴۰)، صص ۵۲-۳۱.
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم (۱۳۹۷/۰۵/۲۲). قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی (الف) (۱۳۹۳). بیانات در دیدار با مسئولان وزارت خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور (۱۳۹۳/۰۵/۲۲). قابل

دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>

۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی (ب) (۱۳۹۳). بیانات در دیدار با مسئولان نظام (۱۶/۰۴/۱۳۹۳). قابل

دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>

۱۵. خدادادی، محمد (۱۳۹۷). منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در آمریکای لاتین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تاریخ و مطالعات سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام).

۱۶. دانش فرد، کرم الله (۱۳۹۴). مبانی خط‌مشی گذاری عمومی. چاپ دوم، تهران: نیاز دانش.

۱۷. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۸) مصاحبه تخصصی، تهران.

۱۸. سعیدی‌نژاد، حمیدرضا؛ آریاپوران، سعید (۱۳۸۹). «رابطه هویت قومی و سنخیت فرهنگی با ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان»، دوفصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، (۲)۵، صص ۵۲-۲۹.

۱۹. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>

۲۰. صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۹۲). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، چاپ ششم، تهران: ققنوس.

۲۱. عبادی، زهرا (۱۳۹۵). تأثیر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر اهداف و منافع آمریکا در عراق جدید ۲۰۰۳-۲۰۱۴. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع).

۲۲. علومی، ابراهیم (۱۳۸۵). «جایگاه تحریم در سیاست خارجی ایران»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل شناسی و آمریکا شناسی، ۷(۱ و ۲)، ۷۸-۵۵.

۲۳. علیزاده، علی اکبر (۱۳۸۸). «ریشه‌های منازعه بین ایران و آمریکا»، فصلنامه دین و سیاست، ۶(۲۱)، صص ۹۱-۱۰۴.

۲۴. قریب، حسین (۱۳۹۲). «عقلانیت و سیاست‌گذاری خارجی»، فصلنامه راهبرد، ۲۲(۶۸)، صص ۱۲۶-۱۰۵.

۲۵. قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۰). «الگوهای قدرت نرم در خاورمیانه»، مطالعات قدرت نرم، ۱(۱)، صص ۳۶-۷.

۲۶. کریمی منجرمویی، یعقوب (۱۳۹۰). بازشناسی مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در منطقه خاورمیانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج.

۲۷. کیانی، داوود (۱۳۹۸) مصاحبه تخصصی، تهران.
۲۸. کیوان حسینی، سیداصغر؛ جمعه‌زاده، راحله (۱۳۹۲). «تبیین نظری قدرت نرم بر مبنای نگرشی فرا«نای» به کاربست منابع غیر مادی قدرت در سیاست خارجی»، پژوهش سیاست نظری، ۱(۱۳)، صص ۱۶۰-۱۳۹.
۲۹. لال، جیمز (۱۳۷۹). رسانه‌ها، ارتباطات، فرهنگ؛ رهیافتی جهانی، مترجم: مجید نکودست، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.
۳۰. لستر، جیمز پی، استوارت، جوزف. (۱۳۸۱). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی رویکردی تکاملی. ترجمه مجتبی طبری و مجتبی میکایلی و سهیل خورشیدی، تهران: نشر ساوالان.
۳۱. لعل علی‌زاده، محمد؛ احمدپوراردجانی، مژگان (۱۳۹۰). «جهانی‌شدن فرهنگی و قدرت نرم، ضرورت سیاست‌گذاری جدید با رویکرد نرم‌افزارانه»، مطالعات قدرت نرم، ۱(۳)، صص ۲۱۷-۱۹۳.
۳۲. مایلی، محمدرضا؛ مطیعی، مریم (۱۳۹۵). «قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات روابط بین‌الملل، ۹(۳۵)، صص ۲۰۷-۱۹۰.
۳۳. متقی، ابراهیم (۱۳۹۸) مصاحبه تخصصی، تهران.
۳۴. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۶). «آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری خارجی: مبانی نظری»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۳(۱)، صص ۲۷-۹.
۳۵. ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۸) مصاحبه تخصصی، تهران.
۳۶. نای، جوزف (۱۳۸۹). قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل. ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۳۷. الوانی، سیدمهدی، شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۷). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی. چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۳۸. هاوالت، مایکل، رامش، ام، پرل، آنتونب (۱۳۹۴). مطالعه خط‌مشی عمومی؛ چرخه‌های خط‌مشی و زیر نظام‌های خط‌مشی. ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.

39. Allport, Gordon Willard. (1968). The Person in Psychology. Boston: Beacon Press.

40. Carter, Barry. E. (1988). International Economic Sanctions: Improving the Haphazard US Legal Regime. Cambridge: Cambridge University Press.

طراحی مدل مطلوب رسانه بر اساس مبانی و معارف اسلامی

پیام تیرانداز^۱
علی فلاح^۲
محمدرضا باقرزاده^۳
مهرداد متانی^۴

چکیده

اسلام دارای دیدگاهی جامع درباره نحوه سامان دادن نظام‌های فردی و جمعی است. همچنین رسانه‌ها نقشی اساسی در هدایت جامعه برعهده دارند. در کشور ما غالباً رسانه‌ها به صورت تقلیدی از رسانه‌های غربی فعالیت می‌کنند. در این پژوهش تلاش شده مدل مطلوب رسانه بر اساس مبانی و معارف اسلامی طراحی و تبیین شود. روش پژوهش در این تحقیق، کیفی؛ نظریه زمینه‌ای با رویکرد سیستماتیک است که جامعه آماری آن ۱۸ نفر شامل: اساتید دانشگاه، متخصصان و صاحب‌نظران حوزه رسانه، خبرنگاران نمونه، و مدیران عامل خبرگزاری‌ها بوده‌اند که به صورت هدفمند و گلوله برفی انتخاب شده و مورد مصاحبه نیمه‌ساختار یافته قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از کدگذاری استفاده شد. در کدگذاری باز ۱۰۲۳ مفهوم، در کدگذاری محوری ۱۱۹ مفهوم کلیدی و ۵۸ مقوله استخراج شد و در کدگذاری انتخابی از تلفیق همه مقوله‌ها ۱۸ بعد شناسی شد. این ابعاد شامل: مقوله اصلی: (رشد فرستنده، رشد پیام، رشد مخاطب) راهبردها: (سازمانی، محتوایی، آموزشی و پژوهشی). شرایط زمینه‌ای: (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، و علمی) عوامل مداخله‌گر: (رسانه‌های سیاه، و تحریم و سانسور) پیامدها: (رشد فردی، رشد در ارتباط با طبیعت، و رشد در ارتباط با جامعه) و عوامل علی: (فقدان مبانی صحیح، راهبردهای مبهم، و نتایج نامطلوب) می‌باشد.

واژگان کلیدی: مدل رسانه اسلامی، رهبری رسانه، رسانه اسلامی، خبرگزاری فارس.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، قائمشهر، ایران.

۲. استادیار گروه مدیریت رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، نور، ایران (نویسنده مسئول)
fallahali55@yahoo.com

۳. استادیار گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، قائمشهر، ایران

۴. استادیار گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، قائمشهر، ایران

مقدمه

در اندیشه سیاسی مغرب زمین، سال‌هاست که رسانه را رکن چهارم دموکراسی می‌پندارند (بکت و بال^۱، ۱۳۹۴: ۱۴۵) و البته در پارادایم فکری و رفتاری ایشان نیز چنین است. در نزد برخی متفکران تمدن‌ساز غربی، انسان‌ها گرگ یکدیگرند (گلفشان و واثق، ۱۶۹: ۲۰۱۶). انسان به جای خداوند محور عالم است، هدف وسیله را توجیه می‌کند... و طبیعتاً در چنین چارچوب فکری رعب‌آوری، جوامع بشری حق دارند تا برای مهار و کنترل صاحبان قدرت از ظرفیت تمام ابزارها از جمله رسانه استفاده کنند. از این‌روست که رسانه‌ها رو به تنوع گذاشته‌اند، احزاب و جریان‌های سیاسی یک یا چند رسانه را به‌عنوان ارگان اطلاع‌رسانی و مبلغ اندیشه‌های خویش به کار گرفته‌اند و با جنگ رسانه‌ای می‌کوشند تا قدرت را به چنگ آورند و از دیگر سو جریان حاکم نیز می‌کوشد تا با ترفندهای رسانه‌ای از حیثیت خویش دفاع کند.

در ایران امروز نیز وضعیت رسانه‌ها دست‌کمی از مدل‌های غربی ندارد و اصحاب رسانه‌ها با اقتباسی ناقص از رسانه‌های غربی خود سعی می‌کنند زبان احزاب سیاسی باشند و ایشان را در این نزاع قدرت یاری رسانند؛ اما در اندیشه سیاسی اسلام که شعار «کلکم راع، و کلکم مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق) را برگزیده است انسان‌ها گرگ یکدیگر نیستند بلکه برادر ایمانی هم به شمار می‌روند و موظف‌اند تا به یکدیگر مهر بورزند. حکومت نیز مجاز نیست تا به هر وسیله‌ای قدرت خود را حفظ کند و با هر ابزاری اهداف مشروع و نامشروع خود را محقق سازد.

رسانه‌ها با پخش اطلاعات مربوط به قواعد و اصول رفتار اجتماعی به طور مستقیم رفتار آشکار افراد را شکل می‌بخشد و به‌عنوان ارائه‌دهنده سبک زندگی تأثیرگذار مطرح می‌باشد (رضوی زاده، ۱۳۸۶: ۸۵). به‌طورکلی می‌توان سیاست‌گذاری رسانه‌ای را اتخاذ تصمیماتی در جهت پیشبرد اهداف سازمان‌های رسانه‌ای با توجه به محیط کلان آن در جامعه دانست (مک کوایل^۲، ۱۳۹۴: ۱۵۲). رسانه مطلوب در جامعه اسلامی زمانی جریان پیدا خواهد کرد که چارچوب آن بر مبنای اعتقادات، باورها و ارزش‌های دینی نهاده شده باشد و به نحوی اصول دین بر آن حاکم باشد و وجه تمایز رسانه‌های دین‌محور از رسانه‌های غیردینی، در جنبه حاکم بودن یا

1. Beckett and Ball

2. Macquail

نبودن چارچوب اصول دین در جریان ارتباطات است. رسانه‌های جامعه اسلامی، بدون رعایت این اصول، هرچند محتویات آن دینی باشد، در مجموع وسیله ارتباطاتی غیردینی و چه بسا ضد دینی است. الگوی رسانه اسلامی، به ربوبیت اعتقاد دارد. دومین اصل تعیین‌کننده مرزهای اخلاقی و ارتباطات اسلامی، مسئله امر به معروف و نهی از منکر است. خواست جمعی می‌تواند در نظام اجتماعی و قوانین حاکم بر رسانه‌ها متبلور شود. در این صورت معیار مطلوب بودن رسانه به انطباق آن با قانون برمی‌گردد. به میزانی که رسانه‌ها قوانین موجود درباره رسانه‌ها را رعایت کنند مطلوبیت خواهند داشت (مولانا، ۱۳۸۸: ۱۲). با توجه به عدم وجود مدلی کلی برای رسانه‌های اسلامی، این پژوهش به دنبال طراحی مدل مطلوب رسانه متناسب با مبانی و معارف اسلامی است.

ادبیات و پیشینه تحقیق

نظریات هنجاری یا دستوری به تبیین باید‌ها و نباید‌های حاکم بر وسایل ارتباط جمعی در شرایط مختلف می‌پردازند. این نظریات که دارای ماهیتی تعهدآور و الزام‌آورند، از وضعیت رسانه‌ها در جوامع و زمان‌های مختلف، نشأت گرفته‌اند (مک کوایل، ۱۳۸۲). مک کوایل نظریه‌های هنجاری را به شش دسته تقسیم می‌کند: نظریه آمرانه، نظریه رسانه‌های آزاد، نظریه مسئولیت اجتماعی، نظریه رسانه‌های شوروی سابق، نظریه رسانه‌های توسعه بخش؛ و نظریه مشارکت دموکراتیک رسانه‌ها^۱.

الف. نظریه اقتدارگرا یا آمرانه؛ این نظریه که به اوضاع مطبوعات در اولین جوامعی که در آنها ظاهر شدند، اشاره دارد، حاکی از فقدان استقلال و وابستگی مطبوعات آن دوران به نظام‌های دولتی است. نظریه استبدادی که تقویت‌کننده و پیش‌برنده سیاست‌های موردنظر حکومت و دولت حاکم بود، رسانه‌ها را مطیع دولت و منافع طبقه حاکم قرار می‌داد. (مک کوایل، ۱۳۸۲). **ب. نظریه آزادی رسانه‌ای؛** این نظریه که ریشه در ظهور مطبوعات، فارغ از کنترل دولتی در قرن هفدهم دارد، هنوز هم به عنوان اصل اساسی مشروعیت‌بخشی به مطبوعات در دموکراسی‌های لیبرال مورد توجه است.

در این نظریه رسانه باید در خدمت کشف حقیقت و نظارت بر دولت هم باشند
ج. نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها؛ در این نظریه رسانه‌ها علاوه بر اطلاع‌رسانی و سرگرمی و فروش، باید موجب تضارب آراء شده و مباحث را رشد دهند.

د. نظریه مسلکی (رسانه‌های شوروی)؛ بنابراین نظریه تمامی رسانه‌ها باید تحت کنترل سازمان‌های کارگری و در نهایت کمونیستی باشند و نباید در راستای تعارض سیاسی عمل کنند.

ت. نظریه رسانه‌های توسعه‌بخشی؛ در واقع اوضاع خاص کشورهای جهان سوم، چه از نظر اقتصادی و چه سیاسی و عدم انطباق چهار نظریه هنجاری قبلی بر آنها، افزایش آگاهی ملت‌ها و تمایل به مبارزه با شیوه‌های تازه سلطه استعماری و نیل به استقلال فرهنگی و ارتباطی همراه با طرح موضوع نظم نوین ارتباطی در یونسکو، بستر پیدایش نظریه رسانه‌های توسعه بخش را فراهم آورد.

ث. نظریه مشارکت دموکراتیک رسانه‌ها؛ خاستگاه این نظریه که نظریه‌های حاکم را به مبارزه می‌طلبد، جوامع توسعه‌یافته لیبرال است. این نظریه که به نفی وجود رسانه‌های یکنواخت، متمرکز، پرهزینه، بی تفاوت و تحت کنترل دولت معتقد است، طرفدار چندگانگی، محلی بودن، نهاد زدایی، جابه‌جایی نقش‌های دریافت‌کننده و فرستنده، کنش متقابل و تعهد می‌باشد. همچنین سه دیدگاه کلی در خصوص چگونگی تعامل رسانه با دین و نسبت این دو با یکدیگر عبارت‌اند از:

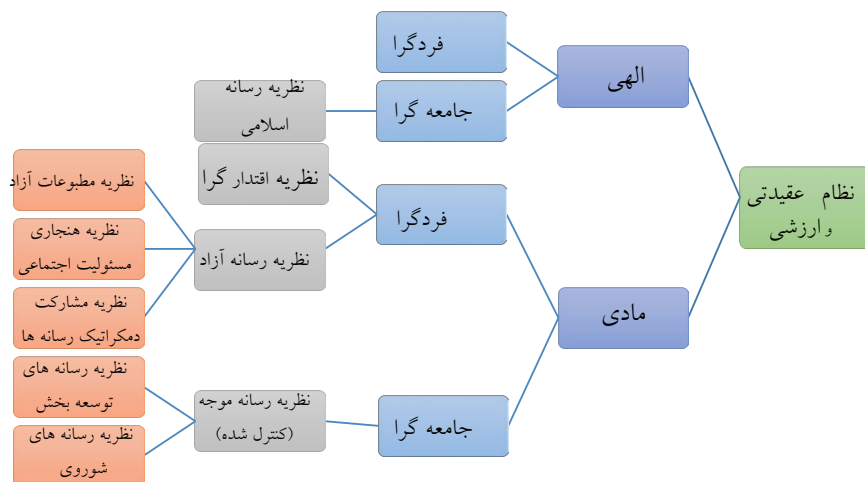
کارکردگرایی، ذات‌گرایی و تعامل‌گرایی.

دیدگاه کارکردگرایی: «در نگاه ابزارگرایانه، رسانه در ذات خود واجد هویت فرهنگی مستقلی نیست و به مثابه ابزار می‌تواند در خدمت پیام‌های متفاوت و مختلف باشد و در هر فرصت به شکلی خاص ظهور و بروز می‌یابد. کسانی که معتقدند رسانه‌ها فقط حامل و توزیع‌کننده پیام هستند نیز، ذیل گروه ابزارگرا قرار می‌گیرند.» (حسینی، ۱۳۸۶: ۷۵).

دیدگاه ذات‌گرایانه (انتقادی). دیدگاه موسوم با ذات‌گرایی و یا اقتضاگرانه، مدعی است که رسانه ذاتاً دارای هویت فرهنگی و تاریخی مستقلی است، لذا در تعامل با دیگر ابعاد زندگی انسانی، باید به تناسب و تناسب نداشتن این ذات و ماهیت با هویت‌های دیگر توجه کامل داشت. این دیدگاه عمدتاً از دو مبنای مختلف فلسفی و رسانه‌ای نشأت گرفته است. (کریس، ۱۹۷۷ به نقل از حسینی، ۱۳۸۶).
دیدگاه متعاملی: اگر بنا باشد دیدگاه ابزارگرایانه را در یک سمت طیف و دیدگاه ذات‌گرایانه (انتقادی)

را در سمت دیگر طیف قرار دهیم، دیدگاه بینابینی وجود دارد که نه ساده‌انگاری و ساده‌سازی ابزارگرایانه و نه اختیارگرایی ذات‌گرایانه را می‌پذیرد. در عین حال به نتایج هر دو دیدگاه به دید مثبت و کاربردی می‌اندیشد و در پی طرح‌ریزی مسیری برای پیوند رسانه با دین از رهگذر عبور از چالش‌های مطرح است.

باتوجه به الگوی نظریه‌های هنجاری رسانه که مک‌کویل شناسایی کرده است و باتوجه به مبانی فکری مادی حاکم بر این نظریه‌ها می‌توان از نظریه اسلامی رسانه نیز سخن گفت. جدول زیر جایگاه این نظریه را در میان نظریه‌های رقیب نشان می‌دهد. (یوسف‌زاده، ۱۳۹۴: ۸۵)



مرور مطالعات صورت‌گرفته در حوزه نظری و وسایل ارتباط جمعی در ایران نشان می‌دهد که باتوجه به تغییر بنیادی به وجود آمده در ایران پس از انقلاب اسلامی و نارسایی نظریه‌های رایج بین‌المللی برای فعالیت‌های رسانه در ایران، پژوهشگران این حوزه را بر آن داشته است برای ارائه مدل رسانه‌ای که با اصول اساسی و پذیرفته شده در جمهوری اسلامی سازگاری داشته باشد، تلاش کنند. با وجود این، هیچ‌کدام از این تلاش‌ها منجر به ارائه نظریه یا الگویی نشده است که بتوان بر اساس آن مدل بومی رسانه را که به لحاظ بنیادی و نظری نیز مطابق با ارزش‌های دینی و اسلامی باشد، ترسیم کرد. آثاری که در این خصوص نوشته شده، بیشتر به دنبال بازنمایی نظریه‌های رایج در حوزه وسایل ارتباط جمعی بوده است. حمید مولانا (۱۳۸۲) در کتاب «الگوی مطبوعات و رسانه‌های اسلامی» به بررسی نسبت انقلاب اسلامی با سیستم مطبوعاتی و رسانه‌های متناظر با مبانی نظری آن پرداخته و کوشیده است نوعی چارچوب نظری فراهم بیاورد. مؤلف در مقدمه کتاب بیان می‌کند: انقلاب

اسلامی در این دو دهه موفق شده است، الگوهای اصیل، مستقل و اسلامی در نهادهای مختلف حکومت و دولت و به ویژه در قوای سه گانه مجریه، مقننه و قضائیه به وجود آورد. مقام رهبری و نهاد ولایت فقیه اصیل ترین و، بهترین نمونه از ابتکارات انقلاب اسلامی است. شورای نگهبان، مجلس خبرگان و بسیاری دیگر از سازمان های امروزی نمونه های روشنی از نهادهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می باشند، ولی در تفکر و سازماندهی و پیاده کردن یک الگوی انقلابی و اسلامی که کل سیستم: ۱. مطبوعاتی و رسانه ای؛ ۲. شکل سیاسی و احزاب و ۳. تعلیم و تربیت عالی و دانشگاهی را در برگرفته، مستقل باشد، غفلت شده است. (همان، ص ۳) دیدگاه الهی - اجتماعی، شالوده مقاله «بازنگری نظریه ها و هنجاری رسانه و ارائه دیدگاهی اسلامی» است که در آن (آشنا و رضی، ۱۳۷۶: ۲۰۸) تلاش کرده با بهره گیری از نظریه هنجاری، این نظریه را اسلامی کنند و پس از طرح چند نظر، دیدگاه الهی - اجتماعی را برای رسانه های دینی مطرح نمایند (صص ۲۴۶ - ۲۰۷) پایین حال آنها نیز نتوانسته اند به صورت مستقل به رسانه اسلامی بپردازند، بلکه تلاش کرده اند مفاهیم و منابع جدیدی را وارد نظریه هنجاری سازند و در واقع هنجارهای دینی را به عنوان منبع عملکرد رسانه دینی بیان کنند (همان). همچنین پیام زین العابدینی در مقاله ای با عنوان «تفاوت های مدیریت رسانه اسلامی با مدیریت رسانه غربی» نشان داد که رسانه های غربی با استفاده تهاجم فرهنگی و با رواج تفکر اسلام دین نفرت و خشونت به دنبال نظام نوین جهانی هستند. در مقابل در مدیریت رسانه های ملی بیشتر به دنبال رواج امر به معروف و نهی از منکر، سیستم اخلاقی اسلامی، تقوا حکومت مهدوی و در نهایت به کمال رساندن روح و جسم انسان هستند (زین العابدینی، ۱۳۹۳). در مجموع بر اساس مبانی فلسفه اسلامی، واقعیت این جهان دارای یک هویت واحد، ذومراتب و در حال صیورورت مستمر وجودی است؛ بنابراین هر برشی از واقعیت دارای تمام خصوصیات واقعیت، اما در مقایسه با مرتبه قبلی خویش قوی تر و در مقایسه با مرتبه بالاتر خود ضعیف تر است. گویی هر واقعیت به ظاهر متمایز از سایر واقعیات از تمام خصوصیات واقعیات این عالم برخوردار است؛ بنابراین مهم ترین خصوصیت این جهانی که ما در آن زندگی می کنیم تغییر وجودی است. انسان نیز به عنوان بخشی از این جهان، موجودی است که در «حال تغییر مستمر و پیوسته وجودی به سمت بی نهایت مطلق» است. تنها تفاوت انسان آن است که بازه تغییرات آدمی نسبت به سایر بخش های هستی به دلیل برخورداری از ظرفیت بالاتر وجودی، گسترده تر است. در الگوی اسلامی رسانه، رسانه باید بتواند از طریق کمک به فهم موضوعات و ارتقاء کیفیت تصمیم گیری و نیز ترغیب به حرکت در مسیر صحیح، زمینه این رشد و صیورورت را ایجاد نماید.

سؤالات اصلی تحقیق

۱. بر اساس این مدل رسانه اسلامی چه ویژگی‌هایی دارد؟
۲. راهبردها و استراتژی‌های رسانه بر پایه این مدل چیست؟
۳. شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر بر رسانه اسلامی در این مدل چیست؟
۴. پیامدهای رسانه متعالی بر اساس این مدل چیست؟
۵. مدل مطلوب رسانه بر اساس مبانی و معارف اسلامی چیست؟

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر روش کیفی نظریه زمینه‌ای با رویکرد سیستماتیک است. جامعه آماری این بخش مطلعان کلیدی و افرادی که در حوزه رسانه دارای تجربه زیسته بودند که با استفاده از دو روش نمونه‌گیری «هدفمند آسان» و «گلوله برفی» تعداد ۱۸ نفر از آن‌ها که شامل ۵ نفر از اساتید دانشگاه‌ها که دارای حداقل ۵ سال سابقه تدریس در دوره کارشناسی ارشد یا دکتری رسانه را داشته باشند، ۴ نفر از متخصصان حوزه رسانه با حداقل ۵ سال سابقه مدیریت رسانه یا ۱۰ سال فعالیت ممتاز رسانه‌ای، ۳ نفر از خبرنگاران نمونه، ۲ نفر از مدیران عامل خبرگزاری و ۴ نفر متخصصان حوزه رسانه از حوزه‌های علمیه، اندیشیده‌ها و سایر نهادها که دارای مقاله یا مطلب علمی در مورد رسانه‌ها می‌باشد (جدول ۱). این افراد به صورت هدفمند و با توجه به قاعده اشباع نظری و به صورت داوطلبانه در پژوهش شرکت کردند.

جدول ۱: جامعه نمونه تحقیق

ردیف	سازمان	تعداد
۱	استاد دانشگاه	۵
۲	متخصصان رسانه و خبرگزاری	۴
۳	خبرنگار نمونه	۳
۴	مدیرعامل خبرگزاری	۲
۵	حوزه، اندیشکده و سایر نهادها	۴
	جمع	۱۸

پس از انجام هر مصاحبه، تمام صحبت‌های انجام‌شده عیناً در نرم‌افزار «ورد» پیاده و از این طریق، فایل صوتی به نوشتار تبدیل شد. در مرحله بعد، با بهره‌گیری از سازوکار تحلیل مضمونی، نوشتار طی سه مرحله کدگذاری باز (توصیفی)، کدگذاری محوری (تفسیری) و

کدگذاری انتخابی (یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر) تحلیل شد. با استفاده از یافته‌های این بخش، مدل مطلوب رسانه بر اساس مبانی و معارف اسلامی طراحی شد.

یافته‌های پژوهش

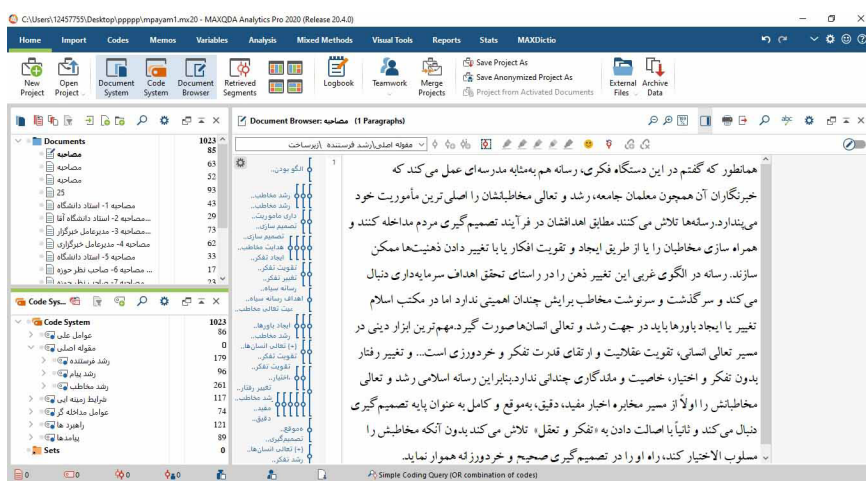
• مرحله اول پژوهش: بخش کیفی

۱. کدگذاری باز

برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی «۲۲»- MAX-QDA استفاده شد. در کدگذاری باز، مصاحبه‌های پیاده شده در قالب فرمت «docx» وارد نرم‌افزار MAXQDA شد. سپس با مطالعه خط به خط، کدها به بخش‌هایی از مصاحبه‌ها نسبت داده شدند. حاصل این مرحله، تولید ۱۰۲۳ کد توصیفی بود.

جدول ۲. برخی از کدهای باز (توصیفی) مرحله اول

همان‌طور که گفتیم: در این دستگاه فکری، رسانه هم به‌مثابه مدرسه‌ای عمل می‌کند.
رسانه‌ها تلاش می‌کنند مطابق اهدافشان در فرایند تصمیم‌گیری مردم مداخله کنند.
مکتب در اسلام تغییر یا ایجاد باورها باید در جهت رشد و تعالی انسان‌ها صورت گیرد.
خبرنگاران همچون معلمان جامعه، رشد و تعالی مخاطبانشان را اصلی‌ترین مأموریت خود می‌دانند.
بنابراین رسانه اسلامی رشد و تعالی مخاطبانش را اولاً از مسیر مخابره اخبار مفید، دقیق، به‌موقع و کامل به‌عنوان پایه تصمیم‌گیری دنبال می‌کند.
مهم‌ترین ابزار دینی در مسیر تعالی انسانی، تقویت عقلانیت و ارتقای قدرت تفکر و خردورزی است.



۲. کدگذاری محوری (تفسیری)

وظیفه محقق در این مرحله دسته‌بندی و مقایسه عناوین استخراج شده از داده‌هاست. این کار مستلزم وقت و حوصله بسیار است، چرا که در ابتدا ارتباط بین آنها چندان آشکار نیست. درواقع، محقق خود را با انبوهی از داده‌ها خام روبه‌رو می‌بیند که چندان به هم ربطی ندارند اما به‌زودی پیوندهای نامرئی هویدا خواهد شد و زیبایی مرحله داده‌بنیاد در این مرحله نهفته است. در کدگذاری محوری تکیه روی مشخص کردن یک مقوله (پدیده) با در نظر گرفتن شرایطی که به ایجاد آن می‌انجامد، قرار دارد؛ و آن شرایط عبارت است از زمینه‌ای خصوصیات ویژه که مقوله در آن واقع شده است، راهبردهای (استراتژی‌های) کنش/کنش متقابل که بدان وسیله مقوله اداره و کنترل می‌شود و به انجام می‌رسد؛ و پیامدهای آن راهبردها با استفاده از تکنیک مقایسه پایدار، زمینه ظهور ابعاد مشترک مفاهیم که همان کدگذاری محوری است، امکان‌پذیر شد (جابری منش و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۵).

در واقع، کدهای محوری گاه از ترکیب چند کد توصیفی، گاه از آوردن چند کد توصیفی در زیر یک کد توصیفی موجود و گاه از جمع چند کد توصیفی زیر یک کد محوری تولیدشده توسط محقق به وجود آمده‌اند. در این مرحله ۱۱۹ مفهوم کلیدی و ۵۸ مقوله استخراج شد. در جدول ۳ تعدادی از مفاهیم کلیدی ارائه شده است.

جدول ۳. برخی از مفاهیم کلیدی

ردیف	کدهای محوری مفاهیم	ردیف	کدهای محوری مفاهیم
۱	صاحب هدف و رسالت	۲۱	گزارش تلاش‌ها و خدمات مسئولین و مردم
۲	دارای قدرت حل مسئله	۲۲	راه هست (بن بست وجود ندارد)
۳	رشد مادی و معنوی	۲۳	حرکت هست (بازتاب موفقیت‌ها)
۴	هم راستا بودن اهداف شخصی و سازمانی	۲۴	ارتقاء نیازهای فطری
۵	رضایت شغلی	۲۵	رشد در ساحت‌های مختلف زندگی
۶	چابک	۲۶	استدلال محوری
۷	قابلیت ارزیابی ۳۶۰ درجه	۲۷	مصلحانه بودن
۸	ارتقاء دهنده	۲۸	ناظر به سطح مخاطب
۹	مبتنی بر کار گروهی	۲۹	تفکر و تعقل زایی

۱۰	افزایش درآمد	۳۰	امیدآفرینی
۱۱	کاهش هزینه	۳۱	اقتناعی
۱۲	هوشمند	۳۲	سازنده و حرکت بخش
۱۳	توسعه سامانه‌های جمع‌سپاری	۳۳	توجه به هدایتگری
۱۴	خبر درست به‌عنوان پایه تصمیم	۳۴	تعاملی
۱۵	تحلیل و روایت درست برای هدایت مخاطب	۳۵	امکان ایجاد آفرینش به مخاطب
۱۶	استفاده از ظرفیت تبلیغ	۳۶	قدرت کشف دادن به مخاطب
۱۷	الگوی تغییر ذهن	۳۷	به‌موقع و به‌هنگام بودن
۱۸	معرفی افراد موفق و تحلیل علل موفقیت آنها	۳۸	جذاب بودن (ارزش‌های خبری)
۱۹	معرفی خطاها و تحلیل آنها	۳۹	کامل بودن (ارکان خبر)
۲۰	صدای مردم شدن و پیگیری مطالبات برحق	...	

۳. کدگذاری انتخابی (مرحله سوم)

کدگذاری انتخابی عبارت است از فرایند انتخاب طبقه‌بندی اصلی، ارتباط بنیادی آن با دیگر طبقه‌بندی، تأیید اعتبار این روابط، و تکمیل طبقه‌بندی که ملزم به اصلاح و توسعه بیشتری دارند. کدگذاری انتخابی بر اساس نتایج کدگذاری باز و کدگذاری محوری، مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. به این ترتیب که مقوله محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند. (Bahmannia, Malaki, Khosravi, 2020:145)

در واقع، کدگذاری، تعدادی موضوعات مختلفی مشخص شدند که واژگان کلیدی پژوهش را ارائه می‌کنند. این مضامین بر اساس مضامین محوری ساخته شده‌اند، ولی در سطح تعمیم بالاتر از آن‌ها قرار گرفتند. در سطح اول مستقیماً از هر طرحی که بنیان پژوهش را شکل داده است، بهره و سعی شد که تعداد کدهای انتخابی تا حد ممکن محدود شوند و به حداقل معقولی برسند تا در نهایت مضامین نهایی که شامل عوامل مؤثر بر رسانه بر اساس مبانی و معارف اسلامی هستند شناسایی شوند.

در سطح دوم، مقولات استخراج‌شده در مرحله قبل، با برخی از افراد مصاحبه شده که

در دسترس پژوهشگران بودند، در میان گذاشته شدند و نظرات آن‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. مشخص گردید که مقولات شکل گرفته و نتایج استخراج شده انعکاسی نسبتاً صحیح از دیدگاه‌های آن‌ها می‌باشد و در مواقع وجود تناقض اختلاف‌های موجود رفع و مقولات نهایی استخراج گردید و با همکاری آن‌ها و با بحث گروهی بین محققان و چند نفر از متخصصان ابعاد نام‌گذاری و مقوله‌بندی گردید.

یافته‌های بخش تحلیل مصاحبه‌ها: بررسی نتایج به دست آمده از مصاحبه‌ها با صاحب‌نظران نشان داد که در حوزه رسانه اسلامی را می‌توان در ۱۸ بعد و ۵۸ مقوله مطابق جدول و نمودار ذیل گروه‌بندی کرد.

جدول ۴. ابعاد و مقوله‌های رسانه اسلامی

ابعاد	مقوله
رشد فرستنده	رشد منابع انسانی
	رشد ساختار سازمانی
	رشد منابع مالی
	رشد فن آوری و زیرساخت
رشد پیام	در محتوی
	در فرم
رشد مخاطب	ارتقاء کیفیت تصمیم‌گیری
	ایجاد انگیزه برای حرکت
	الگوساز
	حامی و دستگیر مخاطب
	امیدآفرین
	آگاهی‌بخش برای رشد در ساحت‌های مختلف
راهبردهای سازمانی	سالم‌سازی محیط کار
	هوشمند شدن
	اجتماعی شدن
	توجه به ابعاد علمی فعالیت رسانه‌ای و دانش‌های جدید در این حوزه
	افزایش بهره‌وری
	توجه به زیرساخت‌های فناوری

امیدآفرینی	راهبردهای محتوایی
مطالبه‌گری	
تحول در محتوا و کیفیت تولیدات	
چندرسانه‌ای شدن تولیدات	
متعامل شدن	
آموزش و ارتقا نیرو انسانی متبحر	راهبردهای آموزشی و پژوهشی
تکمیل زنجیره تأمین تولید محتوا	
عدم آشنایی عمده مالکان و ذی‌نفعان رسانه با کارکردها و تکنیک‌های رسانه	زمینه فرهنگی
نبود اخبار امیدبخش و برجسته‌سازی اخبار منفی در رسانه	
روابط ناسالم اقتصادی برخی خبرنگاران با حوزه‌های خبری	زمینه اقتصادی
درآمدزایی شبهه‌ناک و غیراصولی	
ضعف جدی در اقتصاد رسانه	
عدم آشنایی مسئولین و تصمیم‌گیران با کارکردهای رسانه	زمینه سیاسی
نبود قوانین به‌روز و کاربردی	
سطحی بودن تولیدات رسانه‌ای هم در محتوا هم در تکنیک ارائه	زمینه علمی
نداشتن نظام مسائل و عدم ارتباط با خبرگان	
عدم رعایت مسائل فقهی و اخلاقی در تولیدات رسانه‌ای	
عدم آشنایی کمبود نیروهای متخصص و کاربرد	
نبود سیستم جذب علمی، مدیریت استعدادها و جانشین‌پروری	
هدفمند نبودن پژوهش و مرتبط نبودن مسائل پژوهش با تحریریه و آموزش و	
مأموریت سازمانی	
تحقیق	مشکلات برون‌سازمانی (رسانه سیاه)
تردید	
تسویل	
تحقیر	
تهدید	
اینستاگرام و توییتر (شهید سلیمانی و ...)	اقدامات سلبی
پرس تی وی	
دامنه فارس	
تحریم صداوسیما و خبرگزاری فارس	
از لذت طلبی مادی تا تقرب به خدا	پیامد رشد فردی

پيامد رشد در ارتباط با طبيعت	از انسان مسخر طبيعت تا انسان جانشين خدا در طبيعت
پيامد رشد در ارتباط با جامعه	از استخدام جامعه توسط فرد تا فداکاری برای جامعه
مبنای غلط	فقدان نظریه
	مأموریت مبهم
راهبرد مبهم	ساختار نامطلوب
	فرایندهای ناکارآمد
	نیروی انسانی با توانایی کم
نتایج نامطلوب	اهداف غیردقیق
	فقدان برنامه جامع
	اقدامات غیر مؤثر

به سؤالات پژوهش

سؤال اول: بر اساس این مدل رسانه اسلامی چه ویژگی‌هایی دارد؟

طبق باور دینی ما، عالم مدرسه‌ای است که عرصه‌های مختلف آن وظیفه به فعلیت رساندن استعدادهایی را دارند که خداوند در وجود انسان‌ها به ودیعه گذاشته است. در این مدرسه هستی اولین معلم و مربی خود پروردگار است و انسان موحد با استعانت از «رب العالمین» وظیفه دارد که با حرکت و تلاشی هدفمند، مسیر رشد و تعالی را برای خود و سایر افراد جامعه محقق کند. (رفیعی آتانی، ۱۳۹۸: ۳۰۰). این تلاش و حرکت، جلوه‌ای است از عبودیت الهی که خالق متعال به‌عنوان مأموریت برای بندگان مقرر فرموده است. (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ). در این دستگاه فکری، رسانه هم به‌مثابه مدرسه‌ای عمل می‌کند که خبرنگاران آن همچون معلمان جامعه، رشد و تعالی مخاطبان‌شان را اصلی‌ترین مأموریت خود می‌پندارد. باتوجه به یافته‌های پژوهش مدل رسانه اسلامی دارای سه بعد رشد فرستنده، رشد پیام و رشد مخاطب می‌باشد.

رشد فرستنده: ذیل مفهوم فرایند رسانه که عبارت است از (فرستنده، پیام، گیرنده و بازخورد)، فرستنده به‌عنوان عامل تولید پیام، مورد توجه قرار می‌گیرد.

رشد منابع انسانی: مهم‌ترین موضوع در این بخش ویژگی‌های منابع انسانی تولیدکننده پیام باشد؛ یعنی منطبق بر رسالت و مأموریت رسانه اسلامی که در نظریه به آن پرداخته شد، نیروی انسانی باید توانایی‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های تولید این پیام را داشته باشد. موضوع ارزیابی

عملکرد، آموزش، حفظ و نگهداشت، هدایت شغلی و نظام انگیزش و ارتقاء و نیز نحوه جبران خدمت نیروی انسانی (عوامل تولید) در این بخش حائز اهمیت است. فراهم آوردن سازوکارهای لازم جهت رشد سازمانی، رشد مادی و رشد معنوی از مشخصات رسانه اسلامی می باشد.

رشد ساختار سازمانی: چنانچه رسانه های اسلامی از تقویت ساخت درونی خود غفلت کند دچار یکی از دو آفت ذیل می شوند: یا به زودی در نبرد نابرابر با رسانه های غیراسلامی، شکست را پذیرفته و محکوم به حذف می شوند و یا با انحراف در مسیر، دچار استحاله شده و رسالت خود را از دست می دهند. در اصلاح ساختارها هم رویکردهای علمی دقیق باید رعایت شود و هم برای اقناع و پذیرش همه نیروها تلاش کرد؛ و این دو خود نیاز به تجربه و صلاحیت را طلب می کند؛ برای همین است که بسیاری از رسانه ها به چنین تحولاتی تن نمی دهند و یا اگر آن را در دستور کار قرار دهند آن را به صورت ناقص و حتی مضر اجرایی می کنند.

رشد منابع مالی: یکی از موضوعات مهم رسانه ها، منابع مالی و اقتصادی آنهاست و از آنجاکه در برخی رسانه ها نسبت به این امر بی توجهی شده است، ایرادات و کژکارکردهایی را به همراه داشته است؛ بنابراین بهره ور شدن سازمان رسانه ای می تواند مقدمه رشد مادی و معنوی کارمندان و به تبع آن محتوا و مخاطب باشد و با افزایش مخاطب درآمدهای رسانه را نیز افزایش دهد. براین اساس مدل جبران خدمت بر مبنای کارانه و ارزش کمی و کیفی تولیدات می تواند اهداف سازمانی و اهداف فردی را هم راستا کرده و به بهره ور شدن سازمان کمک نماید. ضمناً مدیریت منابع باهدف جلوگیری از اتلاف آن می تواند هزینه های سازمانی را کاهش دهد.

رشد فن آوری و زیرساخت: تعاملی شدن رسانه و استقرار سیستم های ارزیابی و رصد و سامانه های بهبود مأموریت، نیازمند زیرساخت های به روز می باشد که در تحلیل رویدادها، پدیده ها و شناخت ترندها کارگشاست و اشراف بر آنها به رشد محتوایی تولیدات می انجامد.

رشد پیام: پیام یا محتوا مهم ترین عنصر مأموریتی رسانه هاست. رسانه ها بنا به مأموریت و اهدافی که برایشان به وجود آمده اند، اقدام به تولید محتوا می کنند؛ این تولید محتوا در رسانه اسلامی دارای ویژگی هایی زیر است.

رشد محتوی: برای پیام (محتوا) رسانه اسلامی ویژگی هایی متصور است که این موارد با رشد مخاطب و نیز رشد تولیدکنندگان محتوا نسبت مستقیم دارد. استدلال محوری، تفکر و تعقل زایی، امیدآفرینی، قابلیت اقناع، سازنده و حرکت بخش بودن، مصلحانه بودن، تعاملی

بودن، قدرت کشف به مخاطب دادن و امکان ایجاد محتوای پسینی و مکمل (آفرینش محتوا) توسط مخاطب، از ویژگی‌ها و شاخص‌های محتوای تعالی بخش در رسانه است.

رشد نرم: در مقوله نرم نیز کامل و جامع بودن (ارکان خبر)، داشتن جذابیت (ارزش‌های خبری) و به هنگام و به موقع بودن از شاخص‌های مهم رسانه رشددهنده است.

رشد مخاطب: مهم‌ترین ابزار دینی در مسیر تعالی انسانی، تقویت عقلانیت و ارتقای قدرت تفکر و خردورزی است... و تغییر رفتار بدون تفکر و اختیار، خاصیت و ماندگاری چندانی ندارد؛ بنابراین رسانه اسلامی رشد و تعالی مخاطبانش را اولاً از مسیر مخابره اخبار مفید، دقیق، به موقع و کامل به عنوان پایه تصمیم‌گیری دنبال می‌کند و ثانیه باصالت دادن به «تفکر و تعقل» تلاش می‌کند بدون آنکه مخاطبش را مسلوب الاختیار کند، راه او را در تصمیم‌گیری صحیح و خردورزانه هموار نماید.

ارتقاء کیفیت تصمیم‌گیری: همه ما در زندگی روزانه دائماً در حال تصمیم‌گیری هستیم، روزانه ممکن است ده‌ها تصمیم را در حوزه فردی و جمعی بگیریم که به تناسب جایگاه و مسئولیتی که داریم اثرات خرد و کلانی به همراه داشته باشد. هراندازه که این تصمیمات دقیق‌تر و صحیح‌تر باشد، مسیر روبه جلوی حرکتی ما هوشمندانه‌تر پیموده خواهد شد. برعکس این موضوع هم کاملاً محتمل است. در ریشه‌یابی بسیاری از معضلات و مشکلاتی که در جامعه با آن مواجهیم، به تصمیمات غلط فردی یا سازمانی می‌رسیم؛ بنابراین جامعه‌ای به پیشرفت می‌رسد که اعضاء آن جامعه بتوانند تصمیمات صحیحی اتخاذ کنند. در رسانه‌های غیراسلامی، ایجاد یا تغییر باورها و ذهنیت‌ها، در مسیر تحقق اهداف سرمایه‌داری صورت می‌گیرد و سرنوشت مخاطب چندان برای این رسانه‌ها مهم نیست؛ اما رسانه‌های اسلامی که پایبند به ارزش‌های دینی و انقلابی هستند مانند یک دانشگاه عمل کنند. مأموریت یک رسانه اسلامی تعالی و رشد مخاطب است که رشد مخاطب نسبت مستقیم با رشد تفکر و فرایند تعقل در ذهن‌ها دارد. انجام یا تغییر یک رفتار بدون فکر و تعقل چندان ماندگار و مهم نیست بنابراین رسانه اسلامی مخاطب را مسلوب الاختیار نمی‌خواهد بلکه تلاش می‌کند با رشد دادن تعقل و تفکر، مسیر تصمیم‌گیری خردورزانه را برای مخاطبانش هموار کند و از این طریق به پیشرفت جامعه کمک نماید.

ایجاد انگیزه برای حرکت: مخاطب رسانه اسلامی باید متأثر از تولیدات رسانه انگیزه حرکت به جلو برای تقویت یا اصلاح مسائل و نواقص پیرامونی خود پیدا کند. به این معنا که

تولیدات رسانه نباید تلقی ایجاد بن بست برای مخاطبش به وجود آورد.

الگوساز: همچنین الگوسازی برای مخاطب برای معرفی چهره‌ها و اقدامات صحیح و نیز تحلیل بدی‌ها و پلشتی‌ها به منظور قدرت تشخیص دادن به وی ضروری است و از کارکردهای رسانه اسلامی است. حَتَّى يَمَيِّزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ (آل عمران، ۱۷۹)

حامی و دستگیر مخاطب: رسانه اسلامی از آنجاکه وظیفه معلمی برای خود قائل است باید بتواند برای اثربخش کردن محتوای خود بر روی مخاطب، رابطه و تعلق عاطفی ایجاد نماید. براین اساس حامی بودن رسانه نسبت به مخاطبش می‌تواند ضریب نفوذ بر ذهن مخاطب را افزایش داده و هدایتگری را مؤثرتر نماید.

امیدآفرین: متأسفانه انتشار اخبار بد و افراط در آن در رسانه‌ها به حدی است که جامعه را دچار مشکلات فراوانی کرده است. مردم در مواجهه با این سؤال که آخرین خبر خوبی که در رسانه‌ها شنیده یا خوانده‌اید چه بوده است، به ندرت مصادیقی را بیان می‌کنند. این مسئله عصبیت‌های جامعه را بالا برده و احساس می‌شود که مردم عصبانی‌تر و کم تحمل تر شده‌اند. رسانه اسلامی مخالف سیاه‌نمایی و سفید نمایی است. زیرا این دو رویکرد باعث توقف در جامعه می‌شود. لیکن رویکرد رسانه اسلامی در مواجهه با مصائب و مشکلات، به جای محدود کردن خود به بیان مسئله و مشکل، راهکارهای برون رفت آن را نیز از زبان کارشناسان و متخصصان امر مطالبه و منتشر می‌کند؛ بنابراین باعث حرکت در جامعه جهت حل و برون رفت از مشکلات می‌شود.

آگاهی‌بخش برای رشد در ساحت‌های مختلف: ساحت‌های مختلف شامل: خوردن و خوابیدن، سلامتی، تدارک و مصرف، کسب آگاهی، نقش‌های اجتماعی، خانواده، عبادت، کار و اشتغال، رفت و آمد؛ و تفریح و سرگرمی می‌باشد. بدیهی است که تفاوتی میان انسان مسلمان و غیر مسلمان در این ساحت‌ها وجود ندارد. در اینجا مطابق آنچه گفته شد رسانه اسلامی باید بتواند با عقلانیت اسلامی در عرصه‌های فوق تمایلات فطری انسان‌ها را هدایت کرده و به کمال برساند و نیازهای آن‌ها را با دستگاه فکری و نظری خود پاسخ دهد.

سؤال دوم: راهبردها و استراتژی‌های رسانه بر پایه این مدل چیست؟

راهبردها و استراتژی‌های رسانه از سه راهبرد سازمانی، محتوایی، و آموزشی و پژوهشی تشکیل شده است.

راهبرد سازمانی شامل

هوشمند شدن: هوشمندسازی به معنای استفاده از تکنیک‌ها و ابزارهای فناوری به منظور مدیریت، اداره صحیح امور، ساده‌سازی کارها، حرفه‌ای‌تر شدن فعالیت‌ها، سرعت بخشیدن به امور، کاهش مصرف انرژی و به صورت کلی استفاده حداکثری از خدماتی که می‌توان از فناوری اطلاعات گرفت. بهره‌گیری از سیستم‌های هوشمند که فناوری پیشرفته‌ای داشته و نسبت به جهان اطراف خود واکنشی توأم با ادراک دارند، باعث فراهم آوردن امکان مخاطب‌شناسی با دقت بسیار بالا، فراهم آوردن امکان اثر سنجی فعالیت‌ها و دریافت بازخورد برای اصلاح سیاست‌ها، فراهم شدن امکان ایجاد محیط کاربری مخصوص برای هر مخاطب، ایجاد امکان رصد، نظارت و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مدیریتی مجموعه خبرگزاری، جلوگیری از اتلاف منابع سازمانی و جهت‌دهی هدفمند به اقدامات و شیوه جبران خدمت هوشمندانه نسبت به همکاران، افزایش اشراف، دقت و سرعت در حوزه خبری می‌شود.

اجتماعی شدن: اجتماعی شدن رسانه به معنای حضور رسانه در ساحت‌های مختلف زندگی مورد نیاز بشر است؛ یعنی رسانه‌ای که کارکرد آن رشد دادن مردم است از طریق دادن اطلاعات دقیق و صحیح و به‌موقع و نیز با آموزش مهارت‌های لازم برای زندگی باید بتواند بی‌آنکه مخاطبش را مسلوب الاختیار کند، زمینه تصمیم‌گیری درست در زندگی مخاطبان‌ش را ایجاد کرده و مقدمه رشد آن‌ها را فراهم آورد. به یک معنا رسانه اسلامی باید در زندگی مردم حضور داشته باشد و نیازهای آن‌ها را بشناسد و با عقلانیت دینی و اسلامی به آن پاسخ دهد.

و راهبردهای محتوایی شامل:

امیدآفرینی و مطالبه‌گری: عدالت‌خواهی و مطالبه‌گری فلسفه وجودی رسانه است. اهمیت دادن به این اصول کلی تقویت انقلاب است. اما برای پیاده‌سازی رسانه‌ای این هدف مهم دو اصل محتوایی را باید رعایت کنیم. ۱. واقع‌بینی همراه با آرمان‌گرایی ۲. انتقاد سازنده همراه با امیدآفرینی

تحول در محتوا و کیفیت تولیدات: شامل تقویت تولیدات اصلی و فاخر توسط نیروهای حرفه‌ای خبرگزاری و ضریب دادن به آن‌ها در صفحات اصلی، استفاده از قواعد گیم تئوری و گیمیفیکیشن، طراحی و تقویت سازوکار نظارتی بر انتشار تولیدات.

چندرسانه‌ای شدن تولیدات: مالتی مدیا که به فارسی چندرسانه‌ای ترجمه می‌شود؛ در

حقیقت تکنیک ترکیب کردن رسانه‌های مختلف برای بیان یک ایده به شمار می‌رود. کاری که مالتی مدیا انجام می‌دهد این است که بین رسانه‌های مختلف نظیر عکس، صدا، نوشته، ویدئو، انیمیشن و ... به منظور رساندن یک پیام مشخص تعامل ایجاد می‌کند. با توجه به موقعیت و کاربردهای مختلف، از مالتی مدیا به عنوان رسانهٔ دوجبهی، فرا رسانه یا رسانه ترکیبی یاد می‌کنند.

متعامل شدن: اگر یک تکنولوژی ارتباطی محیطی خلق کند که در آن کاربران بتوانند ارتباط چندگانه (یک به یک، یک به چند، چند به چند) برقرار کنند و در تبادل پیام شرکت نمایند، رسانه‌ای تعاملی به وجود آمده است؛ بنابراین تعاملی بودن از دید کاربر به این معناست که وی می‌تواند درک و تصور خود را به اشتراک گذاشته و او نیز در فرایند ارتباط، مؤثر باشد.

راهبردهای آموزشی و پژوهشی شامل:

آموزش و ارتقا نیرو انسانی متبحر: نیروی انسانی شاغل در خبرگزاری نیازمند آموزش‌های مستمر و علی‌الدوام است؛ اما تا پیش از این آموزش‌ها به صورت حجمی و برابر برای همه در نظر گرفته می‌شده و در بهترین حالت، صرفاً بر اساس درجه سازمانی یا طبقه‌بندی شغلی تفکیک می‌شده است؛ اما ساختارهای آموزشی با هوشمندی و گزینشگری صحیح، نیازهای واقعی هر فرد را شناسایی کرده و او را در افق مطلوب مهارتی خود مشمول آموزش‌ها قرار می‌دهد. این چنین هم از هدررفت منابع اجتناب می‌شود و هم بهره‌وری و سرعت آموزش‌ها ارتقاء می‌یابد؛ در نتیجه به سازمان توانایی و نشاط دوباره می‌بخشد.

تکمیل زنجیره تأمین تولید محتوا: یک رسانه انقلابی باید بتواند از تمام مبانی و ارزش‌های انقلاب اسلامی که مستظهر به قرآن و معارف اسلامی است در کنش فکری و رسانه‌ای خود بهره بگیرد. همچنین نباید از ظرفیت علمی و معرفتی حوزه، دانشگاه، پژوهشگاه‌ها و اندیشکده‌های دینی و انقلابی غافل شد. رسانه برای جلوگیری از سطحی شدن و تولید پیام‌های عالمانه و اثربخش باید تلاش نماید تا گسست بین حوزه عمل و حوزه نظر را در کار خود پر کند و زنجیره تأمین تولید محتوا از حوزه و دانشگاه به رسانه را بشناسد و بشناساند و نهایتاً برای تولید محتوا و تحقق مأموریت خود از آن بهره بگیرد.

سؤال سوم: شرایط زمینه‌ای و عوامل مداخله‌گر بر رسانه اسلامی در این مدل چیست؟

علاوه بر شرایط علی که منجر به شکل‌گیری مقوله کانونی می‌شود شرایطی وجود دارد که بر روی راهبردهای عمل / تعامل اثر می‌گذارد که شرایط زمینه‌ای نامیده می‌شود. شرایط زمینه‌ای در چهار حوزه فرهنگی، اقتصادی سیاسی و علمی دسته‌بندی شده است.

زمینه فرهنگی: عدم آشنایی عمده مالکان و ذی‌نفعان رسانه با کارکردها و تکنیک‌های رسانه و نبود اخبار امیدبخش و برجسته‌سازی اخبار منفی در رسانه‌ها شرایط فرهنگی نامناسبی را باعث می‌شود که این عوامل بر راهبردهای رسانه اسلامی تأثیر می‌گذارد.

زمینه اقتصادی: در مصاحبه با خبرگان حوزه رسانه مقولاتی مانند: روابط ناسالم اقتصادی برخی خبرنگاران با حوزه‌های خبری؛ و درآمدزایی شبهه‌ناک و غیراصولی باعث ضعف جدی در اقتصاد رسانه شده است.

زمینه سیاسی: عدم آشنایی مسئولین و تصمیم‌گیران با کارکردهای رسانه به‌عنوان رکن چهارم دموکراسی و نبود قوانین به‌روز، کاربردی و حمایتی از جمله شرایط زمینه‌ای از دیدگاه آگاهی‌دهندگان عنوان شده است.

زمینه علمی: مصاحبه‌شوندگان عللی از قبیل: سطحی بودن تولیدات رسانه‌ای هم در محتوا هم در تکنیک ارائه، نداشتن نظام مسائل و عدم ارتباط با خبرگان، عدم رعایت مسائل فقهی و اخلاقی در تولیدات رسانه‌ای، عدم آشنایی کمبود نیروهای متخصص و کاربلد، نبود سیستم جذب علمی، مدیریت استعدادها و جانشین‌پروری؛ و هدفمند نبودن پژوهش و مرتبط نبودن مسائل پژوهش با تحریریه و آموزش و مأموریت سازمانی را مقولات زمینه‌ای می‌دانند که در راهبردهای رسانه اسلامی تأثیر می‌گذارد.

عوامل مداخله‌گر: عواملی وجود دارند که از بیرون سازمان و به طور غیرمستقیم بر عملکرد رسانه تأثیر می‌گذارند این عوامل مداخله‌گر شامل:

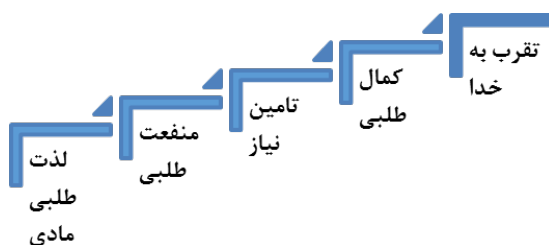
مشکلات برون‌سازمانی (رسانه سیاه): که از راه تحقیق و با استفاده از محتوای صرفاً سرگرم‌کننده، وقت‌گذران باعث گذران عمر و لهو و لعب شدن زندگی مخاطبان می‌شود، با تردید، تسویل و سیاه‌نمایی و سفید‌نمایی و استفاده از دروغ باعث ایجاد شک و تردید در مخاطب می‌شود و با، تحقیر و تهدید بر مخاطبان مذهبی و مقید خود تأثیر می‌گذارد.

تحریم و سانسور رسانه‌های خلاف جریان اصلی: جریان رسانه‌های غیراسلامی با تحریم مثلاً اینستاگرام و توییتر در موضوع سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و ... باعث سانسور

محتوای رسانه‌های اسلامی شده و همچنین با حذف دامنه خبرگزاری فارس و شبکه تلویزیونی پرس تی وی و صداوسیما رسانه‌های اسلامی را تحریم می‌کنند.

سؤال چهارم: پیامدهای رسانه متعالی بر اساس این مدل چیست؟

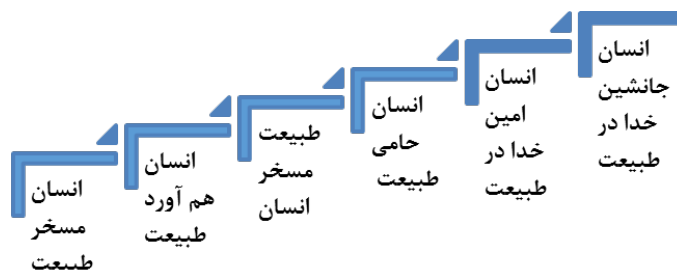
پیامد رشد فردی: بر اساس قاعده «النفس فی وحدت‌ها کل القوی» (سینوی، ۱۳۹۸). نفس و روح آدمی یک کل تجزیه‌ناپذیر است، همه رفتارهای آدمی محصول تلاش آدمی برای تحقق تجزیه‌ناپذیر همه اهداف است؛ بنابراین هیچ انسانی وجود ندارد که یک رفتار تولیدی یا مصرفی را فقط به منظور حداکثرسازی منفعت مادی انجام دهد؛ بلکه او این رفتار را مانند همه رفتارهای دیگرش برای تحقق همه اهدافش انجام خواهد داد؛ اما نکته اساسی و مهم آن است که انسان‌ها از منظر تشخیص درست هدف، به گونه واحدی نیستند. گستره انسان‌های واقعی، از افرادی آغاز می‌شود که حتی منافع مادی خود را تشخیص نمی‌دهند و تا کسانی امتداد دارد که جز خدا را هدف نمی‌گیرند. درت تشخیص و انتخاب جهت حرکت جز بر پایه تفکر و آگاهی و تدبیر امکان‌پذیر نیست. رسانه اسلامی در این نقطه می‌تواند دستگیر مخاطبانش باشد که اولاً جهت را نشان دهد و ثانیاً با کمک به ذهن مخاطب و از طریق تفکر و تعقل زمینه‌ساز ارتقاء حرکت وجودی او شود. مراحل رشد فردی در نمودار ۳ نشان داده شده است.



نمودار ۳: مراحل رشد فردی

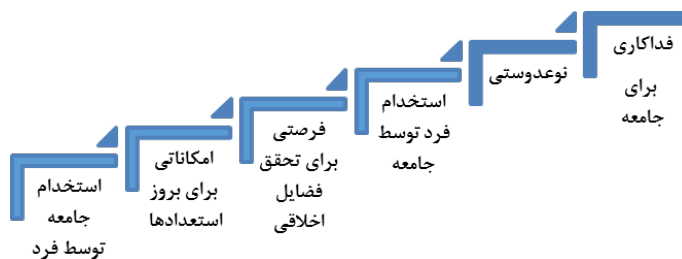
پیامد رشد در ارتباط با طبیعت: در این منظومه نظری اسلامی، طبیعت مادی پائین‌ترین سطح هستی است که در یک نظام سبب و مسببی به خداوند منتهی می‌شود. در واقع جهان واقعی‌تری ذومراتب است که از طبیعت مادی تا مجردات امتداد وجودی دارد. در این میان انسان مسافری است که از نقطه آغازین خود کاملاً تابع طبیعت است اما به مرور با تغییر وجودی خود

به واسطه علم و عملش به مجرد محض تبدیل می شود چنانچه دیگر با ابزار شناخت طبیعت قابل شناخت نخواهد بود. در واقع به مرور استقلال انسان از طبیعت بیشتر می شود و تا جایی که طبیعت را به اراده خود می گیرد، حامی آن می شود، امین خدا در طبیعت می گردد و نهایتاً جانشین خداوند در طبیعت می شود. رسانه؛ هم در آگاهی بخشی و علم آموزی و هم در ترغیب به عمل درست باید بتواند در این مسیر صیورورت مخاطبانش نقش آفرینی کند. مراحل رشد در ارتباط با طبیعت در نمودار ۴ نشان داده شده است.



نمودار ۴: مراحل رشد در ارتباط با طبیعت

پیامد رشد در ارتباط با جامعه: نسبت انسان با جامعه نیز دو مراتب است و هراندازه که انسان از لحاظ وجودی ارتقا یابد مناسبات کامل تری بین او و جامعه برقرار می شود. ارتقا وجودی انسان در دو بعد عمل و عمل است که با وظایف رسانه مطابق آنچه که گفته شد، مطابقت دارد. جدول زیر تمثیلی از نسبت دو مراتب و فازی بین انسان و جامعه را نمایش می دهد.



نمودار ۵: نسبت دو مراتب و فازی بین انسان و جامعه

سؤال پنجم: مدل مطلوب رسانه بر اساس مبانی و معارف اسلامی چیست؟

بخش های مختلف مدل پارادایمی رسانه بر اساس مبانی و معارف اسلامی (شرایط علی،

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق نشان داد که بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران و نخبگان، مدل مطلوب رسانه بر اساس مبانی و معارف اسلامی باید نسبت به اصلی‌ترین موضوع که رشد انسان در ساحت‌های گوناگون است اهتمام داشته باشد. رشد به صورت ذو مراتبی و صیوروت مستمر وجودی است که از طرق متفاوت به دست می‌آید؛ بنابراین پژوهش رسانه در تمام ساحت‌ها (عبودیت و بندگی، شغل و کار، مراقبت و سلامتی، خانواده، مصرف و تدارک، رفت‌وآمد، تفریح و سرگرمی، نقش‌های اجتماعی، کسب آگاهی و...) باید مسیر رشد انسان‌ها را تسهیل نماید.

باتوجه به نتایج حاصل شده در این پژوهش موارد زیر از مؤلفه‌های اساسی رسانه اسلامی است. ۱. مدل رسانه اسلامی دارای سه بعد رشد فرستنده، رشد پیام و رشد مخاطب می‌باشد. رشد فرستنده عبارت است از رشد عامل تولید پیام. رشد پیام: رسانه‌ها بنا به مأموریت و اهدافی که برایشان به وجود آمده‌اند، اقدام به تولید محتوا می‌کنند؛ این تولید محتوا در رسانه اسلامی دارای ویژگی رشد محتوی و رشد فرم است. رشد مخاطب: رسانه اسلامی رشد و تعالی مخاطبانش را اولاً از مسیر مخابره اخبار مفید، دقیق، به موقع و کامل به عنوان پایه تصمیم‌گیری دنبال می‌کند و ثانیه باصالت دادن به «تفکر و تعقل» تلاش می‌کند بدون آنکه مخاطبش را مسلوب الاختیار کند، راه او را در تصمیم‌گیری صحیح و خردورزانه هموار نماید.

۲. راهبردها و استراتژی‌های جهت‌دست‌یابی به رسانه اسلامی شامل سه راهبرد سازمانی، محتوایی، و آموزشی و پژوهشی است.

۳. شرایطی وجود دارد که بر روی راهبردها تأثیر می‌گذارد این شرایط شامل شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌ای و شرایط علی می‌باشد. شرایط زمینه‌ای شامل چهار حوزه شرایط فرهنگی، شرایط اقتصادی، شرایط سیاسی و شرایط علمی است. عوامل مداخله‌گر شامل: مشکلات برون‌سازمانی (رسانه سیاه)؛ و تحریم و سانسور رسانه‌های رسانه اسلامی می‌باشد. عوامل علی شامل: مبانی غلط، راهبردهای نادرست و نتایج نامطلوب است.

۴. پیامدهای رسانه اسلامی بر اساس این مدل شامل: پیامد رشد فردی: از لذت‌طلبی مادی تا تقرب به خدا است. پیامد رشد در ارتباط با طبیعت: از انسان مسخر طبیعت تا انسان جانشین خدا در طبیعت است. پیامد رشد در ارتباط با جامعه: از استخدام جامعه توسط فرد تا فداکاری برای جامعه را در بر می‌گیرد.

منابع

۱. آشنا، حسام الدین و رضی، حسین (۱۳۷۶). «بازنگری نظریه‌های هنجاری رسانه‌ها و ارائه دیدگاهی اسلامی»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۴ (۲)، صص ۲۴۶-۲۰۷.
۲. بکت، چارلی و جیمز، بال (۱۳۹۴). زشت و زیبای پدیده ویکی لیکس خبر در عصر شبکه‌ای، ترجمه حبیب‌الله معظمی، تهران: انتشارات اطلاعات.
۳. جابری منش، عذرا، شیری، اردشیر و تابان، محمد (۱۳۹۸). «فهم شکل‌گیری صمیمیت سازمانی با استفاده از روش داده‌بنیاد»، فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی، ۷ (۲)، بهار، صص ۱۱-۲۶.
۴. رضوی زاده، سید نورالدین (۱۳۸۶). بررسی تأثیر مصرف رسانه‌ها بر سبک زندگی ساکنان تهران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. رفیعی آتانی، عطاالله (۱۳۹۸). نظریه‌پردازی با رویکرد حل مسائل زندگی عقلایی‌ترین رویکرد مجمع عالی علوم انسانی اسلامی، تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا.
۶. زین‌العابدینی، پیام (۱۳۹۳). «تفاوت‌های مدیریت رسانه اسلامی با مدیریت رسانه غربی»، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم.
۷. سینی، برکه اله (۱۳۹۸). «تبیین و بررسی» النفس فی وحدت‌ها کل القوی» از منظر صدرالمآلهین شیرازی»، مجله بین‌المللی متافیزیکا، ۲ (۳)، صص ۱۳۱-۱۴۵.
۸. گلفشان، عاطفه و واثق، محمود (۲۰۱۶). «بررسی و تبیین نقش اندیشه‌های فلسفی در جغرافیای سیاسی (مطالعه موردی: جغرافیای سیاسی در اندیشه توماس هابز)»، پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۱۱ (۱)، صص ۱۶۷-۱۹۹.
۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق.). بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الرفاء، جلد ۱۱۰.
۱۰. مک کوایل، دنیس (۱۳۸۲). درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجالالی، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های رسانه.
۱۱. مک کوایل، دنیس (۱۳۹۴). مخاطب‌شناسی، ترجمه مهدی منتظر قائم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

۱۲. مولانا، سید حمید (۱۳۸۲). الگوی مطبوعات و رسانه‌های اسلامی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

۱۳. حسینی، حسن (۱۳۸۶). «دین و رسانه؛ رسانه دینی یا دین رسانه‌ای مطالعات نظری»، مجموعه مقالات دین و رسانه، تهران: مرکز پژوهش‌های رادیو.

۱۴. یوسف زاده، حسن (۱۳۹۴). درآمدی بر ارتباطات جمعی از منظر اسلام الگوی رسانه مطلوب، قم: موسسه آموزشی امام خمینی.

۱۵. مولانا، سید حمید (۱۳۸۸). در نسبت دین و ارتباطات، درآمدی بر کتاب دین در عصر رسانه نوشته استوارت هوور، ترجمه علی عامری مهابادی، فتاح محمدی و اسماعیل اسفندیار، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.

16. Bahmannia, Hengameh, Malaki, Hassan, Khosravi, Mahboubeh (2020). Designing a Model for Teacher Competencies in Elementary Education. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 3(3), October.

17. Strauss, A.L. & Corbin, J.M (1998). Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory. 2nd edn, Thousand Oaks, California.

نقش مولفه های حکمرانی خوب در تحقق قدرت نرم اقتصادی ایران (مطالعه موردی نظام بانکی)

مسعود نادری^۱

ابوالفضل جعفرقلیخانی^۲

طیبه بلوردی^۳

چکیده

براساس دیدگاه اقتصاددانان نهادگرا، ضعف ساختار و عملکرد نهادها یکی از دلایل توسعه نیافتگی کشورها است. حکمرانی خوب به عنوان فرصتی برای افزایش رشد اقتصادی، امنیت اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار می تواند نقش بسزایی در رسیدن به اهداف توسعه پایدار ایفا کند. امروزه تمایلات زیادی برای درک ماهیت مولفه های حکمرانی به عنوان ابزار ارتقاء فرایند توسعه یافتگی وجود دارد. در این مسیر ایجاد شفافیت اطلاعاتی و تولید، تحلیل و ارائه اطلاعات درست، دقیق و به روز و دسترسی آزاد به اطلاعات نیز از موارد ضروری به نظر می رسد، به موازات پایبندی و اجرای این اصول توسط حاکمیت هر کشوری، ضروری است تشکلهای در حوزه اقتصادی تلاش کرده و از بخش خصوصی و توسعه آن در کشور پشتیبانی کنند و برای ترویج و نهادینه کردن رقابت پذیری در اقتصاد کشور به عنوان یکی از ارکان حکمرانی خوب، اقدامات لازم را انجام دهند که می توان به مواردی از قبیل ارتقای توانمندی بخش خصوصی در کشور، ترویج و نهادینه کردن کارایی، اثربخشی و کارآمدی در همه برنامه های اقتصادی و صنعتی، کمک به ارتقای توانمندی، دانش و مهارت حرفه ای بخش خصوصی، کمک به افزایش قابلیت های مدیریتی، پشتیبانی از عرضه کالاها و خدمات باکیفیت، برنامه ریزی و اقدام در جهت پیشبرد فناوری و قابلیت های تکنیکی بخش خصوصی و افزایش مطلوبیت بخش خصوصی در جامعه اشاره کرد؛ این نوشتار باهدف کاربردی و بصورت توصیفی انجام شده است، توصیفی از این جهت که به مطالعه وضعیت کنونی نظام بانکی بر اساس مولفه های حکمرانی خوب می پردازد.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، قدرت نرم اقتصادی، نظام بانکی

۱. دانشجوی دکترا حقوق عمومی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران.

۲. استادیار حقوق عمومی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران (نویسنده مسئول).
jafar.gholikhani168@gmail.com

۳. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران.

مقدمه

امروز اصطلاح «قدرت نرم» در مباحث علمی شناخته شده است، با این حال، «قدرت نرم اقتصادی» کمتر مورد کنکاش قرار گرفته و منابع اندکی برای آن در اسناد علمی رایج دانشگاهی و غیره یافت می شود. همچنین که اقتصاد به عنوان بعدی اساسی از زندگی اجتماعی انسان ها از مولفه های مهم «قدرت» در سطح ملی برای همه کشورها در عصر حاضر است که اهمیت آن در حال افزایش روزافزون است. لذا «قدرت اقتصادی» امروز موضوعیت زیادی در هدف گذاری ملی برای کشورها دارد و به صورت مستمر ارزیابی می شود. ادبیات موجود حاکی است که قدرت اقتصادی را می توان به «قدرت اقتصادی آشکار» ناشی از منابع و «قدرت اقتصادی پنهان» ناشی از توان شکل دهی به قواعد بازی برای دیگران تفکیک کرد. از زاویه ای دیگر اگر قدرت را «توان شکل دادن به ترجیحات دیگران» معنی کنیم، قدرت اقتصادی توان شکل دادن به ترجیحات دیگران با اعمال ابزارهای اقتصادی خواهد بود. در این صورت، چنانچه ابزارهای اقتصادی مورد استفاده یا مکانیسم اعمال این ابزارها دارای ماهیت «نرم» باشند، زمینه شکل گیری «قدرت نرم اقتصادی» فراهم شده است. این مقاله ضمن مفهوم شناسی قدرت نرم اقتصادی، به طور خاص نقش مولفه های حکمرانی خوب در تحقق قدرت نرم اقتصادی ایران را بررسی می کند.

در برخی از مواقع فعالیت های تجاری و اقتصادی می تواند به عنوان وسیله ای جهت انتقال پیام های فرهنگی و سیاسی جهت جذب دیگران بکار رود. از دیرباز تجارت و فعالیت های اقتصادی یکی از عوامل اصلی انتقال فرهنگی و تبادلات فکری، علمی و سیاسی بوده است. به عنوان مثال ورود اسلام به اندونزی (پر جمعیت ترین کشور مسلمان)، مالزی و بخش های مهمی از شبه قاره هند، صرفا از طریق تجارت و بازرگانان ایرانی و عرب صورت گرفته است. نقش تجارت در تبادلات فرهنگی و افزایش قدرت نرم یک کشور آن چنان است که می توان این پدیده را به عنوان یک رسانه بسیار نیرومند محسوب کرد. به هر صورت فعالیت های اقتصادی و تجاری کشورمان در سایر کشورها از جمله کشورهای اسلامی، کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین می تواند بسترهای لازم جهت صدور انقلاب و افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی را فراهم سازد. امید است در سال جهاد اقتصادی با نگرش و هدف افزایش قدرت نرم انقلاب اسلامی، فعالیت های تجاری و اقتصادی کشورمان با سایر نقاط جهان افزایش یابد.

فراموش نکنیم که در خلال تبادلات اقتصادی و تجاری نوعی سرمایه اجتماعی ارزشمند که در زمره مهمترین منابع قدرت نرم بشمار می رود، در میان دو طرف شکل می گیرد.

مولفه های حکمرانی خوب

حکمرانی خوب^۱ یکی از مفاهیمی است که اولین بار از سوی بانک جهانی در اواخر سال های ۸۰ میلادی عنوان شد و به سرعت مورد توجه سازمان های بین المللی، آژانس های توسعه و محافل آکادمیک قرار گرفت و با وجود گذشت سه دهه از عمر آن با توجه به نتایج حاصل از آن هر روز نیز بر اهمیت آن افزوده می شود. کمیسیون اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد حکمرانی را به معنی فرآیند تصمیم گیری یا فرآیندی که تصمیم ها در آن اجرا می شود یا اینکه اجرا نمی شود، تعریف می کند. چندجانبه بودن حکمرانی یکی از مهم ترین ویژگی های آن است. در این پارادایم کشورهای ضعیف به دلیل حکمرانی بد و کشورهای توسعه یافته به دلیل حکمرانی خوب به این سرانجام رسیده اند. اما برخورداری از یک نظام بانکی با ویژگی های مذکور میسر نمی باشد مگر با داشتن نظام نظارتی مناسب و مؤثر بر آن. بدون نظارت بانکی دقیق و مقتدر، انتظار برخورداری از بانکهایی سالم و پایدار که بتوانند در خدمت اهداف و مأموریت های کلان و عالیه اقتصادی باشند، امری واهی خواهد بود چرا که بانکها به عنوان تنها واسطه گران مالی سپرده پذیر، که همین امر آنها را از سایر واسطه گرهای مالی متمایز ساخته است، با فراهم آوردن امکان انتقال وجوه بین فعالان اقتصادی و اخذ منابع سپرده گذاران و تخصیص آنها به فعالان معتبر که به این وجوه نیازمند هستند، چرخه گردش کسب و کار را روان و رشد و تقویت اقتصادی را موجب می شوند. اما به همین اندازه که بانکها و مؤسسات اعتباری در توسعه اقتصادی نقش مؤثری را ایفا می نمایند، در صورت عدم برخورداری از کارایی مناسب، قابلیت ایجاد ناپایداری مالی را نیز در سیستم اقتصادی دارا هستند. فعالیت بانکی، فعالیت پویا بوده و دائما در حال تغییر و تحول است و ویژگی های خاصی دارد که در صورت بروز مشکل یا اخلال در یک بانک می تواند به سرعت به دیگر بانک ها و واسطه گرهای مالی گسترش یابد و نهایتا نظام مالی و اقتصادی کشور را تحت تاثیر قرار دهد. لذا به منظور حفظ ثبات و سلامت نظام

بانکی کشور به عنوان اولین و مهمترین هدف و فلسفه وجودی نظارت بر بانک‌ها باید الزامات هنجاری و نهادی جهت نظارت کارآمد، مؤثر و اثربخش را ملحوظ داشت با این وصف، با توجه به اهمیت موضوع و با عنایت به مواد ۵ و ۹ الزامات تحقق سند چشم انداز ۲۰ ساله، و بنابر ماده ۹ و ۱۹ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و در جهت برداشتن گام مؤثر برای تحقق اهداف عالیه اقتصادی در راستای سند چشم انداز ۲۰ ساله ج.ا.ا و سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی اجرای مولفه های حکمرانی خوب متناسب با نظام بانکی به عنوان ضرورتی برای بانک مرکزی ج.ا.م طرح است. شاخص های اصلی حکمرانی خوب در دولت های توسعه گرا بر همه نهادها و سازمان ها اعمال می شوند. مهمترین این شاخص ها عبارتند از:

- شفافیت و پاسخگویی
- نظارت
- اثربخشی دولت: کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله
- کیفیت تنظیم مقررات
- حاکمیت قانون
- مبارزه با فساد.

حکمرانی خوب در نظام بانکداری

بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ در گزارشی به بررسی اثرات حاکمیت نامطلوب بر توسعه نیافتگی کشورها و تاخیر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه پرداخته است. در این گزارش که ناشی از نگرانی های مربوط به رابطه توسعه، دموکراسی و موضوعات متنوع اجتماعی است، مفهوم حکمرانی خوب مطرح شده است. نتایج گزارش بر این موضوع استوار است که ضعف در به کارگیری و عملی کردن اصول حکمرانی خوب، یکی از مهم ترین موانع رشد و توسعه در کشورهاست. براساس این رویکرد، مهم ترین وظایف دولت در قبال جامعه در سه گروه کلی تقسیم می شود: *روابط توسعه‌ی؛ به این معنی که دولت ها با مدیریت اقتصاد برای نیل به حداکثر رشد اقتصادی، قادر به ایجاد تغییرات بنیادین در زمینه های مختلف هستند. طبق جدیدترین تعریف بانک جهانی، حکمرانی خوب عبارت است؛ اتخاذ سیاست های پیش بینی شده در قالب فرآیند برنامه ریزی، آشکار و صریح بودن اقدامات دولت که نشان دهنده

شفافیت فعالیت های دولت باشد؛ بروکراسی شفاف؛ پاسخگویی دستگاه های اجرایی در قبال فعالیت های خود؛ مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و سیاسی و نیز برابری همه افراد در برابر قانون، تبلور می یابد (آرایی، ۱۳۹۶: ۷۶).

حکمرانی خوب، تمرین مدیریت سیاسی، اقتصادی، اجرایی، اجتماعی و حقوقی منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده است. این تمرین دربرگیرنده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه های اجتماعی از طریق آن، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را باتوجه به محدودیت ها داشته باشند. اصول حکمرانی خوب اگرچه در برخی از متون، حکمرانی خوب به معنی دولت خوب نیز تعریف شده است، اما نمی توان این دو مفهوم را مترادف دانست، زیرا همه نهادهای جامعه در قوه مجریه خلاصه نشده و سایر نهادها نیز در روند اداره یک کشور به اندازه خود سهمیم هستند. اما در میان بسیاری از اندیشمندان این اتفاق نظر وجود دارد که وجود دولت خوب، شرط لازم برای حکمرانی خوب است (ویس، ۲۰۰۰: ۷۹۶). کمسیون اقتصادی، اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام اصول مهم حکمرانی خوب و عوامل موثر در تقویت این اصول را تبیین کرده است؛ حکومت ها با احترام نهادن به این اصول و اجرایی کردن آنها، می توانند گام های موثری در روند توسعه پایدار بردارند. این اصول عبارتند از:

۱) مشارکت: میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از کلیدی ترین پایه های حکمرانی خوب به شمار می رود. مشارکت می تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق نهادهای قانونی) صورت گیرد. البته نمی توان انتظار داشت که در نظام تصمیم گیری یک کشور، تمامی نظرات موجود مدنظر قرار گیرد، بلکه مفهوم مشارکت در اینجا، اشاره به آزادی بیان و تنوع دیدگاه ها و سازماندهی یک جامعه مدنی دارد.

۲) حاکمیت قانون: حکمرانی خوب نیازمند چارچوب عادلانه ایی از قوانین است که در برگیرنده حمایت کامل از حقوق افراد (به ویژه اقلیت ها) در جامعه بوده و به صورت شایسته ای اجرا شود. لازم به ذکر است که اجرای عادلانه قوانین، مستلزم وجود نظام قضایی مستقل و یک بازوی اجرایی (پلیس) فسادناپذیر برای این نظام است.

۳) شفافیت: شفافیت، به معنی جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی سهل و آسان به آن برای همه است. همچنین شفافیت را می توان آگاهی افراد جامعه از چگونگی اتخاذ و اجرای تصمیمات نیز دانست. در چنین شرایطی، رسانه های گروهی به راحتی قادر به تجزیه و تحلیل و

نقد سیاست‌های اتخاذ شده در نظام تصمیم‌گیری و اجرایی کشور خواهند بود.

۴) شکل‌گیری وفاق عمومی: همان‌گونه که بیان شد، فراهم کردن زمینه ظهور نظرات متفاوت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، ازجمله اصول حکمرانی خوب است. حکمران خوب، باید نظرات مختلف را در قالب وفاق ملی عمومی به سمتی رهنمون کند که بیشترین همگرایی را با اهداف کل جامعه داشته باشد. ایفای این نقش حیاتی نیازمند شناخت دقیق نیازهای بلندمدت جامعه در مسیر حرکت به سمت توسعه پایدار است.

۵) حقوق مساوی و پابندی به عدالت: رفاه و آرامش پایدار در جامعه، با به رسمیت شناختن حقوق مساوی برای تمامی افراد ممکن خواهد بود. در جامعه باید این اطمینان وجود داشته باشد که افراد، به تناسب فعالیت خود در منافع جامعه سهیم خواهند بود. به عبارت دیگر در حکمرانی خوب، همه افراد باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند.

۶) اثربخشی و کارایی: از حکمرانی خوب به‌عنوان ابزاری برای تنظیم فعالیت نهادها در راستای استفاده کارا از منابع طبیعی و حفاظت از محیط‌زیست نیز یاد می‌شود. کارایی و اثربخشی در مقوله حکمرانی ازجمله مباحثی است که با گذشت زمان، اهمیت بیشتری پیدا کرده است (هلیول و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۳۳۴).

چالش‌های حاکم بر نظام بانکی ایران

قوانین بانکی کشور دارای خلاها و چالش‌های متعددی است. اصلاح نظام بانکی یک ضرورت است و نمی‌توان به سادگی از کنار نواقص متعدد قوانین بانکی کشور گذشت، موضوعی که بسیاری از کارشناسان بر آن اتفاق نظر دارند و براین باورند که نظام بانکی ایران نیاز به یک جراحی عمیق و موشکافانه دارد؛ مشکلات و چالش‌های نظام پولی و بانکی کشور از ابعاد و زوایای مختلف قابل بررسی و تحلیل است؛ برخی از این مشکلات و چالش‌ها ناظر بر بازار غیرمتمثل و موسسات غیرمجاز (به تعبیری اقتصاد زیرزمینی) است. بخشی دیگر، معطوف به ساختار نظام بانکی است و بخش دیگر مسائل و مشکلات نظام بانکی، ناظر بر ابزارهای سیاست‌گذاری و نظارتی و عموماً مربوط به حوزه بانک مرکزی است. گروه دیگری از مشکلات نظام بانکی نیز مربوط به مسائل پیرامونی و متأثر از متغیرها و سیاست‌های کلان اقتصادی است. البته به این موضوع، می‌توان از منظر اقتصادی سیاسی نیز نگریست؛ عدم شفافیت و

سطح پایین استانداردهای نظارتی می تواند تضمین کننده منافع برخی گروه های ذی نفع در ابعاد کلان باشد. ثبات کمتر مدیران عالی نظام بانکی کشور و در نتیجه عدم وجود برنامه های جامع و بلندمدت در خصوص امور تحت مدیریتی خود و گرفتار روزمرگی شدن آنان عدم به کارگیری موثر سیستم های یکپارچه اطلاعاتی جهت ارائه اطلاعات دقیق و به موقع و آنلاین از عملکرد نظام بانکی به منظور شفاف سازی عملکرد آنان و مواردی چون:

۱. عدم تناسب بین گسترش بانک ها، موسسات مالی، اعتباری و نیازهای جامعه
 ۲. فقدان استراتژی ها و سیاست های مشخص برای تحقیق و توسعه بانکداری در کشور
 ۳. وجود قوانین و مقررات زیاد و دست و پاگیر در نظام بانکی کشور
 ۴. ضعف تعامل در بین نهادهای سیاستگذاری و اجرایی نظام بانکی
- علاقه مندی کمتر بانک ها در اعطای تسهیلات به بنگاه های کوچک و کارآفرین از جمله چالش هایی است که نظام بانکی کشور با آن مواجه است؛ در برخی مواقع اقدامات نظارتی زمانی انجام می شود که مشکلی همچون اختلاس، کلاهبرداری، سوء عملکرد و... در نظام بانکی اتفاق افتاده و به خاطر آن هم نظام بانکی، هم مشتریان و هم جامعه دچار ضرر و زیان شده اند و در واقع، نظارت بعد از عمل و رخداد انجام می شود. همچنین فقدان زیرساخت های لازم برای حجم بالای استفاده مردم از خدمات بانکداری الکترونیک چالش دیگری است که نظام بانکی با آن مواجه است به طوری که در برخی مواقع با قطعی و از دسترس خارج شدن این سیستم خدمات رسانی به مردم به خصوص در ایام نوروز، پرداخت یارانه ها، مواجه هستیم؛ در واقع فقدان راهبرد مناسب در سطح ملی، در بانک ها و کمبود متخصص تدوین راهبرد فناوری اطلاعات که هم به این حوزه، هم به حوزه های تدوین استراتژی و بانکداری آشنا باشد، موجب عدم موفقیت در پیشرفت این حوزه بوده است. مضاف بر آن شرایط رکود تورمی اقتصاد کشور، نبود سیستم جامع اعتبارسنجی مشتریان، وجود ضعف در اعتبار سنجی دقیق، عدم اخذ وثایق معتبر و سهل الوصول و کافی، احراز نامناسب و بعضاً عدم احراز اهلیت، تخصص و پیشینه درخواست کننده تسهیلات، عدم تعمیق و گسترش بازار سرمایه و بوروکراسی های اداری در نظام اداری و قضایی کشور از جمله عوامل افزایش مطالبات غیر جاری بانک ها هستند که این موضوع ریسک بالای اعطای تسهیلات در شبکه بانکی کشور را نشان می دهد؛ بخشی از مشکلات نظام بانکی کشور، محصول رشد انواع موسسات اعتباری غیر مجاز و غیر رسمی و گسترش بی رویه

تعداد بی‌شماری از تعاونی‌های اعتبار و صندوق‌های قرض الحسنه است. در دوره‌های قبل، با حمایت و پشتیبانی برخی دستگاه‌ها و ارگان‌های غیرمرتبط، موسساتی تحت عناوین موسسات پولی و تعاونی اعتبار و امثال آن بدون احراز شرایط قانونی و بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی و با اغماض و تسامح نهادهای ذیصلاح تشکیل شده و به سرعت گسترش یافتند؛ عدم شفافیت در گردش مالی این موسسات و فقدان تخصص و اعتبار مدیران و سهامداران این‌گونه موسسات نیز مزید بر مشکلات شد؛ مساله دیگری که بعنوان یک چالش نظارتی در نظام بانکی کشور مطرح است، نظارت شرعی است. منظور از نظارت شرعی، کلیه اقدامات نظارتی است که به منظور حصول اطمینان از انطباق عملیات شبکه بانکی با شرع انجام می‌شود. فقدان نظارت شرعی در شبکه بانکی می‌تواند موجب گرفتار شدن بانک‌ها و مشتریان در ورطه ربا و یا بطلان عقود و به خطر افتادن روابط مالکیت در اقتصاد گردد. وجود قانون عملیات بانکی بدون ربا در ایران از سال ۱۳۶۲، هرچند زمینه‌ساز فعالیت شرعی بانک‌ها بوده است، اما به دلیل فقدان نهادهای و استانداردهای مشخص برای نظارت شرعی، موارد متعددی از عدم انطباق عملیات بانک‌ها با شرع مشاهده می‌شود، مهمترین آسیب‌های ناشی از ضعف نظارت شرعی عبارتند از: تغییر ماهیت عقد وکالت به مالکیت، عدم نظارت بر مصرف وجوه در مورد تخصیص در بانک‌ها، عدم انطباق عملیات ارزی بانک‌ها بر بانکداری بدون ربا، و محتوای از عقود اسلامی (مشارکتی و مبادله‌ای) و استفاده صوری از آنها (عظیمیان و مهاجر، ۱۳۹۶: ۷۸)

نقص در مجموعه قوانین و مقررات نظام بانکی، صوری بودن و اجرای ناصحیح عقود، نقص در فهم و تفهیم کلیات بانکداری اسلامی و عقود بانکی، تحقق نیافتن واقعی مشارکت در عقود مشارکتی، وضع جرمه تاخیر تادیه با رویکرد امهال به مشتری، محاسبه نکردن مابه التفاوت سود علی الحساب با سود قطعی، دریافت کارمزد غیرمتعارف در ارائه خدمات بانکی، ارائه تسهیلات قرض الحسنه به شرط سپرده گذاری در قالب قرض الحسنه، نبود نظارت شرعی ساختاریافته در نظام بانکی و نبود ابزارهای شرعی کارا برای سیاستگذاری پولی از جمله این عوامل است (عابدینی و رزمجو، ۱۳۹۴) علاوه بر آن، چندین سال تحریم‌های بانکی و انزوای نظام بانکی کشور از نظام مالی بین‌المللی، شکاف عمیقی بین نظام بانکی کشور و استانداردهای روز بانکداری دنیا ایجاد کرده است. از سوی دیگر عدول بانک مرکزی از وظایف نظارتی و حاکمیتی خود در دولت‌های نهم و دهم و سوءاستفاده و فرصت‌طلبی برخی از بازیگران اقتصادی از این

فضای ایجادشده نیز زمینه ساز مشکلات بسیار پیچیده ای در نظام پولی و بانکی شد که آثار آن همچنان باقی است؛ بررسی ها حاکی از آنست که برای مقابله با چالش های پیش روی نظام بانکی کشور لازم است گام های موثری در راستای کارآمدسازی بانک ها برداشته شود؛ باید رابطه مالی دولت با بانک ها از طریق بازپرداخت بدهی های دولت به بانک ها و رعایت انضباط در سیاست های بودجه ای و مالی دولت اصلاح شود؛ همچنین تسهیلات تکلیفی و شبه تکلیفی دولت تا حد امکان حذف شود تا نظام بانکی بتواند به سمت کاهش سهمیه بندی اعتباری در بخش های اقتصادی و اولویت دادن به پروژه های اقتصادی قابل توجیه دراعطای تسهیلات و در شرایط رقابتی حرکت کند. همچنین حمایت از سیاست های پولی بانک مرکزی در راستای کاهش تورم و واگذاری چگونگی تعیین نرخ های سود بانکی به مکانیسم کارشناسی، بازار و شرایط اقتصادی از جمله راهکارهایی است که می تواند به بهبود روابط دولت و نظام بانکی کمک کند. سیاست های پولی با ثبات و پایدار اتخاذ سیاست های پایدار پولی و توجه به تمامی بخش ها در سیاست گذاری پولی از جمله منافع بانک ها، سهامداران، سپرده گذاران و تسهیلات گیرندگان آنان، لازمه فعالیت بانکداری در دنیای امروز است؛ اعتمادسازی از راه شفافیت و اعمال سیاست های با ثبات در بخش پولی و بازار سرمایه به دست می آید. بنابراین مقام های سیاست گذار پولی، باید به توصیه های کارشناسی عمل نموده و سیاست هایی کاملاً شفاف و با ثبات را به کار گیرند؛ به دلیل اینکه ساختار تکنولوژی کنونی تا چند سال آینده بیشتر پاسخگو نخواهد بود، بانک ها باید سطح تکنولوژی خود را ارتقاء بدهند، اما به دلیل عدم ارتقای دوره ای و متناسب با تکنولوژی روز، امروزه هزینه های این ارتقاء و به ویژه استفاده از تکنولوژی جدید به جای تکنولوژی قدیمی، دارای هزینه های بالایی است که به دلایل متعدد از جمله ساختار دولتی سیستم بانکی، انجام چنین هزینه هایی با مقاومت مدیران همراه است و آنان ترجیح می دهند به جای پاسخگویی به مراجع نظارتی در مورد چنین هزینه های بالایی، با هزینه های کمتر، تکنولوژی موجود را مورد استفاده قرار دهند، هر چند که با مشکلات اجرایی بیشتری مواجه هستند. با تاکید بر نظارت پیشگیرانه و قبل از وقوع مشکل در نظام بانکی باید مکانیزمی در نظر گرفته شود که قبل از وقوع مشکل برای نظام بانکی و مشتریان، مسائل شناسایی و زمینه های بروز آن از بین برود. درواقع، نظارت قبل از عمل یا بصورت پیشگیرانه، مورد تاکید قرار گیرد بنابراین نظارت موثر و پیشگیرانه بر عملکرد بانک ها به جای بازرسی بعد از وقوع تخلف و اختلاس می تواند از وقوع تخلفات

و سوء عملکرد نظام بانکی جلوگیری کند. همچنین اقدام جدی و عملی در مورد سوء استفاده کنندگان نظام بانکی و اختلاس کنندگان می‌تواند از بروز تخلف و اختلاس در بانک‌ها پیشگیری کند. تعامل سازنده بانک مرکزی با مراکز سیاست‌گذاری و اجرایی و نظام بانکی کشور از آنجایی که بانک مرکزی به عنوان مادر بانک‌ها دو وظیفه مهم و خطیر سیاست‌گذاری و نظارت را جهت ایفای نقش فعال و اثرگذار در پیشبرد اهداف اقتصادی جامعه از طریق اعمال سیاست‌های پولی کشور، عهده‌دار است بنابراین برقراری ارتباط نزدیک و مستمر بین بانک مرکزی و نهادهای سیاست‌گذاری نظیر مجلس شورای اسلامی از یکسو و نیز نظام بانکی کشور به عنوان بازوان اجرایی بانک مرکزی در عملیاتی کردن سیاست‌های پولی از سوی دیگر ضروری است، یعنی بانک مرکزی به عنوان سیاست‌گذار و ناظر بر اجرای سیاست‌های پولی کشور، مشکلات و موانع پیش روی نظام بانکی را به نهادهای قانون‌گذاری منعکس کنند تا آن‌ها نیز قوانین و مقرراتی را در راستای حل مشکل و بهبود عملکرد نظام بانکی کشور اتخاذ کنند و تعامل دوطرف‌های بین بانک مرکزی و نهادهای بالادستی و نیز نظام بانکی کشور برقرار شود، اگرچه امروزه نیز سیستم رتبه‌بندی اشخاص در کشور ایجاد شده است، اما به علت ضعف ساختار فناوری شبکه بانکی و عدم همکاری شایسته بانک‌ها تاکنون به صورت عملی و فراگیر از سامانه‌های رتبه‌بندی مشتریان در کشور بهره‌برداری نشده است ایجاد نظام رتبه‌بندی اعتباری به ویژه در وام‌های خرد و مصرفی بسیار راهگشا بوده و جایگزین مناسبی برای ضامن تسهیلات است با وجود چنین سیستمی در صورتی که فردی در بازپرداخت تسهیلات دریافتی تعلل ورزد، دسترسی وی به تسهیلات برای مدتی طولانی در کل شبکه مالی کشور قطع می‌شود و به همین دلیل اشخاص دقت لازم در بازپرداخت تسهیلات دریافتی را خواهند داشت، لویایح دولوی بانک مرکزی و بانکداری دولت با عناوین «نظام بانکداری بدون ربا» و قانون «پولی و بانکی» تنظیم و تدوین گردیده و متعاقب آن اقدام دولت برای ارایه و انتشار متن لویایح دولوی بانک مرکزی و بانکداری دولت، در دستور کار دولت قرارگرفت و با توجه به اینکه نمایندگان دولت و دستگاه‌های ذیربط درخواست داشتند تا بعد از ارائه لویایح دولت، جمع‌بندی نهایی در خصوص ادغام طرح و لایحه صورت بگیرد مقرر شد تا دولت در فرصت مناسب در این خصوص اقدام کند؛ البته این لویایح برای اینکه بتواند در نظام بانکداری کشور تحولات مثبتی ایجاد کند، نیازمند اصلاحات و تغییرات جدی است، این لویایح نتیجه برگزاری نشست‌های تخصصی چند ساله بانک مرکزی پیرامون وضعیت فعلی

قانون بانکداری و تغییراتی است که باید صورت بگیرد هرچند به نظر می‌رسد تغییرات فقط به صورت شکلی لحاظ شده‌اند. این تغییرات شکلی در چند حوزه رخ داد؛ پرداختن به این موضوع که سعی شده قوانین پراکنده در قالب یک لایحه دیده شود جزو نکات مثبت این لایحه است.

مفهوم شناسی قدرت نرم اقتصادی

مراجعه به دیدگاه برخی از اندیشمندان اقتصادی و سیاسی، وجوه نرم در اقتصاد و مباحث مربوط به قدرت نرم اقتصادی را به وضوح می‌توان مشاهده کرد. نای هر چند در آثار اولیه خود انواع قدرت را در عصر جهانی اطلاعات شامل سه قدرت نظامی و اقتصادی و نرم می‌داند و قدرت را دارای دو لایه سخت و نرم دانسته و قدرت اقتصادی را همانند قدرت نظامی، جزء قدرت سخت به شمار می‌آورد؛ اما در آثار بعدی خود، منابع اقتصادی را جزء یکی از منابع قدرت نرم محسوب می‌کند و معتقد است: منابع اقتصادی هم می‌تواند رفتار نرم و هم رفتار قدرت سخت تولید کند (نای، ۱۳۸۹: ۳۲). وی همچنین در مقاله‌ای با عنوان «دوباره فکر کنید: قدرت نرم»، تأکید می‌کند که قدرت نرم دارای مفهوم محدود و گسترده است. در مفهوم گسترده، قدرت نرم مترادف با قدرت غیر نظامی است و شامل هر دو قدرت فرهنگی و اقتصادی می‌شود و تنها در مفهوم محدود، قدرت نرم شامل قدرت فرهنگی است که آن را نیز در سخنرانی خود تحت عنوان «قدرت نرم و دیپلماسی عمومی در قرن ۲۱» در شورای پارلمانی بریتانیا مورخ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۰ مورد انتقاد قرار داده، اعلام می‌کند: «قدرت نرم [صرفاً] مترادف با فرهنگ نیست». بنابر این، وی به تدریج به دلیل اثرگذاری بیشتر مسائل اقتصادی در جذب و اقناع دیگران، دیدگاه خود را در مورد قدرت نرم و قدرت اقتصادی تعدیل می‌کند. این امر، به خصوص در کتاب جدید ایشان با عنوان «آینده قدرت»، بیشتر نمایان است؛ به طوری که وی در این کتاب، در فصلی جداگانه به بحث قدرت اقتصادی پرداخته، در آن قدرت اقتصادی را یکی از مهم ترین ابزارها در جعبه ابزار سیاست های قدرت نرم می‌داند (نای، ۱۳۹۰: ۱۳۶). و به مؤلفه ها و منابع اقتصادی از قبیل وابستگی متقابل اقتصادی، منابع طبیعی، نفت و گاز (انرژی) و تحریم های مثبت و منفی اشاره می‌کند. بدیهی است با توجه به تولید قدرت نرم در این مؤلفه ها و منابع، می‌توان از آنها به عنوان مؤلفه ها و منابع قدرت نرم اقتصادی نای نیز نام برد.

با بررسی و کنکاش بیشتر در برخی از آثار اندیشمندان، به طور دقیق می توان مفهوم «قدرت نرم اقتصادی»^۱ را دریافت کرد:

توماس برگر^۲؛ در مقاله ای با عنوان «ژاپن در آسیا: یک مورد سخت برای قدرت نرم»، سه مجموعه از دارایی ها را از قبیل: قدرت نرم اقتصادی، نهادهای بین المللی منطقه ای و شمای کلی ژاپن در میان کشورهای همسایه به عنوان منابع مهم از قدرت نرم ژاپن ذکر می کند. وی در خصوص قدرت نرم اقتصادی می گوید: «قدرت اقتصادی یکی از اساسی ترین و مهم ترین منابع قدرت نرم است» و قدرت نرم اقتصادی را حداقل به سه روش ذیل تعبیر می کند و هر یک از این سه روش را در قدرت نرم اقتصادی ژاپن مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد:

۱. قدرت نرم اقتصادی می تواند کشور های دیگر را برای تمایل به همکاری و کار با یک کشور به منظور شکوفایی خواسته های در حال افزایش شان تحت تأثیر قرار دهد.
۲. قدرت نرم اقتصادی با یک موفقیت ملی ممکن است تا اندازه های کشورهای دیگر را تحت تأثیر قرار دهد که آن را به عنوان الگوی اقتصادی در نظر گرفته، در پی تقلید از آن باشند.
۳. قدرت نرم اقتصادی ممکن است یک کشور را قادر سازد که انواع مختلفی از فعالیت های قدرت نرم برون مرزی را بر عهده بگیرد (برگر، ۲۰۱۰: ۵۷۴).

کریستوفر بی. ویتنی^۳؛ در مقاله «قدرت نرم در آسیا: نتایج یک نظرسنجی چند ملیتی در سال ۲۰۰۸ از افکار عمومی»، که نتایج تحقیقی به سفارش شورای شیکاگو در امور جهانی است؛ افکار عمومی را در منطقه آسیا برای ارزیابی قدرت نرم مورد بررسی و مطالعه قرار داد است. ویتنی قدرت نرم را به پنج نوع اقتصادی، فرهنگی، سرمایه انسانی، سیاسی و دیپلماسی تقسیم می کند و از طریق پرسشنامه ای با ۶۰ یا ۷۰ سؤال برای کشورهای چین، ژاپن، کره جنوبی، ویتنام، اندونزی و آمریکا، شاخص هایی برای هر یک از این ابعاد پنج گانه قدرت نرم به کار می گیرد. سپس این پنج شاخص را برای تولید یک «شاخص قدرت نرم» کل متوسط گیری می کند. وی قدرت نرم اقتصادی را مهم ترین و اولین نوع قدرت نرم دانسته، برای اندازه گیری آن شاخص هایی از قبیل اهمیت روابط اقتصادی، احتمال خرید محصولات، موافقت نامه تجارت

1. Economic Soft Power
2. Thomas Berger
3. Christopher B. Whitney

آزاد، نفوذ اقتصادی، کمک به توسعه اقتصادی کشورها، کمک های بشردوستانه، سهم شرکتهای اقتصاد رقابتی، فرصتهای اقتصادی برای نیروی کار، روحیه کارآفرینی، پیشرو در شرکت های برجسته چند ملیتی و کیفیت محصولات را مطرح می کند (ویتنی، ۲۰۰۹: ۷).

داگلاس گاول^۱ در تحقیقی با عنوان «دوره در حال تغییر: استفاده از قدرت نرم آمریکایی جهت تأثیرگذاری بر روابط آمریکا-کوبا» که در دانشگاه هاروارد انجام شده است؛ با اشاره به بحث قدرت نرم اقتصادی، آن را چنین شرح می دهد: «نای، در تعریف خود از قدرت نرم، تمایل به حداقل کردن جاذبه اقناع از دارایی های اقتصادی دولتی دارد؛ در عوض او تمایل به برجسته کردن منابع اقتصادی به رده قدرت سخت، با تشبیه کردن آنها به نیروی نظامی دارد. من معتقدم که این جنبه ای از نظریه نای باید به دلیل اثرات عمیق و دگرگونی تجارت جهانی شدن بیش از دو دهه گذشته، مجدداً بازنگری شود. پیشرفتهای فوق العاده به کارگرفته شده در ارتباطات و حمل و نقل که مرزهای ملی را ارتقا می بخشد، که شاید هرگز قبل از آن نبوده، ارتقای بسیاری از فرصت های پیشرفته و جدید برای کشور ها و ملتها که تعامل اقتصادی را- بدون نیاز به تهدید یا اجبار- ایجاد می کند و اغلب منافع همه طرف های درگیر را در بر دارد. این فرصتها برای کشورهای در حال توسعه و کشورهایی که به دنبال رسیدن به رده کشورهای توسعه یافته اند- نظیر چین، هند و ویتنام که نمونه اولیه اند. می توانند به شدت اقناع را ایجاد کنند (گاول، ۲۰۱۱: ۳۹).

آنچه مدّ نظر قدرت نرم اقتصادی است، وجه نرم و نرم افزارانه اقتصاد است. برای پرداختن به وجه نرم، ابتدا اقتصاد باید از سه منظر مورد توجه قرار گیرد: اول آنکه، یک تعبیر می تواند این باشد که قدرت نرم اقتصادی و قدرت سخت اقتصادی دو گونه پرداختن به اقتصاد است. پس باید بین آنها تمایز روشن و مشخصی در نظر گرفت. دوم آنکه، قدرت نرم اقتصادی و قدرت سخت اقتصادی دو نگاه به موضوعات اقتصادی اند. بنا براین، تفکیک بین آنها نه تنها کمکی به بحث نمیکند، بلکه در عمل و در جهان بیرونی نیز تمایز و تشخیص آنها بسیار مشکل است. سوم آنکه، قدرت نرم اقتصادی به عنوان ماهیت وجود ندارد، بلکه تنها کاربرد وجه نرم قدرت سخت اقتصادی است. به عبارت دیگر؛ قدرت نرم اقتصادی نوعی پرورش دهنده قدرت سخت اقتصادی است نه ماهیتی جداگانه. نظر به مباحث قبل، به نظر می رسد هر سه نکته در اینجا مدّ نظر باشد.

اهداف قدرت نرم اقتصادی

با نگاهی به مباحث قدرت نرم، اهداف قدرت نرم اقتصادی را میتوان در چهار طیف مهم به شرح ذیل مورد بررسی قرار داد.

هدف اول: تغییر رفتار اقتصادی: با توجه به مباحث قبل؛ هدف نهایی در به کارگیری قدرت نرم عبارت است از: «متقاعدسازی»، «قانع کردن»، «جلب نظر»، «تغییر ذائقه ها» و «تغییر رفتارها». در واقع؛ هدف اولیه و اساسی از اعمال قدرت نرم، تغییر رفتار است که از این تغییر رفتار، اهدافی همچون: کسب منفعت، مصلحت، اعمال سلطه، کاهش هزینه های قدرت سخت و مانند اینها دنبال می شود. اولویت این اهداف در لیبرالیسم، کسب منفعت شخصی و در اسلام، مصلحت عموم است. بنابر این، هدف اولیه و اساسی از اعمال قدرت نرم اقتصادی، تغییر رفتار اقتصادی است تا در پی این تغییر رفتار، بتوان اهداف ذیل را در اقتصاد دنبال کرد: (فردوسی، ۱۳۹۳: ۸۷)

افزایش مشارکت اقتصادی مردم؛

افزایش کارآمدی اقتصادی دولت؛

افزایش انسجام اقتصادی؛

افزایش خودباوری ملی در عرصه اقتصادی؛

تشدید و تقویت همگرایی در اقتصاد میان ملتها و دولتها؛

افزایش مقبولیت سیاستهای اقتصادی نزد افکار عمومی؛

افزایش منافع اقتصادی.

هدف دوم: به کارگیری بیشتر وجوه نرم در اقتصاد و عدم استفاده از اجبار و زور در

اهداف اقتصادی: به تعبیر نای، امروزه اشکال جدید حمل و نقل و ارتباطات بر وابستگی متقابل، تأثیر انقلابی از خود بر جای گذاشته است و افول هزینه های حمل و نقل و ارتباطات، بازارهای جهانی را از اساس دگرگون کرده و توسعه همکاری های فراملی، انتقال فعالیت اقتصادی به فراسوی مرزهای ملی را شتاب بخشیده است. تجارت جهانی با سرعتی بیشتر از تولید جهانی رشد پیدا کرده و اهمیت این پدیده در همه اقتصاد های مهم جهان افزایش یافته است. نقش تجارت در طول دو دهه گذشته به بیش از دو برابر رسیده است. تغییرات بازارهای ملی حتی حیرت انگیزترند. حجم جریانهای پولی بین المللی به ۲۵ برابر میانگین تجارت روزانه کالاها

در سطح جهان رسیده است. نوگرایی، شهرنشینی و ارتباطات رو به افزایش در کشورهای در حال توسعه نیز سبب پراکنده شدن قدرتها و حرکت آنها به سوی بازیگران خصوصی شده است. در اقتصاد جهانی، استفاده از زور، اهداف اقتصادی را به خطر انداخته است. انقلاب اطلاعات و جهانی سازی، باعث تغییر و کوچک شدن جهان شده اند. انقلاب اطلاعاتی در حال ایجاد جوامع و شبکه های مجازی شده است که باعث حذف مرزهای ملی می شوند. بسیاری از سازمانها، شهروندان را جذب ائتلاف هایی میکنند که مرزهای ملی را پشت سر میگذارند. توانایی سهم بودن در اطلاعات- مورد باور قرا گرفتن- تبدیل به منبع مهمی از جذابیت و قدرت می شود. بنابر این، برای قدرتهای مدرن و بزرگ، استفاده مستقیم از زور برای اهداف اقتصادی، عموماً بسیار خطرناک و هزینه بردار شده و با توجه به ضرورت نگاه جدید به اقتصاد، عدم استفاده از اجبار و زور در اهداف اقتصادی، امری بسیار مهم گشته است و در مقابل، لزوم به کارگیری بیشتر وجوه نرم در اقتصاد را بیش از پیش گوشزد میکند. این امر کاهش خشونت را در اقتصاد به دنبال دارد که یک هدف اخلاقی است؛ زیرا در جریان خشونت، نفرتی ریشه میدواند که رفع آن در بسیاری از اختلافات داخلی یا خارجی به غایت مشکل است.

همچنین استفاده از وجوه نرم در اقتصاد، باعث ایجاد مشروعیت و مقبولیت بیشتر شده و در راستای هدف اول قرار میگیرد. در واقع؛ مشروعیت باعث میشود در قدرت سخت اقتصادی، قدرت برهنه^۱ تبدیل به قدرت اقتداری^۲ شود. قدرت اول که بر اساس منافع، کنترل بر ثروت و قدرت است، برای توجیه خود، از طریق فرایند مشروعیت، تبدیل به اطاعت از فرمان شده و اقتدار خود را به دست می آورد. به تعبیر وبر؛ نظم زمانی معتبر و پایا خواهد بود که باور به وجود نظم مشروع وجود داشته باشد. بحث اقتدار، ریشه در این موضوع دارد: چنانچه کاربرد قدرت سخت اقتصادی با صلاحیت و مجوز قانونی باشد، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه مؤثر بودن و کاربرد دقیق آن می تواند در حوزه داخلی برای ایجاد عدالت، امنیت و رفاه اقتصادی و در حوزه بین المللی برای فراهم ساختن جهانی امن تر مناسب باشد و در عین حال، میتواند در صورت مؤثر بودن، جنبه پیشگیرانه نیز داشته باشد و کسی را مجالی برای خطا و قانون شکنی نکند. همچنان که هر قدر وجه اقتداری و معنوی قدرت اقتصادی جا بیفتد، پذیرش قواعد اقتصادی با مقاومت کمتری صورت میگیرد. به عبارت دیگر؛ کاربرد قدرت سخت اقتصادی در اینجا زمانی مد نظر قرار میگیرد که با رضایت همراه باشد و کارایی اقتصادی بیشتری را در پی داشته باشد.

اما این موضوع نباید با مباحث نومحافظه کاران خلط شود. به نظر آنها: قدرت سخت برای دفع یک شر به هر طریقی خیر و صلح آور است. در واقع؛ در این هدف دوم، قدرت سخت اقتصادی می تواند برای ایجاد منطقه حایل بین مناطق اختلافی یا مثل کمک به سیل زدگان یا افراد گرفتار در زلزله، کاملاً مطلوب به نظر برسد و اتفاقاً در این حوزه، قدرت نرم اقتصادی چندان کارآمد نیست، بلکه باید از قدرت سخت اقتصادی بهره برداری نرم کرد. در عین حال، اگر قدرت سخت اقتصادی با دیپلماسی مشارکتی و غیرتحریک آمیز باشد، به وجه نرم قدرت سخت اقتصادی کمک فراوانی میکند. اما در اینجا، اگر قدرت سخت اقتصادی یا توان اقتصادی به شیوه نادرست اعمال شود، شدیداً به وجه قدرت نرم اقتصادی صدمه زده، در میان مدت یا بلندمدت، قدرت سخت اقتصادی را نیز تحت شعاع قرار می دهد.

هدف سوم: ایجاد جاذبه ها و جذابیت های اقتصادی: قدرت نرم به طور گسترده متکی بر قدرت اقناع و جاذبه است. به تعبیر نای؛ قدرت نرم، توانایی رسیدن به اهداف مورد نظر از طریق جاذبه و جلب دیگران است. در این رابطه، اقتصاد به عنوان بخش مهمی از زندگی اجتماعی انسان که در برگیرنده روابط تولید، توزیع و مصرف بوده و در همه مکاتب از جمله اسلام از اهمیت زیادی برخوردار است، نقش مهمی را ایفا میکند. همان طور که پیش تر گفته شد، نای اقتصاد موفق را منبع مهمی برای جذابیت می داند. به عبارت دیگر؛ اقتصاد و موفقیت اقتصادی هنگامی که نظر مثبت دیگران را به خود جلب کرده و جنبه جذابیت پیدا کند، می تواند کاملاً در دایره قدرت نرم قرار بگیرد (علوی، ۱۳۹۰: ۷۶). بر این اساس، یکی دیگر از اهداف مهم قدرت نرم اقتصادی را می توان میزان نفوذ و جلب نظر دیگران از طریق ایجاد جاذبه و جذابیت اقتصادی عنوان کرد که در آن، به مباحثی در اقتصاد پرداخته می شود که جنبه های نمادین، جذابی، ادراکی، تصویری، ذهنی، غیر مستقیم و ایجابی دارد. در واقع؛ اقتصادی که در اذهان و قلوب مردمی جا نیفتد، با هیچ چیز نمی توان آن را نهادینه کرد. این هدف، نیاز به تبادل و پذیرش دارد. در فضای پست مدرنی و جهانی شده امروز، باوری که گستره بیشتری دارد، راه خود را باز خواهد کرد. آنچه در اینجا اهمیت دارد، منطق و موتور درونی یک باور اقتصادی است. نکته اساسی دیگر، درست طرح کردن آن است؛ زیرا بزرگ ترین ضربه به این وجه اقتصاد، بد طرح کردن آن است. این میدانی است که بسیاری از باورهای جهان شمول، از جمله باورهای اقتصادی، باید وارد شوند تا جهانی پیشرفته تر در سطوح مختلف ایجاد کنند.

هدف چهارم: مقابله با تهدیدهای نرم اقتصادی: بدیهی است در نقطه مقابل قدرت نرم اقتصادی، بحث تهدیدهای نرم اقتصادی مطرح می شود که مقابله با آن را می توان هدف دیگر قدرت نرم اقتصادی به شمار آورد. چنانچه بیان شد، تهدید نرم اقتصادی از جانب نظام سلطه علیه کشورهای دیگر، برای اعمال سلطه بیشتر است که در عصر حاضر، در قالب استعمار فرانو در صحنه جهانی ظاهر شده است. بنابر این، مقابله با تهدیدهای نرم اقتصادی به عنوان یکی از اهداف قدرت نرم اقتصادی، به طور عمده در کشورهایی که هدف نظام سلطه قرار دارند، مطرح است و بدیهی است که اهمیت آن در هر کشوری، به تناسب فرهنگ و موقعیت آن متفاوت می باشد. نظام جمهوری اسلامی در کشور ما ایران که طرح سیاست استکبار ستیزی و تلفیق قدرت معنوی و مادی و صلح گرایی، از جمله اصول انقلابی آن است، با گفتمان «نه شرقی - نه غربی» سعی در گریز از چارچوب ساختار نظام سلطه داشته و دارد و با ساختار تبعیض آمیز و ظالمانه نظام بین الملل و رویکرد غالب آن رئالیسم، مخالفت کرده، قوانین و مقررات، سازمانهای بین المللی و حقوق بشر را ابزار سلطه دانسته و معتقد است که این سلطه باعث به حاشیه رفتن مفاهیم و رویکردهایی همچون: امت، عدالت، استقلال، اخلاق، مذهب، ارزشها، دفاع از جامعه مستضعفان و مبارزه با مستکبران و... شده است و هدف خود را از حاشیه به متن و صحنه عمل آوردن این مفاهیم و گفتمان ها اعلام می کند.

نتیجه گیری

به طور خاص نتایج این پژوهش حاکی از آن است که نظام بانکی کشور از لحاظ شفافیت و فساد در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. از اوایل دهه هفتاد تا کنون، اختلاس و ارتشادامن گیر نظام بانکی کشور بوده، هم خصوصی و هم دولتی. این فساد به خاطر کمبود قانون ضد فساد نبوده، چرا که تمام اختلاس های صورت گرفته مطابق نص قانون، بزه بوده اند. رواج فساد ناشی از کم کاری نهادهای نظارتی هم نبوده. آنچه صنعت بانکداری کشور بلد نیست «فرآیندسازی» است. در دنیا، موسسات مالی، بانک و غیر بانک، واحدی به نام واحد انطباق یا تطبیق دارند. این واحدها موظف به برقراری «فرآیندهایی» هستند که به قانون ضمانت اجرایی می دهد. اگرچه نهاد نظارتی دفاتر این موسسات را بررسی می کند، اما توجه خاصی نیز به اثربخشی و حسن اجرای فرآیندها می دهد. جرم بودن ارتشا یک نمونه از قوانینی است که مسوولیت فرآیندسازی

برای آن بر عهده واحد انطباق است. واحد انطباق، فرآیند تسهیلات دهی را از تقاضای اولیه و بررسی مدارک، تا تصویب و اعطا بررسی می‌کند و آنگاه آن فرآیند را به نحوی در بانک بازطراحی می‌کند که رشوه خواستن یا رشوه دادن برای دریافت تسهیلات تقریباً ناممکن شود؛ همچنین از لحاظ قانونی و حاکمیت قانون نیز در کشور مشکلاتی وجود دارد. با توجه به اینکه قانون بانکداری اسلامی در دهه ۶۰ به تصویب رسیده و آیین نامه اجرایی آن هم حدود یکی دو سال بعد از آن نوشته شده است و از سویی امروز بانکداری الکترونیک گسترش یافته بنابراین اصلاح این قانون الزامی به نظر می‌آید. طی سالیان گذشته اکثر کارشناسان موافق تغییر این قوانین و متناسب کردن آن با تحولات جدید در بانکداری بودند و آن را ضروری می‌دانستند، اما دولت‌ها و بانک مرکزی این موضوع را رد می‌کردند و آن هم به این دلیل که ممکن بود آیین نامه ارسالی به مجلس شورای اسلامی، دستخوش تغییرات شود؛ نظارت بانکی موثر از جمله پیش شرط‌های اساسی برای حصول اطمینان از صحت عملکرد نظام اقتصادی کشور است. هدف اصلی نظارت بانکی، حفظ ثبات نظام مالی و افزایش اعتماد به آن از طریق کاهش ریسک برای سپرده‌گذاران و سایر بستانکاران است. از این رو نظارت در پی آن است تا اطمینان یابد بانک‌ها و موسسات اعتباری به شیوه‌ای ایمن و صحیح عمل نموده؛ در مقابله با ریسک‌های فراروی خود، از سرمایه و ذخایر کافی برخوردارند. با این وجود شواهد متعددی از جمله ظهور و گسترش موسسات مالی غیرمجاز نشان می‌دهد که نظارت درستی بر فعالیت‌های بانکی کشور انجام نمی‌شود؛ علی‌رغم تحقیقات و توصیه‌های متعدد در دنیا در زمینه مدیریت ریسک‌های بانکی و ضرورت اهمیت دادن به آن‌ها، در سیستم بانکی کشور فقط در حد دپارتمان به مبحث ریسک و مدیریت آن توجه شده است. دپارتمان مدیریت ریسک در بانک‌ها از منظر توصیه نهادهای بین‌المللی نظیر کمیته‌ی «بال» و الزام بانک مرکزی به صورت پرستیژی و بدون محتوا ایجاد شده‌اند و در مواردی که به محتوا نیز اهمیت داده شده و اقداماتی صورت گرفته است، در عمل به آن توجهی نشده است. نکته مهم‌تر آن که از میان انواع ریسک‌های بانکی، بانک‌ها به صورت سنتی به مدیریت ریسک اعتباری و نقدینگی توجه داشته‌اند حال آن که از مهم‌ترین ریسک بانکداری یعنی ریسک عملیاتی غافل مانده‌اند؛ این عوامل خود باعث بروز مشکلاتی برای نظام بانکداری کشور شده است.

سیاستگذاران اقتصادی کشور برای افزایش رشد اقتصادی می‌بایست در کنار توجه به افزایش

سرمایه فیزیکی، اشتغال و سرمایه انسانی، توجه خاصی نیز به نحوه حکمرانی و ایجاد شرایط و بسترهای مناسب جهت بهبود آن داشته باشند و لذا فعالیت های انجام شده جهت بهبود نحوه حکمرانی را به مثابه یک سرمایه گذاری مفید تلقی کنند که نتیجه آن بهبود رشد اقتصادی و افزایش رفاه جامعه می باشد. در نتیجه پیشنهاداتی ارائه می شود:

تعریف شاخص های حکمرانی خوب از جمله ثبات سیاسی در پرتو حیات و ثبات دولت و عملکرد اقتصادی؛

- نظام حقوقی سالم در پرتو حاکمیت قانون و کاهش خطر ابطال قراردادها؛
- نظام اداری سالم در پرتو کاهش میزان فساد ملی در تمام سطوح؛
- کاهش میزان خشونت سیاسی در پرتو کاهش تنش های قومی، خطرها، جنگ ها و منازعات داخلی و میزان تروریسم سیاسی؛
- تأسیس کمیسیون مستقل مبارزه با فساد مالی؛
- پذیرش اصل شکل دهی حاکمیت توسعه گرا، مقتدر و برخوردار از نظام توسعه مدیریت ها و سیستم های نوین علمی، فنی، حقوقی و اداری کارآمد؛
- ایجاد شفافیت در فرآیند قانون گذاری و عملکرد نهادهای اجرایی؛
- به رسمیت شناختن حق نظارت عمومی از سوی دولت؛
- توجه به کارآمدی دولت در امور تخصصی، توزیعی، تثبیتی و تنظیمی؛
- ثبات در برنامه ها و اهداف طراحی شده توسط دولت و عدم تغییر پیاپی سیاست ها به نحوی که میزان محیط آینده اقتصادی و سیاسی قابل پیش بینی باشد.

منابع

۱. الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۹). «ماهیت و عناصر قدرت نرم»، قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل، تهران: نشر ساقی.
۲. خلیل ارجمندی، غلامرضا (۱۳۹۷). «حاکمیت شرکتی و اصلاح نظام بانکی»، فصلنامه بازار و سرمایه، شماره ۱۰، صص ۴۵-۲۶.
۳. صادقی، سعید (۱۳۹۷). «شفافیت، نظارت و کارآمدی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳، صص ۷-۳۴.
۴. صفری، امیر؛ ایمان قربانی، هومن مسگریان (۱۳۹۸). «ارزیابی نقش شاخص های موثر نظام بانکی کشور بر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و توسعه اقتصادی»، کنفرانس ملی پژوهش های کاربردی در مدیریت و مهندسی صنایع.
۵. عظیمیان، عسل؛ مهاجروطن، محمدرضا (۱۳۹۶). نقش فناوری اطلاعات در جرائم الکترونیک و پولشویی، کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود.
۶. فردوسی، فروهر (۱۳۹۳). «پیشگفتاری بر ضرورت استقرار حاکمیت شرکتی در نظام بانکی با تاکید بر آسیب شناسی نظام بانکداری بدون ربا ایران»، مجله اقتصادی، شماره ۱۱-۱۲، صص ۳۹-۵۸.
۷. نای، جوزف اس (۱۳۹۰). آینده قدرت، ترجمه سید رضا مراد صحرایی، تهران: نشریه حروفیه.
۸. نای، جوزف اس (۱۳۸۶). «منافع قدرت نرم»، ترجمه ناصر بلیغ، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۳۶: ۱۱۶-۱۰۷.
۹. هنرمند، مهدی؛ گرایلو، سحر (۱۳۹۷). «نقش حاکمیت شرکتی بر سلامت و فساد مالی بانک ها»، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، شماره ۴، صص ۱۰۷-۱۲۲.
10. Alvey James E (1999). "A Short History of Economics as a Moral Science", Journal of Markets & Morality 2, No.1 Spring P.53-73, Copyright © 1999 Center for Economic Personalism
11. Berger, Thomas U (2010) "Japan in Asia: A Hard Case for Soft Power",

Published by Elsevier Limited on behalf of Foreign Policy Research Institute, Fall, P.565-583.

12. Chong, A. and Gradstein, M (2004), "Inequality and Institution", Research Department Working paper No. 506, Inter- American Development Banlc: New York, NY
13. Clague, c. (Ed.) (2015), Institutions and Economic Development: Growth and Governance in Less- Developed and post- Socialist countries, Baltimore and London: The John Hopkins University press
14. Feng, Y (2013), De mocracy, Governance and Economic performance: Theory and Evidence, cambridge: MA, MIT press.
15. Gavel, Douglas (2010) "Changing Course: Using American Soft Power to Affect U.S.-Cuban Relations", A Thesis in the Field of Government for the Degree of Master of Liberal Arts in Extension Studies, Harvard University, November, Copyright by Pro Quest LLC
16. Gani, Azmat & Duncan, Ron (2004), "Fijis governance index", Australian national university and the university of the South pacific at the university of the south pacific.
17. Kagundu, paul (2016), "Quality of governance, Composition of public expenditures and economic growth: an empirical analysis", Andrew young school of policy studies, Georgia State University.
18. Knack, s. (Ed.) (2013), Democracy, Governance and Growth, Ann Arbor: The University of Michigan press.
19. Kaufmann, d, Kraay, A, Mastruzzi, Massimo (2008), "Governance Matter VII: Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2007", World Bank
20. Martinez-Vazquez, Jorge and M.robert McNab (2005)," Fiscal De-

- centralization, Macro-stability, and Growth", working paper 05-06: International studies program, AYSPS, Georgia State university.
21. Martinez-Vazquez, Jorge and M. Robert McNab (2005), "Fiscal Decentralization, Macro-stability, and Growth", working paper 05-06: International studies program, AYSPS, Georgia State university.
22. Nye, Joseph. S (1990). "Misleading Metaphor of Decline", the Atlantic, March
23. Poirson, Helen (2016), "Economic security, private investment and growth in developing countries", IMF working paper, wp/9817, 1998. Resnick, Danielle, Birner, Regine, "Does good governance contribute to pro-poor Growth? A review of the evidence from cross-country studies", international food policy research institute.

مدیریت بحران‌های سازمانی، چابکی و چگونگی

محمد محمدی^۱

چکیده

این مقاله باهدف شناخت حوزه‌های بحران در سازمان تلاش دارد تا در مقام پاسخ به این سؤال که بحران‌های سازمانی چیست و راه‌کار کنترل آن کدام است؟ به واکاوی موضوع پرداخته و شاخص‌های تأثیرگذار بر بحران و کنترل آن را استخراج نماید. در این پژوهش ابتدا از روش کتابخانه‌ای به منظور شناسایی و احصاء نقاط بحران خیز سازمان از روش کتابخانه‌ای و سپس با استفاده از پرسشنامه ۲۸ سوالی و روش پیمایشی معنادار، تأثیر شاخصهای اثرگذار بر بحرانهای سازمانی در بین ۶۰ نفر از مدیران و صاحب نظرانی که حداقل بیشتر از ۲۰ سال در رده‌های مدیریتی خدمت داشته‌اند مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از بررسی‌ها حاکی از آن است که بحران‌سازمانی در چهار محور اساسی شامل فرهنگ، ساختار، منابع و فرآیند عملیاتی سازمان نمود یافته و راه‌کار برون‌رفت از آن عملکرد و برنامه‌ریزی مناسب و مطلوب مدیران سازمانی با در نظر داشتن محیط داخلی و خارجی و شناخت ریشه‌های بحران و استفاده از مدیران شایسته و برخورد از دانش و تجربه است. همچنین نتایج نشان داد که به ترتیب مؤلفه فرآیند عملیاتی، ساختار، فرهنگ و در نهایت بعد منابع در مقابله با بحران‌های سازمانی مؤثر بوده‌اند.

واژگان کلیدی: مدیریت، سازمان، بحران، ساختار، فرهنگ، منابع، فرآیند عملیاتی.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
dm.mohamadi@iauctb.ac.ir

مقدمه

جامعه انسانی برای رسیدن به نقطه مطلوب و آرمانی از همان ابتدا تلاش خود را بر این قرارداد تا با تشکیل گروه، بخشی از اهداف خود را از این راه تأمین نماید. تشکیل قبیله در دوران اولیه و بعدها شکل‌گیری روستا و در ادامه شهرها، نیاز انسان را برای ایجاد سازوکار تشکیلاتی برای اداره امور به فکر انداخت تا جایی که با تشکیل دولت-شهر این نیاز بیش از هر زمان دیگری نمود پیدا کرد. نیاز به چهارچوبی مشخص برای اداره امور در نگاه اول از طریق تشکیل گروه مورد توجه قرار گرفت؛ اما این مهم با گسترش امور نیاز به تعریف پیدا کرد. بر این مبنای تشکیل دولت، قوانینی برای تأمین رفاه و ایجاد امنیت به عنوان دو مؤلفه اساسی نیاز انسان نمود یافت و دولت به عنوان محور در کانون توجهات قرار گرفت. حاکمیت دولت به عنوان قدرت برتر (هابز، ۱۳۷۹: ۲۳) این امکان را فراهم ساخت تا سازوکار مناسبی برای اداره امور تعریف شود که یکی از آن‌ها تشکیل سازمان برای اداره امور کشور و تأمین نیازهای جامعه است

سازمان‌ها در ابتدا سازوکار امروزی را نداشتند، اما با گذشت زمان تعریف جدیدی از سازمان ظاهر شد. در این تعریف سازمان‌های جدید در چهارچوب قوانین و مقررات کشور مورد توجه قرار گرفت و تلاش برای اداره بهتر جامعه از طریق تأمین نیازهای جامعه برای هر کدام از آن‌ها تعریف شد. سازمان‌ها متناسب با اهداف تعریف خاصی برای حوزه مأموریتی خود دارند. به همین دلیل اگر قرار است سازمانی مورد ارزیابی قرار گیرد، در نگاه اول اهداف و در ادامه مأموریت خود را باید مشخص نماید. در این تعریف اولین اقدام تهیه سازوکارهای لازم برای حوزه مأموریتی است. این سازوکار در حوزه داخلی شامل چهار محور فرهنگ، ساختار، امکانات و فرآیند عملیاتی و در حوزه خارجی نگاه به محیط بیرونی است که از آن به عنوان شرایط حاکم بر محیط فراساختاری یاد می‌شود (رک به ساوه درودی، ۱۳۹۲: ۲۳).

تأثیر سازمان در زندگی و جامعه انسانی باعث شد تا سازمان‌های غیردولتی و در ادامه سازمان‌های خصوصی نیز تشکیل شود. با گسترش جامعه جهانی و رشد فناوری اطلاعاتی که مهم‌ترین اثر آن حذف مرزهای فیزیکی بود، اداره سازمان با پیچیدگی خاص ناشی از شرایط جدید همراه شد. این وضعیت نیاز به دانش و افزایش آگاهی سازمان‌ها را در فضای رقابتی جدید بیش از هر زمان دیگری مورد توجه قرارداد و باعث شد تا مدیران سازمان‌ها برای اشراف بر وضعیت حاکم و توفیق در اداره امور سازمان به تبیین راهبرد سازمانی توجه کنند. در این راه توجه به فرهنگ سازمانی

برای اداره بهتر نیروها، تغییر در ساختار و سازمان‌دهی، تأمین منابع و امکانات و در نهایت چگونگی فرآیند عملیاتی به عنوان ارکان اساسی سازمان مورد توجه قرار گرفت.

۱- کلیات

۱-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

وجود سازوکار تشکیلاتی برای ماندگاری و بقا یکی از مهمترین محورهای مورد توجه تصمیم سازان حکومتی است. حاکمیت‌ها برای رسیدن به این هدف با تشکیل سازمان، چهار چوب مشخصی را برای آن تعیین و هدف خود را دنبال میکنند. سازمان نیز در این راستا با توجه به ماموریت ابلاغی، تلاش خود را برای رسیدن به این هدف اقدامات لازم را انجام می‌دهد. انجام ماموریت در چهار چوب ضوابط خاص نیاز به سازوکار داخلی دارد که با توجه به اهداف سازمانی تعریف و مورد توجه قرار می‌گیرد. مهمترین این موارد در قالب فرهنگ سازمانی، فرآیند عملیاتی، ساختار و تأمین منابع است که هر سازمانی از طریق توجه به آن می‌تواند به هدف مطلوب خود برسد.

در اجرای اهداف سازمانی چنانچه به این چهار مورد توجه لازم و کافی نشده و یا در روند کار خللی در هر کدام از آن‌ها ایجاد شود، سازمان در رسیدن به هدف خود با مشکل جدی مواجه خواهد شد. از این چهار محور، حتی اگر یکی هم دچار مشکل شود، سایر موارد نیز با اشکال جدی روبرو شده و نظم سازمانی برهم خواهد خورد. به همین دلیل ضرورت کار و رسیدن به هدف ایجاب می‌کند تا آسیب‌های مترتب بر هر کدام با دقتی هوشمندانه مورد توجه قرار گیرد که این مهم در مقاله حاضر مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۲-۱. پیشینه پژوهش

برای تکمیل بحث علاوه بر کتب مدیریتی مقالات مندرج در سایت‌های مختلف از جمله SID و اندیشه مورد بهره‌برداری قرار گرفت. محقق برای استفاده بهینه از منابع آن‌ها را به دو دسته تقسیم نموده است:

۱. منابع دست اول شامل کتاب‌هایی بوده که به مدیریت سازمان توجه داشته که از جمله آن‌ها کتاب مبانی سازمان و مدیریت رضائیان و اعرابی است.

۲. منابع دست دوم مقالاتی بوده که در نظر و عمل به عنوان موضوعی فرعی و ثانوی موضوع مدیریت سازمان را مورد توجه قرار داده اند که به وفور در سایت های اینترنتی وجود دارد. با وجود اینکه کتاب ها و مقالات مورد نظر مطالب خوبی را در مورد چگونگی مدیریت سازمان دارند، اما به مبحث بحران سازمانی به طور مستقیم اشاره ای نکرده اند. این مهم شاید به دلیل نبودن مبحث بحران سازمانی است. با این حال نوآوری این مقاله در آن است که به طور مستقیم چهارچوب نظری خود را در مورد مدیریت بحران سازمانی ارائه داده که برابر بررسی ها تاکنون مورد مشابه نداشته است.

۲. مبانی نظری تحقیق

۱-۲- ضرورت شناخت سازمان

با توجه به گستردگی حوزه مأموریت سازمان نمی توان از یک شیوه و روش خاصی برای اداره امور سازمانی بهره برد و نسخه یکسانی برای آن تجویز نمود. به همین دلیل در طول یک قرن اخیر نظریه های مختلفی در حوزه مدیریت سازمان نمود یافت. زمانی که روش علمی تیلور نیاز سازمان را برآورده نکرد، مکتب روابط انسانی ورود خود را به حوزه مدیریت نشان داد؛ اما این نظریه نیز به دلایل متعدد موفق به ارائه مدلی قابل قبول در اداره سازمان نشد. به همین دلایل آنچه که امروز بیش از نظریه های دیگر در حوزه مدیریت مطرح شده مکتب اقتضایی است که مدیریت را با توجه به شرایط زمانی و مکانی و نوع مأموریت سازمان و با در نظر داشتن همزمان شرایط محیطی داخلی و خارجی مورد توجه قرار داده است.

محیط امروزی به گونه ای است که تلاش ها را در مسیری هماهنگ و هدفمند قرار داده است. در این مسیر، سازمانی موفق خواهد بود که راه رسیدن به بهره وری سازمانی را در چهار چوب هماهنگی با محیط دنبال نماید. اگر چنین حالتی در سازمان وجود نداشته باشد سازمان فلسفه وجودی خود را از دست داده و سازمان را ناکارآمد و در نهایت به سقوط می کشاند.

سازمان هایی که دارای ماهیتی عقلانی و هدف گرا باشند می توانند برای رسیدن به اهداف خود موفق تر از دیگران باشند. حصول به اهداف می باید با شناخت از محیط سازمانی و محیط بیرونی باشد. در محیط داخلی اولویت یکم، ساخت فرهنگ سازمانی است. فلسفه وجودی فرهنگ سازمانی که شالوده اصلی کار سازمان را شکل می دهد، ساماندهی در سلامت افراد

از لحاظ مادی و معنوی، پذیرش شرایط حاکم بر سازمان توسط کارکنان، تقویت روح، تعهد و انضباط اخلاقی، سخت‌کوشی و تلاش بیشتر در جهت رسیدن به اهداف سازمانی است (عباس‌پور، ۱۳۹۱: ۷) که از طریق فرآیندهای عملیاتی، ساختار مناسب و تأمین منابع و امکانات اصلاح می‌شود.

آسیب‌های درون‌سازمانی در همین چهار محور نمود یافته و می‌تواند هر سازمانی را با بحران داخل درون‌سازمانی مواجه سازد. اگر این مهم با شرایط تأثیرگذار خارجی همراه شود، شدت آسیب به‌طور مضاعف سازمان را در آستانه شکست و درنهایت در ورطه نابودی قرار می‌دهد. به همین دلیل شناخت از سازمان و حوزه مأموریت آن برای مسئولین و مدیران عالی کشور بسیار مهم بوده و لازم است در فرآیند اداره امور به‌طور خاص موردتوجه قرار گیرد.

۲-۲. روش تحقیق

پس از احصاء موارد تأثیرگذار بر بروز بحران سازمانی، به منظور تشخیص اهمیت و ترتیب هر کدام از موارد به روش پیمایشی پرسشنامه ۲۸ سوالی در اختیار صاحب نظران این حوزه قرار گرفت و به این ترتیب در مورد اهمیت هر یک از شاخصهای اثرگذار در بروز بحران سازمانی نظرخواهی شد.

پرسشنامه استفاده شده در این پژوهش از حیث اعتبار محتوایی و صوری به تأیید صاحب‌نظران این حوزه رسیده است. همچنین میزان پایایی در پژوهش حاضر از طریق ضریب آلفای کرانباخ محاسبه شده است. به طور کلی نتایج حاصل از بررسی پایایی پرسشنامه نهایی نشان داد که ضریب آلفای کرانباخ محاسبه شده برای کل پرسشنامه برابر ۰/۸۷۹ گزارش شده است.

۲-۳. نقاط بحران‌خیز سازمانی

همه سازمان‌ها گاهی اوقات با شرایطی مواجه می‌شوند که نظم سیستم اصلی یا قسمت‌هایی از آن به دلایل مختلف مختل و پایداری آن متزلزل می‌شود. در این شرایط کشف آسیب‌پذیری عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده سیستم در مقابل بحران بسیار ضروری و حیاتی است. عدم توجه به آسیب‌پذیری‌های درون‌سازمانی منجر به تغییرات ناخواسته‌ای می‌شود که تبعات حاصل از آن منجر به زمین‌گیر شدن مأموریت‌ها، وظایف و ناکارآمدی سازمان می‌گردد و آن را از اهداف خود دور

می‌سازد. این رویکرد در مدیریت به‌عنوان رویکرد سیستم محور مورد توجه است (دیوید، ۱۳۸۱: ۳۴۲). در رویکرد سیستمی هرگونه اخلاق و عدم کارکرد صحیح در عوامل محیط داخلی شامل فرهنگ، منابع، ساختار و فرآیند عملیاتی مشکل جدی برای سیستم (سازمان، نهاد، دولت) ایجاد می‌کند. در حوزه فرهنگ زیر سؤال رفتن ارزش‌های کلیدی سازمان، در منابع عملکرد نیروها، فرسودگی ابزار و تجهیزات، عدم کارایی صحیح وسایل موجود با حوزه مأموریت و عدم انطباق ابزار با فن‌آوری روز و استمرار روند سنتی سابق، در ساختار ناهماهنگی در ارتباطات و تبادل اطلاعات و در فرآیند عملیاتی ناکارآمدی شیوه‌نامه‌ها و ابلاغیه‌ها می‌تواند بحران درون‌سازمانی ناشی از مواردی همچون ضعف ارتباطی، عدم کارایی جدول سازمان فعلی، عدم انطباق سازمان با شرایط جدید را افزایش دهد. از این‌رو می‌توان نقاط بحران خیز سازمانی را در این چهار حوزه یعنی فرهنگ سازمانی، فرایند داخلی، ساختار سازمانی و منابع مورد بررسی قرارداد.

الف- فرهنگ سازمانی

«فرهنگ سازمانی مجموعه مختصات و ویژگی‌های کلیدی تشکیل‌دهنده ارزش‌های سازمان است» (رابینز: ۱۹۹۱، ۴۳۸). مهم‌ترین این ویژگی‌ها مواردی چون ابتکار فردی، خطرپذیری، انسجام، هدایت، کنترل، سامانه تشویق، هویت و ارتباطات است. این موارد تصویری از ادراکات، احساسات و چگونگی انجام کار را در سازمان است. چنانچه یکی از ویژگی‌های اشاره شده در عمل با تبعات و مشکلات خاص خود مواجه شود، سازمان با نوعی از بحران مواجه می‌شود. فلسفه وجودی فرهنگ سازمانی که شالوده اصلی کار سازمان را شکل می‌دهد، ساماندهی در سلامت افراد از لحاظ مادی و معنوی، پذیرش شرایط حاکم بر سازمان توسط کارکنان، تقویت روح، تعهد و انضباط اخلاقی، سخت‌کوشی و تلاش بیشتر در جهت رسیدن به اهداف سازمانی است. به همین دلیل اندیشمندان و متفکرین معتقدند شالوده و زیر بنای اصلی هر سازمانی بر فرهنگ سازمانی آن استوار است. (رابینز، ۱۹۹۱: ۱۲، انسف، ۱۳۸۱، ۲۲ و دیوید، ۱۳۸۰: ۷)

همان‌طور که فرهنگ کشورها با یکدیگر متفاوت است، فرهنگ سازمان‌ها نیز با یکدیگر متفاوت بوده و بر حسب مواردی مانند مأموریت، اهداف، شرح وظایف مورد توجه قرار می‌گیرد. همه این موارد تحت تأثیر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر فرهنگ، یعنی ایدئولوژی، توسعه، شرایط

حاکم بر محیط، نوع حکومت، شرایط سرزمینی، موقعیت ژئوپلیتیکی قرار دارد. در عین حال شرایط حاکم بر سازمان‌ها بسته به اینکه دولتی یا خصوصی باشند با یکدیگر متفاوت است. در سازمان‌های دولتی فرهنگ حاکم بر سازمان تحت تأثیر نوع حکومت و شیوه‌نامه‌های دولتی قرار داشته و چهارچوب و ضوابط خاص خود را دارد. در سازمان‌های خصوصی سبک مدیریت، آزادی عمل بیشتری را به کارکنان داده و بر اساس ضوابط سازمان خصوصی کار دنبال می‌شود. اولویت فرهنگ‌سازمانی هویت بخشی به اعضای سازمان است تا افراد به سازمان افتخار کنند و بر خود بی‌اند که در چنین سازمانی و برای هدف آن تلاش می‌کنند. از دیگر وظایف فرهنگ‌سازمانی آن است که تعهد و مسئولیتی جمعی را تسهیل می‌کند. افراد متعهد، هدفمند بوده و تحت فشار تسلیم نمی‌شوند. مردمی بودن یکی از مشخصه‌های فرهنگ نهادی است که فرد در آن خود را موظف به حل مشکلات در هر زمان و مکان می‌داند. در کنار این دو وظیفه می‌توان سومین وظیفه فرهنگ‌سازمانی را افزایش ثبات سیستم اجتماعی دانست که در آن قناعت و ساده زیستی در زندگی شخصی و سازمانی مورد توجه قرار دارد. چهارمین وظیفه فرهنگ‌سازمانی شکل‌دهی به رفتار اعضای خود بامعنی بخشیدن به کارشان است. پرهیز از بروکراسی به معنای کاغذبازی، جلب اعتماد مردمی و مواردی مانند آن در این راه نقش دارد. آخرین وظیفه فرهنگ‌سازمانی تقویت حس همکاری به جای رقابت است. در این بخش تشریک مساعی نقش مهمی در اعتلای اهداف سازمانی داشته و نهادینه شدن آن از مهم‌ترین وظایف مدیران سازمانی است (رضاییان، ۱۳۹۳: ۲۷۸).



شکل نشان از آن دارد که فرهنگ سازمانی دارای دو لایه است:

اولین لایه آن به عنوان هسته مربوط به باورهای و ارزشهای فردی است. این مهم برگرفته از مبانی دینی، قومی، نژادی، زبانی و هویتی افراد است. این لایه بخش جدایی ناپذیر از باورهای افراد است که با ورود خود به سازمان همراه دارند. برخی از آن‌ها در حافظه ماندگار افراد قرار دارد و برخی می‌تواند با ورد به سازمان تحت تاثیر قرار گیرد. از این رو مدیران سازمانی اگر قرار است در این زمینه ورودی داشته باشند، در نظر گرفتن این باورها لازم و ضروری است. لایه دوم که محصول شیوه ناه‌ها و دستورالعمل‌های سازمانی است، در تلاش بر آن است تا افراد را در چهار چوب سازمان قرار داده و رفتار آن‌ها را شکل دهد. تغییر رفتار کارکنان سخت و دشوار است و به یک باره نمی‌توان اندیشه و رفتار گذشته را در تفکرات قالبی سازمان قرار داد. از این رو مدیران سازمان باید در این زمینه باید تحمل و صبر بیشتری داشته باشند. روشهای سازمانی قابل انتقال است با این شرط که باورهای گذشته افراد باید مورد توجه قرار گیرد. به نظر می‌رسد بحران سازمانی زمانی رخ می‌دهد که تصادمی بین لایه اول و دوم رخ داده باشد. زمانی که فرد رویکرد سازمان را در مخالفت با اندیشه خود می‌بیند واکنش نشان داده و در ادامه با گذشت زمان این مهم با تاثیر بر کار افراد، آنها را در شرایطی قرار می‌دهد که دلبستگی به کار را کاهش داده و در نهایت بهره‌وری کاهش می‌یابد. زمانی که این شرایط بر سازمان حاکم شود سازمان در آستانه بحران قرار گرفته و بتدریج دچار افول خواهد شد.

ب- فرآیند داخلی

فرآیند عملیاتی مسیر حرکت و انجام اقدامات لازم برای رسیدن به هدف در مسیر را نشان می‌دهد. فرآیند در واقع راه رسیدن به هدف را در چهارچوب ضوابط مشخص نموده و مسیر را برای کارکنان مشخص می‌نماید. تعیین فرایند می‌تواند مانع از انحراف سازمانی شده و ضمن سهولت در تشخیص درست مسیر، مدیر را در رسیدن به اهداف یاری رساند. در فرآیند به‌واسطه اینکه وظیفه افراد و جایگاه مشخص می‌شود، کارکرد سازمانی هم مشخص و قابل ارزیابی خواهد بود. از این رو چنانچه یکی از جایگاه‌ها و یا افراد آن با مشکل مواجه شوند، امکان انحراف از مسیر و در نهایت ناتوانی در رسیدن به هدف نمود خواهد یافت. زمانی که چنین وضعیتی در سازمان حاکم شود تشکیلات با انحراف از مسیر با آسیب‌هایی مواجه می‌شود که

آثار آن لرزش‌های درون‌سازمانی آرام، اما بنیان‌برانداز است. این لرزش در امتداد مسیر خود با افزایش نوسانات می‌تواند روند شکل‌گیری بحران را در هر سازمانی آغاز نماید.

فرآیند عملیاتی میزان توفیق عملکرد سازمانی را مورد سنجش قرار داده و با تعیین اندازه‌گیری در روند اقدامات موفقیت سازمان را برای رسیدن به اهداف مورد ارزیابی قرار می‌دهد. درواقع فرآیند عملیاتی حرکت از A به B و در ادامه از B به C و همچنین ادامه مسیر برای رسیدن به نقاط دیگر است. چنان‌چه سامانه در یکی از این نقاط دچار مشکل شود و یا در مسیر حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر با مشکل مواجه شود، فرآیند عملیاتی با وقفه مواجه شده و سازمان را زمین‌گیر خواهد کرد. اینکه چرا این فرآیند با مشکل مواجه می‌شود، دلیل مختلفی دارد که مدیر سازمان و یا مسئول مستقیم بخش مربوطه باید به دنبال کشف آن باشد. فرآیند عملیاتی می‌تواند ناشی از بی‌انگیزی کارکنان، نارضایتی از وضع موجود، نبود تجهیزات مناسب، کمبود امکانات و یا هر دلیل دیگر باشد. ضمن اینکه نقص در شیوه‌نامه‌ها و نادرستی در هدایت مسیر توسط تصمیم‌سازان نیز از دیگر دلایلی است که باید به آن اشاره داشت.

در تعیین فرآیند عملیاتی توجه به سه محور شامل هدف، سیاست و خط‌مشی مهم است. بر این اساس مدیران باید در برنامه‌ریزی سازمانی با توجه به این سه محور و شناخت دقیق از مأموریت و هدف سازمانی فرآیند عملیاتی را موردتوجه قرار دهند تا از بروز بحران احتمالی در سازمان جلوگیری شود:

- ۱- هدف: نقطه کانونی تمرکز سازمان بر روی هدف قرار داشته و تلاش‌ها همه برای رسیدن به آن ختم می‌شود. هدف انگیزه‌ساز و انگیزاننده است. فرآیندها همه برای رسیدن به هدف تبیین و به مورد اجرا در می‌آید؛ بنابراین هدف باید مشخص و بدون ابهام باشد.
- ۲- سیاست: این مهم چهارچوبی برای رسیدن به هدف است. مجموعه‌های تحت پوشش سازمانی حق خروج از این چهارچوب را نداشته و موظف به حرکت در مسیری هستند که از پیش مشخص شده است. سیاست با توجه به نوع سازمان، شرایط زمانی و مکانی اجرا می‌شود. سیاست بیشتر در چهارچوب نظام ارزشی جامعه و اهداف حکومت تعریف می‌شود. دولت‌های سکولار و لائیک با یک نگاه و دولت‌های سوسیالیستی و غربی با نگاه دیگر این سیاست را دنبال می‌کنند. در کشورهای اسلامی نیز این سیاست در چهارچوب و ضوابط خاصی دنبال می‌شود که با توجه به سمت‌وسوی اعتقادات از تفاوتی ماهوی با یکدیگر برخوردار است.

۳- خط‌مشی: درحالی‌که سیاست چهارچوب و حدود و ثغور عملیات در مسیر را نشان می‌دهد. خط‌مشی چگونگی حرکت در چهارچوب ضوابط ابلاغی و روش کار را از طریق ابلاغ شیوه‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها مشخص می‌کند. شاید بتوان گفت نبض فرآیند عملیاتی موفق در همین نکته باشد. شیوه‌نامه‌های متناسب با هدف، همراه با در نظر گرفتن شرایط حاکم بر سازمان و جامعه مهم‌ترین نکته قابل توجه در این مسیر است. خط‌مشی به واسطه تعیین روش کار یکی از مطمئن‌ترین راهکارهای یادگیری کارکنان نیز محسوب می‌شود.

مرکز ثقل فرآیند عملیاتی



ج- ساختار سازمانی

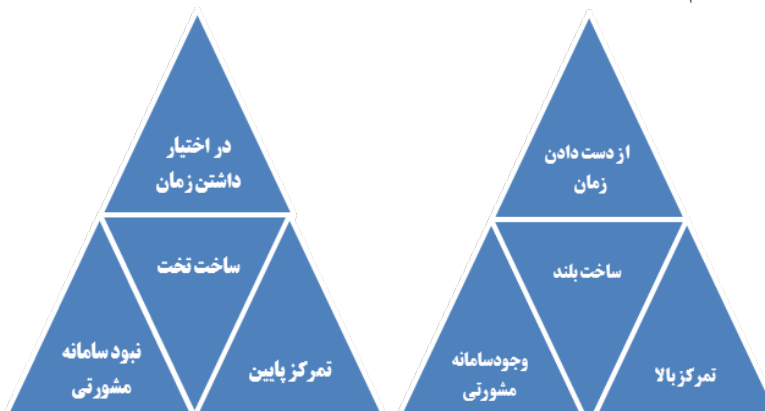
ساختار سازمان تصریح می‌کند که وظایف چگونه تخصیص داده شوند، سازوکارهای هماهنگی رسمی و نیز الگوهای تعاملی سازمان که باید رعایت شوند کدام‌اند و اینکه چه کسی به چه کسی گزارش دهد. ساختار به عنوان یکی از اجزای سازمان از عنصر رسمیت، تمرکز و پیچیدگی تشکیل شده است (رضائیان، ۱۳۹۲: ۲۳۱). از این رو چگونه طراحی سازمان برای حصول اهداف سازمانی مهم است. ساختار سازمانی فقط به نمودار سازمانی مربوط نیست. در واقع ساختار حاکی از چگونگی ارتباط قسمت‌ها باهم، تعیین تکلیف وظایف هر قسمت، چگونگی حضور بخش‌ها و قسمت‌های مختلف برای رسیدن به اهداف سازمانی و مواردی مانند است. از این رو نباید ساختار فقط به سازمان‌دهی ختم کرد. سازمان‌دهی تنها یک نمودار است اما ساختار با توجه به نوع سازمان و مأموریت آن از پیچیدگی خاصی برخوردار است. ساختار مناسب متناسب یا مأموریت و اهداف می‌تواند در کنترل رویداد منتهی به بحران مؤثر باشد که از جمله آن‌ها ساخت سازمانی، فناوری مورد استفاده، ارتباطات، سازمان‌دهی است.

ساخت سازمانی می‌تواند فناوری مورد استفاده، ارتباطات، سازماندهی را تحت پوشش قرار دهد. ساخت سازمانی بلند، و یا تخت است (رک به رضائیان، ۱۳۹۲: ۱۹۰):

در ساخت بلند، تمرکز بالا و حیطه نظارت قوی است. در این ساخت سطوح سازمانی بیشتر و مدیران عالی با تفویض اختیار به مدیران میانی امور مدیریتی را دنبال می‌کنند، در ساخت سازمانی بلند به دلیل تمرکزی بودن اقدامات، کنترل بحران توسط شخص مدیر راهبری می‌شود. با این وجود نقص این نوع ساخت در آن است که مدیر دیرتر در جریان امور قرار می‌گیرد که این مهم به دلیل اینکه زمان در بحران بسیار حیاتی است، نقص بزرگ سازمان بلند محسوس می‌شود. چرا که تصمیم‌گیری‌ها، جمع‌آوری اطلاعات و هرگونه اقدام به هنگام وقوع بحران با در نظر داشتن زمان امکان‌پذیر خواهد بود. ساخت بلند به دلیل داشتن لایه‌های مختلف سطوح تصمیم‌گیری در زمان وقوع بحران می‌تواند کار مقابله با بحران را با مشکل جدی مواجه نماید. «زمان» نقش محوری در کنترل بحران دارد. در سازمان بلند برپایی جلسات با مدیران میانی و در صورت لزوم مدیران عملیاتی، برای رسیدگی به موضوع و توقف در تصمیم‌گیری به دلیلی چون بروز اختلاف نظر در خصوص برخورد با بحران می‌تواند منجر به از دست دادن زمان و در نهایت شعله‌ور شدن بحران گردد. درعین حال به دلیل مشورت با مدیران برای رسیدن به راه‌کار مطلوب برای مقابله با بحران، ساخت بلند می‌تواند کارآمدتر باشد. در این سازمان‌ها تسری بحران در لایه‌های مختلف سازمانی به دلیل ساختاری در مقام مقایسه با سازمان تخت پایین‌تر است و مدیران میانی به‌عنوان تصمیم‌گیران محوری هر بخش و یا همان لایه می‌توانند در بخش مربوطه اقدامات لازم را با برنامه‌ریزی مناسب دنبال و از ورود بحران به بخش تحت نظر خود جلوگیری نمایند که البته این مهم به چگونگی عملکرد مدیران و توانمندی آنان در برنامه‌ریزی و برخوردار بودن از دانش؛ و تجربه لازم مربوط می‌شود.

ساخت سازمانی تخت همراه با عدم تمرکز بوده و حیطه نظارت به دلیل اینکه مدیر با تعداد نفرات بیشتری سروکار دارد به شدت پایین است. در ساخت تخت تعداد سطوح سلسله‌مراتبی در پایین‌ترین حد ممکن قرار داشته و تفویض اختیار وجود ندارد به همین دلیل مدیر مستقیم با مسائل درگیر خواهد شد. در ساختار تخت به دلیل نبود تمرکز، کنترل بحران توسط مدیر عالی سخت و دشوار است و مدیر در همه حال نمی‌تواند اشراف لازم بر مجموعه را داشته باشد. با این وجود مدیر در این گونه ساخت در کمترین زمان ممکن در جریان امور قرار خواهد گرفت.

در سازمان تخت به دلیل نبود سطوح مختلف تصمیم‌گیری، سیر گزارش‌های سلسله‌مراتبی در آن کوتاه است و مدیر در کوتاه‌ترین زمان ممکن می‌تواند از اطلاعات لازم پیرامون بحران مطلع شود؛ اما همین حسن می‌تواند نقص بزرگی را برای مدیر ایجاد نماید و آن نبود سامانه مشورتی و کمک به مدیر در تصمیم‌گیری است. در این سازمان‌ها سرعت تسری بحران به لایه‌های بالاتر شدید و کل سازمان با بحران درگیر می‌شود. حاکمیت چنین شرایطی در سازمان زنگ خطری برای شدت یافتن آسیب‌های درون‌سازمانی و درنهایت تشدید تهدید و سرانجام وقوع بحران است. به‌طور مثال ابلاغ شیوه‌نامه‌ها به‌طور همزمان در سازمان تخت می‌تواند به یک‌باره سیستم را متحول و یا از حالت فعلی خارج سازد، در صورتی که در سازمان‌های بلند این‌گونه نیست. در اینکه کدام‌یک از این ساختارها در زمان مواجهه با بحران بهتر عمل می‌کنند و یا اینکه کدام مانع از بروز بحران می‌شود نمی‌توان به‌صراحت پاسخ داد. چراکه موقعیت‌ها در زمان بحران باهم متفاوت و مأموریت‌ها نیز تفاوت دارد (مک کارتی، ۱۳۸۱: ۸۷). شرایط زمانی و مکانی حاکم بر سازمان، موقعیت جامعه و دولت، نظام بین‌المللی و مواردی مانند آن می‌تواند در ساخت و تصمیم‌گیری مهم باشد.



د- منابع و امکانات

هر سازمانی برای رسیدن به اهداف خود نیاز به بسیج منابع و امکانات لازم و کافی دارد. در نگاه کلی منابع به سه محور مالی، انسانی و فیزیکی تقسیم می‌شود. در حوزه مالی مواردی چون تأمین وجوه، کنترل میزان نقدینگی موردتوجه است. در حوزه انسانی تأمین نیازهای انسانی سازمان شامل نیروهای متخصص، باهوش، منضبط مدنظر قرار گرفته و

در عین حال تأمین مدیران مناسب با مأموریت سازمانی نیز از وظایف این بخش است. در بخش فیزیکی تأمین فضای سازمانی، ساختمان مناسب، وسایل حمل و نقل و مواردی از این قبیل مورد توجه قرار گرفته و از طریق هماهنگی با بخش مالی باید این موارد که بخش مهم و تأثیرگذار در روحیه کاری کارکنان است تهیه شود. این مهم نیز چنانچه با کاستی و کوتاهی ناشی از نبود بودجه لازم همراه شود، به لحاظ تأثیر مستقیم بر روحیه کارکنان می‌تواند آسیب جدی به مجموعه سازمان وارد ساخته و سامانه را برای رسیدن به اهداف با مشکل جدی و در نهایت بحران سازمانی مواجه سازد. منابع در محورهای زیر قابل بررسی است: تأمین نیرو- سرمایه اصلی سازمان‌ها نیروهای آن هستند. اگر این افراد به دلیل نداشتن رضایت شغلی، نداشتن جایگاه سازمانی، کمبود حقوق و مزایا، مدیریت ناکارآمد، بی‌عدالتی در ردیف افراد ناراضی قرار گرفته و انگیزه آنان تحت تأثیر قرار گیرد، موتور محرک حرکت سازمان با اشکال جدی مواجه شده و روند حرکت سازمان به سوی هدف متوقف و یا حداقل با وقفه مواجه می‌شود. تمامی اندیشمندان مدیریت، با تأکید بر نقش مهم انگیزه در مدیریت رفتار سازمانی، مدیران را به شناخت راهکارهای انگیزه توصیه کرده و رمز موفقیت اساسی سازمان را در توجه به آن توصیه کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها نظریه مازلو در سلسله مراتب نیاز (رضائیان، ۱۳۹۳: ۷۹)، مکلند در نظریه نیاز اکتسابی (هرسی و بلانچارد، ۱۳۸۱: ۳۱)، آلدرفر در نظریه زیستی، تعلق و رشد (Alderfer 1969:43) و هرزبرگ در نظریه دو ساحتی انگیزاننده مانند موفقیت در کار و قدردانی برای انجام کار، و بهداشت روانی مانند روابط انسانی، دستمزد، مقام، تأمین امنیت (oreilly 22:1989) است. به همین دلیل شایسته است، سلامت نیروی انسانی از دو جنبه فیزیکی و رفاهی مورد توجه ویژه مدیران قرار گیرد. مدیرانی در این راه موفق خواهند بود که حداقل در سه زمینه دانش، مهارت و تجربه صاحب نظر باشند. دانش مربوط به شناخت از نیروها، سازمان و محیط سازمانی داخلی و خارجی، مهارت دانش تخصصی در حوزه مأموریتی و تجربه مربوط به دانش مدیریتی و سوابق کاری در مشاغل مدیریتی است. مدیرانی که از این سه ویژگی برخوردار باشند می‌توانند در برقراری رابطه با نیروها و اداره سازمان موفق باشند. سازمان‌هایی که خارج از قواره و بدون توجه به ویژگی‌های فوق مبادرت به انتصاب مدیران در هر سه طبقه مدیران عالی، میانی و عملیاتی نمایند در مسیر رسیدن به هدف با مشکل جدی و در نهایت بحران‌های درون سازمانی مواجه خواهند شد.

تأمین منابع مالی - هدف گذاری از مهم ترین اولویت های سازمانی بوده و همه تلاش ها باید برای رسیدن به آن تمرکز یابد. از این رو شکست در رسیدن به اهداف سازمانی می تواند فلسفه وجودی هر سازمانی را زیر سؤال برده و در نهایت آن را به ورطه نابودی بکشاند. هدف با توجه به شدت تلاش و علاقه نیروها به سازمان و پایداری آن ها به ارزش های سازمانی و سامانه مدیریتی می تواند قابل دسترسی باشد؛ و نیازمند تأمین منابع مالی است. منابع مالی را می توان مدیریت جریان پول در سازمان تعریف کرد که باید بر اساس تئوری و اصل خاص خود اداره شود. از این رو این بخش نیز دارای اهمیت بالایی بوده و نیازمند بکارگیری نیروهای متخصص و صاحب نظر در حوزه مالی است. سازمان هایی که در رسیدگی به امور مالی را سهل انگاری نمایند به لحاظ از دست دادن منابع مالی خود به شدت آسیب پذیر شده و در میدان رقابت با حریف قدرت خود را از دست داده و دچار بحران می شود. از این رو منبع مالی نیز یکی از منابع قدرت سازمان به حساب آمده و توجه لازم برای تأمین و تقویت آن ضروری است برای این کار شایسته است مدیران عالی و مدیران مالی اقدامات لازم برای هدایت به طرف نقدینگی و سودآوری را در چهارچوب اخلاق مداری حرفه ای مدیریتی مورد توجه قرار داده و با اجرای اقدام لازم در حوزه اداره دارایی مانع از بروز بحران های مالی در سازمان شوند. تأمین امکانات - این مهم مربوط به شرایط فیزیکی محل خدمت شامل وجود ساختمان مناسب، محل مناسب، توجه به امکانات سرمایشی و گرمایشی با توجه به شرایط آب و هوایی، فراهم ساختن امکانات تفریحی برای کارکنان و خانواده ها، مرخصی به موقع و مواردی از این قبیل است. مدیران باید به این نکته مهم توجه داشته باشند که کار خوب و تلاش بیشتر مستلزم فراهم ساختن امکانات رفاهی مناسب برای کارکنان است. نبود و یا کمبود امکانات رفاهی به طور مستقیم و غیر مستقیم می تواند منجر به نارضایتی کارکنان و در نتیجه تأثیرگذاری در کاهش بهره وری سازمانی شود. حاکمیت این شرایط در درازمدت آسیب های درون سازمانی را افزایش داده و در نهایت منجر به بروز بحران های سازمانی خواهد شد.

۳. یافته های تحلیلی - پیمایشی تحقیق

۱-۳. یافته های تحلیلی

راهکار مقابله با بحران های سازمانی

بیشتر بحران های سازمانی در نتیجه نابسامانی موجود در یکی از این چهار محور فرهنگ

سازمانی، ساختار، فرآیند عملیاتی و منابع بروز می‌یابد. از این رو مدیران خوب در صورتی که شناخت و اشراف لازم بر هر یک از این موارد را داشته باشند می‌توانند با پیش‌بینی در مورد شرایط احتمالی از بروز مخاطرات مترتب بر سازمان جلوگیری و در صورت وقوع، آن را به نحو مناسبی هدایت و راهبری نمایند. شرط لازم و کافی برای توفیق در این قبیل موارد شناخت از محیط داخلی سازمان و درعین حال همزمان توجه به محیط بیرونی است (Mintzberg:1976:11).

هدف اصلی مدیریت بحران سازمانی، دستیابی به راه‌حلی معقول برای برطرف کردن شرایط غیرعادی در سازمان و تلاش برای ادامه حیات سازمان باهدف حفظ منافع اساسی سازمان است. از این رو ارائه مدلی برای مقابله با بحران‌های سازمانی باهدف حفظ حیات سازمان ضروری است. مدل مقابله با بحران به دلایل تنوع آسیب‌ها و تهدیدات یکسان نیست و نمی‌توان با ارائه چهارچوبی مشخص مدعی مقابله با بحران شد، چرا که شرایط محیطی داخلی سازمان‌ها با یکدیگر تفاوت داشته و هرکدام با توجه به نوع مأموریت و اهداف می‌توانند با بحران‌هایی مواجه شوند که راهکار خاص خود را می‌طلبد. ضمن اینکه شرایط محیطی خارجی نیز برای هرکدام از سازمان‌ها تعریف خود را دارد و نمی‌توان همه را در یک ردیف قرار داد. آنچه که یک سازمان دولتی با آن مواجه می‌شود ممکن است برای یک سازمان غیردولتی تعریف دیگری داشته باشد و یا شرایطی که برای یک سازمان اقتصادی روی می‌دهد با وضعیتی که یک سازمان سیاسی و یا اجتماعی دارد، متفاوت است. سازمان‌های نظامی در شرایط خاص می‌توانند با بحران مواجه شوند، درحالی که این مهم برای سازمان‌های دیگر شاید مطرح نباشد. با این توصیف نمی‌توان در مقابله با بحران بی تفاوت بود. اگر چه همه بحران‌ها از تفاوتی ماهوی باهم برخوردار هستند، اما برای هرکدام راهکاری وجود دارد که می‌تواند موردتوجه مدیران عالی سازمان قرار گیرد که برخی از مهمترین آن‌ها در محورهای زیر قابل توجه است:

۱- شناخت سازمان: در نگاه اول این مهم با توجه به فرهنگ سازمانی قابل تعریف است. سازمان باهدف تبیین ارزش‌ها و رفتارهای سازمانی در چهارچوب تعریف شده باید فرهنگ سازمانی را تعریف و دست به نهادینه‌سازی بزند (Morgan:1989:21)، فرآیند عملیاتی را در چهارچوب شیوه‌نامه‌ها ابلاغ و با نظارت بر اجرای صحیح آن از طریق سامانه‌های کنترلی اقدام لازم را انجام دهند. در تأمین منابع و امکانات هر سه موضوع مالی، انسانی و فیزیکی را موردتوجه قرار داده و ساختار را با توجه به نوع مأموریت و اهداف سازمانی مدنظر قرار دهند. به

همین دلیل محورهای شناخت سازمان در همان چهار حوزه تعریف شده قابل بررسی و تعریف است و مدیران باید با شناخت از این چهار محور مانع از بروز بحران‌های درون‌سازمانی و درنهایت بروز آسیب و تهدید شوند. در این مرحله مدیران باید در گام اول از قدرت تشخیص بالایی در حوزه مأموریت سازمانی برخوردار باشند و چیرستی را موردتوجه قرار دهند. در گام دوم با تشریح موقعیت، چگونگی ایجاد شرایط حادث شده را بررسی و در گام سوم به دنبال چرایی باشند و در نهایت در گام چهارم تجویز را در دستور کار قرار داده و راهکارها را موردتوجه قرار دهند. اگر این فرآیند روند منطقی خود را طی نماید سازمان از ورود به بحران احتمالی تا حد قابل توجهی مبری خواهد شد.

۲- شناخت از محیط پیرامونی - سازمان تحت تأثیر محیط خارجی با نوسانات متعددی همراه خواهد شد. نقش مدیران در آن است تا با شناخت لازم و کافی از محیط داخلی، فضای محیط پیرامونی را هم مدنظر قرار داده و هماهنگی لازم را بین این دو برقرار نمایند. تأثیر این دو محیط بر یکدیگر با توجه به رشد فناوری اطلاعاتی و تأثیر عوامل محیطی بر سامانه داخلی به حدی است که علاوه بر تغییر ماهیتی افکار و اندیشه کارکنان سازمان، منابع و امکانات را هم تحت تأثیر قرار داده است. از این‌رو نگاه یک‌جانبه به محیط داخلی یا بیرونی و کم‌توجهی به یکی می‌تواند در هر صورت لایه‌های آغاز بحران‌های درون‌سازمانی را به دلیل مختلف شکل دهد. در این مرحله نیز چهار گام مطرح شده در شناخت محیط داخلی می‌تواند موردتوجه قرار گرفته و توسط مدیران عالی به کار گرفته شود. تفاوتی که در این مرحله در مقام مقایسه با شناخت از شرایط داخلی وجود دارد آن است که مدیران باید اطلاعات لازم و کافی را در مورد شرایط محیط خارجی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی داشته باشند؛ به عبارت دیگر مدیران موفق در این بخش کسانی هستند که نسبت به علوم مرتبط با جامعه‌شناسی، علم اقتصاد و علوم سیاسی شناخت داشته باشند.

۳- اقدامات پیشگیری: هرگونه اقدامی که به منظور مقابله با بروز آسیب‌های درون‌سازمانی و باهدف مقابله با بحران توسط سامانه مدیریتی سازمان انجام گیرد، در ردیف اقدامات پیشگیرانه قرار دارد. اقدامات پیشگیری می‌تواند در هر یک از چهار حوزه سازمانی که بدان اشاره شد با برنامه‌ریزی مناسب انجام و به مورد اجرا درآید. لازمه اساسی در این کار اقدامات مدیریتی است که مدیران سازمان باید انجام دهند که از جمله آن‌ها اقدامات نظارتی، استفاده از مدیران لایق

و شایسته، تهیه امکانات لازم سازمانی در راستای اهداف و مأموریت سازمان، تشکیل ستاد مقابله با بحران احتمالی، تعیین تیم‌های مقابله با بحران و مواردی از این قبیل است. تفاوت این مرحله با دو مرحله قبلی در آن است که در شناخت از محیط داخلی و خارجی مدیر در فضای ذهنی پیش‌بینی شرایط را بر اساس داده‌های موجود انجام می‌دهد. در این مرحله مدیر بر اساس پیش‌بینی‌هایی که انجام داده وارد مرحله پیشگیری می‌شود. در این مرحله اقدامات لازم برای مقابله با بحران احتمالی مورد توجه قرار گرفته و سازوکار مناسبی برای آن طراحی می‌شود.

۴- تشکیل شبکه ارتباط اضطراری: این اقدام زمانی صورت می‌پذیرد که اطلاعات کافی و لازم در مورد بحران وجود داشته باشد. این شبکه در زمان بحران با حذف سیستم قبلی، کل سازمان را مخاطب قراردادده و شرایط جدید را تفسیر و تبیین می‌نماید. کنترل این شبکه و هدایت صحیح آن یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که سامانه جمع‌آوری اطلاعات در سازمان از جمله ستادهای شخصی مدیران، واحدهای بازرسی، حفاظت فیزیکی و ستاد مقابله با بحران باید با درایت و اصول منطقی آن را دنبال نماید. شبکه اضطراری در زمان بحران با سیل اخبار و اطلاعات مواجه شده و کار سامانه ارزیابی و همچنین ارزشیابی را با مشکل جدی مواجه می‌سازد. از این رو لازم است گروه کاری ویژه‌ای که از بهترین صاحب‌نظران و متخصصین هستند، موضوع تفسیر و تحلیل اخبار و اطلاعات را دنبال کرده و با سرعت و دقت موارد لازم را بررسی و در اختیار مبادی ذی‌ربط و در صورت لزوم سلسله‌مراتب سازمان قرار دهند. زمان ارسال اخبار و اطلاعات با توجه به سمت و سوی بحران و میزان شدت آن تعیین و مشخص می‌گردد. این زمان می‌تواند لحظه‌ای و یا ساعتی باشد. بدیهی است توقف اخبار و اطلاعات در گلوگاه‌های صادرکننده به صلاح سامانه نبوده و منجر به از دست دادن ارزش خبر می‌شود. این مهم به خصوص در سازمان‌های با ساخت بلند که از سطوح لایه‌ای بیشتری برخوردار هستند نمود بیشتری داشته و باید مورد توجه مدیران عالی قرار گیرد تا در روند دریافت اخبار و اطلاعات با هدف مقابله با بحران با وقفه مواجه نشوند.

۵- تغییرات سازمانی: در زمان بحران این احتمال وجود دارد که مدیران میانی و عملیاتی سازمان در مشاغل جدید منصوب و به کار گرفته شوند و یا این که افراد جدیدی به مجموعه مدیران قبل اضافه و یا به عنوان نیروی کمکی در کنار آنان قرار گیرند. مهم‌ترین نیازی که در پی

این تغییرات مورد توجه سازمان قرار می‌گیرد در اختیار گذاردن اطلاعات مورد نیاز برای هدایت و کنترل وضعیت بحران است این تغییر و تحولات می‌تواند با واکنش بخش‌ها و قسمت‌های سازمانی و حتی مدیران با سابقه مواجه شود. در این حالت رئیس سازمان، کار دشواری را در پیش رو خواهد داشت تا بتواند نوعی هماهنگی، وفاق و همدلی بین آنان ایجاد کند. با این حال تغییرات و جابه‌جایی‌ها در زمان بحران و حتی پس از آن امری اجتناب‌ناپذیر است. حداقل آثار منفی این اقدام عدم هماهنگی در واگذاری اطلاعات به سامانه فرماندهی و هدایت بحران است به همین دلیل ایجاد شبکه اضطراری مورد تأکید قرار داشته و لازم است در زمان غیر بحران تشکیل و در زمان بحران فعال شود.

۶- تشکیل ستاد بحران: کنترل بحران و فائق آمدن بر آن مهم‌ترین دغدغه تصمیم‌گیران و نخبگان سیاسی است. از این جهت برنامه‌ریزی مقابله با آن مستلزم وجود ستاد بحران است که متشکل از عالی‌ترین مسئولان سازمان است. ستاد اقدامات نظارتی و هدایتی را بر عهده داشته و تعداد نفرات آن حداکثر به چند نفر محدود می‌شود (ساوه درودی، ۱۳۹۲: ۲۱۱). کار اصلی ستاد، هدایت و نظارت بر چگونگی کنترل بحران است که توسط گروه بحران انجام می‌گیرد. به هر حال سازمان با هدف اجرای سیاست‌های سازمانی در چارچوب مأموریت‌های ابلاغی باید هدف‌گذاری خود را با ستاد بحران در دستور کار قرار داده و اقدامات لازم را به منظور تشکیل این ستاد انجام دهد. تشکیل ستاد بحران معمولاً در شرایط عادی صورت گرفته و می‌تواند متشکل از مدیران عالی باشد. همان‌طور که اشاره شد تعداد افراد ستاد محدود بوده و تصمیم‌گیری‌های کلان در سطح مأموریت‌های سازمانی توسط این ستاد گرفته می‌شود. ستاد، گروه کنترل بحران را سازمان‌دهی و مأموریت سازمانی آن‌ها را در زمان وقوع بحران تعیین می‌کند. با تعیین تیم مقابله، کار کنترل بحران، براساس اطلاعات جمع‌آوری شده تیم‌ها در دستور کار قرار گرفته و مبتنی بر آن تصمیم‌گیری متوسط ستاد بحران انجام می‌شود. دقت مدیران در این مرحله آن است که باید توجه داشته باشند که گروه کنترل بحران فقط در زمان بحران تشکیل می‌شود و حوزه عمل آن برابر نظرات ستاد مدیریت بحران تعیین و ابلاغ می‌شود. در شرایط عادی گروه کنترل بحران برخلاف ستاد بحران وجود خارجی ندارد (Winner A. and H. Kahn, 1962: 56).

۷- بازسازی-اقداماتی که سازمان بعد از بحران مورد توجه قرار می‌دهد با هدف جلوگیری از تکرار بحران است. برای این کار ارزیابی و تحلیل وضعیت بحران بسیار مهم است. در تجزیه

و تحلیل توجه به موقعیت هایی که سازمان در آن قرار می گیرد با توجه به شرایط محیط داخلی و خارجی قابل توجه خواهد بود. در این راه استفاده از تجربیاتی که در قبل و حین بحران روی داده برای مدیران چراغ راهی خواهد بود تا از بروز بحران احتمالی مشابه با آنچه در گذشته رخ داده جلوگیری نمایند. پیش بینی امکانات لازم با توجه به کاستی هایی که سازمان را در مراحل قبلی در موقعیت بحران قرار داده بود نقش مهمی برای افزایش ضریب امتی سازمان و مقابله با بحران است.

۲-۳. تجزیه و تحلیل

شاخصهای توصیفی ابعاد موثر در مقابله با بحرانهای سازمانی در جدول زیر گزارش شده است؛ بر این اساس میانگین و انحراف استاندارد بعد «فرآیند عملیاتی» به ترتیب برابر با ۴/۴۳ و ۰/۳۶ گزارش شده است. همچنین شاخصهای توصیفی هر یک از ابعاد به همین ترتیب آمده است.

شاخصهای توصیفی ابعاد موثر در مقابله با بحرانهای سازمانی

ابعاد	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	خطای استاندارد میانگین	انحراف استاندارد	واریانس
فرآیند عملیاتی	۶۰	۳/۲۹	۴/۸۶	۴/۴۳	۰/۰۵	۰/۳۶	۰/۱۳
ساختار	۶۰	۲/۲۹	۴/۸۶	۳/۷۴	۰/۰۸	۰/۶۱	۰/۳۷
فرهنگ	۶۰	۲/۸۶	۵/۰۰	۳/۶۰	۰/۰۶	۰/۴۸	۰/۲۳
منابع	۶۰	۲/۷۱	۴/۴۳	۳/۵۹	۰/۰۵	۰/۳۹	۰/۱۵

در ادامه به منظور تشخیص تاثیر معنادار یا غیر معنادار هر کدام از ابعاد و شاخصهای اثرگذار در مقابله با بحرانهای سازمانی از آزمون t استودنت تک نمونه ای استفاده شده است و معناداری هر یک از مؤلفه ها مورد آزمون قرار گرفته است که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۴-۱۱: نتایج آزمون t تک نمونه ای برای شاخصهای مقابله با بحران سازمانی

مؤلفه های انتخاب عقلانی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار ملاک	مقدار T	درجه آزادی	معناداری
ثبات سیستم اجتماعی	۶۰	۴/۴۳	۰/۷۲	۰/۰۹	۳/۰۰	۱۵/۳۸	۵۹	۰/۰۰
تعهد و مسئولیت جمعی	۶۰	۳/۴۰	۰/۷۲	۰/۰۹	۳/۰۰	۴/۳۲	۵۹	۰/۰۰
هویت سازمانی	۶۰	۳/۱۰	۰/۸۰	۰/۱۰	۳/۰۰	۰/۹۷	۵۹	۰/۳۳
تقویت حس همکاری	۶۰	۳/۳۳	۰/۷۱	۰/۰۹	۳/۰۰	۳/۶۶	۵۹	۰/۰۰

مؤلفه های انتخاب عقلانی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار ملاک	T مقدار	درجه آزادی	معناداری
شکل دهی به رفتار اعضا	۶۰	۳/۳۰	۰/۵۹	۰/۰۸	۳/۰۰	۳/۹۳	۵۹	۰/۰۰
اهداف و مأموریت سازمانی	۶۰	۳/۷۳	۰/۶۳	۰/۰۸	۳/۰۰	۸/۹۶	۵۹	۰/۰۰
مبانی دینی و ارزشی	۶۰	۳/۹۰	۰/۷۱	۰/۰۹	۳/۰۰	۹/۸۸	۵۹	۰/۰۰
فرهنگ	۶۰	۳/۶۰	۰/۴۸	۰/۰۶	۳/۰۰	۹/۷۷	۵۹	۰/۰۰
ساخت بلند	۶۰	۳/۳۲	۰/۹۷	۰/۱۲	۳/۰۰	۲/۵۴	۵۹	۰/۰۱
ساخت تخت	۶۰	۳/۹۳	۰/۷۸	۰/۱۰	۳/۰۰	۹/۲۹	۵۹	۰/۰۰
طراحی سازمانی	۶۰	۴/۳۷	۰/۸۸	۰/۱۱	۳/۰۰	۱۲/۰۰	۵۹	۰/۰۰
نوع فناوری مورد استفاده	۶۰	۴/۵۳	۰/۸۵	۰/۱۱	۳/۰۰	۱۳/۹۲	۵۹	۰/۰۰
سبک مدیریت دلسوزانه	۶۰	۱/۸۰	۱/۱۸	۰/۱۵	۳/۰۰	-۷/۹۰	۵۹	۰/۰۰
سبک مدیریتی آمرانه	۶۰	۴/۳۰	۰/۹۴	۰/۱۲	۳/۰۰	۱۰/۶۶	۵۹	۰/۰۰
سبک مدیریتی مشارکتی	۶۰	۳/۹۳	۰/۶۹	۰/۰۹	۳/۰۰	۱۰/۵۴	۵۹	۰/۰۰
ساختار	۶۰	۳/۷۴	۰/۶۱	۰/۰۸	۳/۰۰	۹/۴۶	۵۹	۰/۰۰
منبع مالی	۶۰	۳/۹۷	۰/۶۶	۰/۰۹	۳/۰۰	۱۱/۲۹	۵۹	۰/۰۰
منابع انسانی	۶۰	۳/۱۰	۰/۶۶	۰/۰۸	۳/۰۰	۸/۱۸	۵۹	۰/۰۰
منابع فیزیکی	۶۰	۳/۹۰	۰/۶۰	۰/۰۸	۳/۰۰	۱۱/۵۸	۵۹	۰/۰۰
سطح مهارت و دانش مدیران	۶۰	۴/۵۷	۰/۵۶	۰/۰۷	۳/۰۰	۲۱/۵۴	۵۹	۰/۰۰
سطح مهارت و دانش کارکنان	۶۰	۲/۵۳	۰/۷۲	۰/۰۹	۳/۰۰	-۴/۹۹	۵۹	۰/۰۰
توان حرفه ای سازمان	۶۰	۳/۰۳	۰/۴۱	۰/۰۵	۳/۰۰	۰/۶۳	۵۹	۰/۵۳
نحوه تدارک و پشتیبانی	۶۰	۴/۰۳	۰/۵۵	۰/۰۷	۳/۰۰	۱۴/۵۲	۵۹	۰/۰۰
منابع	۶۰	۳/۵۹	۰/۳۹	۰/۰۵	۳/۰۰	۱۱/۸۵	۵۹	۰/۰۰
نحوه ارتباطات	۶۰	۴/۸۷	۰/۵۰	۰/۰۶	۳/۰۰	۲۸/۷۴	۵۹	۰/۰۰
کیفیت مدار اطلاعاتی	۶۰	۴/۰۳	۰/۵۵	۰/۰۷	۳/۰۰	۱۴/۵۲	۵۹	۰/۰۰
مشارکت جمعی	۶۰	۴/۸۳	۰/۴۶	۰/۰۶	۳/۰۰	۳۱/۰۶	۵۹	۰/۰۰
تعیین خط مشی	۶۰	۴/۶۳	۰/۶۶	۰/۰۹	۳/۰۰	۱۹/۰۸	۵۹	۰/۰۰
تحلیل اطلاعات	۶۰	۳/۹۷	۰/۱۸	۰/۰۲	۳/۰۰	۴۱/۳۶	۵۹	۰/۰۰
اخذ بازخورد	۶۰	۳/۹۷	۰/۶۱	۰/۰۸	۳/۰۰	۱۲/۲۸	۵۹	۰/۰۰

مؤلفه‌های انتخاب عقلانی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین	مقدار ملاک	مقدار T	درجه آزادی	معناداری
نوع تصمیم‌گیری	۶۰	۴/۷۳	۰/۴۸	۰/۰۷	۳/۰۰	۲۳/۲۲	۵۹	۰/۰۰
فرآیند عملیاتی	۶۰	۴/۴۳	۰/۳۶	۰/۰۵	۳/۰۰	۳۱/۲۱	۵۹	۰/۰۰

با توجه به نتایج جدول بالا، از بین شاخص‌های بعد فرهنگ بجز شاخص هویت سازمانی تمامی شاخص‌های به طور معناداری در سطح اطمینان ۹۹٪ در مقابله با بروز بحران‌های سازمانی مؤثر می‌باشد. تمامی شاخص‌های بعد ساختار به طور معناداری در سطح اطمینان ۹۹٪ در مقابله با بروز بحران‌های سازمانی مؤثر می‌باشد. از بین شاخص‌های بعد منابع بجز شاخص توان حرفه‌ای سازمان، تمامی شاخص‌ها به طور معناداری در سطح اطمینان ۹۹٪ در مقابله با بروز بحران‌های سازمانی مؤثر می‌باشد. تمامی شاخص‌های بعد فرآیند عملیاتی به طور معناداری در سطح اطمینان ۹۹٪ در مقابله با بروز بحران‌های سازمانی مؤثر می‌باشد. همچنین به همین ترتیب، بر اساس میانگین‌های ابعاد چهارگانه گزارش شده در جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت که به ترتیب مؤلفه فرآیند عملیاتی، ساختار، فرهنگ و در نهایت بعد منابع در مقابله با بحران‌های سازمانی مؤثر بوده اند.

نتیجه‌گیری

راهکارهای مقابله با بحران سازمانی در نگاه اول مستلزم شناخت از محیط داخلی سازمان و شناخت از محیط بیرونی است. در حوزه داخلی همه اقدامات سازمان در چهار محور خلاصه می‌شود و نقص و یا اشکال در یکی از این چهار محور می‌تواند هر سازمانی را با چالش و در نهایت بحران مواجه سازد که شامل: فرهنگ سازمانی، فرآیند سازمانی، ساختار سازمانی، منابع است. در کنار این مهم توجه به مقتضیات بیرونی و شرایط حاکم بر آن نیز اقدام مهم دیگر مدیران سازمانی برای مقابله با بحران احتمالی در سازمان است. هیچ سازمانی مبری از تحولات بیرونی نیست از این رو شایسته است مدیران سازمان حداقل اطلاعات لازم و کافی را در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی محیط خارجی داشته باشند. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که:

۱- توجه همزمان به دو محیط داخلی و خارجی از اهمیت بالایی برای اداره سازمان برخوردار است.

۲- مدیرانی که هر دو محیط را مورد توجه قرار دهند می‌توانند تبعات حاصل از تسری شرایط نامساعد بیرونی به محیط داخلی را خنثی و درعین حال تغییرات اثرگذار بیرونی را که در رشد و بالندگی سازمانی تأثیرگذار است، استفاده نمایند.

۳- در بررسی و احصاء نقاط بحران‌خیز سازمانی چهار محور فرهنگ، ساختار، فرآیند عملیاتی و منابع باید مورد توجه مدیران قرار گرفته و شرایط حاکم بر هر کدام به طور مستمر مورد توجه قرار گیرد. در این بین فرآیند عملیاتی که با تدوین شیوه نامه و بخشنامه ها مورد توجه قرار گرفته در مقام مقایسه با دیگر موارد از اولویت بیشتری برخوردار است.

۴- راهکارها و روش‌هایی که در شناخت بحران‌های سازمانی و مقابله با آن مورد توجه قرار می‌گیرد در واقع مکمل یکدیگرند و هیچ‌یک به تنهایی نمی‌تواند سازمان‌ها را از بحران‌های که فرا روی آن‌ها قرار می‌گیرد رهایی بخشد.

۵- هیچ مدل ثابت مشخصی برای مقابله با بحران وجود ندارد. به مصداق علاج واقعه قبل از وقوع، شایسته آن است که سازمان‌ها اقدامات لازم را در تمامی مراحل اداره سازمان مورد توجه قرار دهند.

۶- وظیفه سنگین اداره سازمان بر دوش مدیران قرار دارد. از این رو شایسته است مدیرانی که توانمندی لازم و کافی در حوزه داخلی و بیرونی داشته باشند، از دانش مدیریتی مناسبی در حوزه کاری برخوردار باشند، به سبک‌های مدیریتی آشنا و متناسب با شرایط اقدامات را در دستور کار قرار دهند، به کارکنان توجه داشته و نیازهای انگیزشی آنان را مورد توجه قرار دهند، به کار گرفته شوند.

۷- مدیران عالی باید در انتخاب مدیران میانی و عملیاتی با مدنظر قراردادن به کارگیری مدیران لایق این مهم راه را برای اداره سازمانی موفق و پویا فراهم سازند تا در میدان رقابت، تعامل و هماهنگی با سایر سازمان‌ها موفق باشند. بدیهی است توجه به موارد فوق می‌تواند سازمان را در مسیر بالندگی و پویایی قرار داده و بهره‌وری سازمانی را افزایش دهد.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت در مسیر هدایت سازمان نقش شیوه‌نامه و بخشنامه در چهارچوب اهداف و مأموریت بسیار مهم است که این اقدام با توجه به نتایج حاصل از بررسی‌ها و نظرات متفکرین امر در فرآیند عملیاتی به دست آمده است. در صورتی که این مهم مورد توجه

دقیق قرار گیرد سیاست‌ها و راهبردهای سازمانی به موقع اجرا و از انحراف سازمانی و مواجهه با بحران احتمالی جلوگیری خواهد شد. این مهم باید با یک برنامه‌ریزی مشخص با تلاش مدیر و هدایت و رهبری وی انجام شود. هر چه این برنامه‌ریزی قوی‌تر و از انسجام بالاتری برخوردار باشد، چهار محور مورد توجه در این تحقیق شامل فرهنگ، فرآیند، ساختار و منابع می‌تواند در مقابله با بحران‌های سازمانی تاثیر گذار باشد. این تاثیر مهمترین عامل در بهبود عملکرد سازمانی و در نهایت بقای سازمان است.

منابع

۱. انسلف، ایگور و ادواردچی، مک دنل (۱۳۸۰). استقرار مدیریت استراتژیک، عبدالله زندیه، تهران: سمت.
۲. دیوید-آر-فرد (۱۳۸۰). مدیریت استراتژیک، تهران: نشر پژوهش‌های فرهنگی.
۳. رابینز، استیفن (۱۳۷۹). مبانی رفتار سازمانی، علی‌پارسائیان و محمد اعرابی، تهران: پژوهش‌های فرهنگی.
۴. رضائیان، علی (۱۳۹۲). اصول مدیریت، تهران: نشر سمت.
۵. رضائیان، علی (۱۳۹۳). مبانی رفتار سازمانی، تهران: نشر سمت.
۶. ساوه درودی، مصطفی (۱۳۹۰). راهبردهای سازمانی و مدیریت بحران، تهران: دانشکده فارابی.
۷. عباسپور، عباس (۱۳۹۱). مدیریت منابع انسانی پیشرفته، تهران: نشر سمت.
۸. مک‌کارتی، شان (۱۳۸۱). نقش اطلاعات در مدیریت بحران، ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران: نشر گفتمان.
۹. هابز، توماس (۱۳۷۹). لویاتان، تهران: امیرکبیر.
۱۰. هرسی و بلانچارد (۱۳۸۱). مدیریت رفتار سازمانی و کاربرد منابع انسانی، ترجمه علی علاقبند، تهران: امیرکبیر.
11. Alderfer c.p (1969) **An Empirical Test a New Theory of Human Needs** Organizational Behavior and Human Performance.
12. oreilly charles. (1989) "**corporation culture and commitment motivation and social contorol in organization**, managing Haman Resaure.
13. morgan Garth (1986) "**image of organiation**" by sage publication Stephan P. Robbins. (1991) "**organization Behavior**" Fifth Edition, by Prentice - Hall.
14. Winner A.and H. Kahn, (1962) **Crisis and Arms Contorol**, New York, Has don Institute.
15. Mintzberg, (1976). "**The Stractar Of Unstructured Decision Processes**" Administratire Science Quarterly.

Organizational crisis management, what and how

Mohamad Mohamadi¹

PhD Student in Public Management, Islamic Azad University, Central Tehran
Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Abstract

This article aims to identify the areas of crisis in the organization To answer the question of what are organizational crises And what is the solution to control it? Analyzes the issue and the indicators affecting the crisis And extract its control. In this research, first the library method to identify And counting the crisis points of the organization from the library method And then using a 28-item questionnaire and a meaningful survey method, The effect of effective indicators on organizational crises among 60 managers And experts who have been in management for at least more than 20 years They have been served. The results of the studies indicate that the organizational crisis. In four basic areas including culture, structure, resources and operational process Organized and the way out of that performance and proper planning And desirable for organizational managers, taking into account the internal and external environment and And desirable for organizational managers, taking into account the internal and external environment and And has knowledge and experience. The results also showed Which are respectively the components of the operational process, structure, culture and Finally, resources have been effective in dealing with organizational crises.

Keywords: Management, organization, Crisis, structure, culture, resource

1. dm.mohamadi@iauctb.ac.ir

Submit Date: 2021-11-01

Accept Date: 2021-09-27

**Designing an optimal media model based
on Islamic principles and teachings****Payam Tirandaz**PhD Student in Media Management, Islamic Azad University, Ghaemshahr Branch,
Ghaemshahr, Iran**Ali Fallah**

Assistant Professor of Media Management, Islamic Azad University, Noor Branch, Noor, Iran

MohamadReza Bagherzadeh¹ (Corresponding Author)

Assistant Professor of Management, Islamic Azad University, Ghaemshahr Branch, Ghaemshahr, Iran

Mehrdad MataniAssistant Professor of Management, Islamic Azad University,
Ghaemshahr Branch, Ghaemshahr, Iran**Abstract**

The media play an essential role in educating, informing, decision-making and directing the thoughts and feelings of society. In our country, the media often operate in imitation of the Western media and without accurate and scientific use of Islamic principles and teachings. For this reason, in this research, an attempt has been made to design and explain the optimal media model based on Islamic principles and teachings. The research method used in this research is a qualitative method of contextual theory with a systematic approach. The statistical population in the qualitative section is 18 people, including university professors in the fields of media and Islamic education, media and news experts, exemplary journalists, CEOs and media experts in the field. There were seminaries, think tanks and other institutions that were purposefully selected and snowballed and interviewed in a semi-structured manner. Then, open, axial and selective coding was used to analyze the data. In open coding, 1023 concepts were obtained and in axial coding, 119 key concepts and 58 categories were extracted. In the selected coding, based on the above dimensions, the desired media model was designed based on Islamic principles and teachings.

Keywords: Islamic media model, media leadership, Islamic media, Fars News Agency

1. fallahali55@yahoo.com

Submit Date: 2021-08-22

Accept Date: 2021-07-12

The Role of Good Governance Components in Realizing Iran's Soft Economic Power (Case Study of the Banking System)

Masoud Naderi

PhD Student in Public Law, Sirjan Branch, Islamic Azad University, Sirjan, Iran

Abolfazl jafar Gholikhani¹ (Corresponding Author)

Assistant Professor of Public Law, Baft Branch, Islamic Azad University, Baft, Iran

Tayebe Blordi

Assistant Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Sirjan Branch, Islamic Azad University, Sirjan, Iran

Abstract

According to institutional economists, the weak structure and performance of institutions is one of the reasons for the underdevelopment of countries. Good governance as an opportunity to increase economic growth, economic security and improve the business environment can play an important role in achieving the goals of sustainable development. Today, there are many tendencies to understand the nature of governance components as tools to enhance the development process. In this direction, creating information transparency and production, analysis and presentation of accurate, accurate and up-to-date information and free access to information also seem necessary. In parallel with the adherence and implementation of these principles by the government of any country, it is necessary. Economic efforts and support the private sector and its development in the country and to promote and institutionalize competitiveness in the country's economy as one of the pillars of good governance, take the necessary measures that can be done to enhance the capacity of the private sector in the country, Promoting and institutionalizing efficiency, effectiveness and efficiency in all economic and industrial programs, helping to enhance the capacity, knowledge and skills of private sector professionals, helping to increase management capabilities, supporting the supply of quality goods and services, planning and taking action He pointed out the advancement of technology and technical capabilities of the private sector and the increase of the desirability of the private sector in society; This article has been done for practical and descriptive purposes, a description in order to study the current situation of the banking system based on the components of good governance.

Keywords: good governance, soft economic power, banking system

1. jafar.gholikhani168@gmail.com

Submit Date: 2021-10-06

Accept Date: 2021-08-20

Relationship Between Religious Values and National Authority**Reza Abdolrahmani¹**(Corresponding Author)

Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Human Resources, Amin Police University, Tehran, Iran

Javad Kiani

Faculty member of Amin Police University, Tehran, Iran

Mohammad Reza Rafiei DolatAbadi

Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Political Ideology, Amin Police University, Tehran, Iran

Abstract

In recent years, ISIS's Islamic fundamentalism and its actions have affected the Middle East region and the entire international system. The Islamic Republic of Iran was directly exposed to ISIS threats due to its Shiite and non-Arab identity. The main purpose of this study is to re-read the effect of soft power (rumor-making technique) of the takfiri group of ISIS in reducing the sense of security of citizens in Ilam province. The method of qualitative research is expert meeting and content analysis, during which the opinions of experts were extracted and analyzed through interviews. The statistical population includes: law enforcement experts, especially in the field of information (۱۰ people), education teachers (۸ people) and faculty members and students of different fields of Ilam University (۹ people) and high-ranking officials (۸ people) in Ilam, who are purposefully with the highest The diversity of groups was selected up to theoretical saturation. The method of data collection is field and its tools are semi-structured in-depth interviews. Findings of ISIS rumors affecting the sense of security due to the destruction of the core of the Salafi and Takfiri groups, which were on the same level of ISIS in terms of intellectual reading and belief, revealed that the feeling of security has increased in five areas of research. Security through the phenomenon of ISIS and their rumors have a great impact on the feeling of psychological security, fear, migration, social capital and the capabilities of the armed forces in the city of Ilam.

Keywords: soft power, rumors, sense of security, ISIS, Ilam.

1. rar0664@yahoo.com

Submit Date: 2021-12-21

Accept Date: 2021-11-06

Analysis of Iran's public policy against US unilateral sanctions from the perspective of soft power

Fatemeh Najafzadeh

PhD Student in Public Policy, Department of Political Science, Faculty of Law, Theology and Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Mashallah Heidarpour¹ (Responsible author)

Assistant Professor, Department of Social Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Mohamad Torabi

Assistant Professor, Department of Social Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

Abstract

Since before the Islamic Revolution, Iran was considered a sanctioned country. Therefore, it has always sought to find solutions to counter sanctions. Because the use of hard power has a high cost, and given that the policy is based on the lowest cost and highest profit, countries are trying to use soft power. Therefore, this study intends to analyze the general policy of Iran in the current situation with regard to the soft power in the face of unilateral US sanctions by using the analytical method, conducting interviews with expert professors and elites in the field of sanctions and policy-making, as well as library resources. Also answer the question, what are the public policy strategies of Iran in the face of unilateral US sanctions, from the perspective of soft power? The research findings indicate that the cultural components and foreign policy of soft power are considered as a way to reduce the effect of sanctions. But in the political, economic, strategic component of soft power, which has been the main focus of sanctions in this area, Iran has harms and has considered strategies to counter sanctions. The country's strategies in the dimension of soft power are based on resistance economy, creative ambiguity model, chaos theory or butterfly effect, contingency model, interaction with sanctioned or neighboring countries

Keywords: Public Policy, Sanctions, Soft power, Ideology, Tactic

1. mashallah.heidarpour@gmail.com

Submit Date: 2021-09-17

Accept Date: 2021-07-15

Revolutionary rationality in Ayatollah Khamenei's political thought

Rahmat Abbas Tabar Moghari¹ (Corresponding author)

Faculty member of Political Science Department, Mazandaran University, Babolsar, Iran

Ebadullah Akhtari

Master of Political Thought, Mazandaran University, Babolsar, Iran

Abstract

Rationality in epistemology is a normative concept, and when we consider belief to be reasonable, it implies that we have fulfilled the epistemological task of accepting it. The purpose of this article is to use the function of the theory of revolutionary rationality and promote this discourse, while emphasizing values and ideals, from the perspective of Ayatollah Khamenei, according to the re-reading of political and revolutionary rationality and Max Weber's theoretical model of rationality. The present study seeks to answer the question of what is the relationship between revolutionaryism and rationality and what are the most important principles of revolutionary rationality? We will also explore the obstacles to rationality. Therefore, while focusing on these questions, the present study tries to extract the necessary data through the study of libraries and to analyze and analyze them in a descriptive-analytical manner. Preliminary findings of the research indicate that the view and position of revolutionary rationality in Ayatollah Khamenei's thought is based on propositions such as: prosperity and goal of political society, religion-based politics, implementation of ideals and reality, principle-based politics and based on religious democracy.

Keywords: Revolutionary rationality, political Islam, Ayatollah Khamenei, Max Weber rationality.

1. R.abbastabar@umz.ac.ir

Submit Date: 2021-08-02

Accept Date: 2021-12-14

Designing and Formulating a Problem-solving Model in Security Policy based on the Intellectual System of Ayatollah-al-ozma Seyyed Ali Khamenei

Mehdi Aghrarian

Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Hamid Pishgah Hadian¹(Corresponding Author)

Department of International Relations, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Gholamhossein Bolandian

Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Akbar Ashrafi

Department of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract:

The general process of security policy-making is one of the issues that is associated with governance in all countries and is of special importance, and many countries in the world, well understand the importance of determining this process and by providing appropriate conditions, a special place. Provided for security policies. In this regard, each country in accordance with its national values, ideals, goals and interests, tries to determine the necessary and appropriate processes for security policy, but raising the issue of security is not easily possible, but it requires attention to the basics. And analytical pillars of security in any system. Therefore, considering the need for problem-solving in security policy-making, the present study was written with the aim of presenting a local theory of problem-solving in security policy-making based on the thought system of the Supreme Leader of the Islamic Revolution. The security policies that are the intellectual reference of this issue were used. In this regard, His Holiness's statements in the field of research were studied by numerical method and ۷۰ elites and experts were interviewed. The available written texts and the interviews conducted after the analysis have been put together by inductive method.

Keywords: Problemology, Problemology Model, Security Policy, Imam Khamenei

1. ham.pishguahadian@iauctb.ac.ir

Submit Date: 2021-08-04

Accept Date: 2021-10-03

Information technology and the expansion of the governing capacity of modern governments based on persuasion and soft power**Nuralah Gheisari¹** (Corresponding author)

Assistant Professor of Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

Saeid Amankah

Master of Political Science, majoring in Political Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract

Due to the constant concern of governments to collect and analyze data in the field of governance (internal and external), the unique capabilities of digital technology have expanded the capacity of governments to collect and analyze data on an unprecedented scale. Understanding the dimensions of this phenomenon and its positive and negative role in the governance of governments is very important. Governments that have accurate and comprehensive information monitoring, decisions and policies are made very carefully in them. We are also networked with society and consequently empowered by information and communication technologies. We are facing a new one that has made the form of government much different from the past and has doubled the importance of persuasive governance and attention to soft power in government policy. The present article seeks to answer the fundamental question: What effect has information technology had on the development of the capabilities of modern governments to collect and analyze information? In response, the hypothesis has been put forward that information technologies expand the capacities of strong modern governments and also because of the information society on the one hand and the visibility of society for modern governments on the other hand, the rule of strong modern governments It will lead to more use of soft power and persuasion.

Keywords: Modern government information technology strong government information society soft power

1. ngheisari@ut.ac.ir

Submit Date: 2021-06-07

Accept Date: 2021-07-23

Ideational Power as a Conceptual Framework for Understanding Iran's Soft Power

Saeed Shokoohi¹ (Responsible author)

Assistant Professor of International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

This paper argues that the prevalent conceptual framework of soft power, proposed by Joseph Nye, is not capable of fully grasping Iran's regional influence and popularity among diverse nations. Maybe the materialistic and secular nature of its components can explain the failure. The current research endeavors to articulate a new conceptual framework to explain Iran's regional soft power and influence. Based on a pilot study and along some newly conducted researches, the author argues that we should trace the foundations of the new conceptual framework in Iranian-Islamic worldview. To scrutinize the worldview, a theoretical model has been constructed based on Ayatollah Motahari's thoughts. To conduct the research, directive qualitative content analysis has been employed to analyze worldview of the Leaders of the Islamic Republic of Iran. The findings of the study demonstrate that ideational and non-material factors are cornerstones of the Iranian-Islamic Worldview which direct us to a new conceptual framework, Ideational Power, to explain Iran's regional influence and soft power.

Keywords: Ideational Power, Iranian-Islamic Worldview, Soft Power, Islamic Republic of Iran

1. shokoohi@atu.ac.ir

Submit Date: 2021-07-23

Accept Date: 2021-06-07

Anatomy of the Role of Software Power and Media Diplomacy in Providing National Security in the Islamic Republic of Iran: A Case Study of the Islamic Awakening

Hadi Ebrahimi¹ (Responsible author)

Assistant Professor and Faculty Member of The Islamic Republic of Iran Broadcasting University, Tehran, Iran

Abstract

Recent developments called the Islamic awakening that are underway in the Middle East and North Africa due to the importance of the aforementioned areas, all powerful international actors and the region try to influence these developments in accordance with their national security and national interests; therefore, J. A. in this regard, as one of the most powerful players in the region with the islamic and فراملى nature of the islamic revolution, iran is seeking to increase its influence in order to achieve its foreign policy goals. The question that the present paper intends to address is J. A. as the most important country affecting the formation of this huge wave, how and through which tool it must set up its foreign policy to increase the maximum interest from the current flows to the benefit of the spread of the national security factor and prevent the islamic awakening from its main path and the confiscation of these people by the superpowers, especially the united states. in this regard, the hypothesis of the present paper focuses on soft power, media diplomacy and desirable use of its prominent indices, one of the most important practical tools of foreign policy in order to achieve

keywords: islamic awakening, the middle east, national policy of foreign policy, soft power

1. ebrahimih56@yahoo.com

Submit Date: 2021-11-09

Accept Date: 2021-12-15

Table of Contents

Anatomy of the Role of Software Power and Media Diplomacy in Providing National Security in the Islamic Republic of Iran: A Case Study of the Islamic Awakening Hadi Ebrahimi	258
Information technology and the expansion of the governing capacity of modern governments based on persuasion and soft power Nuralah Gheisari, Saeid Amankah	257
Ideational Power as a Conceptual Framework for Understanding Iran's Soft Power Saeed Shokoohi	256
Revolutionary rationality in Ayatollah Khamenei's political thought Rahmat Abbas Tabar Moghari, Ebadullah Akhtari	255
Designing and Formulating a Problem-solving Model in Security Policy based on the Intellectual System of Ayatollah-al-ozma Seyyed Ali Khamenei Mehdi Aghrarian, Hamid Pishgah Hadian, Gholamhossein Bolandian, Akbar Ashrafi	254
Relationship Between Religious Values and National Authority Reza Abdolrahmani, Javad Kiani, Mohammad Reza Rafiei DolatAbadi	253
Analysis of Iran's public policy against US unilateral sanctions from the perspective of soft power Fatemeh Najafzadeh, Mashalla Heidarpour, Mhmd Torabi	252
Designing an optimal media model based on Islamic principles and teachings Payam Tirandaz, Ali Fallah, Mohamad Reza Bagherzadeh, Mehrdad matani	251
The Role of Good Governance Components in Realizing Iran's Soft Economic Power (Case Study of the Banking System) Masoud Naderi, Abolfazl Jafar Gholikhani, Tayebe Blordi	250
Organizational crisis management, what and how Mohamad Mohamadi	249

In The Name of GOD The Compassionate The Merciful

Scientific Quarterly
Journal of Soft Power Studies

Volume 11, Issue 3, Serial Number 26, Autumn 2021

Proprietor: Basij Organization of University Professors, Higher Education and Research Centers of the Country

Director-in-Charge: Dr. Mohammadreza Mardani

Editor-in-Chief: Dr. Mohammad Javad Javid

Manager: Dr. Seyed Mohammadreza Mousavi

Content Designer: Engineer Yousef Behrokh

Lithography, publication and Binding: Basij Organization of University Professors, Higher Education and Research Centers of the Country

Address: Iran, Tehran, Islamic Revolution St., in front of the main door of the University of Tehran, No. 1246.

Telephone Number: +98-21-66975605 | **E-mail:** org.05@basijasatid.ir

Editorial Board (Sorted by alphabet)

- **Dr. Ali Bagheri Dolatabadi** / Associate Professor of Political Science, Yasouj University
- **Dr. Bahram Bayat** / Associate Professor of National Security, Supreme National Defense and Strategic Research University and Institute
- **Dr. Gholamreza Behrozi Lak** / Professor of Political Science, Baqer al-Uloom University
- **Dr. Mohammad Javad Javid** / Professor of Law, University of Tehran
- **Dr. Ali Akbar Jafari** / Associate Professor of International Relations, University of Mazandaran
- **Dr. Ali Darabi** / Associate Professor of Political Science, Radio and Television University of the Islamic Republic of Iran
- **Dr. Hossein Harsij** / Professor of Political Science, University of Isfahan

Website: <http://www.spba.ir/>